

کتاب اِشعْیاء نبی ﷺ



بشارت‌ها و اندزهای پیامبر عظیم الشان اِشعْیاء، از وقایع و رخدادهای آخرالزمان

سید احمدالحسن ﷺ : «وَسَيُشْكُوكم اشعيا وارميا ودانيال وعيسى ويوحنا البربري لأنهم بينوا أمري لأهل الأرض قبل سنين طويلة، وستشكوكم التوراة والإنجيل والقرآن التي ذكرتُ فيها، كل هذا وتخذلونني»؛ (اشعيا و ارميا و دانيال و عيسى و يوحناى بربرى از شما شكايَت خواهند كرد، زيرا كه آنها امر مرا از سال‌هاى طولانى پيش براى مردم زمين روشن ساختند. و تورات و انجيل و قرآن كه در آن ذكر شده‌ام شما را شكايَت خواهند كرد؛ با وجود اين همه دلايل باز مرا انكار مى‌كنيد و مرا يارى نمى‌دهيد؟!).

ترجمه: هزاره نو

گردآوری و تنظيم: صادق شكارى

رجب ۱۴۴۱ هـ.ق



جهت آشنایی با دعوت سید احمد الحسن علیه السلام به تارنمای زیر مراجعه نمایید:

<https://www.almahdyoon.co>

فهرست:

اهداء :	٧
معرفی کتاب	٨
سفرِ إِشْعِيَاءَ : الأَصْحَاحُ الأوَّلُ * ١:١-٣١	١٢
سفرِ إِشْعِيَاءَ : الأَصْحَاحُ الثَّانِي * ٢:١-٢٢	١٤
سفرِ إِشْعِيَاءَ : الأَصْحَاحُ الثَّالِثُ * ٣:١-٢٦	١٦
سفرِ إِشْعِيَاءَ : الأَصْحَاحُ الرَّابِعُ * ٤:١-٦	١٨
سفرِ إِشْعِيَاءَ : الأَصْحَاحُ الْخَامِسُ * ٥:١-٣٠	١٩
سفرِ إِشْعِيَاءَ : الأَصْحَاحُ السَّادِسُ * ٦:١-١٣	٢٢
سفرِ إِشْعِيَاءَ : الأَصْحَاحُ السَّابِعُ * ٧:١-٢٥	٢٣
سفرِ إِشْعِيَاءَ : الأَصْحَاحُ الثَّامِنُ * ٨:١-٢٢	٢٥
سفرِ إِشْعِيَاءَ : الأَصْحَاحُ التَّاسِعُ * ٩:١-٢١	٢٧
سفرِ إِشْعِيَاءَ : الأَصْحَاحُ الْعَاشِرُ * ١٠:١-٣٤	٢٩
سفرِ إِشْعِيَاءَ : الأَصْحَاحُ الْحَادِي عَشَرَ * ١١:١-١٦	٣٣
سفرِ إِشْعِيَاءَ : الأَصْحَاحُ الثَّانِي عَشَرَ * ١٢:١-٦	٣٥
سفرِ إِشْعِيَاءَ : الأَصْحَاحُ الثَّالِثُ عَشَرَ * ١٣:١-٢٢	٣٥
سفرِ إِشْعِيَاءَ : الأَصْحَاحُ الرَّابِعُ عَشَرَ * ١٤:١-٣٢	٣٧
سفرِ إِشْعِيَاءَ : الأَصْحَاحُ الْخَامِسُ عَشَرَ * ١٥:١-٩	٤٠
سفرِ إِشْعِيَاءَ : الأَصْحَاحُ السَّادِسُ عَشَرَ * ١٦:١-١٤	٤١
سفرِ إِشْعِيَاءَ : الأَصْحَاحُ السَّابِعُ عَشَرَ * ١٧:١-١٤	٤٢
سفرِ إِشْعِيَاءَ : الأَصْحَاحُ الثَّامِنُ عَشَرَ * ١٨:١-٧	٤٤
سفرِ إِشْعِيَاءَ : الأَصْحَاحُ التَّاسِعُ عَشَرَ * ١٩:١-٢٥	٤٥

- ٤٧ سفر إشعياء : الأصحاحُ العِشْرُونَ * ١:٢٠-٦
- ٤٨ سفر إشعياء : الأصحاحُ الحَادِي وَالْعِشْرُونَ * ١:٢١-١٧
- ٤٩ سفر إشعياء : الأصحاحُ الثَّانِي وَالْعِشْرُونَ * ١:٢٢-٢٥
- ٥٢ سفر إشعياء : الأصحاحُ الثَّالِثُ وَالْعِشْرُونَ * ١:٢٣-١٨
- ٥٣ سفر إشعياء : الأصحاحُ الرَّابِعُ وَالْعِشْرُونَ * ١:٢٤-٢٣
- ٥٥ سفر إشعياء : الأصحاحُ الْخَامِسُ وَالْعِشْرُونَ * ١:٢٥-١٢
- ٥٦ سفر إشعياء : الأصحاحُ السَّادِسُ وَالْعِشْرُونَ * ١:٢٦-٢١
- ٥٨ سفر إشعياء : الأصحاحُ السَّابِعُ وَالْعِشْرُونَ * ١:٢٧-١٣
- ٦٠ سفر إشعياء : الأصحاحُ الثَّامِنُ وَالْعِشْرُونَ * ١:٢٨-٢٩
- ٦٣ سفر إشعياء : الأصحاحُ التَّاسِعُ وَالْعِشْرُونَ * ١:٢٩-٢٤
- ٦٥ سفر إشعياء : الأصحاحُ الثَّلَاثُونَ * ١:٣٠-٣٣
- ٦٩ سفر إشعياء : الأصحاحُ الحَادِي وَالثَّلَاثُونَ * ١:٣١-٩
- ٧٠ سفر إشعياء : الأصحاحُ الثَّانِي وَالثَّلَاثُونَ * ١:٣٢-٢٠
- ٧١ سفر إشعياء : الأصحاحُ الثَّالِثُ وَالثَّلَاثُونَ * ١:٣٣-٢٤
- ٧٣ سفر إشعياء : الأصحاحُ الرَّابِعُ وَالثَّلَاثُونَ * ١:٣٤-١٧
- ٧٥ سفر إشعياء : الأصحاحُ الْخَامِسُ وَالثَّلَاثُونَ * ١:٣٥-١٠
- ٧٦ سفر إشعياء : الأصحاحُ السَّادِسُ وَالثَّلَاثُونَ * ١:٣٦-٢٢
- ٧٩ سفر إشعياء : الأصحاحُ السَّابِعُ وَالثَّلَاثُونَ * ١:٣٧-٣٨
- ٨٢ سفر إشعياء : الأصحاحُ الثَّامِنُ وَالثَّلَاثُونَ * ١:٣٨-٢٢
- ٨٤ سفر إشعياء : الأصحاحُ التَّاسِعُ وَالثَّلَاثُونَ * ١:٣٩-٨
- ٨٥ سفر إشعياء : الأصحاحُ الْأَرْبَعُونَ * ١:٤٠-٣١
- ٨٧ سفر إشعياء : الأصحاحُ الحَادِي وَالْأَرْبَعُونَ * ١:٤١-٢٩

- ٩٠ سفر إشعياء : الأصحاحُ الثَّانِي وَالْأَرْبَعُونَ * ٢٥-١:٤٢
- ٩٣ سفر إشعياء : الأصحاحُ الثَّالِثُ وَالْأَرْبَعُونَ * ٢٨-١:٤٣
- ٩٥ سفر إشعياء : الأصحاحُ الرَّابِعُ وَالْأَرْبَعُونَ * ٢٨-١:٤٤
- ٩٨ سفر إشعياء : الأصحاحُ الْخَامِسُ وَالْأَرْبَعُونَ * ٢٥-١:٤٥
- ١٠١ سفر إشعياء : الأصحاحُ السَّادِسُ وَالْأَرْبَعُونَ * ١٣-١:٤٦
- ١٠٢ سفر إشعياء : الأصحاحُ السَّابِعُ وَالْأَرْبَعُونَ * ١٥-١:٤٧
- ١٠٣ سفر إشعياء : الأصحاحُ الثَّامِنُ وَالْأَرْبَعُونَ * ٢٢-١:٤٨
- ١٠٥ سفر إشعياء : الأصحاحُ التَّاسِعُ وَالْأَرْبَعُونَ * ٢٦-١:٤٩
- ١٠٨ سفر إشعياء : الأصحاحُ الْخَمْسُونَ * ١١-١:٥٠
- ١١٠ سفر إشعياء : الأصحاحُ الْحَادِي وَالْخَمْسُونَ * ٢٣-١:٥١
- ١١٢ سفر إشعياء : الأصحاحُ الثَّانِي وَالْخَمْسُونَ * ١٥-١:٥٢
- ١١٤ سفر إشعياء : الأصحاحُ الثَّالِثُ وَالْخَمْسُونَ * ١٢-١:٥٣
- ١١٥ سفر إشعياء : الأصحاحُ الرَّابِعُ وَالْخَمْسُونَ * ١٧-١:٥٤
- ١١٧ سفر إشعياء : الأصحاحُ الْخَامِسُ وَالْخَمْسُونَ * ١٣-١:٥٥
- ١١٨ سفر إشعياء : الأصحاحُ السَّادِسُ وَالْخَمْسُونَ * ١٢-١:٥٦
- ١٢٠ سفر إشعياء : الأصحاحُ السَّابِعُ وَالْخَمْسُونَ * ٢١-١:٥٧
- ١٢٢ سفر إشعياء : الأصحاحُ الثَّامِنُ وَالْخَمْسُونَ * ١٤-١:٥٨
- ١٢٣ سفر إشعياء : الأصحاحُ التَّاسِعُ وَالْخَمْسُونَ * ٢١-١:٥٩
- ١٢٦ سفر إشعياء : الأصحاحُ السِّتُونَ * ٢٢-١:٦٠
- ١٢٨ سفر إشعياء : الأصحاحُ الْحَادِي وَالسِّتُونَ * ١١-١:٦١
- ١٢٩ سفر إشعياء : الأصحاحُ الثَّانِي وَالسِّتُونَ * ١٢-١:٦٢
- ١٣١ سفر إشعياء : الأصحاحُ الثَّالِثُ وَالسِّتُونَ * ١٩-١:٦٣

- سفر إشعیا : الأصحاحُ الرابعُ وَالسُّتُونُ * ۶۴:۱-۱۲ ۱۳۳
- سفر إشعیا : الأصحاحُ الخامسُ وَالسُّتُونُ * ۶۵:۱-۲۵ ۱۳۴
- سفر إشعیا : الأصحاحُ السادسُ وَالسُّتُونُ * ۶۶:۱-۲۴ ۱۳۸
- پیوست کتاب: سؤال / ۴۳ متشابهات : کلمه اسرائیل به چه معناست ؟ ۱۴۱

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، الْأُئِمَّةِ وَالمُهْدِيِّينَ وَ سَلِّمْ تَسْلِيمًا كَثِيرًا

اهداء:

تقدیم به نجات خداوند اشعیاء نبی ﷺ

آنکه از سال‌های طولانی پیش به منجی بشارت داد و مکان و علائم ظهورش را بیان نمود:
« ۱ مَنْ ذَا الْآتِي مِنْ أَدُومَ، بِثِيَابٍ حُمْرٍ مِنْ بَصْرَةَ؟ هَذَا الْبَهِيُّ بِمَلَابِسِهِ، الْمُتَعَظِّمُ بِكَثْرَةِ قُوَّتِهِ. أَنَا الْمُتَكَلِّمُ بِالْبِرِّ، الْعَظِيمُ لِلْخَلَاصِ »؛ (۱ این کیست که از آدوم، از شهر بصره می‌آید، و جامه سرخ‌فام بر تن دارد؟ این کیست که به فرّ و شکوه ملبس است، و در عظمت قوّت خویش گام برمی‌دارد؟ آن منم! من که به عدالت سخن می‌گویم، و در نجات دادن نیرومندم).^۱

^۱ سفرِ إِشْعِيَاءَ: الْأَصْحَاحُ الثَّالِثُ وَالسُّتُونَ * ۱:۶۳ - ترجمه هزاره نو

معرفی کتاب

یهودیان بنی اسرائیل در انتظار دورانی هستند که در آن وعده الهی تحقق می‌یابد، و خداوند قوم برگزیده خود را در «سرزمین موعود» مستقر، و دشمنان آن را نابود می‌کند، دورانی که عدل و احسان در سراسر جهان گسترش می‌یابد. غایت این آرزو نیز انتظار بازگشت قدرت، وحدت و خلوص گذشته و انتظار زمانی است که خداوند بار دیگر پیشوایی همچون موسی و یوشع و داوود و سلیمان در میان ایشان ظاهر می‌سازد تا بدکاران و مفسدان را کیفر دهد و قوم را از تیره‌بختی و خواری «نجات» بخشد.

در کتاب اشعیا نبی ﷺ چنین بشارت‌های و اندازهای را می‌توان یافت، کتاب اشعیا ۶۶ باب دارد که ۳۹ باب اول به پیش‌بینی عذاب برای پادشاهی یهودیه و تمام ملت‌های مخالف خدا است و ۲۷ باب آخر پیش‌بینی بازسازی اسرائیل در پادشاهی آینده خداست موضوعی که در مسیحیت به ظهور مسیحی موعود مرتبط دانسته می‌شود. هنگامی که «روز خداوند» فرا رسد همه عاصیان و گنهکاران - از یهود و غیر یهود - نابود خواهند شد (۷-۶: ۲۹). ولی در عین حال، گروهی که مؤمن و درستکارند (و اشعیا آنان را «بقیه اسرائیل» و «بقیه یعقوب» و «بقیه قوم خداوند» می‌خواند)، سرانجام مشمول رأفت و عنایت الهی خواهند شد و به سوی خدای خویش باز خواهد گشت (۱۰: ۲۱-۲۲، ۱۲: ۱-۶، ۲۸: ۵-۶). پادشاهی از نسل یسی (پدر داوود) که «روح خداوند بر او قرار گرفته» و حکیم و خداترس است، ظهور خواهد کرد و جهان را از عدل و خیر و برکت پر خواهد ساخت چنانکه «گرگ با بره سکونت خواهد داشت و پلنگ با بزغاله خواهد خوابید» (۱۱: ۱-۸)؛ کوران بینا، کران شنوا، و گنگان گویا و لنگان خرامان خواهند شد (۳۵: ۵-۶).

از سوی دیگر از جمله دلایلی که سید احمد الحسن ﷺ وصی و فرستاده امام مهدی ﷺ، عیسی، ایلیا و خضر (علیهم السلام)، آنرا سبب اتمام حجت جهت ایمان آوردن به خویش بر می‌شمارد بشارت‌ها و اندازهای است که در کتاب اشعیا موجود است. بعنوان مثال در اصحاح ۶۳ می‌خوانیم: «۱ مَنْ ذَا الْآتِي مِنْ أَدُومَ، بِثِيَابٍ خُمْرٍ مِنْ بَصْرَةَ؟ هَذَا الْبَهِيُّ بِمَلَابِسِهِ، الْمُتَعَزِّمُ بِكَثْرَةِ قُوَّتِهِ. أَنَا الْمُتَكَلِّمُ بِالْبَرِّ، الْعَظِيمُ لِلْخَلَاصِ»؛ (۱ این کیست که از آدوم، از شهر بصره می‌آید، و جامه سرخ‌فام بر تن دارد؟ این کیست که به فرّ و شکوه ملبس است، و در عظمت قوت خویش گام برمی‌دارد؟ آن منم! من که به عدالت سخن می‌گویم، و در نجات دادن نیرومندم).^۲ این اشاره‌ای واضح است به اینکه رهایی‌بخش از بصره می‌آید و او امیر جیش غضب و اولین نفر از سیصد و سیزده نفر است، که زمینه‌فکری، اجتماعی و نظامی لازم را برای حضور امام مهدی

^۲ سفر إِشْعِيَاءَ: الْأَصْحَاحُ الثَّالِثُ وَالسِّتُونَ * ۱: ۶۳ - ترجمه هزاره نو

عِیْسَى، ایلِیا و خضر (علیهم السلام) فراهم می‌سازد. همانگونه که از امیرالمومنین عَیْسَى روایت شده: «ألا وان أولهم من البصرة وأخرهم من الأبدال»؛ (آگاه‌باش که اولین آنها از بصره و آخرینشان از ابدال است).^۳ اینگونه آنها در نزد خود رسولی را می‌یابند که در کتب پیشین به او بشارت داده شده است. آنچنان که خداوند متعال می‌فرماید: «يَجِدُونَهُ مَكْتُوباً عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ»؛ (او را نزد خود در تورات و انجیل نگاشته می‌یابند).^۴

سید احمد الحسن عَیْسَى وصی و فرستاده امام مهدی عَیْسَى می‌فرماید:

«ولن أشكوكم إلى الله بل سيشكوكم جدي رسول الله (ص) لأنه وصى بي وذكر اسمي ونسبي وصفتي وسيشكوكم آبائي الأئمة (ع) لأنهم ذكروني باسمي ونسبي وصفتي ومسكني، وستشكوكم دماء الحسين التي سالت في كربلاء لله ولأجل أبي (ع) ولأجلي. وسيشكوكم اشعيا وارميا ودانيال وعيسى ويوحنا البربري لأنهم بينوا أمري لأهل الأرض قبل سنين طويلة، وستشكوكم التوراة والإنجيل والقرآن التي ذكرت فيها، كل هذا وتخذلونني. أريد حياتكم وأريد نجاتكم فأعينوني على أنفسكم»؛ (و از شما نزد خداوند شکایت نمی‌کنم، بلکه شکایت شما را رسول خدا ﷺ خواهد کرد، زیرا که او به من وصیت نمود و نام و نسب و صفاتم را ذکر کرد. و شکایت شما را پدرانم ائمه (علیهم السلام) خواهند کرد، زیرا که آنها اسم و نسب و صفات و مسکنم را، ذکر نمودند. و خون حسین که در کربلا برای خدا و به خاطر پدرم عَیْسَى و خودم بر زمین جاری شد از شما شکایت خواهد کرد. و اشعیا و ارمیا و دانیال و عیسی و یوحنا بربری از شما شکایت خواهند کرد، زیرا که آنها امر مرا از سال‌های طولانی پیش برای مردم زمین روشن ساختند. و تورات و انجیل و قرآن که در آن ذکر شده‌ام از شما شکایت خواهند کرد؛ با وجود این همه دلایل باز مرا انکار می‌کنید و مرا یاری نمی‌دهید؟! زندگی و نجات شما را خواستارم پس در ساختن خودتان مرا یاری دهید).^۵

از اینرو بر آن شدم تا کتاب اشعیا نبی عَیْسَى را گردآوری کنم و آن را در اختیار علاقه‌مندان قرار دهم، تا اینکه وحی الهی باری دیگر زنده گردد، و گوشه‌ای از حقانیت سید احمد الحسن عَیْسَى نمایان شود؛ همچنین بشارت‌ها و اندازهای موجود در این کتاب چراغ راهی خواهند بود برای منتظران از حوادث و اتفاقات پیشرو؛ ولیکن پیش از آغاز باب‌ها بیان چند نکته لازم است:

^۳ بشاره الاسلام: ص ۴۸.

^۴ قرآن کریم: سوره اعراف آیه ۱۵۷.

^۵ خطاب إلى طلبة الحوزة العلمية، ۸ ربيع الثاني ۱۴۲۶ هـ.ق.

- ۱- اکثر سخنان و روشنگری‌های سید احمدالحسن علیه السلام از کتب انبیاء پیشین مربوط به انجیل عیسی و مکاشفات یوحنا بربری، است. و موارد مرتبط با این کتاب در پاورقی هر اصحاح به اسم ایشان آورده خواهد شد. همچنین برای دریافت سایر کتب انبیاء پیشین که در کلام سید احمدالحسن علیه السلام ذکر شد می‌توانید به آدرس: sadeghshekari.com مراجعه نمایید.
 - ۲- این کتاب ترجمه هزاره نو است، که از وبسایت رسمی شاهدان یهوه jw.org گرفته شده است؛ لکن در مواردی اندک گردآورنده اقدام به تصحیح بعضی از واژه‌هایی کرده که بخاطر جهالت‌ها یا پیشداوری‌های معتقدین به این کتاب‌ها بد و یا نابجا ترجمه شده است. این تصحیح نیز با انطباق آن با نسخه عربی بدست آمده است، مثلاً متن عربی می‌گوید: «يَقُولُ السَّيِّدُ رَبُّ الْجُنُودِ عَزِيزُ إِسْرَائِيلَ» ترجمه هزاره نو می‌نویسد: (خداوند گار، خداوند لشکرها، قدیر اسرائیل، چنین می‌فرماید) و ما می‌نویسیم: (سید، پروردگار لشکریان، عزیز اسرائیل، چنین می‌فرماید).
 - ۳- متون عربی بجهت استفاده برادران عرب زبان و برای بالا بردن کیفیت مطالب آورده می‌شود این متون اعراب گذاری شده و از سایت‌های: mandaeannetwork.com و st-takla.org تهیه شده‌اند.
 - ۴- در این کتاب واژه یهوذا (یهود) و بنی اسرائیل، زیاد بکار رفته که به جهت درک معنی صحیح آن لازم است پرسش ۲۳ کتاب متشابهاات سید احمدالحسن علیه السلام: (کلمه اسرائیل به چه معناست؟) مطالعه شود که در پیوست این کتاب، آورده شده است.
 - ۵- با توجه به اینکه کتاب اشعیا از جمله طولانی‌ترین اسفار تورات می‌باشد و شاید امکان مطالعه و توجه کافی به آن وجود نداشته باشد. توصیه می‌شود باب‌های ۱۳-۴۲-۴۳-۴۴-۴۹-۶۳-۶۵-۶۶ مطالعه شود. همان‌گونه که سید احمدالحسن علیه السلام می‌فرمایند:
- «والمهدي الأول والذي اسمه أحمد كما في الروايات عن الرسول محمد (ص) والأئمة (ع) هو رسول الإمام المهدي (ع) ووصيه ويمينه وأول مؤمن به عند بداية ظهوره قبل قيامه بالسيف واكتفي بهذا القدر للاختصار وإذا أردت المزيد إقرا في التوراة في سفر إشعيا الإصحاح الثالث عشر والثاني والأربعون والثالث والأربعون والرابع الأربعون والتاسع والأربعون والثالث والستون والخامس والستون والسادس والستون وتدبريها جيداً؛ (مهدی اول، طبق روایات رسول اکرم صلی الله علیه و آله وائمه علیهم السلام، اسمش احمد است و فرستاده امام مهدی علیه السلام و وصی و نیز دست راست وی است و اولین کسی است که در آغاز ظهورش، قبل از اینکه با شمشیر قیام کند به وی ایمان می‌آورد بخاطر اختصار به این مقدار بسنده می‌کنم، اگر توضیحات

بیشتری خواستی تورات سفر اشعیا اصحاب: (۱۳، ۴۳، ۴۲، ۴۴، ۴۹، ۶۳، ۶۵، ۶۶) را مطالعه کن،
و در آنها بخوبی بیندیش).^۶

^۶ جواب المنیر؛ جلد اول، سوال/۱۵: شما شیعیان می گوید که سفرای امام چهار نفر هستند پس چطور با دلایل عقلی و نقلی از (قرآن، تورات و انجیل) ثابت می کنید که شما سفیر پنجم هستید؟

سفر اشعیا: الأصحاح الأول * ۱:۱-۳۱

۱ رُؤْيَا إِشْعِيَاءَ بْنِ أُمُوصَ، الَّتِي رَأَاهَا عَلَى يَهُودَا وَأُورُشَلِيمَ، فِي أَيَّامِ عُزِّيَّا وَيُوثَامَ وَأَحَارَ وَحَزَقِيَّا مُلُوكَ يَهُودَا:

۱ رُویای اشعیا پسر آموص، که آن را در زمان عُزیّا، یوتام، آحاز و حزقیّا، پادشاهان یهودیان، درباره یهودا و اورشلیم دید.

۲ اِسْمَعِي اَيَّتْهَا السَّمَاوَاتُ وَأَصْغِي اَيَّتْهَا الْأَرْضُ، لِأَنَّ الرَّبَّ يَتَكَلَّمُ: «رَبِّيتُ بَنِينَ وَشَأْتُهُمْ، أَمَّا هُمْ فَعَصَوْا عَلَيَّ. ۳ اَلثَّوْرُ يَعْرِفُ قَانِيَهُ وَالْحِمَارُ مِعْلَفَ صَاحِبِهِ، أَمَّا إِسْرَائِيلُ فَلَا يَعْرِفُ. شَعْبِي لَا يَفْهَمُ». ۴ وَيَلُ لِّلْأُمَّةِ الْخَاطِئَةِ، الشَّعْبِ الثَّقِيلِ الْإِثْمِ، نَسْلَ فَاعِلِي الشَّرِّ، أَوْلَادِ مُفْسِدِينَ! تَرَكُوا الرَّبَّ، اسْتَهَانُوا بِقُدُّوسِ إِسْرَائِيلَ، ارْتَدُّوا إِلَى وِرَاءِ. ۵ عَلَى مَتَضَرَّبُونَ بَعْدُ؟ تَزْدَادُونَ زَيْغَانًا! كُلُّ الرَّأْسِ مَرِيضٌ، وَكُلُّ الْقَلْبِ سَقِيمٌ. ۶ مِنْ أَسْفَلِ الْقَدَمِ إِلَى الرَّأْسِ لَيْسَ فِيهِ صِحَّةٌ، بَلْ جُرْحٌ وَأَخْبَاطٌ وَضَرْبَةٌ طَرِيَّةٌ لَمْ تُعْصَرْ وَلَمْ تُعْصَبْ وَلَمْ تَلَيَّنْ بِالزَّيْتِ. ۷ بِأَلَدِكُمْ خَرِبَةٌ. مُدْنُكُمْ مُحْرَقَةٌ بِالنَّارِ. أَرْضُكُمْ تَأْكُلُهَا غُرَبَاءُ قُدَّامَكُمْ، وَهِيَ خَرِبَةٌ كَانْقِلَابِ الْغُرَبَاءِ. ۸ فَبَقِيَتْ إِنَّهُ صِهْيُونُ كَمُظْلَةٍ فِي كَرَمٍ، كَحَيْمَةٍ فِي مَقْتَاةٍ، كَمَدِينَةٍ مُحَاصَرَةٍ. ۹ لَوْلَا أَنَّ رَبَّ الْجُنُودِ أَبْقَى لَنَا بَقِيَّةً صَغِيرَةً، لَصِرْنَا مِثْلَ سَدُومَ وَشَابَهْنَا عَمُورَةَ.

عصیانگری یهود: ۲ ای آسمان بشنو! و ای زمین گوش فرا ده! زیرا که خداوند سخن می گوید: «فرزندان پروردم و بزرگ کردم، اما ایشان بر من شوریدند. ۳ گاؤ صاحب خویش را می شناسد، و الاغ آخور مالک خویش را، اما اسرائیل نمی شناسد، و قوم من فهم ندارد.» ۴ وای بر امت خطاکار، و قومی که زیر بار گناهند؛ وای بر نسل شریران، و فرزندان فاسد! خداوند را ترک گفته اند، بر قدوس اسرائیل اهانت روا داشته، و به او پشت کرده اند! ۵ چرا باز مضروب شوید؟ چرا بیش از این عصیان می ورزید؟ تمام سر بیمار است، و تمام دل، مریض. ۶ از کف پا تا فرق سر، در آن هیچ تندرستی نیست؛ سراسر، جراحت و کوفتگی و زخم تازه است، که نه بخیه شده، نه بسته گشته، و نه به روغن مرهم گذاشته شده است. ۷ سرزمین شما ویران گشته و شهرهایتان به آتش سوخته است. بیگانگان در برابر دیدگانتان زمین شما را فرو می بلعند؛ سراسر ویرانی است، بسان سرنگونی به دست بیگانگان. ۸ دختر صهیون مانند سایه بانی در تاکستان، و آلونکی در بوستان خیار، و شهری در محاصره، متروک است. ۹ اگر پروردگار لشکریان اندک باقیماندگانی برای مان نمی گذاشت، مانند سدوم می شدیم و همچون عموره می گشتیم.»^۷

^۷ بر پایه تورات این شهر به همراه چند شهر دیگر، در کنار رود اردن و در جنوب کنعان و در کرانه دریای مرده جای داشته است. به دلیل گناه لواط مردمان شهر مورد عذاب الهی قرار گرفته و نابود می شوند. نام این شهرها عبارتند از ۱- سدوم، ۲- عموره یا عموره ۳- صَبُؤِیم یا صَبُوعِیم ۴- آدمه ۵- بالع، که بعداً آن را به علت کوچکی صَوْعَر یا صوغره نامیدند. شهر صوغر از عذاب در امان ماند، و لوط پس از هجرت از شهر سدوم به آن جا رهسپار شد.

۱۰ اِسْمُوهَا كَلَامَ الرَّبِّ يَا قُضَاةَ سُدُومَ! اصْعُوا إِلَى شَرِيعَةِ إِلَهِنَا يَا شَعْبَ عَمُورَةَ: ۱۱ «لِمَاذَا لِي كَثْرَةُ ذَبَائِحِكُمْ، يَقُولُ الرَّبُّ. اتَّخَمْتُ مِنْ مُحْرِقَاتِ كِبَاشٍ وَشَحَمِ مُسَمَّنَاتٍ، وَبَدَمِ عُجُولٍ وَخِرْفَانٍ وَثِيُوسٍ مَا أُسَرُّ. ۱۲ حِينَمَا تَأْتُونَ لِتُظْهِرُوا أَمَامِي، مَنْ طَلَبَ هَذَا مِنْ أَيْدِيكُمْ أَنْ تَذُوسُوا دُورِي؟ ۱۳ لَا تَعُودُوا تَأْتُونَ بِتَقْدِيمَةٍ بَاطِلَةٍ. الْبُخُورُ هُوَ مَكْرَهَةٌ لِي. رَأْسُ الشَّهْرِ وَالسَّبْتُ وَنَدَاءُ الْمَحْفَلِ. لَسْتُ أُطِيقُ الْإِثْمَ وَالْاِغْتِكَافَ. ۱۴ رُؤُوسُ شُهُورِكُمْ وَأَعْيَادُكُمْ بَعْضَتُهَا نَفْسِي. صَارَتْ عَلَيَّ ثِقَلًا. مِلْتُ حَمْلَهَا. ۱۵ فَحِينَ تَبْسُطُونَ أَيْدِيَكُمْ أَسْتُرُ عَيْنِي عَنْكُمْ، وَإِنْ كَثُرْتُمْ الصَّلَاةَ لَا أَسْمَعُ. أَيْدِيكُمْ مَلَانَةٌ دَمًا. ۱۶ اغْتَسِلُوا. تَنْقُوا. اغْزِلُوا شَرَّ أَعْمَالِكُمْ مِنْ أَمَامِ عَيْنِي. كُفُّوا عَنْ فِعْلِ الشَّرِّ. ۱۷ تَعَلَّمُوا فِعْلَ الْخَيْرِ. اطْلُبُوا الْحَقَّ. انْصِفُوا الْمَظْلُومَ. افْضُوا لِلْيَتِيمِ. حَامُوا عَنِ الْأَرْمَلَةِ. ۱۸ هَلُمَّ نَتَحَاجَّجْ، يَقُولُ الرَّبُّ. إِنْ كَانَتْ خَطَايَاكُمْ كَالْقَرْمِزِ تَبْيِضُ كَالثَّلَاجِ. إِنْ كَانَتْ حَمَرَاءَ كَالدُّودِيِّ تَصِيرُ كَالصُّوفِ. ۱۹ إِنْ شِئْتُمْ وَسَمِعْتُمْ تَأْكُلُونَ خَيْرَ الْأَرْضِ. ۲۰ وَإِنْ أَبَيْتُمْ وَتَمَرَّدْتُمْ تَوْكَلُونَ بِالسَّيْفِ». لِأَنَّ فَمَ الرَّبِّ تَكَلَّمَ.

۱۰ ای حکمرانان سدوم، کلام خداوند را بشنوید! و ای مردمان عموره، به شریعت خدای ما گوش بسپارید! ۱۱ خداوند می گوید: «از انبوه قربانیهای شما مرا چه سود؟ از قربانیهای تمام سوز قوچها و چربی حیوانات پروار شده، سیر شده ام و مرا به خون گاو و بره و بز رغبتی نیست. ۱۲ آنگاه که می آید تا به حضورم حاضر شوید، کیست که از شما این را خواسته باشد که صحنهای مرا چنین لگدمال کنید؟ ۱۳ هدایای باطل، دیگر میاورید؛ از بخور کراهت دارم. گردهم آیی مخصوص را توأم با شرارت تحمل نتوانم کرد، خواه ماه نو باشد، خواه شبّات (عید جمعه)، و خواه دعوت جماعت. ۱۴ جان من از مراسم ماه نو و اعیاد مقرر شما بیزار است؛ برایم بار سنگینی هستند که از حملشان خسته شده ام. ۱۵ آنگاه که دستانتان را به دعا دراز می کنید، چشمانم را از شما خواهم پوشانید؛ حتی اگر دعای بسیار کنید، نخواهم شنید؛ زیرا دستان شما مملو از خون است. ۱۶ خویشتن را بشوید و طاهر سازید؛ شرارت اعمال خود را از نظرم دور کنید، و از بدی بازایستید. ۱۷ نیکوکاری بیاموزید، و انصاف را بجوید؛ ستمگران را ارشاد کنید، داد یتیمان را بستانید، و به دفاع از حق بیوه زنان برخیزید. ۱۸ پروردگار می فرماید: «بیاید تا در برابر یکدیگر حُجّت بیاوریم: اگر چه گناهان شما چون ارغوان باشد، همچون برف سفید خواهد شد؛ و اگر چه همچون قرمز، سرخ باشد، مانند پشم خواهد شد. ۱۹ اگر راغب باشید و گوش فرا دهید، از نیکویی زمین خواهید خورد؛ ۲۰ اما اگر ابا نموده، عصیان ورزید، شمشیر شما را خواهد خورد؛ زیرا دهان خداوند چنین گفته است.»

۲۱ كَيْفَ صَارَتِ الْقَرْيَةُ الْأَمِينَةُ زَانِيَةً! مَلَانَةٌ حَقًّا. كَانَ الْعَدْلُ يَبِيتُ فِيهَا، وَأَمَّا الْآنَ فَالْقَاتِلُونَ. ۲۲ صَارَتْ فِضْتُكَ زَغَلًا وَخَمْرُكَ مَعْشُوشَةً بِمَاءٍ. ۲۳ رُؤُوسَاؤُكَ مُتَمَرِّدُونَ وَلُغْفَاءُ اللَّصُوصِ. كُلُّ وَاحِدٍ مِنْهُمْ يُحِبُّ الرِّشْوَةَ وَيَتَّبِعُ الْعَطَايَا. لَا يَقْضُونَ لِلْيَتِيمِ، وَدَعَاؤِي الْأَرْمَلَةِ لَا تَصِلُ إِلَيْهِمْ.

شهر خیانتکار: ۲۱ دروغا که شهر امین، فاحشه شده است! زمانی از انصاف مملو بود، و عدالت در آن سکونت داشت، اما حال قاتلان در آن مسکن دارند! ۲۲ نقره تو به زنگار بدل گشته و بهترین شرابت، به آب آمیخته است. ۲۳ حاکمانت شورشگرند و رفیق دزدان گشته‌اند؛ جملگی رشوه را دوست می‌دارند، و در پی هدایا می‌دوند؛ داد یتیمان را نمی‌ستانند و درخواست بیوه‌زنان بدیشان نمی‌رسد.

۲۴ لِذَلِكَ يَقُولُ السَّيِّدُ رَبُّ الْجُنُودِ عَزِيزُ إِسْرَائِيلَ: «أَه! إِنِّي أَسْتَرِيحُ مِنْ خُصَمَائِي وَأَتَّقِمُ مِنْ أَغْدَائِي، ۲۵ وَأَرُدُّ يَدَيَّ عَلَيْكَ، وَأُنْقِي زَعْلَكَ كَأَنَّهُ بِالْبُورَقِ، وَأُنْرِغُ كُلَّ قَصْدِيرِكَ، ۲۶ وَأُعِيدُ قَضَانِكَ كَمَا فِي الْأَوَّلِ، وَمُسِيرِكَ كَمَا فِي الْبَدَاءَةِ. بَعْدَ ذَلِكَ تُدْعَيْنَ مَدِينَةُ الْعَدْلِ، الْقَرْيَةُ الْأَمِينَةُ». ۲۷ صِهْيُونُ تُفْدَى بِالْحَقِّ، وَتَائِبُوهَا بِالْبِرِّ. ۲۸ وَهَلَاكُ الْمُذْنِبِينَ وَالْخَطَاةِ يَكُونُ سُوءًا، وَتَارِكُو الرَّبِّ يَفْنَوْنَ. ۲۹ لِأَنَّهُمْ يَخْجَلُونَ مِنْ أَشْجَارِ الْبُطْمِ الَّتِي اسْتَهْيَيْتُمُوهَا، وَتُخَزَوْنَ مِنَ الْجَنَاتِ الَّتِي اخْتَرْتُمُوهَا. ۳۰ لِأَنَكُمْ تَصِيرُونَ كَبُطْمَةٍ قَدْ ذَبَلَ وَرَقُهَا، وَكَجَنَةِ لَيْسَ لَهَا مَاءٌ. ۳۱ وَيَصِيرُ الْقَوِيُّ مَشَاقَّةً وَعَمَلُهُ شَرَارًا، فَيَخْتَرِقَانِ كِلَاهُمَا مَعًا وَلَيْسَ مَنْ يُطْفِئُ.

۲۴ بدین خاطر، سید، پروردگار لشکریان، عزیز اسرائیل، چنین می‌گوید: «آه، من از خصمانِ خویش راحتی خواهم یافت، و از دشمنانِ خویش انتقام خواهم ستانید. ۲۵ دست خود را بر ضد تو خواهم گردانید و زنگارِ تو را همچون قلیابِ خواهم زدود، و تمام ناخالصی‌هایت را دور خواهم ساخت. ۲۶ داورانِ تو را همچون نخست، و مشاورانت را مانند اولِ باز خواهم آورد، و تو از آن پس 'شهر عدالت' و 'شهر امین' خوانده خواهی شد. ۲۷ صهیون به حق فدیهِ داده خواهد شد، و آنان که در وی توبه کنند، به عدالت بازخريد خواهند گشت. ۲۸ اما عصیانگران و گنهکاران با هم نابود خواهند شد، و آنان که خداوند را ترک نمایند هلاک خواهند گردید. ۲۹ آری، شما از درختان بلوطی که بدان رغبت داشتید، خجل خواهید شد، و از باغستانهایی که برگزیده بودید، شرمسار خواهید بود. ۳۰ آری، شما مانند بلوطی پژمرده‌برگ، و همچون باغستانی بی‌آب خواهید بود. ۳۱ مرد زورمند خاشاک، و عملش جرعه آتش خواهد بود؛ هر دو با هم خواهند سوخت، و خاموش کننده‌ای نخواهد بود.

سفر اشعیا: الأصحاح الثاني * ۲: ۱-۲۲

۱ الْأُمُورُ الَّتِي رَأَاهَا إِشْعِيَاءُ بْنُ أَمُوصَ مِنْ جِهَةِ يَهُوذَا وَأُورُشَلِيمَ: ۲ وَيَكُونُ فِي آخِرِ الْأَيَّامِ أَنَّ جَبَلَ بَيْتِ الرَّبِّ يَكُونُ ثَابِتًا فِي رَأْسِ الْجِبَالِ، وَيَرْتَفِعُ فَوْقَ التَّلَالِ، وَتَجْرِي إِلَيْهِ كُلُّ الْأُمَمِ. ۳ وَتَسِيرُ شُعُوبٌ كَثِيرَةٌ، وَيَقُولُونَ: «هَلُمَّ نَصْعُدْ إِلَى جَبَلَ الرَّبِّ، إِلَى بَيْتِ إِلَهِ يَعْقُوبَ، فَيُعَلِّمَنَا مِنْ طُرُقِهِ وَنَسْلُكَ فِي سُبُلِهِ». ۴ لِأَنَّهُ مِنْ صِهْيُونِ تَخْرُجُ الشَّرِيعَةُ، وَمِنْ أُورُشَلِيمَ كَلِمَةُ الرَّبِّ. ۵ فَيَقْضِي بَيْنَ الْأُمَمِ وَيُنْصِفُ لَشُعُوبٍ كَثِيرِينَ، فَيَطْبَعُونَ سِوْفَهُمْ سِكَّا وَرِمَاحَهُمْ مَنَاجِلَ. لَا تَرْفَعُ أُمَّةٌ عَلَى أُمَّةٍ سَيْفًا، وَلَا يَتَعَلَّمُونَ الْحَرْبَ فِي مَا بَعْدُ.

۱ این است اموری که اشعیا فرزند آموص درباره یهودا و اورشلیم دید: ۲ در ایام آینده کوه خانه خداوند بالاتر از تمامی کوهها استوار خواهد گردید، و فراتر از تپه‌ها برافراشته خواهد شد، و تمامی قومها به سوی آن روان خواهند گشت. ۳ قومهای بسیار آمده، خواهند گفت: «بیایید به کوه خداوند برویم، و به خانه خدای یعقوب برآییم، تا راههای خود را به ما تعلیم دهد، و در طریقهای وی گام برداریم.» زیرا شریعت از صهیون صادر خواهد شد، و کلام خداوند از اورشلیم. ۴ او در میان ملل داوری خواهد کرد و منازعات قومهای بسیار را فیصله خواهد داد. ایشان شمشیرهای خود را برای ساختن گاو آهن خواهند شکست، و نیزه‌های خویش را برای تهیه ابزار باغبانی. دیگر قومی بر قومی شمشیر نخواهد کشید و جنگاوری را دیگر نخواهند آموخت.

۵ يَا بَيْتَ يَعْقُوبَ، هَلُمَّ فَنَسْلُكُ فِي نُورِ الرَّبِّ. ۶ فَإِنَّكَ رَفَضْتَ شَعْبَكَ يَبْتَ يَعْقُوبَ لَأَنَّهُمْ امْتَلَأُوا مِنَ الْمَشْرِقِ، وَهُمْ غَائِفُونَ كَالْفِلِسْطِينِيِّينَ، وَيُصَافِحُونَ أَوْلَادَ الْأَجَانِبِ. ۷ وَامْتَلَأَتْ أَرْضُهُمْ فَضَةً وَذَهَبًا وَلَا نِهَآيَةَ لِكُنُوزِهِمْ، وَامْتَلَأَتْ أَرْضُهُمْ خَيْلًا وَلَا نِهَآيَةَ لِمَرْكَبَاتِهِمْ. ۸ وَامْتَلَأَتْ أَرْضُهُمْ أَوْثَانًا. يَسْجُدُونَ لِعَمَلِ أَيْدِيهِمْ لِمَا صَنَعَتْهُ أَصَابِعُهُمْ. ۹ وَيَنْخَفِضُ الْإِنْسَانُ، وَيَنْطَرِحُ الرَّجُلُ، فَلَا تَغْفِرُ لَهُمْ.

۵ ای خاندان یعقوب بیایید تا در نور خداوند گام برداریم. ۶ تو قوم خود خاندان یعقوب را ترک کرده‌ای، زیرا ایشان از رسوم مشرق زمین آکنده‌اند، و چون فلسطینیان فالگیری پیشه کرده و با فرزندان بیگانگان دست داده‌اند. ۷ سرزمین ایشان از نقره و طلا پر گشته، و گنجهای ایشان را انتهایی نیست؛ دیار ایشان از اسبان آکنده است، و ارابه‌هایشان را پایانی نیست. ۸ سرزمینشان پر از بتهای بی ارزش است؛ در برابر صنعت دست خویش سجده می کنند، در برابر آنچه انگشتانشان ساخته است. ۹ پس آدمی خوار می گردد، و انسان پست می شود - ایشان را میامرز!

۱۰ أَدْخُلْ إِلَى الصَّخْرَةِ وَاخْتَبِئْ فِي الثَّرَابِ مِنْ أَمَامِ هَيْبَةِ الرَّبِّ وَمِنْ بَهَاءِ عَظَمَتِهِ. ۱۱ تَوَضَّعْ عَيْنَا تَسَامُخِ الْإِنْسَانِ، وَتَخَفُضُ رِفْعَةِ النَّاسِ، وَيَسْمُو الرَّبُّ وَخَذَهُ فِي ذَلِكَ الْيَوْمِ. ۱۲ فَإِنَّ لِرَبِّ الْجُنُودِ يَوْمًا عَلَى كُلِّ مُتَعَطِّلٍ وَعَالٍ، وَعَلَى كُلِّ مُرْتَفِعٍ فَيُوضَعُ، ۱۳ وَعَلَى كُلِّ أَرْزٍ لُبْنَانَ الْعَالِي الْمُرْتَفِعِ، وَعَلَى كُلِّ بَلُوطٍ بَاشَانَ، ۱۴ وَعَلَى كُلِّ الْجِبَالِ الْعَالِيَةِ، وَعَلَى كُلِّ التَّلَالِ الْمُرْتَفِعَةِ، ۱۵ وَعَلَى كُلِّ بُرْجٍ عَالٍ، وَعَلَى كُلِّ سُوْرٍ مَنِيعٍ، ۱۶ وَعَلَى كُلِّ سَفْنٍ تَرْشِيشَ، وَعَلَى كُلِّ الْأَغْلَامِ الْبَهْجَةِ. ۱۷ فَيُخَفِّضُ تَسَامُخَ الْإِنْسَانِ، وَتَوَضَّعُ رِفْعَةُ النَّاسِ، وَيَسْمُو الرَّبُّ وَخَذَهُ فِي ذَلِكَ الْيَوْمِ. ۱۸ وَتَزُولُ الْأَوْثَانُ بِتَمَامِهَا. ۱۹ وَيَدْخُلُونَ فِي مَغَايِرِ الصُّخُورِ، وَفِي حَفَائِرِ الثَّرَابِ مِنْ أَمَامِ هَيْبَةِ الرَّبِّ، وَمِنْ بَهَاءِ عَظَمَتِهِ، عِنْدَ قِيَامِهِ لِيَرْعَبَ الْأَرْضَ. ۲۰ فِي ذَلِكَ الْيَوْمِ يَطْرَحُ الْإِنْسَانُ أَوْثَانَهُ الْفُضِيَّةَ وَأَوْثَانَهُ الذَّهَبِيَّةَ، الَّتِي عَمِلُوهَا لَهُ لِلسُّجُودِ، لِلْجُرْدَانِ وَالْخَفَافِيشِ، ۲۱ لِيَدْخُلَ فِي نُقْرِ الصُّخُورِ وَفِي

شُفُوقِ الْمَعَالِقِ، مِنْ أَمَامِ هَيْبَةِ الرَّبِّ وَمِنْ بَهَاءِ عَظَمَتِهِ عِنْدَ قِيَامِهِ لِيَرْعَبَ الْأَرْضَ. ۲۲ كُفُّوا عَنِ الْإِنْسَانِ الَّذِي فِي أَنْفِهِ نَسَمَةٌ، لِأَنَّهُ مَاذَا يُحْسِبُ؟

۱۰ از خوفِ خداوند، و از کبريایی جلال وی، داخل صخره شو و خويشتن را در خاک پنهان کن. ۱۱ نگاههای تکبرآمیز انسان به زیر کشیده خواهد شد، و کبر و غرور آدمیان پست خواهد گردید؛ تنها خداوند در آن روز متعال خواهد بود. ۱۲ زیرا پروردگار لشکریان را روزی است بر ضد هر آنچه مغرور و متکبر باشد، و بر ضد هر آنچه برافراشته شده باشد؛ آنها جملگی پست خواهند شد؛ ۱۳ بر ضد همه سروهای بلند و رفیع لبنان، و تمامی درختان بلوطِ باشان؛ ۱۴ بر ضد همه کوههای سر به فلک کشیده، و تمامی تپه‌های بلند؛ ۱۵ بر ضد هر برج سربلند، و هر حصار مستحکم؛ ۱۶ بر ضد همه کشتیهای ترشیش، و تمامی زورقهای مرغوب. ۱۷ تکبر انسان پست خواهد شد، و کبر و غرور آدمیان به زیر کشیده خواهد گشت؛ تنها خداوند در آن روز متعال خواهد بود، ۱۸ و بتهای بی‌ارزش به کلّ از میان خواهند رفت. ۱۹ مردمان از خوف خداوند و از کبريایی جلالش، به غارهای صخره‌ها و حفره‌های زمین داخل خواهند شد، آنگاه که او برخیزد تا زمین را به لرزه درآورد. ۲۰ در آن روز آدمیان بتهای نقره و طلای خویش را که آنها را به جهت پرستش ساخته‌اند، نزد موش کوران و خفاشان خواهند افکند، ۲۱ تا از خوف خداوند و از کبريایی جلال او، به غارهای صخره‌ها و شکافهای سنگها داخل شوند، آنگاه که خداوند برخیزد تا زمین را به لرزه درآورد. ۲۲ شما از انسانی که نفس او در بینی‌اش است، دست برکشید! آیا او چیزی حساب می‌شود؟

سفر اشعیا: الأصحاح الثالث * ۱:۳-۲۶

۱ فَإِنَّهُ هُوَذَا السَّيِّدُ رَبُّ الْجُنُودِ يَنْزِعُ مِنْ أُورُشَلِيمَ وَمِنْ يَهُودَا السَّنَدَ وَالرُّكْنَ، كُلَّ سَنَدٍ خُبْرٍ، وَكُلَّ سَنَدٍ مَاءٍ. ۲ الْجَبَّارَ وَرَجُلَ الْحَرْبِ. الْقَاضِيَّ وَالنَّبِيَّ وَالْعَرَّافَ وَالشَّيْخَ. ۳ رَئِيسَ الْخُمْسِينَ وَالْمُعْتَبِرَ وَالْمُشِيرَ، وَالْمَاهِرَ بَيْنَ الصَّنَاعِ، وَالْحَادِقَ بِالرُّقِيَّةِ. ۴ وَأَجْعَلُ صُبْيَانًا رُؤَسَاءَ لَهُمْ، وَأَطْفَالًا تَتَسَلَّطُ عَلَيْهِمْ. ۵ وَيَظْلِمُ الشَّعْبُ بَعْضُهُمْ بَعْضًا، وَالرَّجُلُ صَاحِبَهُ. يَتَمَرَّدُ الصَّبِيُّ عَلَى الشَّيْخِ، وَالذَّبِيُّ عَلَى الشَّرِيفِ. ۶ إِذَا أَمْسَكَ إِنْسَانٌ بِأَخِيهِ فِي بَيْتِ أَبِيهِ قَائِلًا: «لَكَ ثَوْبٌ فَتَكُونُ لَنَا رَئِيسًا، وَهَذَا الْخَرَابُ تَحْتَ يَدِكَ» ۷ يَرْفَعُ صَوْتَهُ فِي ذَلِكَ الْيَوْمِ قَائِلًا: «لَا أَكُونُ عَاصِبًا وَفِي بَيْتِي لَا خُبْرٌ وَلَا ثَوْبٌ. لَا تَجْعَلُونِي رَئِيسَ الشَّعْبِ». ۸ لِأَنَّ أُورُشَلِيمَ عَثَرَتْ، وَيَهُودَا سَقَطَتْ، لِأَنَّ لِسَانَهُمَا وَأَفْعَالَهُمَا ضِدَّ الرَّبِّ لِإِغَاظَةِ عَيْنِي مَجْدِهِ. ۹ نَظَرُ وَجُوهِهِمْ يَشْهَدُ عَلَيْهِمْ، وَهُمْ يُخْبِرُونَ بِخَطِيئَتِهِمْ كَسَدُومَ. لَا يُخْفَوْنَهَا. وَيَلُ لِنَفْسِهِمْ لِأَنَّهُمْ يَصْنَعُونَ لِأَنْفُسِهِمْ شَرًّا. ۱۰ قُولُوا لِلصِّدِّيقِ خَيْرًا! لِأَنَّهُمْ يَأْكُلُونَ ثَمَرَ أَفْعَالِهِمْ. ۱۱ وَيَلُ لِلشَّرِيرِ. شَرًّا! لِأَنَّ مَجَازَاةَ يَدَيْهِ تَعْمَلُ بِهِ. ۱۲ شَعْبِي ظَالِمُوهُ أَوْلَادٌ، وَرِثَاءٌ يَتَسَلَّطُونَ عَلَيْهِ. يَا شَعْبِي، مُرْشِدُوكَ مُضِلُّونَ، وَيَبْلَعُونَ طَرِيقَ مَسَالِكِكَ.

۱ اکنون سید، پروردگار لشکریان، هر تکیه گاهی از اورشلیم و یهودا را از جا می کند؛ هر تکیه گاهی به جهت خوراک و آب. ۲ همچنین دلاوران و جنگاوران، و داوران و انبیا، و فالگیران و مشایخ را از جا برمی گیرد؛ ۳ پنجاه رئیس، مشاوران و جادوگران ماهر و ساحران چیره دست را نیز برمی گیرد. ۴ من پسران جوان را بر ایشان حاکم خواهم ساخت، و ستم پیشگان بر ایشان فرمان خواهند راند. ۵ قوم بر یکدیگر ظلم خواهند کرد، همسایه بر همسایه. جوانان بر پیران ستم روا خواهند داشت، و فرومایگان بر بزرگمردان. ۶ هر کس در خانه پدری دست به دامان برادر خویش شده، خواهد گفت: «تو را عباپی هست؛ پس بر ما حاکم باش، و این ویرانه زیر دست تو باشد!» ۷ اما او در آن روز فریاد بر خواهد آورد: «من دردی را دوا نتوانم کرد! در منزل من نه خوراک است و نه جامه؛ پس مرا بر مردم حاکم مسازید!» ۸ زیرا اورشلیم می لغزد، و یهودا می افتد؛ از آن رو که گفتار و رفتارشان بر ضد خداوند است، و در برابر چشمان پر جلال او سر به طغیان برداشته اند. ۹ حالت چهره ایشان بر ضدشان شهادت می دهد؛ همچون سدوم گناه خویش را جار می زنند، و آن را پنهان نمی سازند. وای بر جانهای ایشان، زیرا که بلا بر سر خویش آورده اند. ۱۰ پارسایان را گوید که ایشان را سعادت مندی خواهد بود، زیرا که از ثمره اعمال خویش خواهند خورد. ۱۱ وای بر شریان، که بلا در انتظارشان است، زیرا که بر حسب عمل دست خودشان بدیشان جزا داده خواهد شد. ۱۲ و اما قوم من کودکان بر آنان ستم می کنند، و زنان بر ایشان فرمان می رانند. ای قوم من، راهنمایان شما گمراهتان می کنند، و مسیر راهایتان را مغشوش می سازند.

۱۳ قَدْ انْتَصَبَ الرَّبُّ لِلْمُخَاصَمَةِ، وَهُوَ قَائِمٌ لِدَيْنُونَةِ الشُّعُوبِ. ۱۴ الرَّبُّ يَدْخُلُ فِي الْمُحَاكَمَةِ مَعَ شَيْوخِ شَعْبِهِ وَرُؤَسَائِهِمْ: «وَأَنْتُمْ قَدْ أَكَلْتُمْ الْكَرْمَ. سَلَبُ الْبَائِسِ فِي بُيُوتِكُمْ. ۱۵ مَا لَكُمْ تَسْحَقُونَ شَعْبِي، وَتَطْحَنُونَ وَجُوهُ الْبَائِسِينَ؟ يَقُولُ السَّيِّدُ رَبُّ الْجُنُودِ».

۱۳ خداوند در مقام اعلام جرم برخاسته، و برای داوری قوما ایستاده است. ۱۴ خداوند بر ضد مشایخ و حاکمان قوم خود به محاکمه داخل می شود: «شما دید که تاکستانها را تباه ساخته اید؛ اموال دزدیده از فقیران در خانه های شما یافت می شود. ۱۵ شما را چه که قوم مرا له کنید و روی فقیران را خرد سازید؟» این است فرموده سید، پروردگار لشکریان.

۱۶ وَقَالَ الرَّبُّ: «مِنْ أَجْلِ أَنْ بَنَاتِ صِهْيُونَ يَتَشَامَخْنَ، وَيَمَشِينَ مَمْدُودَاتِ الْأَعْنَاقِ، وَغَامِرَاتِ بَعْيُونِهِنَّ، وَخَاطِرَاتِ فِي مَشْيِهِنَّ، وَيُخْشِخِشْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ، ۱۷ يُصْلِعُ السَّيِّدُ هَامَةَ بَنَاتِ صِهْيُونَ، وَيُعَرِّي الرَّبُّ عَوْرَتَهُنَّ. ۱۸ يَنْزِعُ السَّيِّدُ فِي ذَلِكَ الْيَوْمِ زِينَةَ الْخَلَائِلِ وَالْضَّفَائِرِ وَالْأَهْلَةِ، ۱۹ وَالْحَلَقِ وَالْأَسَاوِرَ وَالْبَرَاقِعَ ۲۰ وَالْعَصَائِبَ وَالسَّلَاسِلَ وَالْمَنَاطِقَ وَخَنَاجِرَ السَّمَامَاتِ وَالْأَحْرَارَ، ۲۱ وَالنِّسَاءِ وَالْخَوَاتِمَ وَالْخَزَائِمَ الْأَنْفِ، ۲۲ وَالنِّيبَ الْمُرْخَرَفَةَ وَالْعُطْفَ وَالْأَرْدِيَّةَ وَالْأَكْيَاسَ، ۲۳ وَالْمَرَائِي وَالْقُمْصَانَ وَالْعَمَائِمَ وَالْأُزْرَ. ۲۴ فَيَكُونُ عِوَضَ الطَّيِّبِ عُفُونَةٌ، وَعِوَضَ

الْمُنْطَقَةِ حَبْلٌ، وَعَوِصَ الْجَدَائِلِ قَرْعَةً، وَعَوِصَ الدِّيَاجِ زَنَارٌ مَسْحٌ، وَعَوِصَ الْجَمَالِ كَيٌّ؛ ۲۵ رَجَالُكَ يَسْقُطُونَ
بِالسَّيْفِ، وَأَبْطَالُكَ فِي الْحَرْبِ. ۲۶ فَتَيْنٌ وَتَنُوحٌ أَبْوَابُهَا، وَهِيَ فَارِعَةٌ تَجْلِسُ عَلَى الْأَرْضِ.

۱۶ خداوند می‌فرماید: از آنجا که دختران صهیون متکبرند و با گردنهای افراشته راه می‌روند، از چشمانشان عشوه می‌بارد و با ناز و کرشمه می‌خرامند و بر پاهای خویش زنگوله‌ها را به صدا درمی‌آورند، ۱۷ بنابراین، سید فرق سر دختران صهیون را کچل خواهد کرد، و پیشانی ایشان را برهنه خواهد ساخت. ۱۸ در آن روز، سید زیورآلات را از ایشان خواهد گرفت: زنگوله‌ها، پیشانی‌بندها، گردن‌بندهای هلالی، ۱۹ گوشواره‌ها، النگوها، روبندها، ۲۰ دستارها، بازوبندها، کمربندها، عطردها، طلسم‌ها، ۲۱ انگشتریها، حلقه‌های بینی، ۲۲ لباسهای نفیس، رداها، شالها، کیفها، ۲۳ آینه‌ها، جامه‌های کتان لطیف و کلاهها و بُرَقها را. ۲۴ به جای عطریات، بوی تعفن خواهد بود؛ به جای کمربند، طناب؛ به جای موی بافته، کچلی خواهد بود؛ به جای جامه فاخر، پلاس؛ و به جای زیبایی، داغ ننگ. ۲۵ مردانت به شمشیر خواهند افتاد، و دلاورانت در میدان نبرد از پا در خواهند آمد. ۲۶ دروازه‌های صهیون شیون و ماتم خواهند کرد، و او متروک بر خاک خواهد نشست.

سفر اشعیا: الأصحاح الرابع * ۱:۴-۶

۱ فَمَسِكُ سَبْعِ نِسَاءٍ بِرَجُلٍ وَاحِدٍ فِي ذَلِكَ الْيَوْمِ قَائِلَاتٍ: «نَاكُلُ خُبْرَنَا وَنَلْبَسُ ثِيَابَنَا. لِيُدْعَ فَقَطِ اسْمُكَ عَلَيْنَا. انْزِعْ غَارَتَنَا». ۲ فِي ذَلِكَ الْيَوْمِ يَكُونُ غَضَنُ الرَّبِّ بَهَاءً وَمَجْدًا، وَثَمَرُ الْأَرْضِ فَخْرًا وَزِينَةً لِلنَّاجِينَ مِنْ إِسْرَائِيلَ. ۳ وَيَكُونُ أَنْ الَّذِي يَبْقَى فِي صِهْيُونَ وَالَّذِي يُتْرَكُ فِي أُورُشَلِيمَ، يُسَمَّى قُدُّوسًا. كُلُّ مَنْ كُتِبَ لِلْحَيَاةِ فِي أُورُشَلِيمَ. ۴ إِذَا غَسَلَ السَّيِّدُ قَدْرَ بَنَاتِ صِهْيُونَ، وَتَقَى دَمَ أُورُشَلِيمَ مِنْ وَسْطِهَا بِرُوحِ الْقَضَاءِ وَبِرُوحِ الْإِحْرَاقِ، ۵ يَخْلُقُ الرَّبُّ عَلَى كُلِّ مَكَانٍ مِنْ جَبَلِ صِهْيُونَ وَعَلَى مَحْفَلِهَا سَحَابَةً نَهَارًا، وَدُخَانًا وَلَمْعَانِ نَارٍ مُلْتَهَبَةٍ لَيْلًا، لِأَنْ عَلَى كُلِّ مَجْدٍ غَطَاءٌ. ۶ وَتَكُونُ مِظْلَةٌ لِلْفِيءِ نَهَارًا مِنَ الْحَرِّ، وَلَمَلْجَأٌ وَلَمَخْبَأٌ مِنَ السَّيْلِ وَمِنْ الْمَطَرِ.

۱ در آن روز هفت زن دست به دامان یک مرد شده، خواهند گفت: «نان خود را خواهیم خورد و جامه خود را خواهیم پوشید؛ تنها نام تو بر ما باشد، و ننگ ما را بردار!» ۲ در آن روز شاخه خداوند زیبا و پر جلال خواهد بود، و میوه زمین مایه فخر و مباهات رهایی‌یافتگان اسرائیل خواهد گشت. ۳ و هر که در صهیون بر جا ماند و در اورشلیم ترک شود، مقدس خوانده خواهد شد، تمام کسانی که حیات در اورشلیم برای آنها نوشته شده باشد. ۴ در آن زمان سید نجاست دختران صهیون را خواهد شست و لکه‌های خون اورشلیم را به روح داوری و روح آتشین از میان آن خواهد زدود. ۵ آنگاه خداوند بر فراز کوه صهیون و بر فراز محفل‌هایش در روز ابر، و در شب دود و آتش مشتعل خواهد آفرید؛ و بر فراز تمامی جلال آن،

پوششی خواهد بود، ۶ و سایه بان‌های به جهت حفاظت از گرمای روز، و پناهگاه و سرپناهی به جهت توفان و باران خواهد بود.

سفر اِشعْیاء: الأصْحاحُ الْخَامِسُ * ۱:۵-۳۰

۱ لَأَنْشِدَنَّ عَنْ حَبِيبِي نَشِيدَ مُحِبِّي لِكَرَمِهِ: كَانَ لِحَبِيبِي كَرَمٌ عَلَى أَكْمَةِ خَصْبَةٍ، ۲ فَنَقَبَهُ وَنَقَى حِجَارَتَهُ وَغَرَسَهُ كَرَمَ سَوْرَقٍ، وَبَنَى بُرْجًا فِي وَسْطِهِ، وَنَقَرَ فِيهِ أَيْضًا مِعْصَرَةً، فَانْتَظَرَ أَنْ يُصْنَعَ عِنَبًا فَصَنَعَ عِنَبًا رَدِيئًا. ۳ «وَالآنَ يَا سَكَّانَ أُورُشَلِيمَ وَرِجَالَ يَهُودَا، اخْكُمُوا بَيْنِي وَبَيْنَ كَرَمِي. ۴ مَاذَا يُصْنَعُ أَيْضًا لِكَرَمِي وَأَنَا لَمْ أَصْنَعْ لَهُ؟ لِمَاذَا إِذٍ انْتَظَرْتُ أَنْ يُصْنَعَ عِنَبًا، صَنَعَ عِنَبًا رَدِيئًا؟ ۵ فَالآنَ أَعْرِفُكُمْ مَاذَا أَصْنَعُ بِكَرَمِي: أَنْزِعُ سِيَاحَهُ فَيَصِيرُ لِلرَّغِي. أَهْدِمُ جُذْرَانَهُ فَيَصِيرُ لِلدَّوْسِ. ۶ وَأَجْعَلُهُ خَرَابًا لَا يُقْضَبُ وَلَا يُنْقَبُ، فَيَطْلُعُ شَوْكٌ وَحَسَكٌ. وَأُوصِي الْغَيْمَ أَنْ لَا يُمَطِّرَ عَلَيْهِ مَطَرًا». ۷ إِنَّ كَرَمَ رَبِّ الْجُنُودِ هُوَ بَيْتُ إِسْرَائِيلَ، وَغَرَسَ لَذَّتِهِ رِجَالَ يَهُودَا. فَانْتَظَرَ حَقًّا فَإِذَا سَفَكَ دَمًا، وَعَدَلًا فَإِذَا صُرَاخٌ.

۱ بگذارید سرود عاشقانه خویش را برای محبوبم بسرایم، سرودی در وصف تاکستانش: محبوب مرا تاکستانی بود بر دامن تپه‌ای حاصلخیز. ۲ او زمین آن را کند و آن را از سنگها زدود، و بهترین درختان انگور را در آن غرس کرد. برجی نیز در میانش ساخت، و چرخشتی در آن کند؛ آنگاه به انتظار نشست تا انگور بیاورد، اما انگور تلخ آورد. ۳ حال ای ساکنان اورشلیم و مردمان یهودا، میان من و تاکستانم حکم کنید. ۴ برای تاکستان من دیگر چه می‌شد کرد، که در آن نکردم؟ پس چرا چون منتظر انگور بودم، انگور تلخ آورد؟ ۵ حال به شما می‌گویم با تاکستان خود چه خواهم کرد: پرچین آن را بر خواهم داشت تا خورده شود، و دیوارش را فرو خواهم ریخت تا پایمال گردد. ۶ آن را ویرانه‌ای خواهم ساخت که نه هَرَس خواهد شد و نه علفهای هرز آن کنده خواهد گشت؛ و خار و خس در آن خواهد روید. ابرها را نیز حکم خواهم کرد که دیگر بر آن باران نبارانند. ۷ آری، تاکستان پروردگار لشکریان همان خاندان اسرائیل است، و مردمان یهود نهال دلپذیر اویند. او برای حق انتظار کشید، ولیکن خون‌ریزی دید؛ و برای عدالت انتظار کشید، ولیکن ناله و فریاد بود!

۸ وَيَلُ لِلَّذِينَ يَصِلُونَ بَيْتًا بَيْتًا، وَيَقْرُنُونَ حَقْلًا بِحَقْلٍ، حَتَّى لَمْ يَبْقَ مَوْضِعٌ. فَصِرْتُمْ تَسْكُنُونَ وَحَدَّكُمْ فِي وَسْطِ الْأَرْضِ. ۹ فِي أَذْنِيَّ قَالَ رَبُّ الْجُنُودِ: «أَلَا إِنَّ بَيْوتًا كَثِيرَةً تَصِيرُ خَرَابًا. بَيْوتًا كَبِيرَةً وَحَسَنَةً بِلَا سَاكِنٍ. ۱۰ لَأَنَّ عَشْرَةَ فِدَادِينَ كَرَمٍ تَصْنَعُ بَنًا وَاحِدًا، وَخَوْمَرٌ بِذَارٍ يُصْنَعُ إِيْفَةً».

داوری: ۸ وای بر شما که خانه بر خانه و مزرعه بر مزرعه می‌افزایید، تا آنگاه که مکانی باقی نماند و شما تنها صاحبان زمین در میان آن باشید! ۹ پروردگار لشکریان در گوش من گفت: «براستی که خانه‌های

بسیار منهدم خواهد شد؛ خانه‌های بزرگ و مجلل، خالی از سکنه خواهد گشت. ۱۰ از ده جریب تاکستان، تنها یک بت شراب حاصل خواهد شد، و از یک حومر تخم، تنها یک ایفه غله.»

۱۱ وَيْلٌ لِّلْمُبَكِّرِينَ صَبَاحًا يَتَّبِعُونَ الْمُسْكِرَ، لِّلْمُتَأَخِّرِينَ فِي الْعَتَمَةِ تُلْهِبُهُمُ الْخَمَرُ. ۱۲ وَصَارَ الْعُودُ وَالرَّبَابُ وَالذَّفُّ وَالنَّايُ وَالْخَمْرُ وَلَا يَمْنَعُهُمْ، وَإِلَى فَعْلِ الرَّبِّ لَا يَنْظُرُونَ، وَعَمَلُ يَدَيْهِ لَا يَرَوْنَ. ۱۳ لِذَلِكَ سُبِّي شَعْبِي لِعَدَمِ الْمَعْرِفَةِ، وَتَصِيرُ شَرْفَاؤُهُ رِجَالَ جُوعٍ، وَعَامَّتُهُ يَابِسِينَ مِنَ الْعَطَشِ. ۱۴ لِذَلِكَ وَسَّعَتِ الْهَاقِيَةُ نَفْسَهَا، وَفَعَرَتْ فَاهَا بِلَا حَدٍّ، فَيَنْزِلُ بِهَاؤُهَا وَجُمْهُورُهَا وَضَجِجُهَا وَالْمُبْتَهَجُ فِيهَا! ۱۵ وَيُذَلُّ الْإِنْسَانُ وَيُحْطُ الرَّجُلُ، وَعَيُّونُ الْمُسْتَغْلِينَ تَوْضَعُ. ۱۶ وَيَتَعَالَى رَبُّ الْجُنُودِ بِالْعَدْلِ، وَيَتَقَدَّسُ إِلَهُ الْقُدُّوسُ بِالْبِرِّ. ۱۷ وَتَرْعَى الْخِرْفَانُ حَيْثُمَا تُسَاقُ، وَخَرِبَ السَّمَانُ تَأْكُلُهَا الْغُرَبَاءُ.

۱۱ وای بر آنان که سحرگاهان برمی‌خیزند تا در پی مُسکرات روند، و شب تا دیرگاه بیدار می‌مانند تا شراب ایشان را گرم کند! ۱۲ در بزمهای ایشان بربط و چنگ است، و دف و نی و شراب؛ اما به کارهای خداوند نظر نمی‌کنند، و عمل دستهای او را نمی‌بینند. ۱۳ بنابراین، قوم من به سبب عدم معرفت به اسارت خواهند رفت؛ اشراف ایشان گرسنگی خواهند کشید، و عوام ایشان از تشنگی بی‌تاب خواهند شد. ۱۴ از این رو هاویه گلوی خود را گشادتر کرده، و دهان خویش را بی‌اندازه گشوده است؛ نجای اورشلیم و عوام آن، عربده‌کشان و وجدکنندگان آن، بدان فرو خواهند رفت. ۱۵ مردمان خم خواهند شد، و هر یک ذلیل خواهند گشت، و چشمان متکبران پست خواهد گردید. ۱۶ اما پروردگار لشکریان به انصاف عمل خواهد کرد، و الهه قدوس خویشان را به عدالت مقدس خواهد نمود. ۱۷ آنگاه گوسفندان هر کجا که خواستند خواهند چرید، و بره‌ها در میان ویرانه‌های دولتمندان خوراک خواهند خورد.

۱۸ وَيْلٌ لِّلْجَاذِبِينَ الْإِثْمِ بِحِبَالِ الْبُطْلِ، وَالْخَطِيئَةِ كَأَنَّهُ بِرِبْطِ الْعَجَلَةِ، ۱۹ الْقَائِلِينَ: «لَيْسَ عَمَلُهُ لِي كَيْ نَرَى، وَلِيَقْرُبُ وَيَأْتِ مَقْصَدُ قُدُّوسِ إِسْرَائِيلَ لِنَعْلَمَ». ۲۰ وَيْلٌ لِّلْقَائِلِينَ لِلشَّرِّ خَيْرًا وَلِلْخَيْرِ شَرًّا، الْجَاعِلِينَ الظَّلَامَ نُورًا وَالنُّورَ ظِلَامًا، الْجَاعِلِينَ الْمُرَّ حُلْوًا وَالْحُلْوَّ مُرًّا. ۲۱ وَيْلٌ لِّلْحُكَمَاءِ فِي أَغْنِي أَنْفُسِهِمْ، وَالْفُهَمَاءِ عِنْدَ ذَوَاتِهِمْ. ۲۲ وَيْلٌ لِّلْأَبْطَالِ عَلَى شُرْبِ الْخَمْرِ، وَلِذَوِي الْقُدْرَةِ عَلَى مَرْجِ الْمُسْكِرِ. ۲۳ الَّذِينَ يُبَرِّوْنَ الشَّرِيرَ مِنْ أَجْلِ الرِّشْوَةِ، وَأَمَّا حَقُّ الصِّدِّيقِينَ فَيَنْزِعُونَهُ مِنْهُمْ.

۱۸ وای بر آنان که شرارت را به ریسمانهای دروغ، و گناه را گویی به طناب ارابه می‌کشند؛ ۱۹ می‌گویند: «بگذارید بیاید و در کار خویش شتاب کند تا آن را ببینیم! بگذارید خواسته قدوس اسرائیل نزدیک آید؛ بگذارید بیاید تا آن را بدانیم!» ۲۰ وای بر کسانی که بدی را نیکی و نیکی را بدی می‌خوانند؛ وای بر آنان که ظلمت را در جای نور و نور را در جای ظلمت می‌نشانند؛ وای بر آنان که تلخی را در جای شیرینی و شیرینی را در جای تلخی می‌نهند! ۲۱ وای بر کسانی که در چشم خود حکیمند و در نظر خویش،

خردمند! ۲۲ وای بر آنان که پهلوانند، اما در شراب خواری! و قهرمانند، اما در آمیختن مُسکرات! ۲۳ آنان که مجرمان را به رشوه تبرئه می کنند و حق بی گناهان را از آنان دریغ می دارند.

۲۴ لِذَلِكَ كَمَا يَأْكُلُ لَهَيْبِ النَّارِ الْقَشَّ، وَيَهْبِطُ الْحَشِيشُ الْمُتَهَبُّ، يَكُونُ أَصْلُهُمْ كَالْعُقُونَةِ، وَيَصْعَدُ زَهْرُهُمْ كَالْغُبَارِ، لِأَنَّهُمْ رَذَلُوا شَرِيعَةَ رَبِّ الْجُنُودِ، وَاسْتَهَانُوا بِكَلَامِ قُدُّوسِ إِسْرَائِيلَ. ۲۵ مِنْ أَجْلِ ذَلِكَ حَمِيَ غَضَبُ الرَّبِّ عَلَى شَعْبِهِ، وَمَدَّ يَدَهُ عَلَيْهِ وَضَرَبَهُ، حَتَّى ارْتَعَدَتِ الْجِبَالُ وَصَارَتْ جُثَثُهُمْ كَالزَّبَلِ فِي الْأَرَقَةِ. مَعَ كُلِّ هَذَا لَمْ يَزِدَّ غَضَبُهُ، بَلْ يَدُهُ مَمْدُودَةٌ بَعْدُ.

۲۴ از این رو همان گونه که زبانه های آتش کاه را فرو می بلعد و علف خشک در شعله محو می شود، به همین سان ریشه ایشان خواهد گندید، و شکوفه ایشان چون دوده بالا خواهد رفت، زیرا شریعت پروردگار لشکریان را نپذیرفتند و کلام قدوس اسرائیل را خوار شمردند. ۲۵ بدین سبب، خشم خداوند بر قوم خویش افروخته می شود و دست خود را بر ایشان دراز کرده، مبتلایشان می سازد. کوهها به لرزه درمی آیند و اجساد مردگان چون فضولات بر معابر می افتد. با این همه، خشم او فرو ننشسته، و دست او همچنان دراز است.

۲۶ فَيَرْفَعُ رَايَةً لِلْأُمَمِ مِنْ بَعِيدٍ، وَيَصْفِرُ لَهُمْ مِنْ أَقْصَى الْأَرْضِ، فَإِذَا هُمْ بِالْعَجَلَةِ يَأْتُونَ سَرِيعًا. ۲۷ لَيْسَ فِيهِمْ رَازِحٌ وَلَا عَاثِرٌ. لَا يَنَعْسُونَ وَلَا يَنَامُونَ، وَلَا تَنَحَلُ خُزْمٌ أَحْقَائِهِمْ، وَلَا تَنْقَطِعُ سُبُورٌ أَخَذِيَّتِهِمْ. ۲۸ الَّذِينَ سِيَاهَمُهُمْ مَسْنُونَةٌ، وَجَمِيعُ قِسِيِّهِمْ مَمْدُودَةٌ. خَوَافِرُ خَيْلِهِمْ تُحْسَبُ كَالصَّوَانِ، وَبَكَرَاتُهُمْ كَالزَّوْبَعَةِ. ۲۹ لَهُمْ زَمَجَرَةٌ كَاللَّبْوَةِ، وَيُزَمَجِرُونَ كَالشَّبَلِ، وَيَهْرُونَ وَيُمْسِكُونَ الْفَرِيسَةَ وَيَسْتَحْلِصُونَهَا وَلَا مُنْقَذَ. ۳۰ يَهْرُونَ عَلَيْهِمْ فِي ذَلِكَ الْيَوْمِ كَهَدِيرِ الْبَحْرِ. فَإِنْ نَظَرَ إِلَى الْأَرْضِ فَهُوَ ذَا ظَلَامٍ الضِّيْقِ، وَالنُّورُ قَدْ أَظْلَمَ بِسُحْبِهَا.

۲۶ برای قومهای از دوردست بیرقی بر پا خواهد داشت، و برای آنان از کرانه های زمین آوازی ممتد خواهد زد؛ پس، ایشان به شتاب و به سرعت خواهند آمد. ۲۷ احدی از ایشان خسته نیست، و احدی نمی لغزد؛ احدی از ایشان نمی خسبد و به خواب نمی رود. کمر بند هیچ یک باز نشده و بند کفش هیچ یک پاره نگشته. ۲۸ تیرهای ایشان تیز است و کمانهایشان جملگی کشیده. سُم اسبان شان بسان سنگ خارا است و چرخ ارابه های شان همچون گردباد. ۲۹ غُرش ایشان همچون غرش شیر است، و چون شیران ژیان نعره سر می دهند. نعره زنان صید را گرفته، با خود می برند، و رهاننده ای نیست. ۳۰ بر آنان در آن روز خواهند غرید، بسان غرش دریا. در آن زمان چون کسی به زمین بنگرد آن را تنگ و تاریک خواهد دید، و نور به واسطه ابرهای آن تیره خواهد بود.^۸

^۸ سید احمد الحسن (ع): «وهذه الصفات أي لا ينامون... و... هي صفات أصحاب القائم (ع) كما في الروايات عن آل محمد (ع) فمن هو رافع الراية (فيرفع راية للأمم)؟! أي الذي يطلب البيعة ويجمع الأنصار للإمام المهدي (ع)

سفر اشعیا: الأصحاح السادس * ۱:۶-۱۳

۱ في سنة وفاة عزيا الملك، رأيت السيد جالسا على كرسي عال ومرفع، وأذباله تملأ الهيكل. ۲ السرافيم واقفون فوقه، لكل واحد ستة أجنحة، باثنین يُعطي وجهه، وباثنین يُعطي رجله، وباثنین يطير. ۳ وهذا نادى ذاك وقال: «قدوس، قدوس، قدوس رب الجنود. مجدده ملء كل الأرض». ۴ فاهتزت أساسات العتب من صوت الصارخ، وامتلأ البيت دخانا. ۵ فقلت: «ويل لي! إني هلك، لأنني إنسان نجس الشفتين، وأنا ساكن بين شعب نجس الشفتين، لأن عيني قد رأتا الملك رب الجنود». ۶ فطار إلي واحد من السرافيم وبجده جمره قد أخذها بملقط من على المذبح، ۷ ومس بها فمي وقال: «إن هذه قد مست شفتيك، فانتزع إثمك، وكفر عن خطيتك».

۱ در سالی که عزای پادشاه درگذشت، سیدی را دیدم که بر تختی بلند و رفیع نشسته بود و دامن ردایش معبد را پر ساخته بود. ۲ بر فراز او سرافین ایستاده بودند. هر یک از آنها شش بال داشت: با دو بال روی خود را می پوشانید، با دو بال پاهای خود را، و با دو بال نیز پرواز می کرد. ۳ هر یک از آنها به دیگری ندا در داده، می گفت: «قدوس، قدوس، قدوس است پروردگار لشکریان؛ تمامی زمین از جلال او مملو است.» ۴ پایه های آستانه از آوای او که ندا می کرد می لرزید و خانه از دود آکنده بود. ۵ پس گفتم: «وای بر من که هلاک شده ام! زیرا که مردی ناپاک لب هستم و در میان قومی ناپاک لب ساکنم، و چشمانم آن پادشاه، پروردگار لشکریان را دیده است!» ۶ آنگاه یکی از سرافین پرواز کنان نزد من آمد. او در دست خود آخگری داشت که با آنبر از مذبح برگرفته بود. ۷ با آن دهانم را لمس کرد و گفت: «هان، این لبانت را لمس کرده است؛ تقصیرت رفع شده و گناهت کفاره گشته است.»

۸ ثم سمعت صوت السيد قائلا: «من أرسل؟ ومن يذهب من أجلنا؟» فقلت: «هأنذا أرسلني». ۹ فقال: «ذهب وقل لهذا الشعب: اسمعوا سمعا ولا تفهموا، وأبصروا إبصارا ولا تعرفوا. ۱۰ غلط قلب هذا الشعب وثقل أذنيه وأطمس عينيه، لئلا يبصر بعينه ويسمع بأذنيه ويفهم بقلبه، ويرجع فيسقى». ۱۱ فقلت: «إلى متى أيها السيد؟» فقال: «إلى أن تصير المدين خربة بلا ساكن، والبيوت بلا إنسان، وتخرب الأرض وتقف، ويبيد الرب الإنسان، ويكثر الخراب في وسط الأرض. ۱۳ وإن بقي فيها عشر بعد، فيعود ويصير للخراب، ولكن كالبطمة والبلوط، التي وإن قطعت فلها ساق، يكون ساقه زرعاً مقدسا».

وعيسى وإيليا والخضر (ع)؛ (این ویژگیها یعنی نخوایدن و... و... ویژگی های اصحاب قائم (ع) است همچنان که در روایات از آل محمد (ع) نقل شده. پس چه کسی پرچم را بر می افرازد (فیرفع راية للأمام)؟ آری، او همان کسی است که از مردم طلب بیعت می کند و انصار امام مهدی (ع) و عیسی و ایلیا و خضر (ع) را جمع می کند.) جواب المنیر، جلد ۱، سوال: ۱۵

۸ آنگاه آوای سیدی را شنیدم که می گفت: «که را بفرستم و کیست که برای ما برود؟» گفتم: «لیک؛ مرا بفرست!» ۹ فرمود: «برو و به این قوم بگو: «همچنان بشنوید، اما نفهمید؛ همچنان ببینید، اما درک نکنید.» ۱۰ دل این قوم را سخت ساز، گوشهایشان را سنگین کن، و چشمانشان را ببند؛ مبادا با چشمان خود ببینند، و با گوشهای خود بشنوند، و با دلهای خویش بفهمند، پس باز گردند شفا یابند.» ۱۱ آنگاه پرسیدم: «سید، تا به کی؟» پاسخ آمد: «تا آنگاه که شهرها ویران گشته، از سکنه تهی شوند؛ و خانه‌ها بدون آدمی و زمین، خراب و ویران گردد. ۱۲ تا آنگاه که خداوند آدمیان را دور سازد، و در وسط زمین مکانهای متروک، بسیار گردد. ۱۳ حتی اگر یک‌دهم در آن باقی ماند، دیگر بار خراب خواهد شد؛ مانند درخت بلوط یا چنار، که چون قطع شود کنده‌اش باقی می ماند. کنده آن از زراعتی مقدس خواهد بود.»

سفر اشعیا: الأصحاح السابع * ۷:۱-۲۵

۱ وَحَدَّثَ فِي أَيَّامِ آحَازَ بْنِ يُوثَامَ بْنِ عَزِّيَا مَلِكِ يَهُودَا، أَنَّ رَصِينَ مَلِكَ أَرَامَ صَعَدَ مَعَ فَقَّحِ بْنِ رَمَلِيَا مَلِكِ إِسْرَائِيلَ إِلَى أُورُشَلِيمَ لِمُخَارَبَتِهَا، فَلَمْ يَقْدِرْ أَنْ يُخَارِبَهَا. ۲ وَأُخْبِرَ بَيْتُ دَاوُدَ وَقِيلَ لَهُ: «قَدْ حَلَّتْ أَرَامُ فِي أَفْرَايِمَ». فَزَجَفَ قَلْبُهُ وَقُلُوبُ شَعْبِهِ كَرَجَفَانَ شَجَرِ الْوَعْرِ قُدَّامَ الرِّيحِ. ۳ فَقَالَ الرَّبُّ لِإِسْعِيَاءَ: «اُخْرُجْ لِمُلَاقَاةِ آحَازَ، أَنْتَ وَشَارَ يَاشُوبَ ابْنُكَ، إِلَى طَرَفِ قَنَاةِ الْبَرَكَةِ الْعُلْيَا، إِلَى سِكَةِ حَقْلِ الْقَصَارِ، ۴ وَقُلْ لَهُ: اخْتَرِزْ وَاهْدَأْ. لَا تَخَفْ وَلَا يَضْعُفُ قَلْبُكَ مِنْ أَجْلِ ذَنبِي هَاتَيْنِ الشَّعْلَتَيْنِ الْمُدْخِنَتَيْنِ، بِحُمُومٍ غَضَبِ رَصِينَ وَأَرَامَ وَابْنِ رَمَلِيَا. ۵ لِأَنَّ أَرَامَ تَأَمَّرَتْ عَلَيْكَ بِشَرٍّ مَعَ أَفْرَايِمَ وَابْنِ رَمَلِيَا قَائِلَةً: ۶ نَصْعُدُ عَلَى يَهُودَا وَنَقْوِضُهَا وَنَسْتَفْتِحُهَا لَأَنْفُسِنَا، وَنُتَمَلِّكَ فِي وَسْطِهَا مَلِكًا، ابْنُ طَبْيِيلَ. ۷ هَكَذَا يَقُولُ السَّيِّدُ الرَّبُّ: لَا تَقُومُ! لَا تَكُونُ! ۸ لِأَنَّ رَأْسَ أَرَامَ دِمَشْقَ، وَرَأْسَ دِمَشْقَ رَصِينُ. وَفِي مُدَّةِ خَمْسٍ وَسِتِّينَ سَنَةً يَنْكَسِرُ أَفْرَايِمُ حَتَّى لَا يَكُونَ شَعْبًا. ۹ وَرَأْسُ أَفْرَايِمَ السَّامِرَةُ، وَرَأْسُ السَّامِرَةِ ابْنُ رَمَلِيَا. إِنْ لَمْ تُؤْمِنُوا فَلَا تَأْمِنُوا».

۱ در ایام آحاز، پسر یوتام پسر عزیا، پادشاه یهودا، رصین پادشاه آرام و فقح پسر رملیا پادشاه اسرائیل به اورشلیم برآمدند تا با آن بجنگند، اما نتوانستند بر آن حمله آورند. ۲ چون به خاندان داوود خبر رسید که آرام با افرایم متفق شده است، دل آحاز و دل قومش بلرزید، چنانکه درختان جنگل از باد می لرزید. ۳ آنگاه خداوند به اشعیا گفت: «تو و پسر ت شعیاریاشوب به انتهای جوی برکه بالایی که به جانب شاهراه مزرعه رختشویان است، به دیدار آحاز بیرون روید، ۴ و به او بگویید: «مراقب باش، آرام بگیر و مترس! دلت به سبب این دو گنده نیم سوخته دودافشان، یعنی به سبب خشم آتشین رصین و آرام و پسر رملیا، ضعف به هم نرساند. ۵ زیرا آرام، افرایم و پسر رملیا، به جهت زیان رساندن به تو تدبیر کرده، می گویند: ۶ «بیاید بر ضد یهودا برآییم و آن را فتح کرده، برای خود تسخیر نماییم و پسر طبییل را در آن به پادشاهی

نصب کنیم،» ۷ اما سید پروردگار می فرماید: «چنین نخواهد شد و این واقع نخواهد گردید. ۸ زیرا نهایت قدرت آرام، دمشق است و نهایت قدرت دمشق، رصین. و در عرض شصت و پنج سال، افرایم نیز چنان در هم خواهد شکست که دیگر قومی نخواهد بود. ۹ زیرا نهایت قدرت افرایم، سامره است و نهایت قدرت سامره، پسر رملیا. اگر در ایمان پایدار نباشید، استوار باقی نخواهید ماند.»

۱۰ ثُمَّ عَادَ الرَّبُّ فَكَلَّمَ آحَازَ قَائِلًا: ۱۱ «أَطْلُبْ لِنَفْسِكَ آيَةً مِنَ الرَّبِّ إِلَهِكَ. عَمَّقُ طَلَبَكَ أَوْ رَفَعَهُ إِلَى فَوْقِ». ۱۲ فَقَالَ آحَازُ: «لَا أَطْلُبُ وَلَا أَجْرِبُ الرَّبَّ». ۱۳ فَقَالَ: «اسْمَعُوا يَا بَيْتَ دَاوُدَ! هَلْ هُوَ قَلِيلٌ عَلَيْكُمْ أَنْ تُضْجِرُوا النَّاسَ حَتَّى تُضْجِرُوا إِلَهِي أَيْضًا؟ ۱۴ وَلَكِنْ يُعْطِيكُمْ السَّيِّدُ نَفْسَهُ آيَةً: هَا الْعَذْرَاءُ تَحْبِلُ وَتَلِدُ ابْنًا وَتَدْعُو اسْمَهُ «عِمَانُوئِيلَ». ۱۵ زُبْدًا وَعَسَلًا يَأْكُلُ مَتَى عَرَفَ أَنْ يَرْفُضَ الشَّرَّ وَيَخْتَارَ الْخَيْرَ. ۱۶ لِأَنَّهُ قَبْلُ أَنْ يَعْرِفَ الصَّبِيُّ أَنْ يَرْفُضَ الشَّرَّ وَيَخْتَارَ الْخَيْرَ، تَخْلَى الْأَرْضُ الَّتِي أَنْتَ خَاشٍ مِنْ مَلِكِيَّهَا».

۱۰ و خداوند بار دیگر آحاز را خطاب کرده، گفت: ۱۱ «از پروردگارت نشانه‌ای برای خود طلب کن؛ خواه ژرف به ژرفای هاویه، خواه بلند به بلندی آسمانها.» ۱۲ اما آحاز گفت: «نخواهم طلبید و خداوند را نخواهم آزمود.» ۱۳ آنگاه اشعیا گفت: «پس ای خاندان داوود، این را بشنوید! آیا کافی نیست که انسانها را به ستوه آورده‌اید که حال می‌خواهید خدای مرا نیز به ستوه آورید؟ ۱۴ اما خود سید به شما نشانه‌ای خواهد داد: اینک باکره آبستن شده، پسری خواهد زاد و او را عِمَانُوئیل نام خواهد نهاد. ۱۵ او خامه و عسل خواهد خورد تا آنگاه که دوری جستن از بدی و اختیار کردن خوبی را بدانند. ۱۶ اما پیش از آنکه پسریچه دوری جستن از بدی و اختیار کردن خوبی را بدانند، سرزمینی که شما از دو پادشاه آن هراسانید، متروک خواهد شد.

۱۷ يَجْلِبُ الرَّبُّ عَلَيْكَ وَعَلَى شَعْبِكَ وَعَلَى بَيْتِ أَبِيكَ، أَيَّامًا لَمْ تَأْتِ مِنْذُ يَوْمِ اغْتِزَالِ أَفْرَايِمَ عَنْ يَهُوذَا، أَيُّ مَلِكِ أَشُورَ. ۱۸ وَيَكُونُ فِي ذَلِكَ الْيَوْمِ أَنَّ الرَّبَّ يَصْفُرُ لِلذُّبَابِ الَّذِي فِي أَقْصَى تُرْعَ مِصْرَ، وَلِلنَّحْلِ الَّذِي فِي أَرْضِ أَشُورَ، ۱۹ فَتَأْتِي وَتَحِلُّ جَمِيعُهَا فِي الْأَوْدِيَةِ الْخَرِبَةِ وَفِي شُقُوقِ الصُّخُورِ، وَفِي كُلِّ غَابِ الشَّوْكِ، وَفِي كُلِّ الْمَرَاعِي. ۲۰ فِي ذَلِكَ الْيَوْمِ يَخْلُقُ السَّيِّدُ بِمُوسَى مُسْتَأْجَرَةً فِي عَبْرِ النَّهْرِ، بِمَلِكِ أَشُورَ، الرَّأْسَ وَشَعْرَ الرِّجْلَيْنِ، وَتَنْزِعُ اللَّحْيَةَ أَيْضًا. ۲۱ وَيَكُونُ فِي ذَلِكَ الْيَوْمِ أَنَّ الْإِنْسَانَ يَرْبِي عِجْلاً بَقَرٍ وَشَاتَيْنِ، ۲۲ وَيَكُونُ أَنَّهُ مِنْ كَثَرَةِ صُنْعِهَا اللَّبَنَ يَأْكُلُ زُبْدًا، فَإِنَّ كُلَّ مَنْ أُبْقِيَ فِي الْأَرْضِ يَأْكُلُ زُبْدًا وَعَسَلًا. ۲۳ وَيَكُونُ فِي ذَلِكَ الْيَوْمِ أَنَّ كُلَّ مَوْضِعٍ كَانَ فِيهِ أَلْفُ جَفْنَةٍ بِأَلْفٍ مِنَ الْوِصَّةِ، يَكُونُ لِلشَّوْكِ وَالْحَسَكِ. ۲۴ بِالسَّيِّهَامِ وَالْقَوْسِ يُؤْتَى إِلَى هُنَاكَ، لِأَنَّ كُلَّ الْأَرْضِ تَكُونُ شَوْكًا وَحَسَكًا. ۲۵ وَجَمِيعُ الْجِبَالِ الَّتِي تُنْقَبُ بِالْمِعْوَلِ، لَا يُؤْتَى إِلَيْهَا خَوْفًا مِنَ الشَّوْكِ وَالْحَسَكِ، فَتَكُونُ لِسَرْحِ الْبَقَرِ وَلِدَوَسِ الْغَنَمِ.

۱۷ خداوند بر تو و بر قوم تو و بر خاندانت چنان روزهایی خواهد آورد که از زمان جدا شدن افرایم از یهودا تا به حال نیامده باشد، یعنی روزهای پادشاه آشور را.» ۱۸ در آن روز خداوند برای مگس‌هایی که در انتهای نهرهای مصرند، و نیز برای زنبورهای که در سرزمین آشورند، آوازی خواهد زد، ۱۹ و آنها جملگی برآمده، در وادیهای پرشیب و شکاف صخره‌ها، و بر همه خاربوته‌ها و تمام آبگیرها مأوا خواهند گرفت. ۲۰ در آن روز سید به وسیله تیغی که از ماورای نهر اجیر می‌شود، یعنی به وسیله پادشاه آشور، موی سر و موی پاها را خواهد تراشید، و ریش هم زدوده خواهد شد. ۲۱ در آن روز، هر کس یک گاو جوان و دو گوسفند زنده نگاه خواهد داشت، ۲۲ و از فراوانی شیری که می‌دهند، خامه خواهد خورد، زیرا هر که در این سرزمین باقی مانده باشد، خامه و عسل خواهد خورد. ۲۳ در آن روز، هر مکانی که در آن هزار شاخه انگور به ارزش هزار مثقال نقره یافت می‌شد، پر از خار و خَس خواهد بود. ۲۴ مردم با تیر و کمان به آنجا خواهند رفت، زیرا که زمین یکسره از خار و خَس پوشیده خواهد بود. ۲۵ و اما در خصوص تمامی کوههایی که زمانی بر آن بیل زده می‌شد، شما از ترس خار و خَس به آنجا پا نخواهید نهاد، بلکه در آنجا چارپایان رها خواهند شد و گوسفندان آن را پایمال خواهند کرد.

سفر اِشَعْيَاءُ : الْأَصْحَاحُ الثَّامِنُ * ۸: ۱-۲۲

۱ وَقَالَ لِي الرَّبُّ: «خُذْ لِنَفْسِكَ لَوْحًا كَبِيرًا، وَاكْتُبْ عَلَيْهِ بِقَلَمٍ إِنْسَانٍ: لِمَهْيَرِ شَلَالٍ خَاشَ بَزَ. ۲ وَأَنْ أُشْهِدَ لِنَفْسِي شَاهِدَيْنِ أَمِينَيْنِ: أَوْرِيَّا الْكَاهِنَ، وَزَكَرِيَّا بْنَ يَبْرَحْيَا». ۳ فَأَقْتَرَبْتُ إِلَى النَّبِيِّ فَحَبَلْتُ وَوَلَدْتُ ابْنًا. فَقَالَ لِي الرَّبُّ: «ادْعُ اسْمَهُ مَهْيَرِ شَلَالٍ خَاشَ بَزَ. ۴ لِأَنَّهُ قَبْلَ أَنْ يَعْرِفَ الصَّبِيُّ أَنْ يَدْعُو: يَا أَبِي وَيَا أُمِّي، تُحْمَلُ ثَرَوَةٌ دِمَشْقَ وَغَنِيمَةُ السَّامِرَةِ قَدَّامَ مَلِكِ أَشُورَ».

۱ آنگاه خداوند مرا گفت: «لوحی بزرگ بگیر و با قلمی معمولی بر آن بنویس، 'مهیر شلال‌هاش بَز'، ۲ و من دو شاهد امین یعنی اوریا ی کاهن و زکریا فرزند یبرکیا را بر خود به شهادت می‌گیرم.» ۳ پس من با نیه‌ای هم‌بستر شدم، و او آبستن شده پسری بزاد. و خداوند به من گفت: «او را 'مهیر شلال‌هاش بَز' بنام. ۴ زیرا پیش از آنکه کودک بتواند 'پدرم' و 'مادرم' بگوید، ثروت دمشق و غنائم سامره را نزد پادشاه آشور به تاراج خواهند برد.»

۵ ثُمَّ عَادَ الرَّبُّ يُكَلِّمُنِي أَيْضًا قَائِلًا: ۶ «لَأَنَّ هَذَا الشَّعْبَ رَذَلَ مِيَاهَ شَيْلَوَةَ الْجَارِيَةِ بِسُكُوتٍ، وَسَرَّ بَرَصِينَ وَابْنِ رَمَلِيَا. ۷ لِذَلِكَ هُوَذَا السَّيِّدُ يُصْعِدُ عَلَيْهِمْ مِيَاهَ النَّهْرِ الْقَوِيَّةِ وَالْكَثِيرَةِ، مَلِكُ أَشُورَ وَكُلِّ مَجْدِهِ، فَيَصْعَدُ فَوْقَ جَمِيعِ مَجَارِيهِ وَيَجْرِي فَوْقَ جَمِيعِ شَطُوطِهِ، ۸ وَيَنْدَفِقُ إِلَى يَهُودَا. يَفِيضُ وَيَغْبِرُ. يَبْلُغُ الْعُنُقَ. وَيَكُونُ بَسْطُ جَنَاحِيهِ

مِلْءَ عَرْضِ بِلَادِكَ يَا عِمَّاْنُوئِيلُ^۹. ۹ هَيِّجُوا أَيُّهَا الشُّعُوبُ وَانْكَسِرُوا، وَأَصْغِي يَا جَمِيعَ أَقَاصِي الْأَرْضِ. اخْتَرِمُوا وَانْكَسِرُوا! اخْتَرِمُوا وَانْكَسِرُوا! ۱۰ تَشَاوَرُوا مَشُورَةً فَتَبْطُلَ. تَكَلِّمُوا كَلِمَةً فَلَا تَقُومُ، لِأَنَّ اللَّهَ مَعَنَا.

۵ سپس خداوند بار دیگر مرا خطاب کرده، گفت: ۶ «از آنجا که این قوم آبهای شیلواخ را که به آرامی رواند رد کرده‌اند، و از رصین و پسر رملیا شادمانند، ۷ بدین خاطر سید، آبهای نیرومند و فراوان نهر، یعنی پادشاه آشور را با تمامی شکوهش، بر آنها خواهد آورد. و آن بر تمامی آبراههای خود طغیان کرده، تمامی کناره‌هایش را خواهد پوشانید، ۸ و به جانب یهودا پیشروی خواهد کرد و سیلان کرده، تا به گردن خواهد رسید، و بالهای گشوده‌اش تمامی پهنه سرزمین تو را، ای عِمَّاْنُوئیل، پر خواهد ساخت.» ۹ ای قومها، گرد هم آید و در هم بشکنید! ای تمامی سرزمینهای دور، گوش فرا دهید! سلاح برگزید و در هم بشکنید! سلاح برگزید و در هم بشکنید! ۱۰ با هم مشورت کنید، اما باطل خواهد شد! سخنها گوید، اما استوار نخواهد شد! زیرا خدا با ماست.

۱۱ فَإِنَّهُ هَكَذَا قَالَ لِي الرَّبُّ بِشِدَّةِ الْيَدِ، وَأُنْذِرْتَنِي أَنْ لَا أَسْلُكَ فِي طَرِيقِ هَذَا الشَّعْبِ قَائِلًا: ۱۲ «لَا تَقُولُوا: فِتْنَةٌ لِكُلِّ مَا يَقُولُ لَهُ هَذَا الشَّعْبُ فِتْنَةً، وَلَا تَخَافُوا خَوْفَهُ وَلَا تَرْهَبُوا. ۱۳ قَدِّسُوا رَبَّ الْجُنُودِ فَهُوَ خَوْفُكُمْ وَهُوَ رَهْبَتُكُمْ. ۱۴ وَيَكُونُ مَقْدِسًا وَحَجَرُ صَدْمَةٍ وَصَخْرَةٌ عَثْرَةً لِيَيْتِي إِسْرَائِيلَ، وَقَحًا وَشَرَكًا لِسَكَّانِ أُورُشَلِيمَ. ۱۵ فَيَعْثُرُ بِهَا كَثِيرُونَ وَيَسْقُطُونَ، فَيَنْكَسِرُونَ وَيَعْلَقُونَ قَيْلَقُطُونَ».

ترس خدا: ۱۱ براستی خداوند در حالی که دست نیرومندش بر من بود، با من سخن گفت و مرا هشدار داد که از راه این مردمان پیروی نکنم. و گفت: ۱۲ «هر آنچه را این قوم دسیسه می‌خوانند، شما دسیسه مخوانید؛ از آنچه آنان می‌ترسند، شما مترسید، و در هراس م باشید. ۱۳ آن که باید مقدس شمارید، پروردگار لشکریان است؛ اوست که باید از او بترسید، و اوست که باید از او در هراس باشید. ۱۴ او برای شما مکان مقدس، اما برای هر دو خاندان اسرائیل، سنگی که سبب لغزش و صخره‌ای که موجب سقوط می‌گردد، خواهد بود. و برای ساکنان اورشلیم دام و تله‌ای خواهد بود. ۱۵ بسیاری بخاطر آن لغزش خواهند خورد؛ خواهند افتاد و صدمه خواهند دید، و به دام افتاده، گرفتار خواهند شد.»^۹

^۹ در مورد: سنگ لغزش و صخره سقوط، در اصحاح ۲۸ آیه ۱۶ کتاب اشعیا آمده است: «يَقُولُ السَّيِّدُ الرَّبُّ: هَآنَذَا أُوسِسُ فِي صِهْيُونٍ حَجَرًا، حَجَرٌ امْتِحَانٌ، حَجَرٌ زَاوِيَةٌ كَرِيمًا، أَسَاسًا مُؤَسَّسًا: مَنْ آمَنَ لَا يَهْرُبُ»؛ (سید پروردگار چنین می‌گوید: اینک در صهیون سنگی بنیاد می‌نهم، سنگ امتحان، و سنگ زاویه گرانها، که بنیانش چنین است: آن که ایمان آورد هراسان نخواهد شد). سید احمد الحسن (ع) در مورد این سنگ و اهمیت و جایگاه آن در ادیان الهی مطالب ارزشمندی را بیان نموده‌اند که بجهت اختصار مقداری از آن در اصحاح ۲۸ این کتاب آورده خواهد شد. ان شاء الله

۱۶ صُرَّ الشَّهَادَةُ. اخْتِمِ الشَّرِيعَةَ بِتَلَامِيذِي. ۱۷ فَاصْطَبِرْ لِلرَّبِّ السَّاتِرِ وَجْهَهُ عَنْ بَيْتِ يَعْقُوبَ وَأَنْتَظِرْهُ. ۱۸ هَانَذَا وَالْأَوْلَادُ الَّذِينَ أَعْطَانِيهِمُ الرَّبُّ آيَاتٍ، وَعَجَائِبَ فِي إِسْرَائِيلَ مِنْ عِنْدِ رَبِّ الْجُنُودِ السَّاكِنِ فِي جَبَلِ صِهْيُون. ۱۹ وَإِذَا قَالُوا لَكُمْ: «اطْلُبُوا إِلَى أَصْحَابِ التَّوَابِعِ وَالْعَرَّافِينَ الْمُشْفِقِينَ وَالْهَامِسِينَ». «أَلَا يَسْأَلُ شَعْبُ إِلَهِ؟ أَيْسَأَلُ الْمَوْتَى لِأَجْلِ الْأَحْيَاءِ؟» ۲۰ إِلَى الشَّرِيعَةِ وَإِلَى الشَّهَادَةِ. إِنْ لَمْ يَقُولُوا مِثْلَ هَذَا الْقَوْلِ فَلَيْسَ لَهُمْ فَجْرٌ! ۲۱ فَيَعْبُرُونَ فِيهَا مُضَائِقِينَ وَجَائِعِينَ. وَيَكُونُ حِينَمَا يَجُوعُونَ أَنَّهُمْ يَخْنَقُونَ وَيَسُبُّونَ مَلِكَهُمْ وَإِلَهُهُمْ وَيَلْتَفِتُونَ إِلَى فَوْقِ. ۲۲ وَيَنْظُرُونَ إِلَى الْأَرْضِ وَإِذَا شِدَّةٌ وَظُلْمَةٌ، فَتَأْمُ الضِّيْقِ، وَإِلَى الظَّلَامِ هُمْ مَطْرُودُونَ.

۱۶ شهادت را به هم پیچ، و شریعت را در میان شاگردانم مهر و موم کن. ۱۷ من به پروردگاری، که روی خود را از خاندان یعقوب پوشانیده است، انتظار خواهم کشید، و بر او امید خواهم بست. ۱۸ اینک من و فرزندان من که خداوند به من داده است، از جانب پروردگار لشکریان که در کوه صهیون ساکن است، به جهت اسرائیل نشانه و علامت هستیم. ۱۹ پس چون شما را گویند: «از مقلدین و عارفین و آنان که ورد می خوانند، سؤال کنید، بگویند: «آیا قوم نباید از خدای خود سؤال کنند؟ آیا برای زندگان باید از مردگان سؤال کرد؟» ۲۰ به شریعت و به شهادت روی ننمایید! اگر مطابق این کلام سخن نگویند، ایشان را گشایشی نیست. ۲۱ آنان گرسنه و در سختی بسیار در زمین خواهند گشت. هنگامی که گرسنه شوند، خشمگینانه به بالا خواهند نگرست و پادشاه و خدای شان را لعن خواهند کرد. ۲۲ و به زمین نظر خواهند کرد و آنرا تنگ و تاریک خواهند دید، و به تاریکی ها افکنده خواهند شد.

سفر اِشْعِيَاءَ: الْأَصْحَاحُ التَّاسِعُ * ۱:۹-۲۱

۱ وَلَكِنْ لَا يَكُونُ ظَلَامٌ لِّلَّتِي عَلَيْهَا ضِيقٌ. كَمَا أَهَانَ الزَّمَانُ الْأَوَّلُ أَرْضَ زَبُولُونَ وَأَرْضَ نَفْتَالِي، يُكْرِمُ الْآخِيرُ طَرِيقَ الْبَحْرِ، عَبْرَ الْأَرْدُنِّ، جَلِيلَ الْأُمَمِ. ۲ الشَّعْبُ السَّالِكُ فِي الظُّلْمَةِ أَبْصَرَ نُورًا عَظِيمًا. الْجَالِسُونَ فِي أَرْضِ ظِلَالِ الْمَوْتِ أَشْرَقَ عَلَيْهِمْ نُورٌ. ۳ أَكْثَرَتِ الْأُمَّةُ. عَظُمَتْ لَهَا الْفَرَحُ. يَفْرَحُونَ أَمَامَكَ كَالْفَرَحِ فِي الْخَصَادِ. كَالَّذِينَ يَنْتَهِيُونَ عِنْدَمَا يَقْتَسِمُونَ غَنِيمَةً. ۴ لِأَنَّ نِيرَ ثِقَلِهِ، وَعَصَا كَيْفِهِ، وَقَضِيبَ مُسَخِّرِهِ كَسَرْتَهُنَّ كَمَا فِي يَوْمِ مِثْيَانَ. ۵ لِأَنَّ كُلَّ سِلَاحِ الْمُسَلِّحِ فِي الْوَعَى وَكُلَّ رِدَاءٍ مُدْخَرٍ فِي الدِّمَاءِ، يَكُونُ لِلْخَرِيقِ، مَأْكَلاً لِلنَّارِ. ۶ لِأَنَّهُ يُؤَلِّدُ لَنَا وَلَدًا وَتُعْطَى ابْنًا، وَتَكُونُ الرِّيَّاسَةُ عَلَى كَيْفِهِ، وَيُدْعَى اسْمُهُ عَجِيئًا، مُشِيرًا، إِلَهًا قَدِيرًا، أَبًا أَبَدِيًّا، رَئِيسَ السَّلَامِ. ۷ لِنُمُو رِيَاسَتِهِ، وَلِلسَّلَامِ لَا نِهَآيَةَ عَلَى كُرْسِيِّ دَاوُدَ وَعَلَى مَمْلَكَتِهِ، لِيُثَبِّتَهَا وَيَعْصِدَهَا بِالْحَقِّ وَالْبِرِّ، مِنَ الْآنَ إِلَى الْأَبَدِ. غَيْرَةُ رَبِّ الْجُنُودِ تَصْنَعُ هَذَا.

۱ اما برای آن که در اندوه بود، دیگر ظلمت نخواهد بود. او در گذشته سرزمین زبولون و نفتالی را خوار ساخت، اما در زمان آینده، راه دریا، سرزمین فراسوی اردن، و جلیل ملتها را جلال خواهد بخشید. ۲ مردمی که در تاریکی گام برمی داشتند، نوری عظیم دیدند؛ و بر آنان که در سرزمین ظلمت غلیظ ساکن بودند، نوری تابید. ۳ تو قوم را پُر شمار ساختی و شادی ایشان را افزون گردانیدی. در حضور تو شادی خواهند کرد، همچون شادمانیِ وقت درو و مانند کسانی که هنگام تقسیم غنائم شادی می کنند. ۴ زیرا تو مانند روز شکست مدیان، یوغی را که حمل می کرد و عصایی را که برای پشتش بود یعنی چوب زندگان او را شکستی. ۵ زیرا هر چکمه جنگاوران در غوغای کارزار، و هر جامه آغشته به خون، چون هیزم آتش سوزانده خواهد شد. ۶ زیرا که برای ما کودکی زاده و پسری به ما بخشیده شد؛ سلطنت بر دوش او خواهد بود و او 'مشاور شگفت انگیز' و 'خدای قدیر' و 'پدر سرمدی' و 'سرور صلح' خوانده خواهد شد. ۷ افزونی فرمانروایی و صلح او را پایانی نخواهد بود، و او بر تخت داوود و بر قلمرو او حکمرانی خواهد کرد، و آن را به انصاف و عدالت، از حال تا به ابد، استوار خواهد ساخت و پایدار نگاه خواهد داشت. غیرت پروردگار لشکریان این را به انجام خواهد رسانید.

۸ أَرْسَلَ الرَّبُّ قَوْلًا فِي يَعْقُوبَ فَوْقَ فِي إِسْرَائِيلَ. ۹ فَيَعْرِفُ الشَّعْبُ كُلَّهُ، أَفْرَايِمَ وَسَكَانَ السَّامِرَةِ، الْقَائِلُونَ بِكِبْرِيَاءٍ وَبِعَظَمَةِ قَلْبٍ: ۱۰ «قَدْ هَبَطَ اللَّبْنُ فَنَبْنِي بِحِجَارَةٍ مِّنْخَوْتَةٍ. قُطِعَ الْجُمَيْزُ فَسَتَخْلِفُهُ بِأَرْزٍ». ۱۱ فَيَرْفَعُ الرَّبُّ أَحْصَامَ رَصِينٍ عَلَيْهِ وَيُهَيِّجُ أَعْدَاءَهُ: ۱۲ الْأَرَامِيِّينَ مِنْ قَدَامُ وَالْفِلِسْطِينِيِّينَ مِنْ وَرَاءُ، فَيَأْكُلُونَ إِسْرَائِيلَ بِكُلِّ أَلَمٍ. مَعَ كُلِّ هَذَا لَمْ يَرْتَدَّ غَضَبُهُ، بَلْ يَدُهُ مَمْدُودَةٌ بَعْدُ!

خشم خداوند بر اسرائیل: ۸ خداوندگار بر ضد یعقوب کلامی فرستاده است، که بر اسرائیل واقع خواهد شد. ۹ تمامی قوم آن را خواهند دانست، یعنی افرایم و ساکنان سامره که با غرور و با تکبر دل می گویند: ۱۰ «خشتها فرو افتاده است، ولی با سنگهای تراشیده از نو بنا خواهیم کرد. درختان انجیر قطع گردیده اند، ولی سروهای آزاد به جای آنها خواهیم کاشت.» ۱۱ از این رو خداوند دشمنان رصین را بر ضد آنان برمی افرازد، و خصمان ایشان را برمی انگیزد. ۱۲ آرامیان از شرق و فلسطینیان از غرب، بنی اسرائیل را با دهانی گشاده فرو می بلعند؛ با این همه، خشم او هنوز بر گردانیده نشده، و دست او همچنان دراز است.

۱۳ وَالشَّعْبُ لَمْ يَرْجِعْ إِلَى ضَارِبِهِ وَلَمْ يَطْلُبْ رَبَّ الْجُنُودِ. ۱۴ فَيَقْطَعُ الرَّبُّ مِنْ إِسْرَائِيلَ الرَّأْسَ وَالذَّنْبَ، النَّخْلَ وَالْأَسْلَ، فِي يَوْمٍ وَاحِدٍ. ۱۵ الشَّيْخُ وَالْمُعْتَبَرُ هُوَ الرَّأْسُ، وَالنَّبِيُّ الَّذِي يُعَلِّمُ بِالْكَذِبِ هُوَ الذَّنْبُ. ۱۶ وَصَارَ مُرْشِدُو هَذَا الشَّعْبِ مُضِلِّينَ، وَمُرْشَدُوهُ مُبْتَلِعِينَ. ۱۷ لِأَجْلِ ذَلِكَ لَا يَفْرَحُ السَّيِّدُ بِفِتْيَانِهِ، وَلَا يَرْحَمُ يَتَامَاهُ وَأَرَامِلَهُ، لِأَنَّ كُلَّ وَاحِدٍ مِنْهُمْ مُنَافِقٌ وَفَاعِلٌ شَرٍّ. وَكُلُّ فِيمِ مُتَكَلِّمٍ بِالْحَمَاقَةِ. مَعَ كُلِّ هَذَا لَمْ يَرْتَدَّ غَضَبُهُ، بَلْ يَدُهُ مَمْدُودَةٌ بَعْدُ!

۱۳ اما قوم نزد آن که ایشان را زده، بازگشت نکرده‌اند، و پروردگار لشکریان را نجسته‌اند. ۱۴ پس خداوند در یک روز هم سر و هم دم را از اسرائیل خواهد برید، و هم نخل و هم نی را در یک روز قطع خواهد کرد. ۱۵ مشایخ و اشراف 'سر' هستند، و انبیایی که تعلیم دروغ می‌دهند، 'دم'. ۱۶ راهنمایان این قوم آنان را گمراه می‌سازند، و پیروان ایشان سرگردان می‌شوند. ۱۷ از این رو سید از جوانان ایشان خشنود نیست، و بر یتیمان و بیوه‌زنانشان رحم نخواهد کرد، زیرا که جملگی خدانشناس و شیریند، و هر دهانی به قباحت سخن می‌گوید. با این همه، خشم او هنوز بر گردانیده نشده، و دست او همچنان دراز است.

۱۸ لَأَنَّ الْفُجُورَ يُحْرِقُ كَالنَّارِ، تَأْكُلُ الشَّوْكَ وَالْحَسَكَ، وَتُسْعِلُ غَابَ الْوَعْرِ فَتَلْتَفَّ عُمُودُ دُخَانٍ. ۱۹ بِسَخَطِ رَبِّ الْجُنُودِ تَحْرِقُ الْأَرْضُ، وَيَكُونُ الشَّعْبُ كَمَا كُلُّ النَّارِ. لَا يَشْفِقُ الْإِنْسَانُ عَلَى أَخِيهِ. ۲۰ يَلْتَهُمْ عَلَى الْيَمِينِ فَيَجُوعُ، وَيَأْكُلُ عَلَى الشَّمَالِ فَلَا يَشْبَعُ. يَأْكُلُونَ كُلُّ وَاحِدٍ لَحْمَ ذِرَاعِهِ: ۲۱ مَنَسَى أَفْرَايِمَ، وَأَفْرَايِمُ مَنَسَى، وَهُمَا مَعًا عَلَى يَهُودَا. مَعَ كُلِّ هَذَا لَمْ يَرْتَدَّ غَضَبُهُ، بَلْ يَدُهُ مَمْدُودَةٌ بَعْدُ!

۱۸ زیرا که شرارت همچون آتش می‌سوزاند و خار و خس را فرو می‌بلعد؛ بوته‌های جنگل را مشتعل می‌سازد، و آنها در ستونی از دود، پیچان بالا می‌روند. ۱۹ از خشم پروردگار لشکریان زمین سوخته می‌شود، و مردمان چون هیزم برای آتشند؛ کسی بر دیگری رحم نمی‌کند. ۲۰ در جانب راست فرو می‌بلعد، اما باز گرسنه‌اند؛ در جانب چپ می‌خورند، اما سیر نمی‌شوند؛ هر کس گوشت فرزند خود را خواهد خورد! ۲۱ منسی افرایم را فرو می‌بلعد و افرایم منسی را، و هر دو با هم بر یهودا حمله‌ور می‌شوند. با این همه، خشم او هنوز بر گردانیده نشده، و دست او همچنان دراز است.

سفر اِشَعْيَاءُ: الْأَصْحَاحُ الْعَاشِرُ * ۱:۱۰-۳۴

۱ وَيَلُ لِلَّذِينَ يَقْضُونَ أَقْضِيَةَ الْبُطْلِ، وَلِلْكَتَبَةِ الَّذِينَ يُسْجَلُونَ جَوْرًا ۲ لِيَصْذُوا الضُّعْفَاءَ عَنِ الْحُكْمِ، وَيَسْلُبُوا حَقَّ بَائِسِي شَعْبِي، لِيَتَكُونَ الْأَرَامِلُ غَنِيمَتَهُمْ وَيَنْهَبُوا الْأَيْتَامَ. ۳ وَمَاذَا تَفْعَلُونَ فِي يَوْمِ الْعِقَابِ، حِينَ تَأْتِي التَّهْلُكَةُ مِنْ بَعِيدٍ؟ إِلَى مَنْ تَهْرَبُونَ لِلْمَعُونَةِ، وَأَيْنَ تَتَرَكُونَ مَجْدُكُمْ؟ ۴ إِمَّا يَجْثُونَ بَيْنَ الْأَسْرَى، وَإِمَّا يَسْقُطُونَ تَحْتَ الْقَتْلِ. مَعَ كُلِّ هَذَا لَمْ يَرْتَدَّ غَضَبُهُ، بَلْ يَدُهُ مَمْدُودَةٌ بَعْدُ!

۱ وای بر آنان که احکام ناعادلانه وضع می‌کنند، و کاتبانی که قوانین ظالمانه رقم می‌زنند؛ ۲ تا بینوایان را از حقشان محروم کنند، و انصاف را از ستمدیدگان قوم من برابند؛ تا بیوه‌زنان را چپاول کنند، و یتیمان را غارت نمایند. ۳ پس شما در روز بازخواست چه خواهید کرد، آنگاه که مصیبت از دور فرا رسد؟ نزد که برای کمک خواهید گریخت، و ثروت خویش را کجا خواهید نهاد؟ ۴ غیر از آنکه چون اسیران خم شوید، و در میان کشتگان بیفتید. با این همه، خشم او هنوز بر گردانیده نشده، و دست او همچنان دراز است.

۵ «وَيْلٌ لِّأَشُورَ قَضِيبٍ غَضَبِي، وَالْعَصَا فِي يَدِهِمْ هِيَ سَخَطِي. ۶ عَلَى أُمَّةٍ مُنَافِقَةٍ أَرْسَلُهُ، وَعَلَى شَعْبٍ سَخَطِي أَوْصِيهِ، لِيَتَغَنَّمِ غَنِيمَةً وَيَنْهَبَ نَهْبًا، وَيَجْعَلَهُمْ مَدُوسِينَ كَطِينِ الْأَرْقَةِ. ۷ أَمَّا هُوَ فَلَا يَفْتَكِرُ هَكَذَا، وَلَا يَحْسِبُ قَلْبُهُ هَكَذَا. بَلْ فِي قَلْبِهِ أَنْ يُبِيدَ وَيَقْرَضَ أُمَّةً لَيْسَتْ بِقَلِيلَةٍ. ۸ فَإِنَّهُ يَقُولُ: أَلَيْسَتْ رُؤَسَائِي جَمِيعًا مُلُوكًا؟ ۹ أَلَيْسَتْ كَلْنُو مِثْلَ كَرَكَمِيشَ؟ أَلَيْسَتْ حَمَاةٌ مِثْلَ أَرْفَادَ؟ أَلَيْسَتْ السَّامِرَةُ مِثْلَ دِمَشَقَ؟ ۱۰ كَمَا أَصَابَتْ يَدِي مَمَالِكُ الْأَوْثَانِ، وَأَصْنَامُهَا الْمَنْحُوتَةُ هِيَ أَكْثَرُ مِنَ الَّتِي لِأُورُشَلِيمَ وَلِلْسَّامِرَةِ، ۱۱ أَفَلَيْسَ كَمَا صَنَعْتُ بِالسَّامِرَةِ وَبِأَوْثَانِهَا أَصْنَعُ بِأُورُشَلِيمَ وَأَصْنَامِهَا؟».

داوری خدا بر آشور: ۵ وای بر آشور، که عصای خشم من است، و چوب دست ایشان، غضب من است! ۶ او را بر ضد قوم خدانشناس می فرستم، و بر قوم مغضوب خود، مأمور می دارم؛ تا تاراج کند و غنیمت گیرد، و چون گل کوجه‌ها لگدمالشان کند. ۷ اما او قصد این ندارد، و در دل خویش چنین نمی اندیشد. مُراد دلش نابود کردن است، و منقطع ساختن قومهای بسیار. ۸ زیرا می گوید: «آیا سرداران من جملگی پادشاهان نیستند؟ ۹ آیا کَلْنُو همچون کَرَكَمِيش نیست، و نه حَمَات همچون اَرَفَاد؟ آیا سامره مانند دمشق نیست؟ ۱۰ چنانکه دست من بر ممالکِ بتهای بی ارزش استیلا یافت، ممالکی که بتهای تراشیده آنها از بتهای اورشلیم و سامره بزرگتر بودند، ۱۱ آری، چنانکه با سامره و بتهای بی ارزش آن عمل کردم، آیا با اورشلیم و بتهایش عمل نکنم؟»

۱۲ فَيَكُونُ مَتَى اكْمَلَ السَّيِّدُ كُلَّ عَمَلِهِ بِجَبَلِ صِهْيُونَ وَبِأُورُشَلِيمَ، أَنِّي أَغَاقِبُ ثَمَرَ عَظْمَةِ قَلْبِ مَلِكِ أَشُورَ وَفَخْرَ رِفْعَةِ عَيْنَيْهِ. ۱۳ لِأَنَّهُ قَالَ: «بِقُدْرَةِ يَدِي صَنَعْتُ، وَبِحُكْمَتِي. لِأَنِّي فَهِيمٌ. وَتَقَلْتُ تَخُومَ شُعُوبٍ، وَنَهَبْتُ ذَخَائِرَهُمْ، وَحَطَطْتُ الْمُلُوكَ كَبَطَلٍ. ۱۴ فَأَصَابَتْ يَدِي ثَرَوَةَ الشُّعُوبِ كَعُشٍّ، وَكَمَا يُجْمَعُ بَيْضُ مَهْجُورٍ، جَمَعْتُ أَنَا كُلَّ الْأَرْضِ، وَلَمْ يَكُنْ مَرْفَرٌ جَنَاحٍ وَلَا فَاتِحٌ فَمٍ وَلَا مُصَفِّفٌ». ۱۵ هَلْ تَفْتَخِرُ الْفَاسُ عَلَى الْقَاطِعِ بِهَآ، أَوْ يَتَكَبَّرُ الْمُنْشَارُ عَلَى مُرَدِّدِهِ؟ كَأَنَّ الْقَضِيبَ يُحَرِّكُ رَافِعَهُ! كَأَنَّ الْعَصَا تَرْفَعُ مَنْ لَيْسَ هُوَ عُودًا!

۱۲ پس چون سید کار خویش را به تمامی با کوه صهیون و اورشلیم به پایان بُرد، پادشاه آشور را به سبب تکبر دلش و غروری که از چشمان او می بارد، مجازات خواهد کرد. ۱۳ زیرا می گوید: «به قوت دست خود و به حکمت خویش چنین کردم، زیرا که فهیم هستم. مرزهای قومها را تغییر دادم، و خزائن ایشان را غارت کردم؛ همچون پهلوانی تخت نشینان را به زیر افکندم. ۱۴ چنانکه کسی دست خود را به آشیانه‌ای دراز می کند، همچنان دست من به دولت ممالک رسیده است؛ چنانکه کسی تخمهای متروک را برمی چیند، من نیز تمامی ممالک زمین را برچیدم؛ و کسی نیست که بالی بجنباند، یا دهان بگشاید و جیک بزند.» ۱۵ آیا تَبَر بر کسی که آن را به کار می برد فخر می فروشد، یا اره خود را بر کسی که آن را

می کشد برمی افرازد؟ گویی عصا او را که آن را به دست گرفته، بلند کند، یا چوبدستی او را که چوب نیست، حرکت دهد!

۱۶ لِذَلِكَ يُرْسِلُ السَّيِّدُ، سَيِّدُ الْجُنُودِ، عَلَى سِمَانِهِ هُزَالًا، وَيُوقِدُ تَحْتَ مَجْدِهِ وَقِيدًا كَوَقِيدِ النَّارِ. ۱۷ وَيَصِيرُ نُورٌ إِسْرَائِيلَ نَارًا وَقُدُّوسُهُ لَهِيْبًا، فَيُحْرِقُ وَيَأْكُلُ حَسَكَهُ وَشَوْكَهُ فِي يَوْمٍ وَاحِدٍ، ۱۸ وَيُقْنِي مَجْدَ وَغَرِهِ وَبُسْتَانِهِ، النَّفْسَ وَالْجَسَدَ جَمِيعًا. فَيَكُونُ كَذَوْبَانِ الْمَرِيضِ. ۱۹ وَبَقِيَّةُ أَشْجَارٍ وَغَرِهِ تَكُونُ قَلِيلَةً حَتَّى يَكْتَتِبَهَا صَبِيٌّ.

۱۶ بدین سبب سید، بزرگ لشکریان، بر جنگاوران تنومند او بیماری جانکاه خواهد فرستاد، و زیر جلال و شوکت او آتشی چون شعله فروزان افروخته خواهد شد. ۱۷ نور اسرائیل آتشی خواهد شد، و قدوس اسرائیل شعله‌ای، که خار و خسش را در یک روز سوزانده، به کام در خواهد کشید؛ ۱۸ شکوه جنگل و مزارع حاصلخیزش، همچون تحلیل رفتن شخص بیمار، در جسم و در روح نابود خواهد شد؛ ۱۹ و باقیمانده‌گان درختان جنگلش چنان کم‌شمار خواهند بود که حتی کودکانی آنها را مرقوم تواند داشت.^{۱۰}

۱۰ آشوری‌ها قدیم چون سرزمینشان حاصلخیز نبود باج‌گیری و دست‌اندازی به سرزمین‌های دیگر را در پیش گرفتند. نتیجتاً دولت آنان یک دولت حرفه‌ای جنگجو و متجاوز شد. اما در آخرالزمان شبیه آن را میتوان دولت دجال و آمریکای جنایتکار خواند که یکی از مصداقی آشور در آخرالزمان است، ولیکن از جوانب دیگر ملل خواهند بود که آنها را نیز می‌توان مصداقی از آشوریان آخرالزمان دانست، مللی که مورد مدح در قسمت‌هایی از بشارت‌های اشعیا قرار گرفته است، همانگونه که در روایات آخرالزمان بشارت‌های درباره مردمان مشرق زمین داده شده است، قسمتی از این بشارت‌ها در انتهای اصحاح نوزدهم کتاب اشعیا موجود است؛ «فِي ذَلِكَ الْيَوْمِ يَكُونُ إِسْرَائِيلُ ثُلَاثًا لِمِصْرَ وَلِأَشُورَ، بَرَكَةً فِي الْأَرْضِ»؛ (در آن روز، اسرائیل متحد سوم با مصر و آشور خواهد شد، و این سه در جهان مایهٔ برکت خواهند بود).

اما در مورد آمریکا و نهایت آن اندازهایی از سید احمدالحسن (ع) بیان شده، که بیان آن در این مقطع مناسب است. ایشان (ع) در مورد نهایت آمریکا می‌فرماید: «ونهاية أمريكا كما قال دانيال تدفع لوقيد النار إن شاء الله»؛ (و همان‌گونه که دانیال گفته آمریکا در نهایت در آتش خواهد سوخت انشاء الله). و در جای دیگر می‌فرماید: «سيدوسرها إنشاء الله مهدي هذه الأمة ع كما جاء في سفر دانيال نفسه»؛ (انشاء الله بزروی مهدی این امت (ع) آمریکا را پایمال خواهد کرد، همان‌گونه که در خود سفر دانیال آمده است). و در قسمت ششم از بیانیه نداء خطاب به (رئیس جمهور آمریکا بوش و یا کسی که جانشین او می‌شود)، می‌فرماید: «أنا من رأيته في منامك وستراني كثيراً، عليك إخراج قواتك العسكرية من بلاد المسلمين في الحال دون قيد أو شرط وإلا فبقوة الواحد الأحد الفرد الصمد أنا الذي سألقي أمريكا – الوحش الحديدي الذي أكل وداس كل الممالك على الأرض – إلى وقيد النار كما أخبر دانيال (ع) في التوراة وستعلم نبأ عما قليل وستعلم إن أميركا مدفوعة إلى يميني في ملكوت السماوات وسأسحقها إذا أذن الله»؛ (آن کسی که در رؤیای دیدی من هستم، و بزودی رؤیاهای بیشتری از من خواهی دید، بر تو واجب است که به سرعت نیروهای نظامیت را از سرزمین‌های اسلامی بدون هیچ‌گونه قید و شرطی خارج سازی و الاً بقدرت خداوند الواحد الأحد الفرد الصمد، من آن کسی خواهم بود که تازیانه‌های آتش را بر آمریکا – همان حیوان وحش آهینی که می‌خورد و با چکمه‌هایش تمام ممالک روی زمین را له می‌کند – فرود خواهد آورد، همان‌گونه که دانیال (ع) در تورات خبر داده است. و بزودی خواهی دانست خبر آنچه را که نزدیک است، و بزودی خواهی دانست که آمریکا از طرف راست من در

۲۰ وَيَكُونُ فِي ذَلِكَ الْيَوْمِ أَنَّ بَقِيَّةَ إِسْرَائِيلَ وَالنَّاجِينَ مِنْ بَيْتِ يَعْقُوبَ لَا يَعُودُونَ يَتَوَكَّلُونَ أَيْضًا عَلَى ضَارِبِهِمْ، بَلْ يَتَوَكَّلُونَ عَلَى الرَّبِّ قُدُّوسِ إِسْرَائِيلَ بِالْحَقِّ. ۲۱ تَرْجِعُ الْبَقِيَّةُ، بَقِيَّةُ يَعْقُوبَ، إِلَى اللَّهِ الْقَدِيرِ. ۲۲ لَأَنَّهُ وَإِنْ كَانَ شَعْبُكَ يَا إِسْرَائِيلُ كَرَمَلِ الْبَحْرِ تَرْجِعُ بَقِيَّةُ مِنْهُ. قَدْ قُضِيَ بِفَنَاءٍ فَائِضٍ بِالْعَدْلِ. ۲۳ لَأَنَّ السَّيِّدَ رَبَّ الْجُنُودِ يَصْنَعُ فَنَاءً وَقَضَاءً فِي كُلِّ الْأَرْضِ.

باقیمانده‌گان اسرائیل: ۲۰ در آن روز باقیمانده‌گان اسرائیل و بازمانده‌گان خاندان یعقوب، دیگر بر آن که ایشان را زده است توکل نخواهند کرد، بلکه بر پروردگار مقدس اسرائیل بحق توکل خواهند نمود. ۲۱ و باقیمانده‌گانی، یعنی باقیمانده‌گان یعقوب، به سوی خدای قدیر بازگشت خواهند کرد. ۲۲ زیرا هر چند قوم تو، ای اسرائیل، مانند شنهای دریا باشند، تنها باقیمانده‌گانی از ایشان بازگشت خواهند کرد. هلاکت مقدر است و به عدالت جاری خواهد گردید. ۲۳ زیرا سید، پروردگار لشکریان، به‌طور نهایی و قطعی در میان تمامی زمین داوری خواهد کرد.

۲۴ وَلَكِنْ هَكَذَا يَقُولُ السَّيِّدُ رَبُّ الْجُنُودِ: «لَا تَخَفْ مِنْ أَشُورَ يَا شَعْبِي السَّاكِنُ فِي صِهْيُونَ. يَضْرِبُكَ بِالْقَضِيبِ، وَيَرْفَعُ عَصَاهُ عَلَيْكَ عَلَى أُسْلُوبِ مِصْرَ. ۲۵ لَأَنَّهُ بَعْدَ قَلِيلٍ جِدًّا يَتِمُّ السَّخَطُ وَعَظَمِي فِي إِبَادَتِهِمْ». ۲۶ وَيُقِيمُ عَلَيْهِ رَبُّ الْجُنُودِ سَوَاطٍ، كَضَرْبَةِ مِذْيَانَ عِنْدَ صَخْرَةِ غُرَابٍ، وَعَصَاهُ عَلَى الْبَحْرِ، وَيَرْفَعُهَا عَلَى أُسْلُوبِ مِصْرَ. ۲۷ وَيَكُونُ فِي ذَلِكَ الْيَوْمِ أَنَّ حِمْلَهُ يَزُولُ عَنْ كَتِفِكَ، وَنِيرَهُ عَنْ عُنُقِكَ، وَيَتَلَفُ النَّيِّرُ بِسَبَبِ السَّمَانَةِ. ۲۸ قَدْ جَاءَ إِلَى عِيَاثَ. عَبَّرَ بِمَجْرُونٍ. وَضَعَ فِي مِخْمَاشَ أَمْتِعَتَهُ. ۲۹ عَبَّرُوا الْمَعْبَرَةَ. بَاتُوا فِي جَبْعٍ. ارْتَعَدَتِ الرَّأْمَةُ. هَرَبَتْ جَبْعَةُ شَاوُلَ. ۳۰ إِصْهَلِي بِصَوْتِكَ يَا بِنْتَ جَلِيمَ. اسْمَعِي يَا لَيْشَةَ. مِسْكِينَةٌ هِيَ عَنَاثُوثُ. ۳۱ هَرَبَتْ مَذْمِينَةُ. اخْتَمَى سَكَّانُ جَبِيبِمْ. ۳۲ الْيَوْمَ يَقِفُ فِي ثُوبٍ. يَهْزُ يَدُهُ عَلَى جَبَلٍ بِنْتَ صِهْيُونَ، أَكْمَةُ أُورُشَلِيمَ. ۳۳ هُوَذَا السَّيِّدُ رَبُّ الْجُنُودِ يَقْضِبُ الْأَغْصَانَ بِرُغْبٍ، وَالْمُرْتَفِعُو الْقَامَةِ يَقْطَعُونَ، وَالْمُتَشَامِخُونَ يَنْخَفِضُونَ. ۳۴ وَيَقْطَعُ غَابَ الْوَعْرِ بِالْحَدِيدِ، وَيَسْقُطُ لُبْنَانُ بِقَدِيرٍ.

۲۴ بدین جهت سید، پروردگار لشکریان می‌فرماید: «ای قوم من که در صهیون ساکنید از آشوریان مه‌راسید، آنگاه که شما را به چوب بزنند و چون (فرعون) مصر عصای خویش را بر شما برافرازند؛ ۲۵ زیرا پس از اندک ایامی، خشم من پایان خواهد یافت و غضب من به نابودی آنان معطوف خواهد شد. ۲۶ پروردگار لشکریان شلاقی بر ایشان بر خواهد انگیخت، چنانکه در شکستِ مدیان بر صخرهٔ 'عرب' کرد؛ و عصای او بر دریا خواهد بود، چنانکه آن را در مصر برافراشت. ۲۷ در آن روز، بار او از دوستان و یوغ او از گردنتان برگرفته خواهد شد؛ و آن یوغ از فربهی شما خواهد شکست.» ۲۸ به عیات رسیده‌اند، از

مغرون عبور کرده‌اند و اسباب خویش در مکماش نهاده‌اند. ۲۹ از گذرگاه عبور کرده، می‌گویند، «شب را در جِبع به سر بریم.» رامه بر خود می‌لرزد و اهل جبعه شائل، می‌گریزند. ۳۰ ای دختر جلیم فریاد برآور! ای کیشه، گوش فرا ده! و هم تو ای عناتوت فقیر! ۳۱ مَدَمَناه در حال فرار است، و اهل جیم پناه می‌جویند. ۳۲ همین امروز در نوب توقف خواهند کرد، و در برابر کوه دختر صهیون، یعنی کوه اورشلیم، مشیت تکان خواهند داد. ۳۳ اینک سید، پروردگار لشکریان، شاخه‌ها را با قدرتی ترسناک قطع خواهد کرد! بلندقامتان بریده خواهند شد، و بلندمرتبانان پست خواهند گردید. ۳۴ او بوته‌های جنگل را با آهن خواهد برید، و لبنان در برابر آن پرشکوه خواهد افتاد.

سفر اِشعیاء : الأصْحاحُ الحَادِیْ عَشَرَ * ۱۱:۱-۱۶

۱ وَیَخْرُجُ قَضِیبٌ مِنْ جِذْعِ یَسَى، وَیَنْبُتُ غُصْنٌ مِنْ أُصُولِهِ، ۲ وَیَحُلُّ عَلَيْهِ رُوحُ الرَّبِّ، رُوحُ الْحِکْمَةِ وَالْفَهْمِ، رُوحُ الْمَشُورَةِ وَالْقُوَّةِ، رُوحُ الْمَعْرِفَةِ وَمَخَافَةِ الرَّبِّ. ۳ وَلَذֵتُهُ تَكُونُ فِي مَخَافَةِ الرَّبِّ، فَلَا يَقْضِي بِحَسَبِ نَظَرِ عَيْنَيْهِ، وَلَا يَحْكُمُ بِحَسَبِ سَمْعِ أُذُنَيْهِ، ۴ بَلْ يَقْضِي بِالْعَدْلِ لِلْمَسَاكِينِ، وَيَحْكُمُ بِالْإِنْصَافِ لِلْبَائِسِی الْأَرْضِ، وَيَضْرِبُ الْأَرْضَ بِقَضِیبِ فَمِهِ، وَيُمِيتُ الْمُنَافِقَ بِنَفْخَةِ شَفْتَيْهِ. ۵ وَیَكُونُ الْبِرُّ مِنْطَقَةً مَتْنِيَةً، وَالْأَمَانَةُ مِنْطَقَةً حَقْوِيَّةً.

۱ نهالی از گنده یسا سر بر خواهد آورد، و شاخه‌ای از ریشه‌هایش میوه خواهد داد. ۲ روح خداوند بر او قرار خواهد یافت، روح حکمت و فهم، روح مشورت و قوت، روح معرفت و ترس خداوند. ۳ و لذت او در ترس خداوند خواهد بود. بر حسب آنچه به چشم بیند، داوری نخواهد کرد و بر وفق آنچه به گوش شنود، حکم نخواهد داد؛ ۴ بلکه بینویان را به عدالت داوری خواهد کرد، و برای ستمدیدگان زمین به انصاف حکم خواهد داد. جهان را به عصای دهانش خواهد زد، و شیران را به نفس لبهایش خواهد کشت. ۵ کمر بند او عدالت خواهد بود و شال کمرش، امانت.

۶ فَيَسْكُنُ الذِّئْبُ مَعَ الْخَرُوفِ، وَيَرْبُضُ النَّمِرُ مَعَ الْجَدْيِ، وَالْعَجْلُ وَالشَّيْبَلُ وَالْمُسَمَّنُ مَعًا، وَصَبِيٌّ صَغِيرٌ يَسُوقُهَا. ۷ وَالْبَقَرَةُ وَالذَّبَّةُ تَرْعَيَانِ. تَرْبُضُ أَوْلَادُهُمَا مَعًا، وَالْأَسَدُ كَالْبَقَرِ يَأْكُلُ تَبْنًا. ۸ وَيَلْعَبُ الرِّضِيعُ عَلَى سَرَبِ الصِّلِّ، وَيَمْدُّ الْفَطِيمُ يَدَهُ عَلَى جُحْرِ الْأَفْعَوَانِ. ۹ لَا يَسُوؤُونَ وَلَا يُفْسِدُونَ فِي كُلِّ جَبَلٍ قُدْسِي، لِأَنَّ الْأَرْضَ تَمْتَلِئُ مِنْ مَعْرِفَةِ الرَّبِّ كَمَا تَغْطِي الْمِيَاهُ الْبَحْرَ. ۱۰ وَیَكُونُ فِي ذَلِكَ الْيَوْمِ أَنَّ أَصْلَ یَسَى الْقَائِمَ رَايَةً لِلشُّعُوبِ، إِنَاءَهُ تَطْلُبُ الْأُمَمُ، وَیَكُونُ مَحَلُّهُ مَجْدًا. ۱۱ وَیَكُونُ فِي ذَلِكَ الْيَوْمِ أَنَّ السَّيِّدَ یُعِيدُ يَدَهُ ثَانِيَةً لِيَقْتَنِي بَقِيَّةَ شَعْبِهِ، الَّتِي بَقِيَتْ مِنْ أَشُورَ، وَمِنْ مِصْرَ، وَمِنْ فِتْرُوسَ، وَمِنْ كُوشَ، وَمِنْ عِيلَامَ، وَمِنْ شِنْعَارَ، وَمِنْ حَمَاةَ، وَمِنْ جَزَائِرِ الْبَحْرِ. ۱۲ وَیَرْفَعُ رَايَةً لِلْأُمَمِ، وَيَجْمَعُ مَنَفِيي إِسْرَائِيلَ، وَيَضُمُّ مُسْتَتِي يَهُودَا مِنْ أَرْبَعَةِ أَطْرَافِ الْأَرْضِ.

۶ گرگ با بره سکونت خواهد داشت، و پلنگ با بزغاله خواهد خوابید؛ گوساله و شیر و پرواری با هم به سر خواهند برد، و کودکی خردسال آنها را هدایت خواهد کرد. ۷ گاو با خرس خواهد چرید، و بچه‌های آنها با هم خواهند خوابید؛ و شیر چون گاو کاه خواهد خورد. ۸ طفل شیرخواره بر سوراخ مار بازی خواهد کرد، و طفل از شیر گرفته شده، دست در لانه افعی فرو خواهد برد. ۹ در تمامی کوه مقدس من هیچ آسیب و ویرانی نخواهد بود، زیرا چنانکه آبها دریا را می‌پوشاند، جهان از شناخت خداوند پر خواهد شد. ۱۰ در آن روز، ریشه یسا همچون عکمی برای قومها بر پا خواهد شد؛ و ملتها به او روی خواهند آورد، و استراحتگاه او پر جلال خواهد بود. ۱۱ در آن روز، سید برای بار دوم دست خود را دراز خواهد کرد تا باقیمانده‌گان قوم خویش را از آشور و مصر و فترس و کوش، و از عیلام و شِعار و حَمات، و از سواحل دریاها باز آورد. ۱۲ او برای قومها عکمی بر خواهد افراشت و رانده‌شدگان اسرائیل را گرد خواهد آورد، و پراکندگان یهودا را از چهار گوشه جهان جمع خواهد کرد.^{۱۱}

۱۳ فَيَزُولُ حَسَدُ أَفْرَايِمَ، وَيَنْقَرِضُ الْمُضَايِقُونَ مِنْ يَهُوذَا. أَفْرَايِمُ لَا يَحْسِدُ يَهُوذَا، وَيَهُوذَا لَا يُضَايِقُ أَفْرَايِمَ.
 ۱۴ وَيَنْقُضَانِ عَلَى أَكْتَفِ الْفِلِسْطِينِيِّينَ غَرْبًا، وَيَنْهَبُونَ بَنِي الْمَشْرِقِ مَعًا. يَكُونُ عَلَى أَدُومَ وَمُؤَابَ امْتِدَادُ يَدَيْهِمَا، وَبَنُو عَمُّونَ فِي طَاعَتِهِمَا. ۱۵ وَيُبِيدُ الرَّبُّ لِسَانَ بَحْرِ مِصْرَ، وَيَهْزُ يَدَهُ عَلَى النَّهْرِ بِقُوَّةِ رِيحِهِ، وَيَضْرِبُهُ إِلَى سَبْعِ سَوَاقٍ، وَيُجِيزُ فِيهَا بِالْأَخْذِيَّةِ. ۱۶ وَتَكُونُ سِكَّةٌ لِبَقِيَّةِ شَعْبِهِ الَّتِي بَقِيَتْ مِنْ أَشُورَ، كَمَا كَانَ لِإِسْرَائِيلَ يَوْمَ صُعُودِهِ مِنْ أَرْضِ مِصْرَ.

۱۳ حسد افرایم از میان خواهد رفت، و آنان که در یهودا دشمنی می‌ورزند، منقطع خواهند شد. آری، افرایم دیگر به یهودا حسد نخواهد برد، و یهودا با افرایم دشمنی نخواهد کرد. ۱۴ بلکه بر دامنه‌های فلسطین در غرب فرود خواهند آمد، و با هم بنی‌مشرق را غارت خواهند کرد. دست خویش را بر آدوم و مؤاب دراز خواهند کرد، و عمّونیان از ایشان فرمان خواهند برد. ۱۵ خداوند دهانه دریای مصر را نابود خواهد

^{۱۱} سید احمد الحسن (ع): «وهذه الأحداث كلها ملائمة للقيامة الصغرى ولم تحدث فيما مضى ولا تحدث إلا في دولة العدل الإلهي. أما يسى وهو في التوراة معروف انه والد نبي الله داوود (ع). وأم الإمام المهدي (ع) من ذرية داوود (ع). ...، فالإمام المهدي محمد بن الحسن العسكري (ع) من ذرية إسرائيل (يعقوب (ع)) من جهة الأم ومن ذرية محمد (ص) من جهة الأب. فيصدق عليه انه قضيب من جذع يسى؛ كما يصدق على المهدي الأول من المهديين الإثني عشر انه غصن يخرج من ذاك القضيب من جذع يسى لأنه من ذرية الإمام المهدي (ع)؛» (این حوادث با قیامت صغری مناسبت دارد و در گذشته اتفاق نیفتاده است و جز در دولت عدالت الهی اتفاق نمی‌افتد. اما یسی در تورات معروف است و او پدر داوود (ع) پیامبر خداست، و مادر امام مهدی (ع) از نوادگان و از نسل داوود (ع) است. ...، پس امام مهدی (ع) از ناحیه مادری جزء نوادگان اسرائیل (یعقوب) و از ناحیه پدری از نوادگان محمد (ص) به شمار می‌رود پس اینکه حضرت مهدی (ع) شاخه‌ای از یسی (از نسل یسی) است، درست است همانطوری که این مسأله بر مهدی اول از مهدیون دوازده گانه نیز صدق می‌کند چرا که او نیز شاخه‌ای از یسی است چون او از نوادگان امام مهدی (ع) است). جواب المنیر، جلد ۱، سوال: ۱۵

کرد، و دست خود را به بادی بر فُرات خواهد کشید. و آن را به هفت مَعْبَر تقسیم خواهد کرد، و مردمان را با نعلین از آن عبور خواهد داد! ۱۶ برای باقیمانده گان قوم شاهراهی خواهد بود، برای آنان که از آشور برجا مانده باشند، چنانکه برای اسرائیل بود آنگاه که از سرزمین مصر برآمدند.

سفر اِشعیاء: الأصْحاحُ الثَّانِي عَشَرَ * ۱۲:۱-۶

۱ وَتَقُولُ فِي ذَلِكَ الْيَوْمِ: «أَحْمَدُكَ يَا رَبُّ، لَأَنَّهُ إِذْ غَضِبْتَ عَلَيَّ ارْتَدَّ غَضَبُكَ فَتَعَزَّيْنِي. ۲ هُوَذَا اللَّهُ خَلَّصَنِي فَأَطْمَئِنُّ وَلَا أَرْتَعِبُ، لَأَنَّ يَاهُ يَهُوَهَ قُوَّتِي وَتَرْبِيمَتِي وَقَدْ صَارَ لِي خَلَاصًا». ۳ فَتَسْتَقُونَ مِيَاهًا بِفَرَحٍ مِنْ يَنَابِيعِ الْخَلَاصِ. ۴ وَتَقُولُونَ فِي ذَلِكَ الْيَوْمِ: «أَحْمَدُوا الرَّبَّ. ادْعُوا بِاسْمِهِ. عَرِّفُوا بَيْنَ الشُّعُوبِ بِأَفْعَالِهِ. ذَكِّرُوا بِأَنَّ اسْمَهُ قَدْ تَعَالَى. ۵ رَمُّوا لِلرَّبِّ لَأَنَّهُ قَدْ صَنَعَ مُفْتَخَرًا. لِيَكُنْ هَذَا مَعْرُوفًا فِي كُلِّ الْأَرْضِ. ۶ صَوْتِي وَاهْتِفِي يَا سَاكِنَةُ صِهْيُونُ، لَأَنَّ قُدُّوسَ إِسْرَائِيلَ عَظِيمٌ فِي وَسْطِكَ».

۱ در آن روز خواهی گفت: «(أَحْمَدُكَ يَا رَبُّ) خداوندا تو را سپاس می گویم، زیرا هرچند بر من غضبناک بودی، اما غضبت برگردانیده شده، مرا تسلی می دهی. ۲ اینک خداست نجات من؛ بر او توکل کرده، نخواهم ترسید. زیرا خداوند یهوه قوت و سرود من است؛ او نجات من گردیده است!» ۳ پس با شادمانی از چشمه های نجات آب خواهید کشید، ۴ و در آن روز خواهید گفت: «خداوند را سپاس گوئید، و نام او را بخوانید؛ کارهای او را در میان قومها بشناسانید، و اعلام کنید که نام او متعال است!» ۵ «برای خداوند بسرایید، زیرا کارهای عظیم کرده است؛ باشد که این در تمامی جهان معروف گردد. ۶ ای که در صهیون ساکنی، فریاد برآور و بانگ شادی سر ده، زیرا که قدوس اسرائیل در میان شما عظیم است.»

سفر اِشعیاء: الأصْحاحُ الثَّالِثُ عَشَرَ * ۱۳:۱-۲۲

۱ وَخِي مِنْ جِهَةِ بَابِلَ رَأَى إِشْعِيَاءُ بْنُ أَمُوصَ: ۲ أَقِيمُوا رَايَةً عَلَى جَبَلٍ أَقْرَعَ. ارْفَعُوا صَوْتًا إِلَيْهِمْ. أَشِيرُوا بِالْيَدِ لِيَدْخُلُوا أَبْوَابَ الْعَتَاةِ. ۳ أَنَا أَوْصَيْتُ مُقَدَّسِيَّ، وَدَعَوْتُ أَبْطَالِي لِأَجْلِ غَضَبِي، مُفْتَخِرِي عَظَمَتِي. ۴ صَوْتُ جُمْهُورٍ عَلَى الْجِبَالِ شِبْهُ قَوْمٍ كَثِيرِينَ. صَوْتُ ضَجِيجِ مَمَالِكٍ أُمَمٍ مُجْتَمِعَةٍ. رَبُّ الْجُنُودِ يَعْزُضُ جَيْشَ الْحَرْبِ. ۵ يَأْتُونَ مِنْ أَرْضٍ بَعِيدَةٍ، مِنْ أَقْصَى السَّمَاوَاتِ، الرَّبُّ وَأَدْوَاتُ سَخَطِهِ لِيُخْرِبَ كُلَّ الْأَرْضِ. ۶ وَلَوْلَا لَأَنَّ يَوْمَ الرَّبِّ قَرِيبٌ، قَادِمٌ كَخَرَابٍ مِنَ الْقَادِرِ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ. ۷ لِذَلِكَ تَرْتَخِي كُلُّ الْأَيَادِي، وَيَذُوبُ كُلُّ قَلْبٍ إِنْسَانٍ. ۸ فَيَرْتَاعُونَ. تَأْخُذُهُمْ أَوْجَاعٌ وَمَخَاضٌ. يَتَلَوَّنُونَ كَوَالِدَةٍ. يَبْهَتُونَ بَعْضُهُمْ إِلَى بَعْضٍ. وَجُوهُهُمْ لَوُجُهُ لَهَيْبٍ.

۱ وحی دربارهٔ بابل که اشعیا پسر آموص دید: ۲ بیرقی بر کوهی بی درخت بر پا کنید؛ آواز خود را به جانب ایشان بلند نمایید. با دست اشاره کنید، تا به دروازه‌های نُجَبَا داخل شوند. ۳ من خود به برگزیدگان خویش فرمان داده‌ام، و جنگاورانم را که با افتخار وجد می‌کنند، به جاری ساختن غضبم فرا خوانده‌ام. ۴ صدای مهممه بر کوهها، بسان غوغای جماعتی عظیم، صدای غوغای ممالک، غوغای قومهایی که گرد هم آمده باشند. پروردگار لشکریان، لشکر را برای جنگ سان می‌بیند. ۵ آنان از سرزمین دوردست و از فراسوی افق می‌آیند؛ خداوند با اسلحهٔ خشم خود می‌آید تا تمامی زمین را ویران کند. ۶ شیون کنید، زیرا که روز خداوند نزدیک است، و مانند هلاکتی از جانب قادر مطلق می‌آید. ۷ از این رو همهٔ دستها سست خواهد شد، و دل‌های همگان گداخته خواهد گشت. ۸ وحشت ایشان را فرو خواهد گرفت، و درد و عذاب بر ایشان عارض خواهد شد؛ همچون زنی که می‌زاید، درد خواهند کشید. با چهره‌هایی برافروخته، بُهت‌زده یکدیگر را خواهند نگریست.

۹ هُوَذَا يَوْمُ الرَّبِّ قَادِمٌ، قَاسِيًا بِسَخَطٍ وَحُمُوٍّ غَضَبٍ، لِيَجْعَلَ الْأَرْضَ خَرَابًا وَيُبِيدَ مِنْهَا خُطَايَاهَا. ۱۰ فَإِنَّ نُجُومَ السَّمَاوَاتِ وَجَبَابِرَتَهَا لَا تَبْرِزُ نُورَهَا. تُظْلِمُ الشَّمْسُ عِنْدَ طُلُوعِهَا، وَالْقَمَرُ لَا يَلْمَعُ بِضَوُّهُ. ۱۱ وَأَعَاقِبُ الْمَسْكُونَةِ عَلَى سِرِّهَا، وَالْمُنَافِقِينَ عَلَى إِثْمِهِمْ، وَأَبْطُلُ تَعْظُمَ الْمُسْتَكْبِرِينَ، وَأَضَعُ تَجَبَّرَ الْعَنَاقِ. ۱۲ وَأَجْعَلُ الرَّجُلَ أَعَزَّ مِنَ الذَّهَبِ الْإِبْرِيذِ، وَالْإِنْسَانَ أَعَزَّ مِنْ ذَهَبِ أَوْفِيرٍ. ۱۳ لِذَلِكَ أُرْزِلُ السَّمَاوَاتِ وَتَتَزَعَّزُعُ الْأَرْضُ مِنْ مَكَانِهَا فِي سَخَطِ رَبِّ الْجُنُودِ وَفِي يَوْمِ حُمُوٍّ غَضَبِهِ. ۱۴ وَيَكُونُونَ كَطَبْئِي طَرِيدٍ، وَكَنَعَمٍ بِلَا مَنْ يَجْمَعُهَا. يَلْتَفِتُونَ كُلُّ وَاحِدٍ إِلَى شَعْبِهِ، وَيَهْرُبُونَ كُلُّ وَاحِدٍ إِلَى أَرْضِهِ. ۱۵ كُلُّ مَنْ وَجِدَ يُطْعَنُ، وَكُلُّ مَنْ انْخَاشَ يَسْقُطُ بِالسَّيْفِ. ۱۶ وَتَحْطُمُ أَطْفَالُهُمْ أَمَامَ عُيُونِهِمْ، وَتَنْهَبُ بُيُوتُهُمْ وَتَفْضَحُ نِسَاؤُهُمْ.

۹ اینک روز خداوند می‌آید! روز قساوت، غضب و خشم آتشین، تازمین را ویرانه‌ای سازد و گنهکاران را در آن هلاک کند. ۱۰ براستی که ستارگان آسمان و صُور فلکی‌شان، روشنایی خود را نخواهند داد؛ آفتاب در وقت طلوع خود تاریک خواهد شد، و ماه نور خود را نخواهد تابانید. ۱۱ آری، من جهان را به سبب شرارتش، و بدکاران را به سبب تقصیرشان سزا خواهم داد. غرور متکبران را زائل خواهم کرد، و نَحْوَتِ ستمگران را پست خواهم ساخت. ۱۲ مرد را از طلای خالص، و انسانها را از طلای اوفیر کمیاب‌تر خواهم ساخت. ۱۳ پس آسمانها را به لرزه در خواهم آورد، و زمین از جای خود خواهد جنبید، به هنگام غضب پروردگار لشکریان و در روزِ حِدَّتِ خشم او! ۱۴ هر کس همچون غزالِ رانده شده، و گله‌ای که کسی آن را جمع نکند، به سوی قوم خود توجه خواهد کرد، و به سرزمین خویش خواهد گریخت. ۱۵ هر که یافت شود به نیزه کشته خواهد شد، و هر که گرفتار آید به شمشیر خواهد افتاد. ۱۶ کودکان آنها در برابر چشمشان بر زمین کوفته خواهند شد؛ خانه‌هایشان تاراج و همسرانشان بی عصمت خواهند گشت.

۱۷ هَانَذَا أَهَيَّجُ عَلَيْهِمُ الْمَادِيَّينَ الَّذِينَ لَا يَعْتَدُونَ بِالْفِضَّةِ، وَلَا يُسَرُّونَ بِالذَّهَبِ، ۱۸ فَتَحْطِمُ الْقِيسِيُّ الْقِتْيَانِ، وَلَا يَرْحَمُونَ ثَمَرَةَ الْبُطْنِ. لَا تُشْفِقُ عُيُونُهُمْ عَلَى الْأَوْلَادِ. ۱۹ وَتَصِيرُ بَابِلُ، بَهَاءُ الْمَمَالِكِ وَزِينَةُ فَخْرِ الْكِلْدَانِيِّينَ، كَتَقْلِبِ اللَّهِ سُدُومَ وَعَمُورَةَ. ۲۰ لَا تُعْمَرُ إِلَى الْأَبَدِ، وَلَا تُسْكَنُ إِلَى دَوْرٍ قَدُورٍ، وَلَا يُخِيمُ هُنَاكَ أَعْرَابِيٌّ، وَلَا يُرْبِضُ هُنَاكَ رُعَاةٌ، ۲۱ بَلْ تَرْثِضُ هُنَاكَ وَحُوشُ الْقَفْرِ، وَيَمْلَأُ الْيَوْمُ بُيُوتَهُمْ، وَتُسْكَنُ هُنَاكَ بَنَاتُ النَّعَامِ، وَتَرْفُصُ هُنَاكَ مَعَزُ الْوَحْشِ، ۲۲ وَتَصِيحُ بَنَاتُ أَوَى فِي قُصُورِهِمْ، وَالذِّئَابُ فِي هَيَاكِلِ التَّنْعَمِ، وَوَقْتُهَا قَرِيبُ الْمَجِيءِ وَأَيَّامُهَا لَا تَطُولُ.

۱۷ اینک من مادیین را بر آنان بر خواهم انگیخت، که نقره را به چیزی نمی شمارند و به طلا رغبتی ندارند. ۱۸ کمانهایشان مردان جوان را بر زمین خواهد دوخت؛ بر اطفال رحم نخواهند کرد، و چشمشان بر کودکان شفقت نخواهد داشت. ۱۹ و بابل که جلال ممالک و مایه فخر کلدانیان است، همچون سدوم و عموره به دست خدا واژگون خواهد گردید. ۲۰ دیگر هرگز آباد نخواهد شد، و نسل اندر نسل مسکون نخواهد گردید. اعراب در آنجا خیمه نخواهند زد، و شبانان گله‌های خویش را در آنجا نخواهند خوابانید. ۲۱ بلکه وحوش صحرا در آنجا خواهند خوابید، و خانه‌های ایشان از حیواناتی که زوزه می کشند پر خواهد شد. شترمرغان در آنجا ساکن خواهند شد، و دیوها در آنجا خواهند رقصید؛ ۲۲ گفتارها در قلعه‌هایش صدا خواهند زد، و شغالان در قصرهای باشکوهش زوزه خواهند کشید. زمان او به‌زودی فرا خواهد رسید، و روزهایش بیش از این نخواهد پایید.^{۱۲}

سفر اِشعَیاء: الْأَصْحَاحُ الرَّابِعُ عَشَرَ * ۱:۱۴-۳۲

۱ لَأَنَّ الرَّبَّ سَيَرْحَمُ يَعْقُوبَ وَيَخْتَارُ أَيْضًا إِسْرَائِيلَ، وَيُريحُهُمْ فِي أَرْضِهِمْ، فَتَقْتَرِنُ بِهِمُ الْغُرَبَاءُ وَيَنْضَمُّونَ إِلَى بَيْتِ يَعْقُوبَ. ۲ وَبِأُخْذِهِمْ شُعُوبٌ وَيَأْتُونَ بِهِمْ إِلَى مَوْضِعِهِمْ، وَيَمْتَلِكُهُمْ بَيْتُ إِسْرَائِيلَ فِي أَرْضِ الرَّبِّ عَبِيدًا وَإِمَاءً، وَيَسْبُونَ الَّذِينَ سَبَوْهُمْ وَيَسْلَطُونَ عَلَى ظَالِمِيهِمْ.

۱ زیرا خداوند بر یعقوب رحم خواهد کرد. او دیگر بار اسرائیل را برگزیده، ایشان را در زمینشان قرار خواهد بخشید. غریبان بدیشان پیوسته، خود را به خاندان یعقوب خواهند چسبانید. ۲ قومها ایشان را برگرفته، به مکان خودشان خواهند آورد، و خاندان اسرائیل آنان را در زمین خداوند همچون غلام و کنیز

^{۱۲} سید احمد الحسن (ع): «إِنَّ التَّلاَحِمَ فِي آخِرِ الزَّمَانِ سَتَكُونُ فِي الشَّرْقِ، وَفِي الْعِرَاقِ بِالْخُصُوصِ كَمَا ذَكَرْتُ رُؤْيَا يُوْحَنَّا، وَسَمَتُ الْعِرَاقَ (بَابِلَ الْعَظِيمَةَ)»؛ (ملاحم آخر الزمان در مشرق و بخصوص در عراق خواهد بود، همانگونه که در رؤیا یوحنا یاد شده و عراق را (بابل عظیم) نامید). رسالة الهداية

به ملکیت در خواهند آورد. ایشان اسیر کنندگان خود را اسیر خواهند ساخت، و بر آنان که بر ایشان ستم روا داشتند، حکم خواهند راند.

۳ وَيَكُونُ فِي يَوْمٍ يُرِيحُكَ الرَّبُّ مِنْ تَعَبِكَ وَمِنْ انْزِعَاجِكَ، وَمِنْ الْعُبُودِيَّةِ الْقَاسِيَةِ الَّتِي اسْتُعِيدْتَ بِهَا، ٤ أَنْتَ تَنْطِقُ بِهَذَا الْهَجْوِ عَلَى مَلِكِ بَابِلَ وَتَقُولُ: «كَيْفَ بَادَ الظَّالِمُ، بَادَتِ الْمُعْطَرِسَةُ؟ ٥ قَدْ كَسَرَ الرَّبُّ عَصَا الْأَشْرَارِ، قَضَيْبَ الْمُتَسَلِّطِينَ. ٦ الضَّارِبُ الشُّعُوبَ بِسَخَطٍ، ضَرْبَةً بِلَا قُتُورٍ. الْمُتَسَلِّطُ بِغَضَبٍ عَلَى الْأُمَمِ، بِاضْطِهَادٍ بِلَا إِمْسَاكِ. ٧ اسْتِرَاحَتْ، اطْمَأْنَنْتْ كُلُّ الْأَرْضِ. هَتَفُوا تَرْتَمًا. ٨ حَتَّى السَّرُّو يُفْرَحَ عَلَيْكَ، وَأَزُرُّ لُبْنَانَ قَائِلًا: مُنْذُ اضْطَجَعْتَ لَمْ يَصْعَدْ عَلَيْنَا قَاطِعٌ. ٩ الْهَاقِيَةُ مِنْ أَسْفَلٍ مُهْتَزَّةٌ لَكَ، لاسْتِقْبَالَ قُدُومِكَ، مُنْهَضَةٌ لَكَ الْأَخِيْلَةُ، جَمِيعُ عِظَمَاءِ الْأَرْضِ. أَقَامَتْ كُلُّ مُلُوكِ الْأُمَمِ عَنْ كُرَاسِيهِمْ. ١٠ كُلُّهُمْ يُجِيبُونَ وَيَقُولُونَ لَكَ: أَنْتَ أَيْضًا قَدْ ضَعُفْتَ نَظِيرَنَا وَصِرْتَ مِثْلَنَا؟ ١١ أَهْبِطَا إِلَى الْهَاقِيَةِ فَخُرْكَ، رَنَّةَ أَغْوَادِكَ. تَحْتَكَ تُفْرَسُ الرِّمَّةُ، وَغَطَاوُكُ الدَّوْدُ. ١٢ كَيْفَ سَقَطَتْ مِنَ السَّمَاءِ يَا زُهْرَةُ، بِنْتُ الصُّبْحِ؟ كَيْفَ قُطِعْتَ إِلَى الْأَرْضِ يَا قَاهِرَ الْأُمَمِ؟ ١٣ وَأَنْتَ قُلْتَ فِي قَلْبِكَ: أَصْعَدُ إِلَى السَّمَاوَاتِ. أَرْفَعُ كُرْسِيِّي فَوْقَ كَوَاكِبِ اللَّهِ، وَأَجْلِسُ عَلَى جَبَلِ الْاجْتِمَاعِ فِي أَقَاصِي الشَّمَالِ. ١٤ أَصْعَدُ فَوْقَ مُرْتَفَعَاتِ السَّحَابِ. أَصِيرُ مِثْلَ الْعَلِيِّ. ١٥ لَكِنَّكَ انْحَدَرْتَ إِلَى الْهَاقِيَةِ، إِلَى أَسْفَلِ الْجُبِّ. ١٦ الَّذِينَ يَرَوْنَكَ يَتَطَلَّعُونَ إِلَيْكَ، يَتَأَمَّلُونَ فِيكَ. أَهَذَا هُوَ الرَّجُلُ الَّذِي زَلَزَلَ الْأَرْضَ وَزَغَزَعَ الْمَمَالِكَ، الَّذِي جَعَلَ الْعَالَمَ كَقَفَرٍ، وَهَدَمَ مَدُنَهُ، الَّذِي لَمْ يُطْلِقْ أَسْرَاهُ إِلَى بُيُوتِهِمْ؟ ١٨ كُلُّ مُلُوكِ الْأُمَمِ بِاجْمَعِهِمْ اضْطَجَعُوا بِالْكَرَامَةِ كُلِّ وَاحِدٍ فِي بَيْتِهِ. ١٩ وَأَمَّا أَنْتَ فَقَدْ طُرِحْتَ مِنْ قَبْرِكَ كَغُصْنٍ أَشْنَعٍ، كَلْبَاسِ الْقَتْلِ الْمَضْرُوبِينَ بِالسَّيْفِ، الْهَابِطِينَ إِلَى حِجَارَةِ الْجُبِّ، كَجَثَّةٍ مَدُوسَةٍ. ٢٠ لَا تَتَّحِدْ بِهِمْ فِي الْقَبْرِ لِأَنَّكَ أَخْرَبْتَ أَرْضَكَ، قَتَلْتَ شَعْبَكَ. لَا يُسَمَّى إِلَى الْأَبَدِ نَسْلُ فَاعِلِي الشَّرِّ. ٢١ هَيِّئُوا لِبَنِيهِ قَتْلًا يَأْتِمُ آبَائِهِمْ، فَلَا يَقُومُوا وَلَا يَرِثُوا الْأَرْضَ وَلَا يَمْلَأُوا وَجْهَ الْعَالَمِ مَدْنًا». ٢٢ «فَأَقُومُوا عَلَيْهِمْ، يَقُولُ رَبُّ الْجُنُودِ. وَأَقْطَعْ مِنْ بَابِلَ اسْمًا وَبَقِيَّةً وَنَسْلًا وَذُرِّيَّةً، يَقُولُ الرَّبُّ. ٢٣ وَاجْعَلْهَا مِيرَاثًا لِلْقُنُفُذِ، وَاجَامَ مِيَاهِ، وَأُكْنِسْهَا بِمُكْنَسَةِ الْهَلَاكِ، يَقُولُ رَبُّ الْجُنُودِ».

۳ در آن روز که خداوند تو را از درد و پریشانی و بندگی طاقت فرسا که بر تو می نهادند راحتی بخشد،
۴ به طعنه درباره پادشاه بابل خواهی گفت: «چگونه آن ظالم از میان رفت، و وقاحت او به پایان رسید! ۵ خداوند عصای شیران و تکیه گاه حاکمان را شکسته است؛ ۶ آنان که خشمگینانه قومها را بی وقفه می زدند، و غضبناکانه با آزار بی امان بر امتها حکم می راندند. ۷ زمین سراسر آسوده و آرام است، و مردم به آواز بلند می سرایند. ۸ صنوبرها و سروهای آزاد لبنان از تو به وجد آمده، می گویند: "از زمانی که تو پست شدی، هیچ چوب بُری به بریدن ما نیامده است." ۹ هاویه در پایین به جنبش درآمده است تا چون بیایی به استقبال بشتابد. ارواح مردگان را برای خوشامدگویی تو بیدار می سازد، جمله آنان را که رؤسای زمین بودند؛ آنان را که پادشاهان قومها بودند، جملگی از تخت هایشان به پا می دارد. ۱۰ آنان همگی خطاب به تو خواهند گفت: "تو نیز چون ما ضعیف گشته ای! تو نیز مانند ما شده ای!" ۱۱ شوکت تو و

نوای چنگهایت، به هاویه فرود آورده شده است. زیرانداز تو حشراتند، و روی اندازت کرمها. ۱۲ «ای ستاره صبح، ای پسر فجر، چگونه از آسمان فرو افتاده‌ای! ای که ملتها را ذلیل می‌ساختی، چگونه خود بر زمین افکنده شده‌ای! ۱۳ در دل خود می‌گفتی: "به آسمان صعود خواهم کرد، و تخت خود را فراتر از ستارگان خدا خواهم افراشت؛ بر کوه اجتماع جلوس خواهم کرد، بر بلندترین نقطه کوه مقدس؛ ۱۴ به فراز بلندیهای ابرها صعود خواهم کرد، و خود را مانند آن متعال خواهم ساخت." ۱۵ اما به هاویه پایین آورده شدی، و به اعماق گودال فرود آمدی. ۱۶ آنان که تو را بیند بر تو خیره خواهند نگرست، و دربارها را چنین خواهند اندیشید: "آیا این همان است که جهان را به لرزه درمی‌آورد، و ممالک را می‌جنبانید؟ ۱۷ همان که دنیا را به بیابان برهوت بدل کرده و شهرهایش را منهدم ساخته بود، و اسیران خویش را از بازگشت به خانه‌هایشان باز می‌داشت؟" ۱۸ پادشاهان قومها جملگی در شکوه و جلال هر یک در قبر خویش می‌خسبند، ۱۹ اما تو چون شاخه‌ای منفور و لاشه‌ای لگدمال‌شده هستی! از قبر خود بیرون افکنده و به گشتگان پوشانده شده‌ای، کشتگانی که به شمشیر دریده شده، و تا به سنگهای گودال فرو رفته‌اند. ۲۰ همچون شاهان به خاک سپرده نخواهی شد، زیرا سرزمینت را ویران کرده‌ای، و قوم خویش را کشته‌ای. «از فرزندان شیران هرگز یاد نخواهد شد؛ ۲۱ پس برای پسرانش کشتارگاهی مهیا سازید، به سبب تقصیر پدران ایشان، مبدا برخیزند و جهان را به تصرف درآورند، و زمین را از شهرها پر سازند.» ۲۲ پروردگار لشکریان می‌فرماید: «من بر ضد ایشان بر خواهم خاست، و نام و باقیمانده‌گان و نسل و اخلاف را از بابل منقطع خواهم ساخت؛» این است فرموده خداوند. ۲۳ پروردگار لشکریان می‌فرماید: «من آن را از آن جغدان ساخته، به باتلاقها بدل خواهم کرد و به جاروب ویرانی خواهم رفت.»

۲۴ قَدْ خَلَفَ رَبُّ الْجُنُودِ قَائِلًا: «إِنَّهُ كَمَا قَصَدْتُ يَصِيرُ، وَكَمَا نَوَيْتُ يَنْبُتُ: ۲۵ أَنْ أَحْطِمَ أَشُورَ فِي أَرْضِي وَأُدْوسَهُ عَلَى جِبَالِي، فَيَزُولَ عَنْهُمْ نِيرُهُ، وَيَزُولَ عَنْ كَيْفِيهِمْ حِمْلُهُ». ۲۶ هَذَا هُوَ الْقَضَاءُ الْمَقْضِيُّ بِهِ عَلَى كُلِّ الْأَرْضِ، وَهَذِهِ هِيَ الْيَدُ الْمَمْدُودَةُ عَلَى كُلِّ الْأُمَمِ. ۲۷ فَإِنَّ رَبَّ الْجُنُودِ قَدْ قَضَى، فَمَنْ يُبْطِلُ؟ وَيَدُهُ هِيَ الْمَمْدُودَةُ، فَمَنْ يَرُدُّهَا؟

وحی بر ضد آشور: ۲۴ پروردگار لشکریان چنین قسم خورده است: «به یقین آنچه قصد کرده‌ام واقع خواهد شد، و آنچه تدبیر نموده‌ام عملی خواهد گردید: ۲۵ آشور را در سرزمین خود در هم خواهم کوفت، و او را بر کوههایم لگدمال خواهم کرد. یوغ او از ایشان رخت بر خواهد بست، و بار او از دوششان برداشته خواهد شد.» ۲۶ این است تدبیری که برای تمامی جهان اندیشیده شده است، و این است دستی که بر تمامی قومها دراز شده است. ۲۷ زیرا پروردگار لشکریان تدبیر کرده است، پس کیست که آن را باطل سازد؟ دست اوست که دراز شده است، پس کیست که آن را برگرداند؟ وحی بر ضد فلسطین

۲۸ فِي سَنَةِ وَقَاةِ الْمَلِكِ آخَازَ كَانَ هَذَا الْوَحْيُ: ۲۹ لَا تَفْرَحِي يَا جَمِيعَ فِلِسْطِينَ، لَأَنَّ الْقَضِيبَ الضَّارِبَكَ انْكَسَرَ، فَإِنَّهُ مِنْ أَصْلِ الْحَيَّةِ يَخْرُجُ أَفْعُوَانُ، وَتَمَرُّهُ تَكُونُ ثُبَانًا مُسِيًّا طَيَّارًا. ۳۰ وَتَرْغَى أَبْكَارُ الْمَسَاكِينِ، وَيَرِيضُ الْبَائِسُونَ بِالْأَمَانِ، وَأُمِيتَ أَصْلُكَ بِالْجُوعِ، فَيَقْتُلُ بَقِيَّتَكَ. ۳۱ وَلَوْلُ أَيْهَا الْبَابُ. اصْرُخِي أَيَّتُهَا الْمَدِينَةُ. قَدْ ذَابَ جَمِيعُكَ يَا فِلِسْطِينَ، لَأَنَّهُ مِنَ الشَّمَالِ يَأْتِي دُخَانُ، وَلَيْسَ شَاذٌ فِي جُيُوشِهِ. ۳۲ فِيمَاذَا يُجَابُ رُسُلُ الْأُمَمِ؟ إِنَّ الرَّبَّ أَسَّسَ صِهْيُونَ، وَبِهَا يَخْتَمِي بَائِسُو شَعْبِهِ.

۲۸ در سالی که آحاز پادشاه مرد، این وحی نازل شد: ۲۹ ای همه شما فلسطینیان، شادی کنید از اینکه چوبی که شما را می زد، شکسته است؛ زیرا که از ریشه مار، افعی بیرون خواهد آمد، و میوه آن، مار زهردار جهنده خواهد بود. ۳۰ نخست زادگانِ بینوایان خواهند چرید، و نیازمندان در امنیت خواهند خوابید، اما من ریشه تو را به قحطی خواهم خشکانید، و باقیماندگان کشته خواهند شد. ۳۱ ای دروازه شیون کن، و ای شهر فریاد برآور! ای همه شما فلسطینیان، از ترس قالب تهی کنید! زیرا که از جانب شمال دود می آید، و در صفوف وی کسی عقب نمی ماند. ۳۲ پس فرستادگان اقوام را چه پاسخ باید داد؟ «خداوند صهیون را بنیان نهاده است، و ستمدیدگان قوم او در آن پناه خواهند گرفت.»

سفر اشعیا: الأصحاح الخامس عشر * ۱۵:۱-۹

۱ وَحْيٌ مِنْ جِهَةِ مُوَابَ: إِنَّهُ فِي لَيْلَةٍ خَرِبَتْ عَارُ مُوَابَ وَهَلَكَتْ. إِنَّهُ فِي لَيْلَةٍ خَرِبَتْ قَيْرُ مُوَابَ وَهَلَكَتْ. ۲ إِلَى الْبَيْتِ وَدِيُونٍ يَصْعَدُونَ إِلَى الْمُرْتَفَعَاتِ لِلْبُكَاءِ. تُؤْلُولُ مُوَابُ عَلَى نَبُو وَعَلَى مَيْدَبَا. فِي كُلِّ رَأْسٍ مِنْهَا قَرْعَةٌ. كُلُّ لَحْيَةٍ مَجْرُوزَةٌ. ۳ فِي أَرْقَتِهَا يَأْتِرُونَ بِمِسْحٍ. عَلَى سَطُوحِهَا وَفِي سَاحَاتِهَا يُؤْلُولُ كُلُّ وَاحِدٍ مِنْهَا سَيَّالًا بِالْبُكَاءِ. ۴ وَتَصْرُخُ حَشَبُونَ وَالْعَالَةُ. يُسْمَعُ صَوْتُهُمَا إِلَى يَاهِصَ. لِذَلِكَ يَصْرُخُ مُتَسَلِّحُو مُوَابَ. نَفْسُهَا تَرْتَعِدُ فِيهَا. ۵ يَصْرُخُ قَلْبِي مِنْ أَجْلِ مُوَابَ. الْهَارِبِينَ مِنْهَا إِلَى صُوغَرَ كَعَجَلَةٍ ثَلَاثِيَّةٍ، لَأَنَّهُمْ يَصْعَدُونَ فِي عَقَبَةِ اللُّوْحِثِ بِالْبُكَاءِ، لَأَنَّهُمْ فِي طَرِيقِ حُورُونَايِمَ يَرْفَعُونَ صُرَاخَ الْانْكِسَارِ. ۶ لَأَنَّ مِيَاهَ نَمْرِيمَ تَصِيرُ خَرِبَةً، لَأَنَّ الْعُشْبَ يَيْسُ، الْكَلَا فَنِي. الْخُضْرَةُ لَا تُوَجَدُ. ۷ لِذَلِكَ الثَّرْوَةُ الَّتِي اكْتَسَبُوهَا وَذَخَّارُهُمْ يَحْمِلُونَهَا إِلَى عَبْرِ وَادِي الصَّقْصَافِ. ۸ لَأَنَّ الصُّرَاخَ قَدْ أَخَاطَ بَتُخُومِ مُوَابَ. إِلَى أَجْلَايِمَ وَلَوْلَتْهَا. وَإِلَى بَثْرَ إِيلِيمَ وَلَوْلَتْهَا، ۹ لَأَنَّ مِيَاهَ دِيمُونَ تَمْتَلِي دَمًا، لَأَنِّي أَجْعَلُ عَلَى دِيمُونَ زَوَائِدَ. عَلَى النَّاجِينَ مِنْ مُوَابَ أَسَدًا وَعَلَى بَقِيَّةِ الْأَرْضِ.

۱ وحی درباره موآب^{۱۳}: براستی که 'عار' موآب یک شبه ویران گشته، و نابود شده است! براستی که 'قیر' موآب یک شبه ویران گشته، و نابود شده است! ۲ او به بتکده و به 'دیبون' برآمده است، به آن

^{۱۳} موآب: ناحیه ای تاریخی که در شرق دریای مرده و در جنوب غربی اردن امروزی قرار گرفته است. بر اساس عهد عتیق ساکنان آن از نسل لوط بوده اند.

مکانهای بلند، تا بگیرد. موآب برای 'نبو' و 'میدبا' شیون می کند. سرها همه تراشیده، و ریشها کنده شده است. ۳ در کوچه ها پلاس در بر دارند، و بر بامها و در میدین، همگان شیون کنان اشک می ریزند. ۴ 'حشبون' و 'العاله' فریاد برمی آورند؛ و آوازشان تا 'یاهص' به گوش می رسد. از این رو مردان مسلح موآب فریاد بلند سر می دهند، و جانهایشان در ایشان می لرزد. ۵ دل من برای موآب فریاد برمی آورد؛ برای فراریانش که تا 'صوعر' و 'عجالت شلیشیا' یافت می شوند. زیرا که از سربالایی 'لوحیت'، گریان بالا می روند و در راه 'حورونایم' فریاد نابودی برمی آورند. ۶ آبهای 'نمریم' خشکیده، و علفها خشک شده است؛ گیاهان نابود گشته، و هیچ چیز سبز باقی نمانده است. ۷ از این رو دولتی را که به دست آورده اند و آنچه را که اندوخته اند، از راه وادی بیدها خواهند برد. ۸ زیرا که فریادی در سرحدات موآب طنین انداز است؛ شیونشان تا به 'اجلایم' و زاری شان تا به 'بئرایلیم' رسیده است. ۹ زیرا آبهای 'دیمون' آکنده از خون است؛ زیرا که من بدتر از این را بر دیمون نازل خواهم کرد: یعنی بر فراریان موآب و باقیمانندگان آن سرزمین، شیری گسیل خواهم داشت.

سفر اِشعیاء: الأصحاح السادس عشر * ۱۶:۱-۱۴

۱ اُرسلوا خِرْفَان حَاكِمِ الْأَرْضِ مِنْ سَالِحِ نَحْوِ الْبَرِّيَّةِ إِلَى جَبَلِ ابْنَةِ صِهْيَوْنَ. ۲ وَيَخْذُ أَنْهُ كَطَائِرٍ تَائِهٍ، كَفِرَاحٍ مُنْفَرَةٍ تَكُونُ بَنَاتُ مُوآبَ فِي مَعَابِرِ أَرْنُون. ۳ هَاتِي مَشُورَةً، اصْنَعِي إِنْصَافًا، اجْعَلِي ظِلَّكَ كَاللَّيْلِ فِي وَسْطِ الظُّلُمَةِ، اسْتُرِي الْمَطْرُودِينَ، لَا تُظْهِرِي الْهَارِبِينَ. ۴ لِيَتَغَرَّبَ عِنْدَكَ مَطْرُودُ مُوآبَ. كُونِي سِتْرًا لَهُمْ مِنْ وَجْهِ الْمُخَرَّبِ، لِأَنَّ الظَّالِمَ يَبِيدُ، وَيَنْتَهِي الْخَرَابُ، وَيَفْنَى عَنِ الْأَرْضِ الدَّائِسُونَ. ۵ فَيُثَبَّتُ الْكُرْسِيُّ بِالرَّحْمَةِ، وَيَجْلِسُ عَلَيْهِ بِالْأَمَانَةِ فِي خِيَمَةِ دَاوُدَ قَاضٍ، وَيَطْلُبُ الْحَقَّ وَيُبَادِرُ بِالْعَدْلِ. ۶ قَدْ سَمِعْنَا بِكِبْرِيَاءِ مُوآبَ الْمُتَكَبِّرَةِ جِدًّا عَظَمَتِهَا وَكِبْرِيَاءِهَا وَصَلَفِهَا بَطُلَ افْتِخَارِهَا.

۱ بره ها را از سالع، از راه بیابان، خدمت حاکم زمین، به کوه دختر صهیون بفرستید. ۲ دختران موآب در معبرهای آرنون، همچون پرندگان آواره و جوجه های رانده شده اند. ۳ «مشورت دهید! به انصاف حکم نمایید! سایه خویش را در گرما گرم ظهر همچو شب بر ما بگسترانید! رانده شدگان را پنهان کنید، و فراریان را تسلیم ننمایید! ۴ بگذارید رانده شدگان موآب در میان شما غربت گیرند؛ ایشان را از چشمان آن هلاک کننده مخفیگاه باشید!» به یقین ستمگر محو خواهد شد، هلاکت پایان خواهد پذیرفت، و پایمال کننده از زمین برچیده خواهد گشت. ۵ آنگاه تختی به محبت بر پا خواهد شد، و بر آن کسی با امانت داری در خیمه داوود داوری خواهد کرد و حق را بطلبد و به عدالت رفتار نماید. ۶ از غرور موآب شنیده ایم که براستی چه مغرور است! از وقاحت و غرور و تکبر او شنیده ایم! فخر او را اساسی نیست.

۷ لِذَلِكَ تُؤَلِّوْا مُوَابَ عَلَى كُلِّهَا يُؤَلِّوْا. تَتَنَوْنَ عَلَى أُسُسٍ قَبْرِ حَارِسَةٍ، إِنَّمَا هِيَ مَضْرُوبَةٌ. ۸ لِأَنَّ حُقُولَ حَشْبُونٍ ذَبَلَتْ. كَرَمَةُ سِبْمَةِ كَسَرَ أَمْرَاءُ الْأُمَمِ أَفْضَلَهَا. وَصَلَتْ إِلَى يَغْزِيرَ. تَاهَتْ فِي الْبَرِّيَّةِ، امْتَدَّتْ أَغْصَانُهَا، عَبَّرَتْ الْبَحْرَ. ۹ لِذَلِكَ أَبْكِي بُكَاءَ يَغْزِيرَ عَلَى كَرَمَةِ سِبْمَةِ. أُرْوِيكُمْ بِدُمُوعِي يَا حَشْبُونُ وَالْعَالَةُ، لِأَنَّهُ عَلَى قِطَافِكَ وَعَلَى خِصَادِكَ قَدْ وَقَعَتْ جَلْبَةٌ. ۱۰ وَأَنْتَرِعَ الْفَرْحُ وَالْإِبْتِهَاجُ مِنَ الْبُسْتَانِ، وَلَا يُغْنَى فِي الْكُرُومِ وَلَا يُتَرْتَّمُ، وَلَا يَدُوسُ دَائِسُ خَمْرًا فِي الْمَعَاصِرِ. أَبْطَلْتُ الْهَتَافَ. ۱۱ لِذَلِكَ تَرْنُ أَحْشَائِي كَعُودٍ مِنْ أَجْلِ مُوَابَ وَبَطْنِي مِنْ أَجْلِ قَبْرِ حَارِسَ. ۱۲ وَيَكُونُ إِذَا ظَهَرْتُ، إِذَا تَعَبْتُ مُوَابُ عَلَى الْمُرْتَفَعَةِ وَدَخَلْتُ إِلَى مَقْدِسِهَا تُصَلِّي، أَنَهَا لَا تَفُوزُ. ۱۳ هَذَا هُوَ الْكَلَامُ الَّذِي كَلَّمَ بِهِ الرَّبُّ مُوَابَ مُنْذُ زَمَانٍ. ۱۴ وَالْآنَ تَكَلَّمَ الرَّبُّ قَائِلًا: «فِي ثَلَاثِ سِنِينَ كَسَنِي الْأَجِيرُ يُهَانُ مَجْدُ مُوَابَ بِكُلِّ الْجُمْهُورِ الْعَظِيمِ، وَتَكُونُ الْبَقِيَّةُ قَلِيلَةً صَغِيرَةً لَا كَبِيرَةً».

۷ پس موآب برای موآب شیون کند! همگی آنان شیون کنند! برای نانهای کشمشی 'قیرحارس' در کمال درماندگی ناله کنید! ۸ زیرا که مزارع 'حشبون' خشکیده، و تاکستانهای 'سبمه' پژمرده شده است. سروران قومها تاکهایش را شکسته‌اند، تاکهایی را که تا به 'یعزیر' می‌رسید، و تا به بیابان پراکنده بود؛ جوانه‌هایش در همه جا گسترده بود، و از دریا نیز می‌گذشت! ۹ از این رو من نیز با گریه 'یعزیر' بر تاکستانهای 'سبمه' خواهم گریست. ای 'حشبون' و ای 'العاله'، من شما را به اشکهایم سیراب خواهم کرد، زیرا که از محصول میوه و حصاد غله شما، گلبانگ رخت بر بسته است. ۱۰ شادی و سرور از باغ و بستان برجیده شده، و در تاکستانها نه کسی سرود می‌خواند، نه کسی بانگ درمی‌دهد؛ دیگر کسی انگور در چرخشها به پای نمی‌افشرد، و من فریاد شادی را خاموش ساخته‌ام. ۱۱ از این رو، احشای من همچون بربط برای موآب می‌نالد، و اعماق وجودم، برای 'قیرحارس'. ۱۲ آنگاه که موآب حضور یابد، و خود را در مکان بلند خسته سازد، آنگاه که برای دعا به عبادتگاه خویش بیاید، کامیاب نخواهد شد. ۱۳ این است کلامی که خداوند در گذشته درباره موآب گفت. ۱۴ اما اکنون خداوند می‌گوید: «در عرض سه سال، بر حسب سالهای کارگر روزمزد، جلال موآب با وجود جمعیت انبوهش، محقر خواهد شد، و باقیماندگانش اندک و ناتوان خواهند بود.»

سفر اشعیا: الأصحاح السابع عشر * ۱۷:۱-۱۴

۱ وَخِي مِنْ جِهَةِ دِمَشْقَ: هُوَذَا دِمَشْقُ تُزَالُ مِنْ بَيْنِ الْمُدُنِ وَتَكُونُ رُجْمَةً رَدَمٍ. ۲ مُدُنٌ عَرُوعِيرَ مَتْرُوكَةٌ. تَكُونُ لِلْقُطْعَانِ، فَتَرْبُضُ وَلَيْسَ مَنْ يُخَيِّفُ. ۳ وَيَزُولُ الْحِصْنُ مِنْ أَفْرَايِمَ وَالْمَلِكُ مِنْ دِمَشْقَ، وَبَقِيَّةُ أَرَامَ فَتَصِيرُ كَمَجْدِ بَنِي إِسْرَائِيلَ، يَقُولُ رَبُّ الْجُنُودِ. ۴ وَيَكُونُ فِي ذَلِكَ الْيَوْمِ أَنَّ مَجْدَ يَعْقُوبَ يَذَلُّ، وَسَمَانَةُ لَحْمِهِ تَهْزُلُ، ۵ وَيَكُونُ كَجَمْعِ الْخَصَادِينَ الزَّرْعَ، وَذِرَاعُهُ تَحْصِدُ السَّنَابِلَ، وَيَكُونُ كَمَنْ يَلْقُطُ سَنَابِلَ فِي وَادِي رَفَايِمَ. ۶

وَتَبَقَى فِيهِ خُصَاصَةٌ كَنَفُضِ زَيْتُونَةٍ، حَبَّتَانِ أَوْ ثَلَاثٌ فِي رَأْسِ الْفَرْعِ، وَأَرْبَعٌ أَوْ خَمْسٌ فِي أَفْئَانِ الْمُثْمِرَةِ، يَقُولُ
الرَّبُّ إِلَهُ إِسْرَائِيلَ.

۱ وحی درباره دمشق: هان، دمشق دیگر شهری نخواهد بود، بلکه به توده ویرانی بدل خواهد شد. ۲
شهرهای 'عروعر' متروک گشته، به جهت گله‌ها خواهد بود، که خواهند خوابید و کسی آنها را نخواهد
ترسانید. ۳ حصار از افرایم، و سلطنت از دمشق گرفته خواهد شد، و باقی آرام جلال بنی اسرائیل خواهد
شد؛ این است فرموده پروردگار لشکریان. ۴ در آن روز جلال یعقوب بی فروغ خواهد شد، و فربهی تنش
آب خواهد گشت. ۵ همچون زمانی خواهد بود که دروگر غله را گرد می‌آورد، و خوشه‌ها را به دستان
خویش می‌درود؛ مانند زمان خوشه‌چینی در وادی رفائیم. ۶ همچون روزی که درخت زیتون را می‌تکانند،
دانه‌هایی چند بر آن باقی خواهد ماند؛ دو یا سه دانه زیتون بر بالاترین شاخه‌ها، چهار یا پنج دانه بر شاخه‌های
پربار؛ این است فرموده یهوه، خدای اسرائیل.

۷ فِي ذَلِكَ الْيَوْمِ يَلْتَفِتُ الْإِنْسَانُ إِلَى صَانِعِهِ وَتَنْظُرُ عَيْنَاهُ إِلَى قُدُّوسِ إِسْرَائِيلَ، ۸ وَلَا يَلْتَفِتُ إِلَى الْمَذَابِخِ
صَنْعَةِ يَدَيْهِ، وَلَا يَنْظُرُ إِلَى مَا صَنَعَتْهُ أَصَابِعُهُ: السُّوَارِي وَالشَّمْسَاتِ. ۹ فِي ذَلِكَ الْيَوْمِ تَصِيرُ مَدْنَةُ الْحَصِينَةِ
كَالرَّذَمِ فِي الْغَابِ، وَالشُّوَامُخُ الَّتِي تَرَكُوهَا مِنْ وَجْهِ بَنِي إِسْرَائِيلَ فَصَارَتْ خَرَابًا. ۱۰ لِأَنَّكَ نَسِيتَ إِلَهَ خَلَاصِكَ
وَلَمْ تَذْكُرْ صَخْرَةَ حِصْنِكَ، لِذَلِكَ تَغْرِسِينَ أَغْرَاسًا نَزْهَةً وَتَنْصِبِينَ نُصْبَةً غَرِيبَةً. ۱۱ يَوْمَ غَرْسِكَ تُسَيِّجِينَهَا،
وَفِي الصَّبَاحِ تَجْعَلِينَ زَرْعَكَ يُزْهِرُ. وَلَكِنْ يَهْرُبُ الْحَصِيدُ فِي يَوْمِ الضَّرْبَةِ الْمُهِلِكَةِ وَالْكَاتِبَةُ الْعَدِيمَةُ الرَّجَاءِ.

۷ در آن روز انسان به آفریدگار خود خواهد نگریست، و به جانب قدوس اسرائیل نظر خواهد کرد. ۸
او دیگر به مذبح‌هایی که به دست خود ساخته است نخواهد نگریست، و به آشیره‌ها و مذبح‌های بُخور که
به انگشتان خود ساخته است، نظر نخواهد افکند. ۹ در آن روز شهرهای مستحکم ایشان مانند اماکن
متروک خواهد بود که آنها را به سبب بنی اسرائیل وانهادند. آری، آنها یکسره ویرانه‌ای خواهند بود. ۱۰
زیرا که تو پروردگار نجات‌بخش خود را از یاد برده‌ای و صخره پناهگاه خویش را فراموش کرده‌ای. در
عوض برای خود باغچه‌های مقدس ساخته‌ای تا بیگانگان را پرستش کنی. ۱۱ اما حتی اگر گیاهان جوانه
بزنند و شکوفه بدهند، در همان صبحگاهی که آنها را کاشتی، هیچ محصولی برایت به بار نخواهند آورد.
نصیب تو در روز ناخوشی فقط زحمت و درد بی‌درمان خواهد بود.

۱۲ أَهْ! ضَجِيجُ شُعُوبٍ كَثِيرَةٍ تَضِجُ كَضَجِجِ الْبَحْرِ، وَهَدِيرُ قَبَائِلَ تَهْدِرُ كَهْدِيرِ مِيَاهِ غَرِيرَةٍ. ۱۳ قَبَائِلُ تَهْدِرُ
كَهْدِيرِ مِيَاهِ كَثِيرَةٍ. وَلَكِنَّهُ يَنْتَهَرُهَا فَتَهْرُبُ بَعِيدًا، وَتَطْرُدُ كَخُصَافَةِ الْجِبَالِ أَمَامَ الرِّيحِ، وَكَالْجُلِّ أَمَامَ الزَّوْبَعَةِ. ۱۴
فِي وَقْتِ الْمَسَاءِ إِذَا رُعْبُ. قَبْلَ الصُّبْحِ لَيْسُوا هُمْ. هَذَا نَصِيبُ نَاهِيِنَا وَحَظُّ سَالِبِينَا.

۱۲ وای از خروش قومهای بسیار، که چون دریای خروشان می خروشدند! وای از غرش ملتها، که چون آبهای بسیار می غرند! ۱۳ هر چند ملتها چون آبهای خروشان به خروش آیند، چون بر ایشان عتاب زند، به جاهای دور خواهند گریخت مثل گرد و خاک که در برابر باد بر کوهها رانده می شود، و چون غبار در برابر گردباد! ۱۴ آنان شامگاهان هراس می آفرینند، اما هنوز سپیده زده که اثری از ایشان نخواهد بود! آری، این است نصیب تاراج کنندگان ما، و قسمت آنان که غارتمان می کنند.

سفر اشعیاء : الأصْحاحُ الثَّامِنُ عَشَرَ * ۱۸:۷-۷

۱ یا اَرْضَ حَفِيفِ الْأَجْنَحَةِ الَّتِي فِي عَبْرِ أَنْهَارِ كُوشَ، ۲ الْمُرْسَلَةَ رُسُلًا فِي الْبَحْرِ وَفِي قَوَارِبَ مِنَ الْبَرْدِيِّ عَلَى وَجْهِ الْمِيَاهِ. اذْهَبُوا أَيُّهَا الرُّسُلُ السَّرِيعُونَ إِلَى أُمَّةٍ طَوِيلَةٍ وَجَرْدَاءَ، إِلَى شَعْبٍ مَخُوفٍ مُنْذُ كَانَ فَصَاعِدًا، أُمَّةٌ قُوَّةٌ وَشِدَّةٌ وَكُدُوسٌ، قَدْ خَرَقَتْ الْأَنْهَارُ أَرْضَهَا. ۳ يَا جَمِيعَ سُكَّانِ الْمَسْكُونَةِ وَقَاطِنِي الْأَرْضِ، عِنْدَمَا تَرْتَفِعُ الرَّايَةُ عَلَى الْجِبَالِ تَنْظُرُونَ، وَعِنْدَمَا يُضْرَبُ بِالْبُوقِ تَسْمَعُونَ. ۴ لِأَنَّهُ هكَذَا قَالَ لِيَ الرَّبُّ: «إِنِّي أَهْدَأُ وَأَنْظُرُ فِي مَسْكَنِي كَالْحَرِّ الصَّافِي عَلَى الْبَقْلِ، كَغَيْمِ النَّدى فِي حَرِّ الْحَصَادِ». ۵ فَإِنَّهُ قَبْلَ الْحَصَادِ، عِنْدَ تَمَامِ الزَّهْرِ، وَعِنْدَمَا يَصِيرُ الزَّهْرُ حِصْرًا نَضِيجًا، يَقْطَعُ الْقُضْبَانُ بِالْمَنَاجِلِ، وَيَنْزِعُ الْأَقْنَانُ وَيَطْرَحُهَا. ۶ تَتْرَكُ مَعًا لِحَوَارِحِ الْجِبَالِ وَلَوْحُوشِ الْأَرْضِ، فَتُصَيِّفُ عَلَيْهَا الْجَوَارِحُ، وَتُشْتَبِي عَلَيْهَا جَمِيعُ وَحُوشِ الْأَرْضِ. ۷ فِي ذَلِكَ الْيَوْمِ تُقَدِّمُ هَدِيَّةً لِرَبِّ الْجُنُودِ مِنْ شَعْبٍ طَوِيلٍ وَأَجْرَدٍ، وَمِنْ شَعْبٍ مَخُوفٍ مُنْذُ كَانَ فَصَاعِدًا، مِنْ أُمَّةٍ ذَاتِ قُوَّةٍ وَشِدَّةٍ وَكُدُوسٍ، قَدْ خَرَقَتْ الْأَنْهَارُ أَرْضَهَا، إِلَى مَوْضِعِ اسْمِ رَبِّ الْجُنُودِ، جَبَلِ صِهْيُونِ.

۱ وای بر سرزمین آوای بالها، که فراسوی نهرهای کوش است؛ ۲ از آن سرزمین، سفیرانی با قایقهای که از نی ساخته شده‌اند به حرکت در می آیند. بروید، ای فرستادگان تیزپا، نزد قومی بلندقامت و بی مو، که دور و نزدیک از آنان در هراسند؛ که زور آورند و مظفر، و سرزمینشان به نهرها منقسم است. ۳ ای همه مردم جهان، ای شما ساکنان زمین، چون بیرقی بر کوهها افراشته شود، بدان بنگرید! و چون شیپوری به صدا درآید، بدان گوش سپارید! ۴ زیرا خداوند به من چنین گفته است: «من خاموش خواهم ماند و از مکان خود نظر خواهم کرد، همچون حرارت سوزان روز، و چون ابر شبنم دار در گرمای حصاد.» ۵ زیرا که پیش از حصاد، چون شکوفه تمام شود و گل به انگور رسیده بدل گردد، شاخه‌های کوچک را با داس هرس خواهد برید و شاخه‌های منشعب را قطع کرده، به دور خواهد افکند. ۶ آنها برای پرندگان شکاری کوهساران، و وحوش زمین وانهاده خواهد شد؛ پرندگان، تابستان را به خوردن آنها خواهند گذرانید، و جانوران، زمستان را. ۷ پس در آن هنگام، قومی بلندقامت و بی مو که دور و نزدیک از آنان در هراسند، قومی که زور آورند و مظفر، و سرزمینشان منقسم به نهرهاست، برای پروردگار لشکریان هدایا خواهند

آورد. و این هدایا به کوه صهیون، یعنی به مکانی که نام پروردگار لشکریان بر آن است، آورده خواهد شد.

سفر اِشعیاء: الأصحاح التاسع عشر * ۱۹:۱-۲۵

۱ وَخِي مِنْ جِهَةِ مِصْرَ: هُوَذَا الرَّبُّ رَاكِبٌ عَلَى سَحَابَةٍ سَرِيعَةٍ وَقَادِمٌ إِلَى مِصْرَ، فَتَرْتَجِفُ أَوْتَانُ مِصْرَ مِنْ وَجْهِهِ، وَيَذُوبُ قَلْبُ مِصْرَ دَاخِلَهَا. ۲ وَأَهْيِجْ مِصْرِيْنَ عَلَى مِصْرِيْنَ، فَيُخَارِبُونَ كُلُّ وَاحِدٍ أَخَاهُ وَكُلُّ وَاحِدٍ صَاحِبَهُ: مَدِينَةُ مَدِينَةٍ، وَمَمْلَكَةُ مَمْلَكَةٍ. ۳ وَتُهْرَاقُ رُوحُ مِصْرَ دَاخِلَهَا، وَأُفْنِي مَشُورَتَهَا، فَيَسْأَلُونَ الْأَوْتَانَ وَالْعَازِفِينَ وَأَصْحَابَ التَّوَابِعِ وَالْعَرَافِينَ. ۴ وَأُغْلِقُ عَلَى الْمِصْرِيِّينَ فِي يَدِ مَوْلَى قَاسٍ، فَيَتَسَلَّطُ عَلَيْهِمْ مَلِكٌ غَزِيْرٌ، يَقُولُ السَّيِّدُ رَبُّ الْجُنُودِ. ۵ وَتَنْشَفُ الْمِيَاهُ مِنَ الْبَحْرِ، وَيَجِفُ النَّهْرُ وَيَبْسُ. ۶ وَتَنْتِنُ الْأَنْهَارُ، وَتَضَعُفُ وَتَجِفُ سَوَاقِي مِصْرَ، وَيَتَلَفُ الْقَصَبُ وَالْأَسْلُ. ۷ وَالرِّيَاضُ عَلَى النَّيْلِ عَلَى خَافَةِ النَّيْلِ، وَكُلُّ مَزْرَعَةٍ عَلَى النَّيْلِ تَيْبَسُ وَتَتَبَدَّدُ وَلَا تَكُونُ. ۸ وَالصَّيَّادُونَ يَيْئُونَ، وَكُلُّ الَّذِينَ يُلْقُونَ شِصًا فِي النَّيْلِ يَنْوَحُونَ. وَالَّذِينَ يَبْسُطُونَ شَبَكَةً عَلَى وَجْهِ الْمِيَاهِ يَحْزَنُونَ، ۹ وَيَخْزَى الَّذِينَ يَعْمَلُونَ الْكَتَانَ الْمُمَسَّطَ، وَالَّذِينَ يَحِيكُونَ الْأَنْسِجَةَ الْبَيْضَاءَ. ۱۰ وَتَكُونُ عُمْدُهَا مَسْحُوقَةً، وَكُلُّ الْعَامِلِينَ بِالْأَجْرَةِ مُكْتَبِيي النَّفْسِ.

۱ وحی درباره مصر: هان، پروردگار سوار بر ابری تیزرو به مصر می آید. بتهای بی ارزش مصر از حضور او به لرزه درمی آیند و دلهای مصریان در درون ایشان گداخته می شود. ۲ «من مصریان را به ضد مصریان بر خواهم انگیخت: برادر با برادر، همسایه با همسایه، شهر با شهر و مملکتی با مملکت دیگر خواهند جنگید. ۳ مصریان قالب تهی خواهند کرد، و من مشورت های ایشان را مغشوش خواهم ساخت. از بتهای بی ارزش و ارواح مردگان مشورت خواهند خواست، از احضار کنندگان ارواح و فالگیران. ۴ من مصریان را به اربابی ستمگر تسلیم خواهم کرد، و پادشاهی بی رحم بر آنان حکم خواهد راند،» این است فرموده خداوندگار، پروردگار لشکریان. ۵ آبهای نیل خشک خواهد شد، و بستر رود از فرط خشکی ترک خواهد خورد. ۶ نهرها متعفن خواهد شد، و جویبارهای مصر رو به کاستی نهاده، خشک خواهد گردید، و نی و بوریا پژمرده خواهد شد. ۷ گیاهان کناره نیل، تا به دهانه رود، و کشتزارهای جوار آن همگی خشک شده و از باد رانده گشته، نابود خواهند شد. ۸ ماهیگیران و همه آنانی که قلاب در نیل می افکنند ماتم و شیون خواهند کرد، و آنان که تور در آبها می گسترند، به حسرت خواهند نشست. ۹ آنها که با کتان شانه زده کار می کنند خجل خواهند شد، و آنها که پارچه های سفید می ریسند نومید خواهند گشت. ۱۰ بافندگان دلسرد و کارگران مزدبگیر دلمرده خواهند شد.

۱۱ إِنَّ رُؤَسَاءَ صُوعَنَ أَغْبِيَاءَ! حُكَمَاءُ مُشِيرِي فِرْعَوْنَ مَشُورَتَهُمْ بِهِيمِيَّةً! كَيْفَ تَقُولُونَ لِفِرْعَوْنَ: «أَنَا ابْنُ حُكَمَاءَ، ابْنُ مَلُوكٍ قَدَمَاءَ»؟ ۱۲ فَأَيْنَ هُمْ حُكَمَاؤُكَ؟ فَلْيُخْبِرُوكَ. لِيَعْرِفُوا مَاذَا قَضَىٰ بِهِ رَبُّ الْجُنُودِ عَلَىٰ مِصْرَ. ۱۳ رُؤَسَاءُ صُوعَنَ صَارُوا أَغْبِيَاءَ. رُؤَسَاءُ نُوفٍ انْخَدَعُوا. وَأَضَلَّ مِصْرَ وَجُوهُ أَسْبَاطِهَا. ۱۴ مَزَجَ الرَّبُّ فِي وَسْطِهَا رُوحَ غَيٍّ، فَأَضَلُّوا مِصْرَ فِي كُلِّ عَمَلِهَا، كَتَرْتَحَّ السَّكْرَانُ فِي قَيْئِهِ. ۱۵ فَلَا يَكُونُ لِمِصْرَ عَمَلٌ يَعْمَلُهُ رَأْسٌ أَوْ ذَنْبٌ، نَخْلَةٌ أَوْ أَسَلَةٌ. ۱۶ فِي ذَلِكَ الْيَوْمِ تَكُونُ مِصْرُ كَالنِّسَاءِ، فَتَرْتَعِدُ وَتَرْجُفُ مِنْ هَزَّةٍ يَدُ رَبِّ الْجُنُودِ الَّتِي يَهْزُهَا عَلَيْهَا. ۱۷ وَتَكُونُ أَرْضُ يَهُودَا رُغْبًا لِمِصْرَ. كُلُّ مَنْ تَذَكَّرَهَا يَرْتَعِبُ مِنْ أَمَامِ قَضَاءِ رَبِّ الْجُنُودِ الَّذِي يَقْضِي بِهِ عَلَيْهَا.

۱۱ براستی که صاحبمنصبان 'صوعن' جملگی نادانند، و مشاوران خردمند فرعون مشورت ابلهانه می دهند. پس چگونه به فرعون می گوید: «من از جمله حکمایم و از سلاله پادشاهان قدیم»؟ ۱۲ مردان حکیم تو اکنون کجایند تا تو را بگویند که پروردگار لشکریان بر ضد مصر چه تدبیر کرده است. ۱۳ بزرگان 'صوعن' جاهل گشته اند و رؤسای ممفیس فریب خورده اند؛ سرگردگان قبایل مصر به گمراهی اش کشانده اند! ۱۴ خداوند روح سرگیجه در اندرونشان ریخته است، و آنان مصریان را در همه کارهایشان گمراه می سازند؛ ایشان همچو مستانی گشته اند که در قی خود افتان و خیزان می روند. ۱۵ نه سر و نه دم، نه نخل و نه نی، برای مصر هیچ نتوانند کرد. ۱۶ در آن روز مصریان مانند زنان خواهند بود. آنان از حرکت دستی که پروردگار لشکریان بر ضد ایشان به حرکت درمی آورد، بر خود خواهند لرزید. ۱۷ سرزمین یهودا موجب وحشت مصر خواهد شد؛ و به خاطر تدبیری که پروردگار لشکریان بر ضد ایشان اندیشیده است، هر که نام یهودا را بشنود لرزه بر اندامش خواهد افتاد.

۱۸ فِي ذَلِكَ الْيَوْمِ يَكُونُ فِي أَرْضِ مِصْرَ خَمْسُ مَدَنٍ تَتَكَلَّمُ بِلُغَةِ كَنْعَانَ وَتَحْلِفُ لِرَبِّ الْجُنُودِ، يُقَالُ لِإِلْهِهَا «مَدِينَةُ الشَّمْسِ». ۱۹ فِي ذَلِكَ الْيَوْمِ يَكُونُ مَذْبَحٌ لِلرَّبِّ فِي وَسْطِ أَرْضِ مِصْرَ، وَعَمُودٌ لِلرَّبِّ عِنْدَ تَحْمِهَا. ۲۰ فَيَكُونُ عَلَامَةً وَشَهَادَةً لِرَبِّ الْجُنُودِ فِي أَرْضِ مِصْرَ. لِأَنَّهُمْ يَصْرُخُونَ إِلَى الرَّبِّ بِسَبَبِ الْمُضَاقِينَ، فَيُرْسِلُ لَهُمْ مُخْلِّصًا وَمُخَامِيًا وَيُنْقِذُهُمْ. ۲۱ فَيُعْرِفُ الرَّبُّ فِي مِصْرَ، وَيَعْرِفُ الْمِصْرِيُّونَ الرَّبَّ فِي ذَلِكَ الْيَوْمِ، وَيَقْدِمُونَ ذَبِيحَةً وَتَقْدِمَةً، وَيَنْذَرُونَ لِلرَّبِّ نَذْرًا وَيُوفُونَ بِهِ. ۲۲ وَيَضْرِبُ الرَّبُّ مِصْرَ ضَرْبًا فَشَاقِيًا، فَيَرْجِعُونَ إِلَى الرَّبِّ فَيَسْتَجِيبُ لَهُمْ وَيَشْفِيهِمْ.

۱۸ در آن روز پنج شهر در مصر به زبان کنعانیان سخن خواهند گفت، و برای پروردگار لشکریان سوگند وفاداری یاد خواهند کرد. و یکی از این شهرها، شهر آفتاب خوانده خواهد شد. ۱۹ در آن روز در قلب سرزمین مصر مذبحی برای خداوند بر پا خواهد شد و در مرز آن ستون یادبودی برای خداوند خواهد بود، ۲۰ و آن نشانه و شهادتی برای پروردگار لشکریان در سرزمین مصر خواهد بود. پس آنگاه

که ایشان از دست ستم کنندگان خویش به درگاه خداوند فریاد برآورند، او نجات‌دهنده و مدافعی برای ایشان خواهد فرستاد و رهایی‌شان خواهد داد. ۲۱ پس پروردگار خود را بر مصریان خواهد شناسانید، و ایشان در آن روز پروردگار را خواهند شناخت. آنان او را با قربانیها و هدایا خواهند پرستید، و برای پروردگار نذر کرده، به آن وفا خواهند نمود. ۲۲ پروردگار مصریان را خواهد زد؛ او آنان را خواهد زد و سپس شفا خواهد داد. آنان به سوی پروردگار بازگشت خواهند کرد، و او فریاد التماس ایشان را خواهد شنید و شفای‌شان خواهد داد.

۲۳ فِي ذَلِكَ الْيَوْمِ تَكُونُ سِكَّةٌ مِنْ مِصْرَ إِلَى أَشُورَ، فَيَجِيءُ الْأَشُورِيُّونَ إِلَى مِصْرَ وَالْمِصْرِيُّونَ إِلَى أَشُورَ، وَيَعْبُدُ الْمِصْرِيُّونَ مَعَ الْأَشُورِيِّينَ. ۲۴ فِي ذَلِكَ الْيَوْمِ يَكُونُ إِسْرَائِيلُ ثَلَاثًا لِمِصْرَ وَلَا أَشُورَ، بَرَكَةٌ فِي الْأَرْضِ، ۲۵ بِهَا يُبَارِكُ رَبُّ الْجُنُودِ قَائِلًا: «مُبَارَكٌ شَعْبِي مِصْرُ، وَعَمَلُ يَدَيَّ أَشُورُ، وَمِيرَاتِي إِسْرَائِيلُ».

۲۳ در آن روز شاهراهی از مصر به آشور خواهد بود. آشوریان به مصر و مصریان به آشور خواهند رفت، و مصریان با آشوریان عبادت خواهند کرد. ۲۴ و در آن روز، اسرائیل متحد سوم با مصر و آشور خواهد شد، و این سه در جهان مایهٔ برکت خواهند بود. ۲۵ و پروردگار لشکریان ایشان را برکت داده، خواهد گفت: «قوم من مصر، و صنعت دستم آشور، و میراثم اسرائیل مبارک باشند.»

سفر اِشعیا: الأصْحاحُ العِشْرُونَ * ۲۰: ۱-۶

۱ فِي سَنَةِ مَجِيءِ تَرْتَانَ إِلَى أَشْدُودَ، حِينَ أَرْسَلَهُ سَرَجُونُ مَلِكُ أَشُورَ فَحَارَبَ أَشْدُودَ وَأَخَذَهَا، ۲ فِي ذَلِكَ الْوَقْتِ تَكَلَّمَ الرَّبُّ عَنْ يَدِ إِشْعِيَاءَ بْنِ أَمُوصَ قَائِلًا: «إِذْهَبْ وَخُلِّ الْمِسْحَ عَنْ حَقْوَيْكَ وَاخْلَعْ حِذَاءَكَ عَنْ رِجْلَيْكَ». فَفَعَلَ هَكَذَا وَمَشَى مُعَرَّى وَخَافِيًا. ۳ فَقَالَ الرَّبُّ: «كَمَا مَشَى عِبْدِي إِشْعِيَاءُ مُعَرَّى وَخَافِيًا ثَلَاثَ سِنِينَ، آيَةٌ وَأَعْجُوبَةٌ عَلَى مِصْرَ وَعَلَى كُوشَ، ۴ هَكَذَا يَسُوقُ مَلِكُ أَشُورَ سَبْيَ مِصْرَ وَجَلَاءَ كُوشَ، الْفِتْيَانُ وَالشُّيُوخَ، غُرَّةً وَخُفَاءً وَمَكْشُوفِي الْأَسْتَاهِ خِزْيًا لِمِصْرَ. ۵ فَيَرْتَاعُونَ وَيَخْجَلُونَ مِنْ أَجْلِ كُوشَ رَجَائِهِمْ، وَمِنْ أَجْلِ مِصْرَ فَخْرِهِمْ. ۶ وَيَقُولُ سَاكِنُ هَذَا السَّاحِلِ فِي ذَلِكَ الْيَوْمِ: هُوَذَا هَكَذَا مَلْجَأُنَا الَّذِي هَرَبْنَا إِلَيْهِ لِلْمُعُونَةِ لِنَنْجُو مِنْ مَلِكِ أَشُورَ، فَكَيْفَ نَسْلَمُ نَحْنُ؟».

۱ در سالی که سردار اعظم، که از سوی سرگن پادشاه آشور فرستاده شده بود، به آشدود آمد و با آن جنگ کرده، تسخیرش کرد، ۲ در آن زمان خداوند با اِشعیا فرزند آموص سخن گفت و بدو فرمود: «برو، پلاس از کمر و پای‌افزار از پاهایت بیرون کن!» پس اِشعیا چنین کرد و عریان و پابرهنه راه می‌رفت. ۳ آنگاه خداوند فرمود: «چنانکه خادم من اِشعیا سه سال عریان و پابرهنه راه رفته است تا نشانه و علامتی بر ضد مصر و کوش باشد، ۴ به همین گونه پادشاه آشور اسیران مصر و تبعیدیان کوش را، از پیر و جوان،

پارهنه و عریان و برهنه باسن خواهد برد تا مایه شرمساری برای مصر باشد. ۵ و ایشان به سبب کوش که امید ایشان و مصر که فخر ایشان است، پریشان و شرمسار خواهند شد. ۶ ساکنان این ساحل در آن روز خواهند گفت: ”بنگرید بر سر امید ما که به جهت اعانت و رهایی از دست پادشاه آشور بدان گریختیم، چه آمده است! پس حال چگونه توانیم گریخت؟“

سفر اشعیا: الأصحاح الحادی والعشرون * ۱۷-۲۱

۱ وَحْيٍ مِنْ جِهَةِ بَرِّيَّةِ الْبَحْرِ: كَرَوَابِعٍ فِي الْجَنُوبِ عَاصِفَةٍ، يَأْتِي مِنَ الْبَرِّيَّةِ مِنْ أَرْضٍ مَخُوفَةٍ. ۲ قَدْ أَغْلَنْتَ لِي رُؤْيَا قَاسِيَةً: النَّاهِبُ نَاهِبًا وَالْمُخْرِبُ مُخْرِبًا. إِصْعَدِي يَا عِيلَامُ. خَاصِرِي يَا مَادِي. قَدْ أَبْطَلْتُ كُلَّ أُنِينِهَا. ۳ لِذَلِكَ امْتَلَأْتُ حَقَوَايَ وَجَعًا، وَأَخَذَنِي مَخَاضٌ كَمَخَاضِ الْوَالِدَةِ. تَلَوَّيْتُ حَتَّى لَا أَسْمَعَ. انْدَهَشْتُ حَتَّى لَا أَنْظُرُ. ۴ تَاهَ قَلْبِي. بَغْتَنِي رُغْبٌ. لَيْلَةٌ لَذَنِي جَعَلَهَا لِي رِغْدَةً. ۵ يُرْتَبُونَ الْمَائِدَةَ، يَخْرُسُونَ الْجِرَاسَةَ، يَأْكُلُونَ. يَشْرَبُونَ - قَوْمُوا أَيُّهَا الرُّؤَسَاءُ امْسَحُوا الْمَجَنَّ!

۱ وحی درباره بیابان کنار دریا: چنانکه گردباد از جنوب سخت می‌وزد، او نیز از بیابان، از دیار وحشت، خواهد آمد. ۲ رؤیایی سخت بر من آشکار گشته است: خیانت پیشه خیانت می‌ورزد و هلاک کننده هلاک می‌کند. ای عیلامیان برآیید، و ای مادیان محاصره کنید! من به همه ناله‌هایی که او سبب گردیده، پایان خواهم داد. ۳ از این رو کمرم از درد آکنده است، دردی همچون درد زن زائو مرا فرو گرفته است. از آنچه می‌شنوم مدهوش گشته‌ام، از آنچه می‌بینم پریشان شده‌ام. ۴ ذهن من مغشوش گشته، و از ترس به خود می‌لرزم. شبی که شوق آن داشتم، وحشت برایم به ارمغان آورده است. ۵ سفره را مهیا کرده و فرشها را گسترانیده‌اند؛ و به خوردن و نوشیدن مشغولند. ای سرداران به پا خیزید! سپرها را روغن زنید!

۶ لِأَنَّهُ هَكَذَا قَالَ لِي السَّيِّدُ: «اذْهَبْ أَقِمِ الْحَارِسَ. لِيُخْبِرَ بِمَا يَرَى». ۷ فَرَأَى رُكَّابًا أَزْوَاجَ فُرْسَانٍ. رُكَّابٌ حَمِيرٍ. رُكَّابٌ جِمَالٍ. فَأَصْغَى إِصْغَاءً شَدِيدًا، ۸ ثُمَّ صَرَخَ كَأَسَدٍ: «أَيُّهَا السَّيِّدُ، أَنَا قَائِمٌ عَلَى الْمَرْصَدِ دَائِمًا فِي النَّهَارِ، وَأَنَا وَقِفٌ عَلَى الْمَحْرَسِ كُلِّ اللَّيَالِي. ۹ وَهُوَذَا رُكَّابٌ مِنَ الرِّجَالِ. أَزْوَاجٌ مِنَ الْفُرْسَانِ». فَأَجَابَ وَقَالَ: «سَقَطْتُ، سَقَطْتُ بَابِلُ، وَجَمِيعُ تَمَاثِيلِ إِلَهَتِهَا الْمُنْحَوْتَةِ كَسَرَهَا إِلَى الْأَرْضِ». ۱۰ يَا دِيَّاسَتِي وَبَنِي يَبْدَرِي. مَا سَمِعْتُهُ مِنْ رَبِّ الْجُنُودِ إِلَهِ إِسْرَائِيلَ أَخْبَرْتُكُمْ بِهِ.

۶ زیرا که سید به من چنین گفته است: «برو، الحارس (دیدبان) را بگمار تا آنچه می‌بیند، اعلام کند. ۷ آنگاه که ارابه‌ها را ببیند که اسبان جفت جفت آنها را می‌کشند، و سواران را ببیند که بر الاغان و شتران می‌آیند، در آن هنگام هوشیار باشد، آری بسیار هوشیار باشد!» ۸ آنگاه الحارس همچون شیر فریاد برآورد: «ای سرورم، روزها بی‌وقفه بر دیدبانگاه ایستاده، و شبها یکسره بر جایگاه خود برقرار بوده‌ام. ۹ اینک:

ارابه‌رانی با جفتی اسب می‌آید.» و او در پاسخ گفت: «سقوط کرد! سقوط کرد! بابل سقوط کرد! تمثالهای خدایانش را جملگی بر زمین افکنده و خرد کرده‌اند!» ۱۰ ای قوم من که همچو خرمن کوبیده شدید، من آنچه را که از پروردگار لشکریان شنیده‌ام، آنچه را که از آلهه اسرائیل شنیده‌ام، بر شما اعلام می‌دارم.

۱۱ وَحْيٌ مِنْ جِهَةِ دُومَةَ: صَرَخَ إِلَيَّ صَارِخٌ مِنْ سَعِيرَ: «يَا حَارِسُ، مَا مِنَ اللَّيْلِ؟ يَا حَارِسُ، مَا مِنَ اللَّيْلِ؟» ۱۲ قَالَ الْحَارِسُ: «أَتَى صَبَاحٌ وَأَيْضًا لَيْلٌ. إِنْ كُنْتُمْ تَطْلُبُونَ فَاطْلُبُوا. ارْجِعُوا، تَعَالَوْا».

۱۱ وحی دربارهٔ دومه: کسی از 'سَعِير' به من ندا می‌کند: «ای دیدبان، از شب چقدر باقی است؟ ای دیدبان، از شب چقدر باقی است؟» ۱۲ دیدبان پاسخ می‌دهد: «صبح می‌آید، اما شب نیز می‌آید. و اگر می‌خواهید باز برسید، دیگر بار باز گشته، برسید.»

۱۳ وَحْيٌ مِنْ جِهَةِ بِلَادِ الْعَرَبِ: فِي الْوَعْرِ فِي بِلَادِ الْعَرَبِ تَبَيَّتَيْنِ، يَا قَوَائِلَ الدَّانِيَيْنِ. ۱۴ هَاتُوا مَاءَ لِمُلَاقَاةِ الْعَطْشَانِ، يَا سُكَّانَ أَرْضِ تَيْمَاءَ. وَافُوا الْهَارِبَ بِخَبْرِهِ. ۱۵ فَإِنَّهُمْ مِنْ أَمَامِ السِّيُوفِ قَدْ هَرَبُوا. مِنْ أَمَامِ السَّيْفِ الْمَسْلُوقِ، وَمِنْ أَمَامِ الْقَوْسِ الْمَشْدُودَةِ، وَمِنْ أَمَامِ شِدَّةِ الْحَرْبِ. ۱۶ فَإِنَّهُ هَكَذَا قَالَ لِي السَّيِّدُ: «فِي مَدَّةِ سَنَةٍ كَسَنَةِ الْأَجِيرِ يَفْنَى كُلُّ مَجْدٍ قِيدَارَ، ۱۷ وَبَقِيَّةُ عَدَدِ قَسِيٍّ أَبْطَالِ بَنِي قِيدَارَ تَقُلُّ، لِأَنَّ الرَّبَّ إِلَهَ إِسْرَائِيلَ قَدْ تَكَلَّمَ».

۱۳ وحی دربارهٔ سرزمین عرب: ای کاروانهای 'دانیان' که در بوته‌زارهای 'وَعْر' اُتراق می‌کنید، ۱۴ از برای تشنگان آب بیاورید؛ و ای ساکنان سرزمین 'تیماء'، با خوراک به دیدار آوارگان بروید. ۱۵ زیرا آنان از گزند شمشیر، از شمشیر برهنه گریخته‌اند؛ و از کمان کشیده، و از سختی جنگ. ۱۶ زیرا سید به من چنین گفته است: «در مدت یک سال، بر حسب سالهای کارگر روزمزد، تمامی جلال 'قیدار' زایل خواهد شد. ۱۷ و از کمانداران جنگاور 'قیدار'، جز تنی چند باقی نخواهند ماند، زیرا که یهوه خدای اسرائیل چنین فرموده است.»

سفر اِشعْیَاءَ : الْأَصْحَاحُ الثَّانِي وَالْعِشْرُونَ * ۲۵-۱:۲۲

۱ وَحْيٌ مِنْ جِهَةِ وَادِي الرُّؤْيَا: فَمَا لَكَ أَنْكَ صَعِدْتَ جَمِيعًا عَلَى السَّطُوحِ، ۲ يَا مَلَانَةُ مِنَ الْجَلْبَةِ، الْمَدِينَةُ الْعَجَاجَةُ، الْقَرْيَةُ الْمُفْتَحَرَّةُ؟ قَتْلَاكَ لَيْسَ هُمْ قَتَلَى السَّيْفِ وَلَا مَوْتَى الْحَرْبِ. ۳ جَمِيعُ رُؤَسَائِكَ هَرَبُوا مَعًا. أُسِرُوا بِالْقَسِيِّ. كُلُّ الْمُؤْجُودِينَ بِكَ أُسِرُوا مَعًا. مِنْ بَعِيدٍ قَرُّوا. ۴ لِذَلِكَ قُلْتُ: «اِفْتَصِرُوا عَنِّي، فَأُبْكِي بِمَرَارَةٍ. لَا تُلِحُّوا بِتَغْزِيَتِي عَنْ خَرَابِ بِنْتِ شَعْبِي».

۱ وحی درباره وادی رؤیا: اکنون تو را چه شده است که همگی بر بامها برآمده‌اید؟ ۲ ای شهر پر غوغا! ای شهر غلغله و شادمانی! کشتگانت کشته شمشیر نیستند، و در جنگ از پا در نیامده‌اند. ۳ رهبرانت با هم گریخته‌اند، و بی آنکه تیری از کمان رها شود، اسیر گشته‌اند. همه شما که یافت شدید، با هم اسیر گشتید، هرچند به دوردستها گریختید! ۴ از این رو گفتم: «نگاه خویش از من برگیرید، تا به تلخی بگریم! درباره نابودی قوم عزیزم، مکوشید تسلایم دهید!»

۵ إِنَّ لِّلسَّيِّدِ رَبِّ الْجُنُودِ فِي وَادِي الرُّؤْيَا يَوْمَ شَغَبٍ وَدَوْسٍ وَارْتِبَاكِ. نَقَبُ سُورٍ وَصَرَاحُ إِلَى الْجَبَلِ. ۶ فَعِيلَامُ قَدْ حَمَلَتِ الْجُعْبَةَ بِمَرْكَبَاتِ رِجَالِ فُرْسَانَ، وَقِيرٌ قَدْ كَشَفَتِ الْمِجَنَّ. ۷ فَتَكُونُ أَفْضَلُ أَوْدِيَّتِكَ مَلَانَةً مَّرَكَبَاتٍ، وَالْفُرْسَانُ تَصْطَفُّ اصْطِفَافًا نَحْوَ الْبَابِ. ۸ وَيَكْشِفُ سِتْرَ يَهُوذَا، فَتَنْظُرُ فِي ذَلِكَ الْيَوْمِ إِلَى أَسْلِحَةِ بَيْتِ الْوَعْرِ. ۹ وَرَأَيْتُمْ شَقُوقَ مَدِينَةِ دَاوُدَ أَنَّهُمَا صَارَتَا كَثِيرَةً، وَجَمَعْتُمُ مِيَاهَ الْبَرَكَةِ السُّفْلَى. ۱۰ وَعَدَدْتُمْ بُيُوتَ أُورُشَلِيمَ وَهَدَمْتُمُ الْبُيُوتَ لِتَخْصِينَ السُّورَ. ۱۱ وَصَنَعْتُمْ خَنْدَقًا بَيْنَ السُّورَيْنِ لِمِيَاهِ الْبَرَكَةِ الْعَيْقَةِ. لَكِنْ لَمْ تَنْظُرُوا إِلَى صَانِعِهِ، وَلَمْ تَرَوْا مُصَوِّرَهُ مِنْ قَدِيمٍ. ۱۲ وَدَعَا السَّيِّدُ رَبُّ الْجُنُودِ فِي ذَلِكَ الْيَوْمِ إِلَى الْبُكَاءِ وَالنُّوحِ وَالْقَرَعَةِ وَالتَّنَاطُّقِ بِالْمِسْحِ، ۱۳ فَهَؤُذَا بَهْجَةٌ وَفَرَحٌ، ذَبْحٌ بَقَرٍ وَتَحْرُ غَنَمٍ، أَكْلٌ لَحْمٍ وَشُرْبُ خَمْرٍ! «لِنَاكُلْ وَنَشْرَبْ، لِأَنَّا غَدًا نَمُوتُ». ۱۴ فَأَعْلَنَ فِي أُذُنِي رَبُّ الْجُنُودِ: «لَا يُغْفَرَنَّ لَكُمْ هَذَا الْإِثْمُ حَتَّى تَمُوتُوا، يَقُولُ السَّيِّدُ رَبُّ الْجُنُودِ».

۵ زیرا که سید، پروردگار لشکریان را روزی است: روز غوغا و لگدمال شدن و پریشان حالی در وادی رؤیا. روز فرو ریختن دیوارها، روز فریاد کمک بر آوردن نزد کوهها. ۶ عیلام تیر بر گرفته، با ارابه‌رانان و سوارانش، و قیر سپر برهنه ساخته است. ۷ بهترین وادیهای از ارابه‌ها پر گشته، و سواران نزد دروازه‌های صف‌آرایی کرده‌اند؛ ۸ او پوشش دفاعی یهودا را کنار می‌زند. در آن روز که شما به اسلحه‌های خاندان وعر نظر کردید ۹ دیدید که در شهر داوود رخنه‌ها بسیار است. شما در حوض پایینی آب گرد آوردید ۱۰ عمارت‌های اورشلیم را شمردید و خانه‌ها به جهت مستحکم کردن حصار شهر ویران کردید. ۱۱ بین دو دیوار، مخزنی برای آب حوض قدیمی ساختید، اما به سازنده اورشلیم نظر نیفکندید و به کسی که از دیرباز آن را بنا کرد، توجه نکردید. ۱۲ سید، پروردگار لشکریان، در آن روز شما را خواند تا بگریید و شیون کنید، و موهای خویش بر کنید و پلاس بپوشید. ۱۳ اما حال ببینید چه جشن و سروری بر پاست! گاو و گوسفند ذبح می‌کنید، گوشت می‌خورید و شراب می‌نوشید! می‌گویید: «بیایید بخوریم و بنوشیم، زیرا فردا می‌میریم.» ۱۴ پس پروردگار لشکریان این را در گوش من منکشف کرده است: «این گناه تا روز مرگتان نیز کفاره نخواهد شد.» آری، این است فرموده سید، پروردگار لشکریان.

۱۵ هَكَذَا قَالَ السَّيِّدُ رَبُّ الْجُنُودِ: «اذهَبِ ادْخُلِي إِلَى هَذَا جَلِيسِ الْمَلِكِ، إِلَى شَيْئَانَا الَّذِي عَلَى الْبَيْتِ: ۱۶ مَا لَكَ هَهُنَا؟ وَمَنْ لَكَ هَهُنَا حَتَّى نَقَرْتَ لِنَفْسِكَ هَهُنًا قَبِيرًا أَيُّهَا النَّاقِرُ فِي الْعُلُوِّ قَبْرُهُ، النَّاجِتُ لِنَفْسِهِ فِي الصَّخْرِ مَسْكَنًا؟ ۱۷ هُوَذَا الرَّبُّ يَطْرَحُكَ طَرَحًا يَا رَجُلُ، وَيُعْطِيكَ تَعْطِيَةً. ۱۸ يُلْفُكَ لَفٌّ لَفِيفَةٌ كَالْكُرَّةِ إِلَى أَرْضٍ وَاسِعَةٍ الطَّرَفَيْنِ. هُنَاكَ تَمُوتُ، وَهُنَاكَ تَكُونُ مَرْكَبَاتُ مَجْدِكَ، يَا خِزْيَ بَيْتِ سَيِّدِكَ. ۱۹ وَأَطْرُدُكَ مِنْ مَنْصِبِكَ، وَمِنْ مَقَامِكَ يَحْطُطُكَ.

۱۵ سید، پروردگار لشکریان چنین می فرماید: «نزد این مباشر، یعنی نزد شبننا ناظر کاخ سلطنتی برو و به او بگو: ۱۶ تو را در اینجا چه کار است و چه کسی به تو اجازه داده است در این مکان از برای خود قبری برتراشی؟ که در این جایگاه بلند برای خود آرامگاه بسازی و مسکنی از برای خویش در صخره برتراشی؟ ۱۷ «هان، ای مرد زور آور، خداوند تو را به شدت به جایی دور پرتاب خواهد کرد. او تو را محکم خواهد گرفت ۱۸ و دور خواهد چرخانید و همچون گویی به سرزمینی پهناور خواهد افکند. تو در آن سرزمین خواهی مرد، و اربابه‌های پرشکوهت در همان جا رها خواهد شد؛ ای که مایه ننگ خانه سرورت هستی! ۱۹ من تو را از مقامت خلع خواهم کرد، و تو از منصبت به زیر افکنده خواهی شد.

۲۰ «وَيَكُونُ فِي ذَلِكَ الْيَوْمِ أَنِّي أَدْعُو عَبْدِي الْيَاقِيمَ بْنَ جَلْفِيَّا ۲۱ وَالْبِسْهُ ثَوْبَكَ، وَأَشْدُّهُ بِمِنْطَقَتِكَ، وَأَجْعَلُ سُلْطَانَكَ فِي يَدِهِ، فَيَكُونُ أَبَا لِسْكَانٍ أُورُشَلِيمَ وَلَبِيتَ يَهُودَا. ۲۲ وَأَجْعَلُ مِفْتَاحَ بَيْتِ دَاوُدَ عَلَى كَتِفِهِ، فَيَفْتَحُ وَلَيْسَ مَنْ يُعْلِقُ، وَيُعْلَقُ وَلَيْسَ مَنْ يَفْتَحُ. ۲۳ وَأَثْبِتُهُ وَتَدًا فِي مَوْضِعٍ أَمِينٍ، وَيَكُونُ كُرْسِيَّ مَجْدٍ لِبَيْتِ أَبِيهِ. ۲۴ وَيَعْلَقُونَ عَلَيْهِ كُلَّ مَجْدٍ بَيْتِ أَبِيهِ، الْفُرُوعُ وَالْقُضْبَانُ، كُلُّ أُنْيَةٍ صَغِيرَةٍ مِنْ أُنْيَةِ الطُّسُوسِ إِلَى أُنْيَةِ الْقَنَانِيِّ جَمِيعًا. ۲۵ فِي ذَلِكَ الْيَوْمِ، يَقُولُ رَبُّ الْجُنُودِ، يَرْزُلُ الْوَتْدُ الْمُثْبَتُ فِي مَوْضِعٍ أَمِينٍ وَيُقْطَعُ وَيَسْقُطُ. وَيُبَادُ الثَّقَلُ الَّذِي عَلَيْهِ، لِأَنَّ الرَّبَّ قَدْ تَكَلَّمَ».

۲۰ «در آن روز، من خادم خویش یاقیم، فرزند حلقیا، را فرا خواهم خواند ۲۱ و پیراهن تو را به او پوشانیده، شال تو را بر کمرش خواهم بست و اقتدار تو را بدو خواهم بخشید. و او ساکنان اورشلیم و خاندان یهودا را پدر خواهد بود. ۲۲ من کلید خانه داوود را بر دوش او خواهم نهاد. آنچه او بگشاید کسی نتواند بست، و آنچه او ببندد کسی نتواند گشود. ۲۳ من او را مانند میخ در جایی محکم خواهم کوبید، و او کرسی جلال برای خاندان پدرش خواهد بود. ۲۴ تمامی جلال خاندانش را از فرزندان و نونهالان گرفته تا تمامی ظروف کوچک، از کاسه‌ها تا همه تنگها، بر او خواهند آویخت. ۲۵ پروردگار لشکریان در آن روز، می فرماید: آن میخ که در مکانی محکم کوبیده شده بود، از جای خود به در خواهد آمد و خرد شده، خواهد افتاد؛ و باری که بر آن آویخته بود، تلف خواهد شد.» آری، خداوند چنین فرموده است.

سفر اشعیا: الأصاح الثالث والعشرون * ۱:۲۳-۱۸

۱ وَحْيٍ مِنْ جِهَةِ صُورَ: وَلَوْلِي يَا سُفْنُ تَرْشِيشَ، لِأَنَّهَا خَرِبَتْ حَتَّى لَيْسَ بَيْتٌ حَتَّى لَيْسَ مَدْخَلٌ. مِنْ أَرْضِ كَيْتِيمَ أُغْلِنَ لَهُمْ. ۲ اِنْذِهِسُوا يَا سُكَّانَ السَّاحِلِ. تُجَارُ صَيِّدُونَ الْعَابِرُونَ الْبَحْرَ مَلَأُوكَ. ۳ وَغَلَّتْهَا، زَرْعُ شِيحُورَ، حَصَادُ النَّيْلِ، عَلَى مِيَاهِ كَثِيرَةٍ فَصَارَتْ مَتَجَرَّةً لِأُمَمٍ. ۴ اِخْجَلِي يَا صَيِّدُونَ لِأَنَّ الْبَحْرَ، حِصْنُ الْبَحْرِ، نَطَقَ قَائِلًا: «لَمْ أَتَمَخَّصْ وَلَا وَلَدْتُ وَلَا رَبَّيْتُ شَبَابًا وَلَا نَشَأْتُ عَذَارَى». ۵ عِنْدَ وَصُولِ الْخَبَرِ إِلَى مِصْرَ، يَتَوَجَّعُونَ، عِنْدَ وَصُولِ خَبَرِ صُورَ. ۶ اُغْبِرُوا إِلَى تَرْشِيشَ. وَلَوْلَا يَا سُكَّانَ السَّاحِلِ. ۷ أَهْذِهِ لَكُمْ الْمُفْتَحِرَةُ الَّتِي مُنْذُ الْآيَامِ الْقَدِيمَةِ قَدِمَتْهَا؟ تَنْقُلُهَا رِجَالُهَا بَعِيدًا لِلتَّعَرُّبِ.

۱ وحی درباره صور^{۱۴}: ای کشتیهای ترشیش شیون کنید! زیرا که صور ویران شده است، و خانه و بندری در آن باقی نمانده. از سرزمین قهرس بدیشان خبر رسیده است. ۲ ای ساحل‌نشینان ماتم کنید! ای که تاجران دریانورد صیدون دولتمندان کردند. ۳ غله شیحور بر آبهای بسیار می‌آمد؛ حصاد نیل، درآمد صور بود، و او تجارتگاه قومها شده بود. ۴ ای صیدون، شرمسار باش! زیرا که دریا لب به سخن گشوده و قلعه دریا به زبان آمده، می‌گوید: «مرا هرگز درد زانوده و هرگز نزاده‌ام! پسران هرگز نپرورده و دختران تربیت نکرده‌ام.» ۵ چون این خبر به مصر رسد، مردمش از شنیدن خبر صور بسیار دردمند خواهند شد. ۶ ای ساحل‌نشینان به ترشیش عبور کرده، شیون نمایید. ۷ آیا این همان شهر شادمان شماست؟ همان شهر قدیمی از ایام کهن، که پاهایش او را به سرزمینهای دور برده تا در آنها غربت گزیند؟

۸ مَنْ قَضَى بِهَذَا عَلَى صُورَ الْمُتَوَجِّعَةِ الَّتِي تُجَارُهَا رُؤَسَاءُ؟ مُتَسَبِّبُوهَا مُوقِرُ الْأَرْضِ. ۹ رَبُّ الْجُنُودِ قَضَى بِهِ لِيُدْنِسَ كِبَرِيَاءَ كُلِّ مَجْدٍ، وَيَبْهِنَ كُلُّ مُوقِرِي الْأَرْضِ. ۱۰ اِجْتَازِي أَرْضَكَ كَالنَّيْلِ يَا بِنْتُ تَرْشِيشَ. لَيْسَ حَصْرٌ فِي مَا بَعْدُ. ۱۱ مَدَّ يَدَهُ عَلَى الْبَحْرِ. أَرْعَدَ مَمَالِكَ. أَمَرَ الرَّبُّ مِنْ جِهَةِ كَنْعَانَ أَنْ تُخْرَبَ حُصُونُهَا. ۱۲ وَقَالَ: «لَا تَعُودِينَ تَفْتَحِرِينَ أَيْضًا أَيَّتُهَا الْمُنْهَتِكَةُ، الْعَذْرَاءُ بِنْتُ صَيِّدُونَ، قُومِي إِلَى كَيْتِيمَ. اِغْبِرِي. هُنَاكَ أَيْضًا لَا رَاحَةَ لَكَ».

۸ این کیست که بر ضد صور چنین تدبیر کرده است؛ بر ضد آن شهر تاج‌بخش، که بازرگانانش سروراند و تاجران شریفان جهان؟ ۹ پروردگار لشکریانست که چنین تدبیر کرده است تا تکبر تمامی شوکت‌مندان را پست سازد، و شریفان جهان را به تمامی خوار گرداند. ۱۰ ای دختر ترشیش، در سرزمین خویشتن همچو نیل عبور کن، زیرا که تو را دیگر بندری نیست. ۱۱ خداوند دست خود را بر دریا دراز کرده، و ممالک را لرزانیده است. و فرمان داده که قلعه‌هایش را از جهت کنعان نابود کنند. ۱۲ او فرموده

^{۱۴} صور به معنی صخره، شهری بندری در جنوب لبنان در ۷۹ کیلومتری جنوب بیروت است که بر ساحل دریای مدیترانه قرار گرفته. صور از شهرهای باستان فنیقیان بوده و امروزه چهارمین شهر بزرگ لبنان است.

است: «ای دوشیزه ستمدیده صیدون، تو دیگر شادمانی به خود نخواهی دید. هرچند برخاسته به قیصر بگریزی، آنجا نیز روی آسایش نخواهی دید.»

۱۳ هُوَذَا أَرْضُ الْكَلْدَانِيِّينَ. هَذَا الشَّعْبُ لَمْ يَكُنْ. أَسَسَهَا أَشُورُ لِأَهْلِ الْبَرِّيَّةِ. قَدْ أَقَامُوا أَبْرَاجَهُمْ. دَمَرُوا قُصُورَهَا. جَعَلَهَا رَدْمًا. ۱۴ وَلَوْلِي يَا سَفْنُ تَرْشِيشَ لَأَنْ حِصْنِكَ قَدْ أُخِرِبَ. ۱۵ وَيَكُونُ فِي ذَلِكَ الْيَوْمِ أَنَّ صُورَ تُنْسَى سَبْعِينَ سَنَةً كَأَيَّامِ مَلِكٍ وَاحِدٍ. مِنْ بَعْدِ سَبْعِينَ سَنَةً يَكُونُ لِصُورَ كَأُغْنِيَّةِ الزَّانِيَةِ: ۱۶ «خُذِي عُودًا. طُوفِي فِي الْمَدِينَةِ أَيْتُهَا الزَّانِيَةُ الْمُنْسِيَّةُ. أَحْسِنِي الْعَرْفَ، أَكْثِرِي الْغِنَاءَ لِكَيْ تُذَكَّرِي». ۱۷ وَيَكُونُ مِنْ بَعْدِ سَبْعِينَ سَنَةً أَنَّ الرَّبَّ يَتَعَهَّدُ صُورَ فَتَعُودُ إِلَى أَجْرَتِهَا، وَتَزْنِي مَعَ كُلِّ مَمَالِكِ الْبِلَادِ عَلَى وَجْهِ الْأَرْضِ. ۱۸ وَتَكُونُ تِجَارَتُهَا وَأُجْرَتُهَا قُدْسًا لِلرَّبِّ. لَا تُخْزَنُ وَلَا تُكْنَزُ، بَلْ تَكُونُ تِجَارَتُهَا لِلْمُقِيمِينَ أَمَامَ الرَّبِّ، لِأَكْلِ الشَّبَعِ وَلِلْبَاسِ فَآخِرٍ.

۱۳ سرزمین کلدانیان را بنگر! قومی را که اکنون به هیچ محسوب نمی شوند! آشوریان آن را به جهت وحوش صحرا بنیان نهادند. ایشان آن را با منجنيقها محاصره کرده، کاخهایش را لخت کردند و آن را به ویرانه‌ای بدل ساختند. ۱۴ پس ای کشتیهای ترشیش شیون کنید، زیرا قلعه شما نابود شده است. ۱۵ در آن زمان صور به مدت هفتاد سال، که طول عمر یک پادشاه است، فراموش خواهد شد. و پس از آن هفتاد سال، بر صور همان خواهد رفت که در سرود فاحشه سراییده‌اند: ۱۶ «ای فاحشه که از یاد رفته‌ای، چنگی بگیر و در شهر بگرد. نیکو بنواز و آوازهای بسیار بخوان، تا به یاد آورده شوی!» ۱۷ در پایان هفتاد سال، خداوند به سراغ صور خواهد آمد. صور همچون فاحشه‌ای نزد اجرت دهندگانش باز خواهد گشت و دیگر بار خود را به تمامی پادشاهان روی زمین خواهد فروخت. ۱۸ اما سود و اجرت او در خزائن وی انباشته و ذخیره نخواهد شد، بلکه وقف قداست پروردگار خواهد گردید. آری، سود او از آن کسانی خواهد شد که در حضور پروردگار ساکنند، تا سیر بخورند و جامه‌های فاخر بپوشند.

سفر اِشعْیَاء: الْأَصْحَاحُ الرَّابِعُ وَالْعِشْرُونَ * ۱:۲۴-۲۳

۱ هُوَذَا الرَّبُّ يَخْلِي الْأَرْضَ وَيُفْرِغُهَا وَيَقْلِبُ وَجْهَهَا وَيُبَدِّلُ سُكَّانَهَا. ۲ وَكَمَا يَكُونُ الشَّعْبُ هَكَذَا الْكَاهِنُ. كَمَا الْعَبْدُ هَكَذَا سَيِّدُهُ. كَمَا الْأَمَةُ هَكَذَا سَيِّدَتُهَا. كَمَا الشَّارِي هَكَذَا الْبَائِعُ. كَمَا الْمُقْرِضُ هَكَذَا الْمُقْتَرِضُ. وَكَمَا الدَّائِنُ هَكَذَا الْمَدْيُونُ. ۳ تُفْرَغُ الْأَرْضُ إِفْرَاغًا وَتَنْهَبُ نَهْبًا، لِأَنَّ الرَّبَّ قَدْ تَكَلَّمَ بِهَذَا الْقَوْلِ. ۴ نَاحَتْ ذُبَلَتِ الْأَرْضُ. حَزِنَتْ ذُبَلَتِ الْمَسْكُونَةُ. حَزِنَ مُرْتَفِعُ شَعْبِ الْأَرْضِ.

۱ هان، خداوند زمین را خراب و ویران می کند؛ او سطح آن را معوج ساخته، ساکنانش را پراکنده می سازد. ۲ همگان به یک سرنوشت دچار خواهند شد: کاهن همانند قوم، ارباب همانند غلام، خاتون

همانند کنیز، فروشنده همانند خریدار، قرض گیرنده همانند قرض دهنده، بدهکار همانند طلبکار. ۳ زمین ویران شده به یغما خواهد رفت، زیرا که خداوند چنین فرموده است. ۴ زمین خشک و پژمرده می گردد؛ جهان کاهیده و پژمرده می شود؛ بزرگان زمین کاهیده می گردند.

۵ وِ الْأَرْضُ تَدْتَسْتُ تَحْتَ سُكَّانِهَا لِأَنَّهُمْ تَعَدَّوْا الشَّرَائِعَ، غَيَّرُوا الْفَرِيضَةَ، نَكَثُوا الْعَهْدَ الْأَبَدِيَّ. ۶ لِذَلِكَ لَعْنَةُ أَكَلَتِ الْأَرْضُ وَعُوقِبَ السَّاكِنُونَ فِيهَا. لِذَلِكَ اخْتَرَقَ سُكَّانُ الْأَرْضِ وَبَقِيَ أَنَاسٌ قَلِيلٌ. ۷ نَاحَ الْمِسْطَارِ، ذُبُلَتِ الْكَرْمَةُ، أَنَّ كُلَّ مَسْرُورِي الْقُلُوبِ. ۸ بَطَلَ فَرْحُ الدَّقُوفِ، انْقَطَعَ صَجِيجُ الْمُتَبَهِّجِينَ، بَطَلَ فَرْحُ الْعُودِ. ۹ لَا يَشْرَبُونَ خَمْرًا بِالْغِنَاءِ. يَكُونُ الْمُسْكِرُ مُرًّا لِشَارِبِيهِ. ۱۰ دُمِرَتْ قَرْيَةُ الْخَرَابِ. أُغْلِقَ كُلُّ بَيْتٍ عَنِ الدَّخُولِ. ۱۱ صُرَاخٌ عَلَى الْخَمْرِ فِي الْأَرْقَةِ. غَرَبَ كُلُّ فَرْحٍ. انْتَفَى سُرُورُ الْأَرْضِ. ۱۲ الْبَاقِي فِي الْمَدِينَةِ خَرَابٌ، وَضُرِبَ الْبَابُ رَدْمًا. ۱۳ إِنَّهُ هَكَذَا يَكُونُ فِي وَسْطِ الْأَرْضِ بَيْنَ الشُّعُوبِ كُنْفَاضَةً زَيْتُونَةٍ، كَالْخُصَاصَةِ إِذْ انْتَهَى الْقِطَافُ.

۵ زمین به سبب ساکنانش آلوده شده است، زیرا از شرایع تجاوز کرده اند؛ فرائض را تغییر داده اند و عهد جاودانی را شکسته اند. ۶ پس لعنت زمین را فرو می بلعد و ساکنانش به سزای تقصیراتشان می رسند. آری، ساکنان زمین سوخته اند، و جز شماری اندک باقی نمانده اند. ۷ شراب ماتم می کند و درخت انگور خشک می شود، و شاددلان جملگی آه می کشند. ۸ نوای شاد دف دیگر شنیده نمی شود، آواز خوش گذرانان قطع شده است، و چنگ شادی بخش خاموش گشته است. ۹ شراب را دیگر با آوازخوانی نمی آشامند، و مُسکرات به کام نوشندگان تلخ شده است. ۱۰ شهر ویرانه، منهدم شده، و درب منازل بسته است تا کسی داخل نشود. ۱۱ در معابر غوغایی برای شراب برپاست؛ خوشیها به اندوه بدل گشته، و شادیها از زمین رخت بسته است. ۱۲ شهر، ویران رها گشته، و دروازه هایش خرد شده است. ۱۳ آری، اینچنین خواهد بود وضعیت قومها در وسط زمین؛ همچون تکاندن درخت زیتون، و مانند خوشه های باقیمانده پس از انگورچینی.

۱۴ هُمْ يَرْفَعُونَ أَصْوَاتَهُمْ وَيَتَرْتَمُونَ. لِأَجْلِ عَظَمَةِ الرَّبِّ يَصُوتُونَ مِنَ الْبَحْرِ. ۱۵ لِذَلِكَ فِي الْمَشَارِقِ مَجِدُّوا الرَّبَّ. فِي جَزَائِرِ الْبَحْرِ مَجِدُّوا اسْمَ الرَّبِّ إِلَهَ إِسْرَائِيلَ. ۱۶ مِنْ أَطْرَافِ الْأَرْضِ سَمِعْنَا تَرْنِيمَةً: «مَجْدًا لِلْبَّارِ». فَقُلْتُ: «يَا تَلْفِي، يَا تَلْفِي! وَيْلٌ لِي! النَّاهِبُونَ نَهَبُوا. النَّاهِبُونَ نَهَبُوا نَهَبًا». ۱۷ عَلَيْكَ رُغْبٌ وَحُفْرَةٌ وَفُخٌّ يَا سَاكِنِ الْأَرْضِ. ۱۸ وَيَكُونُ أَنَّ الْهَارِبَ مِنْ صَوْتِ الرُّغْبِ يَسْقُطُ فِي الْحُفْرَةِ، وَالصَّاعِدَ مِنْ وَسْطِ الْحُفْرَةِ يُؤْخَذُ بِالْفُخِّ. لِأَنَّ مِيَازِيبَ مِنَ الْعَلَاءِ انْفَتَحَتْ، وَأُسُسُ الْأَرْضِ تَزَلْزَلَتْ. ۱۹ اِنْسَحَقَتِ الْأَرْضُ اِنْسِحَاقًا. تَشَقَّقَتِ الْأَرْضُ تَشَقُّقًا. تَزَعْرَعَتِ الْأَرْضُ تَزَعْرُعًا. ۲۰ تَرْتَحَتِ الْأَرْضُ تَرْتَحًا كَالسَّكْرَانِ، وَتَدْلُدَتِ كَالْعِزْزَالِ، وَثَقُلَ عَلَيْهَا ذَنْبُهَا، فَسَقَطَتْ وَلَا تَعُودُ تَقُومُ. ۲۱ وَيَكُونُ فِي ذَلِكَ الْيَوْمِ أَنَّ الرَّبَّ يَطَالِبُ جُنْدَ الْعَلَاءِ فِي الْعَلَاءِ، وَمُلُوكَ الْأَرْضِ عَلَى الْأَرْضِ. ۲۲ وَيُجْمَعُونَ جَمْعًا كَأَسَارَى فِي سِجْنٍ، وَيُعْلَقُ عَلَيْهِمْ فِي حَبْسٍ، ثُمَّ بَعْدَ أَيَّامٍ كَثِيرَةٍ يَنْعَهَدُونَ.

۲۳ وَيَخْجَلُ الْقَمَرُ وَتُخْزَى الشَّمْسُ، لَأَنَّ رَبَّ الْجُنُودِ قَدْ مَلَكَ فِي جَبَلِ صِهْيُونَ وَفِي أُورُشَلِيمَ، وَقُدَّامَ شُيُوخِهِ
مَجْدُ.

۱۴ آنان آواز خود را بلند کرده، فریاد شادمانی سر خواهند داد، و از دریا کبریایی پروردگار را اعلام خواهند کرد. ۱۵ پس در مشرق پروردگار را جلال دهید، و در سواحل دریاها نام پروردگار خدای اسرائیل را برافرازید. ۱۶ از کرانه‌های زمین سرود حمد به گوش می‌رسد که می‌گوید: «جلال باد بر آن عادل!» اما من گفتم: «آه که تلف شدم! آه که تلف شدم! وای بر من! خیانت‌پیشگان خیانت می‌ورزند؛ آری، خیانت‌پیشگان سخت خیانت می‌ورزند.» ۱۷ ای ساکنان زمین وحشت و گودال و دام در انتظار شماست. ۱۸ هر آن که از آوای وحشت‌آور بگریزد در گودال خواهد افتاد، و هر آن که از گودال به در آید در دام گرفتار خواهد شد. زیرا که روزنه‌های آسمان گشوده شده است و پایه‌های زمین می‌لرزد. ۱۹ زمین به‌تمامی در هم شکسته است، زمین سراپا شکاف برداشته است، زمین سخت به جنبش درآمده است. ۲۰ زمین چون مستان، افتان و خیزان است، و همچون آلاچیقی در تندباد، بر خود می‌لرزد. بار گناهش سنگین است؛ می‌افتد و دیگر بر نخواهد خاست. ۲۱ در آن روز، خداوند قدرتهای آسمانی را در آسمان، و پادشاهان زمین را بر زمین سزا خواهد داد. ۲۲ آنان بسان زندانیانی در سیاه‌چال، گرد هم آورده خواهند شد. در زندان محبوس خواهند گشت، و پس از ایام بسیار جزا خواهند یافت. ۲۳ ماه خجل خواهد شد و خورشید، شرمسار، زیرا پروردگار لشکریان شکوهمندانه پادشاهی خواهد کرد، بر کوه صهیون و در اورشلیم، و به حضور مشایخ خویش.

سفر اِشَعْيَاءَ : الْأَصْحاحُ الْخَامِسُ وَالْعِشْرُونَ * ۱:۲۵-۱۲

۱ يَا رَبِّ، أَنْتَ إِلَهِي أَعْظَمُكَ. أَحْمَدُ اسْمَكَ لَأَنَّكَ صَنَعْتَ عَجَبًا. مَقَاصِدُكَ مُنْذُ الْقَدِيمِ أَمَانَةٌ وَصِدْقٌ. ۲ لَأَنَّكَ جَعَلْتَ مَدِينَةَ رُجْمَةٍ. قَرْيَةً حَصِينَةً رَدْمًا. قَصَرَ أَعَاجِمَ أَنْ لَا تَكُونَ مَدِينَةً. لَا يَبْنِي إِلَى الْأَبَدِ. ۳ لِذَلِكَ يُكْرِمُكَ شَعْبٌ قَوِيٌّ، وَتَخَافُ مِنْكَ قَرْيَةُ أُمَمٍ عَتَاةٍ. ۴ لَأَنَّكَ كُنْتَ حِصْنًا لِلْمُسْكِينِ، حِصْنًا لِلْبَائِسِ فِي ضَيْقِهِ، مُلْجَأٌ مِنَ السَّيْلِ، ظِلًّا مِنَ الْحَرِّ، إِذْ كَانَتْ نَفْخَةُ الْعُتَاةِ كَسَيْلٍ عَلَى حَائِطٍ. ۵ كَحَرِّ فِي يَبَسٍ تَخْفِضُ ضَجِيجَ الْأَعَاجِمِ. كَحَرِّ بَظْلٍ غَيْمٍ يَذُلُّ غِنَاءَ الْعُتَاةِ.

۱ ای یهوه، تو خدای من هستی، تو را برمی‌افرازم و نامت را می‌ستایم، زیرا که اعمال عجیب کرده‌ای، و تدبیرات قدیم خود را به انجام رسانیده‌ای، در امانت و راستی. ۲ شهر را هدف قرار دادی، و قریه مستحکم را به ویرانه‌ای؛ کاخ بیگانگان دیگر شهری نیست، و هرگز از نو بنا نخواهد شد. ۳ پس ملت‌های نیرومند تو را حرمت خواهند داشت، و شهرهای اقوام ستم‌پیشه از تو خواهند ترسید. ۴ زیرا تو برای بینوایان

پناهگاه بوده‌ای، پناهگاهی برای نیازمندان به هنگام تنگی. در توفانها آنان را سرپناهی، در گرمای روز سایه خود را بر آنان می‌گستری. آن هنگام که دم ستمگران مانند وزش توفان بود بر دیوار، ۵ تو چون گرمای بیابان هیاهوی بیگانگان را خاموش می‌سازی؛ چنانکه سایه ابری گرمای سوزان را فرو می‌نشاند، همچنان آواز ستمگران خاموش می‌گردد.

۶ وَيَصْنَعُ رَبُّ الْجُنُودِ لِجَمِيعِ الشُّعُوبِ فِي هَذَا الْجَبَلِ وَلِيْمَةً سَمَائِنَ، وَلِيْمَةً خَمَرٍ عَلَى دَرْدِي، سَمَائِنَ مُمَخَّةٍ، دَرْدِي مُصَفًى. ۷ وَيُفْنِي فِي هَذَا الْجَبَلِ وَجْهَ النَّقَابِ. النَّقَابِ الَّذِي عَلَى كُلِّ الشُّعُوبِ، وَالْغِطَاءَ الْمُنْعَطَى بِهِ عَلَى كُلِّ الْأُمَمِ. ۸ يَبْلُغُ الْمَوْتَ إِلَى الْأَبَدِ، وَيَمْسَحُ السَّيِّدُ الرَّبُّ الدَّمُوعَ عَنْ كُلِّ الْوُجُوهِ، وَيَنْزِعُ عَارَ شَعْبِهِ عَنْ كُلِّ الْأَرْضِ، لِأَنَّ الرَّبَّ قَدْ تَكَلَّمَ.

۶ پروردگار لشکریان در این کوه ضیافتی بر پا خواهد کرد، ضیافتی از خوراکیهای لذیذ برای جمیع ملتها. ضیافتی از شراب کهنه، خوراکیهای پر مغز و مرغوبترین شرابها. ۷ او پوششی را که بر تمام ملتها افکنده شده است، و ستیری را که بر جمیع قومها گسترده است، در این کوه فرو خواهد بلعید. ۸ او مرگ را تا به ابد فرو خواهد بلعید؛ سید پروردگار اشکها را از هر چهره خواهد زدود، و ننگ قوم خویش را از تمامی زمین بر خواهد گرفت، زیرا که پروردگار سخن گفته است.

۹ وَيَقَالُ فِي ذَلِكَ الْيَوْمِ: «هُؤذَا هَذَا إِلَهُنَا. انْتَبَرْنَا فَخَلَصْنَا. هَذَا هُوَ الرَّبُّ انْتَبَرْنَا. نَبْتَهِّجُ وَتَفْرَحُ بِخَلَاصِهِ». ۱۰ لِأَنَّ يَدَ الرَّبِّ تَسْتَقِرُّ عَلَى هَذَا الْجَبَلِ، وَيُدَاسُ مُوَابٌ فِي مَكَانِهِ كَمَا يُدَاسُ التِّينُ فِي مَاءِ الْمَزْبَلَةِ. ۱۱ فَيَبْسُطُ يَدَيْهِ فِيهِ كَمَا يَبْسُطُ السَّابِحُ لِيَسْبَحَ، فَيَضَعُ كِبْرِيَاءَهُ مَعَ مَكَائِدِ يَدَيْهِ. ۱۲ وَصَرَخَ ارْتِفَاعِ أَسْوَارِكَ يَخْفِضُهُ، يَضَعُهُ، يُلْصِقُهُ بِالْأَرْضِ إِلَى التُّرَابِ.

۹ در آن روز خواهند گفت: «هان این الهه ما است که منتظر او بودیم تا نجاتمان بخشد. این پروردگاری است که منتظر او بودیم، پس در نجات او وجد و شادی کنیم.» ۱۰ زیرا دست پروردگار بر این کوه قرار خواهد گرفت؛ اما موآب در مکان خود پایمال خواهد شد، همچون کاه در سرگین. ۱۱ همان‌گونه که شناگر دستان خود را به جهت شنا می‌گشاید، همچنان او دستان خویش را در میان آن خواهد گشود؛ و بزرگی موآب را در میان مکاید دستانش قرار خواهد داد. ۱۲ او حصارهای مستحکم و بلند تو را سرنگون خواهد کرد، و آنها را به زیر افکنده، با خاک یکسان خواهد نمود.

سفر اشعیاء: الأصْحاحُ السَّادِسُ وَالْعِشْرُونَ * ۲۶: ۱-۲۱

۱ فِي ذَلِكَ الْيَوْمِ يُعْنَى بِهَذِهِ الْأَغْنِيَةِ فِي أَرْضِ يَهُودَا: لَنَا مَدِينَةٌ قَوِيَّةٌ. يَجْعَلُ الْخَلَاصَ أَسْوَارًا وَمَتْرَسَةً. ۲ افْتَحُوا الْأَبْوَابَ لِتَدْخُلَ الْأُمَّةُ الْبَارَّةُ الْحَافِظَةُ الْأَمَانَةَ. ۳ ذُو الرِّأْيِ الْمُمَكَّنِ تَحْفَظُهُ سَالِمًا سَالِمًا، لِأَنَّهُ عَلَيْكَ

مَتَوَكِّلٌ. ٤ تَوَكَّلُوا عَلَى الرَّبِّ إِلَى الْأَبَدِ، لَأَنَّ فِي يَاةِ الرَّبِّ صَخْرَ الدَّهْوَرِ. ٥ لَأَنَّهُ يَخْفِضُ سُكَّانَ الْعَلَاءِ، يَضَعُ الْقَرْيَةَ الْمُرْتَفِعَةَ. يَضَعُهَا إِلَى الْأَرْضِ. يُلْصِقُهَا بِالتُّرَابِ. ٦ تَدُوسُهَا الرَّجُلُ، رِجَالُ الْبَائِسِ، أَقْدَامُ الْمَسَاكِينِ.

۱ در آن روز، این سرود را در سرزمین یهودا خواهند سراپید: «ما را شهری مستحکم است؛ او نجات را حصار درونی و بیرونی آن می‌سازد. ۲ دروازه‌ها را بگشاید تا قوم پارسا داخل شود، قومی که حافظ و امانت‌دار است. ۳ صاحب اندیشه استوار را به سلامت حفظ خواهی کرد، زیرا که بر تو توکل کرده است. ۴ تا به ابد بر پروردگار توکل کنی، زیرا که او، صخره جاودان است. ۵ چرا که او بلند نشین را پست ساخته و شهر رفیع را به زیر می‌کشد؛ آن را بر زمین افکنده، با خاک یکسان می‌سازد؛ ۶ پاها آن را لگدمال می‌کند، پاهاى ستمديدگان و قدمهاى بينوايان.»

۷ طَرِيقُ الصِّدِّيقِ اسْتِقَامَةٌ. تَمَهِّدْ أَيْهَا الْمُسْتَقِيمُ سَبِيلَ الصِّدِّيقِ. ۸ فَبِطَرِيقِ أَحْكَامِكَ يَا رَبُّ أَنْتَظَرْتَاكَ. إِلَى اسْمِكَ وَإِلَى ذِكْرِكَ شَهْوَةُ النَّفْسِ. ۹ بِنَفْسِي اسْتَهْتَيْتُكَ فِي اللَّيْلِ. أَيْضًا بِرُوحِي فِي دَاخِلِي إِلَيْكَ أَبْتَكَرُ. لَأَنَّهُ حِينَمَا تَكُونُ أَحْكَامُكَ فِي الْأَرْضِ يَتَعَلَّمُ سُكَّانُ الْمَسْكُونَةِ الْعَدْلَ. ۱۰ يُرَحِّمُ الْمُنَافِقُ وَلَا يَتَعَلَّمُ الْعَدْلَ. فِي أَرْضِ الْاسْتِقَامَةِ يَصْنَعُ شَرًّا وَلَا يَرَى جَلَالَ الرَّبِّ.

۷ راه راستگوی استقامت است؛ پس ای راستگوی در راه مستقیم آن را هموار ساز. ۸ در طریق احکامت، ای پروردگار، انتظارت را می‌کشیم. نام و یاد توست اشتیاق جان ما. ۹ شبانگاه جان من در اشتیاق توست، و سحرگاه روح من در اندرونی تو را می‌جوید. آنگاه که احکام تو بر زمین اجرا شود، ساکنان جهان عدل را خواهند آموخت. ۱۰ بر منافق رحم می‌شود، ولی عدل را نمی‌آموزد. در سرزمین راستگویان شر پیا می‌کند، اما جلال پروردگار را نمی‌بیند.

۱۱ يَا رَبُّ، ارْتَفَعَتْ يَدُكَ وَلَا يَرَوْنَ. يَرَوْنَ وَيَخْزَوْنَ مِنَ الْغَيْبَةِ عَلَى الشَّعْبِ وَتَاكُلُهُمْ نَارُ أَغْدَائِكَ. ۱۲ يَا رَبُّ، تَجْعَلْ لَنَا سَلَامًا لِأَنَّكَ كُلَّ أَعْمَالِنَا صَنَعْتَهَا لَنَا. ۱۳ أَيْهَا الرَّبُّ إِلَهُنَا، قَدْ اسْتَوَلَى عَلَيْنَا سَادَةُ سِوَاكَ. بِكَ وَحْدَكَ نَذْكُرُ اسْمَكَ. ۱۴ هُمْ أَمْوَاتٌ لَا يَحْيَوْنَ. أَخِيَلَةُ لَا تَقُومُ. لِذَلِكَ عَاقَبْتَ وَأَهْلَكْتَهُمْ وَأَبَدْتَ كُلَّ ذِكْرِهِمْ.

۱۱ خداوندا، دست تو افراشته است اما آنان نمی‌بینند! بگذار قوم غیرت تو را ببینند و سرافکنده شوند؛ بگذار آتشی که برای دشمنان تو است، ایشان را فرو بلعد. ۱۲ خداوندا، تو برای ما آرامش مقرر خواهی داشت؛ هر آنچه کرده‌ایم، برآستی تو برایمان کرده‌ای. ۱۳ ای پروردگار خدای ما، اربابانی غیر از تو بر ما حکم راندند، اما ما تنها نام تو را یاد می‌کنیم. ۱۴ آنان مرده‌اند و دیگر زنده نخواهند شد، ارواحند و دیگر بر نخواهند خاست. آنان را جزا داده و نابود کرده‌ای، و یادشان را از خاطرها زدوده‌ای.

۱۵ زِدْتَ الْأُمَّةَ يَا رَبُّ، زِدْتَ الْأُمَّةَ. تَمَجَّدْتَ. وَسَّعْتَ كُلَّ أَطْرَافِ الْأَرْضِ. ۱۶ يَا رَبُّ فِي الضِّيقِ طَلَبُوكَ. سَكَبُوا مُخَافَتَةً عِنْدَ تَأْدِيبِكَ إِيَّاهُمْ. ۱۷ كَمَا أَنَّ الْخُبْلَى الَّتِي تُقَارِبُ الْوِلَادَةَ تَتَلَوَّى وَتَصْرُخُ فِي مَخَاضِهَا، هَكَذَا

كُنَّا قَدْ آمَكْ يَا رَبِّ. ۱۸ حَبَلْنَا تَلَوْنَنَا كَانْنَا وَلَدْنَا رِيحًا. لَمْ نَصْنَعْ خَلَاصًا فِي الْأَرْضِ، وَلَمْ يَسْقُطْ سُكَّانُ الْمَسْكُونَةِ. ۱۹ تَحْيَا أَمْوَاتُكَ، تَقُومُ الْجُثَثُ. اسْتَيْقِظُوا، تَرْتَمُوا يَا سُكَّانَ التُّرَابِ. لَأَنَّ طَلَّكَ طَلُّ أَغْشَابٍ، وَالْأَرْضُ تُسْقِطُ الْأَخِيلَةَ. ۲۰ هَلُمَّ يَا شَعْبِي ادْخُلْ مَخَادِعَكَ، وَأَغْلِقْ أَبْوَابَكَ خَلْفَكَ. اخْتَبِئْ نَحْوَ لَحِيظَةٍ حَتَّى يَغْبِرَ الْغَضَبُ. ۲۱ لِأَنَّهُ هُوَذَا الرَّبُّ يَخْرُجُ مِنْ مَكَانِهِ لِيُعَاقِبَ إِثْمَ سُكَّانِ الْأَرْضِ فِيهِمْ، فَتَكْشِفُ الْأَرْضُ دِمَاءَهَا وَلَا تَغْطِي قَتْلَاهَا فِي مَا بَعْدُ.

۱۵ خداوند، تو قوم را افزوده‌ای؛ آری، تو قوم را افزوده‌ای و جلال یافته‌ای؛ تو اطراف زمین را گسترده‌ای. ۱۶ خداوند، ما در تنگی خویش تو را جُستیم؛ آنگاه که تأدییمان می‌کردی، نجواهایمان را به حضورت ریختیم. ۱۷ همچون زن آبستنِ نزدیکِ وضع حمل که از درد زار بر خود می‌پیچد و فریاد برمی‌آورد، ما نیز، ای خداوند، به سبب تو چنین بودیم؛ ۱۸ آبستن بودیم و از درد بر خود می‌پیچیدیم، اما باد زاییدیم! در زمین هیچ نجاتی به‌بار نیاوردیم، و ساکنان جهان ساقط نشدند. ۱۹ اما مردگان تو زیست خواهند کرد، و بدنهایشان بر خواهد خاست. ای شما که در خاک ساکنید، برخیزید و فریاد شادمانی سر دهید. شبم تو همچون شبم سحرگاهان است، و زمینِ مردگان را بیرون خواهد افکند. ۲۰ ای قوم من، به حجره‌های خویش داخل شوید، و درها را از عقب خویش ببندید. لختی، خویشان را پنهان کنید، تا خشم او درگذرد. ۲۱ زیرا اینک پروردگار از جایگاه خویش بیرون می‌آید تا ساکنان زمین را به سزای تقصیراتشان برساند. زمین خونهایی را که بر آن ریخته شده آشکار خواهد کرد، و بیش از این کشتگان خود را پنهان نخواهد داشت.

سفرِ اشعیا: الْأَصْحَاحُ السَّابِعُ وَالْعِشْرُونَ * ۱:۲۷-۱۳

۱ فِي ذَلِكَ الْيَوْمِ يُعَاقِبُ الرَّبُّ بِسَيْفِهِ الْقَاسِي الْعَظِيمِ الشَّدِيدِ لَوِيَاتَانَ، الْحَيَّةَ الْهَارِبَةَ. لَوِيَاتَانِ الْحَيَّةَ الْمُتَحَوِّبَةَ، وَيَقْتُلُ التَّيْنِ الَّذِي فِي الْبَحْرِ. ۲ فِي ذَلِكَ الْيَوْمِ غَنُوا لِلْكَرَمَةِ الْمُشْتَهَاةِ: ۳ «أَنَا الرَّبُّ حَارِسُهَا. أَسْقِيهَا كُلَّ لَحْظَةٍ. لَيْلًا يُوقَعُ بِهَا أَحْرُسُهَا لَيْلًا وَنَهَارًا. ۴ لَيْسَ لِي غَيْظٌ. لَيْتَ عَلَيَّ الشَّوْكَ وَالْحَسَكَ فِي الْقِتَالِ فَأَهْجُمَ عَلَيْهَا وَأَحْرِقَهَا مَعًا. ۵ أَوْ يَتَمَسَّكَ بِحِصْنِي فَيَصْنَعُ صُلْحًا مَعِي. صُلْحًا يَصْنَعُ مَعِي».

سرود رهایی: ۱ در آن روز، خداوند به شمشیر خود، به شمشیر سهمگین، عظیم و نیرومند خود، لویاتان را جزا خواهد داد، لویاتان، آن مار تیزرو را، آن مارِ تابیده بر گرد خویش را؛ آری او اراده‌ای دریا را خواهد کشت. ۲ در آن روز، در وصف آن تاکستان دلپذیر بسرایید: ۳ «من پروردگار، نگاه‌دارنده آن هستم، و پیوسته آبیاری‌اش می‌کنم. شب و روز، آن را پاس می‌دارم، تا کسی بدان ضرر نرساند؛ ۴ خشمی

ندارم. و باکی هم ندارم از اینکه خار و خَس به جنگم آید، تا بر آنها حمله برده، و آنها را به آتش برگیرم.

۵ یا اینکه به قلعه حصین من تمسک جوید و با من صلح کند؛ آری، با من صلحی بساز.»

۶ فِي الْمُسْتَقْبَلِ يَتَّصِلُ يَعْقُوبُ. يُزْهِرُ وَيُقْرِعُ إِسْرَائِيلُ، وَيَمْلَأُونَ وَجْهَ الْمَسْكُونَةِ ثَمَارًا. ۷ هَلْ ضَرَبَهُ كَضْرِبَةِ ضَارِبِهِ، أَوْ قُتِلَ كَقَتْلِ قَتْلَاهُ؟ ۸ بَرَجْرٍ إِذْ طَلَقَتْهَا خَاصَمَتُهَا. أَزَالَهَا بِرِيحِهِ الْعَاصِفَةِ فِي يَوْمِ الشَّرْقِيَّةِ. ۹ لِذَلِكَ بِهَذَا يُكْفَرُ إِثْمُ يَعْقُوبَ. وَهَذَا كُلُّ الثَّمَرِ نَزْعُ خَطِيئَتِهِ: فِي جَعْلِهِ كُلِّ حِجَارَةٍ الْمَذْبَحِ كَحِجَارَةِ كِلْسٍ مُكْسَرَةٍ. لَا تَقُومُ السَّوَارِي وَلَا الشَّمَسَاتُ. ۱۰ لِأَنَّ الْمَدِينَةَ الْحَصِينَةَ مُتَوَحِّدَةً. الْمَسْكَنُ مَهْجُورٌ وَمَتْرُوكٌ كَالْقَفْرِ. هُنَاكَ يَرْعَى الْجِجْلُ، وَهُنَاكَ يَرْبُضُ وَيُتْلَفُ أَغْصَانُهَا. ۱۱ حِينَئِذٍ تَبْسُ أَغْصَانُهَا تَتَكَسَّرُ، فَتَأْتِي نِسَاءٌ وَتُوقِدُهَا. لِأَنَّهُ لَيْسَ شَعْبًا ذَا فَهْمٍ، لِذَلِكَ لَا يَرْحَمُهُ صَانِعُهُ وَلَا يَتَرَأَفُ عَلَيْهِ جَابِلُهُ.

۶ در روزهای آینده یعقوب ریشه خواهد دوانید؛ اسرائیل شکوفه خواهد آورد و جوانه خواهد زد، و تمامی جهان را از محصول پر خواهد کرد. ۷ آیا او می زند همانگونه که او را زدند یا ایشان نیز همانند قاتلان نشان از پا در آمدند؟ ۸ به اخراج و تبعید با وی معارضه کردی، به دم سخت خویش او را در روز باد شرقی بیرون راندی. ۹ پس تقصیر یعقوب بدین سان کفاره خواهد شد، و ثمره کامل زدوده شدن گناه او این خواهد بود که چون تمامی سنگهای مذبح را همچون سنگ آهک تکه تکه کند، آشیره ها و مذبحهای بخور دیگر بر پا نخواهد ماند. ۱۰ زیرا آن شهر مستحکم تنها مانده است، همچون اردوگاهی متروک و واگذاشته شده چون بیابان. آنجا گوساله ها می چرند، و آنجا به خواب می روند، و شاخه هایش را تباه می سازند. ۱۱ وقتی شاخه هایش خشک است آنها را خواهند شکست، و زنان آمده، با آنها آتش خواهند افروخت. زیرا که این قوم بی فهم است. پس صانع ایشان بر ایشان رحم نخواهد کرد، و آن که ایشان را بسرشت بر آنان نظر لطف نخواهد افکند.

۱۲ وَيَكُونُ فِي ذَلِكَ الْيَوْمِ أَنَّ الرَّبَّ يَجْنِي مِنَ مَجْرَى النَّهْرِ إِلَى وَادِي مِصْرَ، وَأَنْتُمْ تُلْقَطُونَ وَاحِدًا وَاحِدًا يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ. ۱۳ وَيَكُونُ فِي ذَلِكَ الْيَوْمِ أَنَّهُ يُضْرَبُ بِبُوقٍ عَظِيمٍ، فَيَأْتِي التَّائِبُونَ فِي أَرْضِ أَشُورَ، وَالْمَنْفِيُّونَ فِي أَرْضِ مِصْرَ، وَيَسْجُدُونَ لِلرَّبِّ فِي الْجَبَلِ الْمُقَدَّسِ فِي أُورُشَلِيمَ.

۱۲ در آن روز، پروردگار از رود فرات تا وادی مصر می آید، و شما را، ای بنی اسرائیل، یک به یک جمع خواهد کرد. ۱۳ و در آن روز شیپوری عظیم به صدا در خواهد آمد، و آنان که در سرزمین آشور گم گشته بودند و آنان که به مصر رانده شده بودند، خواهند آمد و پروردگار را در کوه مقدس، در اورشلیم، سجده می کنند.

سفر اشعیا: الأصاح الثامن والعشرون * ۲۸: ۱-۲۹

۱ وَيْلٌ لِإِكْلِيلِ فَخْرِ سُكَّارَى أَفْرَايِمَ، وَلِلزَّهْرِ الذَّابِلِ، جَمَالِ بَهَائِهِ الَّذِي عَلَى رَأْسِ وَادِي سَمَائِنِ، الْمَضْرُوبِينَ بِالْخَمْرِ. ۲ هُوَذَا شَدِيدٌ وَقَوِيٌّ لِّلسَّيِّدِ كَانْهِيَالِ الْبَرْدِ، كَنْوَةٌ مُهْلِكٌ، كَسِيلٌ مِيَاهِ غَزِيرَةٍ جَارِفَةٍ، قَدْ أَلْقَاهُ إِلَى الْأَرْضِ بِشِدَّةٍ. ۳ بِالْأَرْجُلِ يَدَّاسُ إِكْلِيلُ فَخْرِ سُكَّارَى أَفْرَايِمَ. ۴ وَيَكُونُ الزَّهْرُ الذَّابِلُ، جَمَالُ بَهَائِهِ الَّذِي عَلَى رَأْسِ وَادِي السَّمَائِنِ كَبَاكُورَةٍ التَّيْنِ قَبْلَ الصَّيْفِ، الَّتِي يَرَاهَا النَّاطِرُ فَيَبْلُغُهَا وَهِيَ فِي يَدِهِ. ۵ فِي ذَلِكَ الْيَوْمِ يَكُونُ رَبُّ الْجُنُودِ إِكْلِيلَ جَمَالٍ وَتَاجَ بَهَاءٍ لِبَقِيَّةِ شَعْبِهِ، ۶ وَرُوحَ الْقَضَاءِ لِلْجَالِسِ لِلْقَضَاءِ، وَبَاسًا لِلَّذِينَ يَرُدُّونَ الْحَرْبَ إِلَى الْبَابِ.

۱ وای بر تاج فخر میگساران افرایم، و بر گل پژمردنی زیبای پر جلالش، که بر سر وادی حاصلخیز مضروب شده به شراب است! ۲ هان سید فردی نیرومند و توانا دارد، که چون توفان تگرگ و تندباد ویرانگر، و همچون رگبار باران شدید و سیل آسا، آن را به دست خود بر زمین خواهد افکند. ۳ آری آن تاج فخر میگساران افرایم لگدمال خواهد شد؛ ۴ و آن گل پژمردنی زیبای پر جلالش که بر سر وادی حاصلخیز خودنمایی می کرد، همچون انجیر رسیده پیش از موسوم که تا کسی آن را می دید، به دست خود چیده، فرو می بلعد. ۵ در آن روز، پروردگار لشکریان برای باقیماندگان قوم خویش تاج جلال و افسر زیبایی خواهد بود، ۶ و روح انصاف برای آن که به داوری نشیند و روح قوت برای آنان که جنگ را نزد دروازه دفع می کنند.

۷ وَلَكِنَّ هَؤُلَاءِ أَيْضًا ضَلُّوا بِالْخَمْرِ وَتَاهُوا بِالْمُسْكِرِ. الْكَاهِنُ وَالنَّبِيُّ تَرْتَحَا بِالْمُسْكِرِ. ابْتَلَعَتْهُمَا الْخَمْرُ. تَاهَا مِنَ الْمُسْكِرِ، ضَلَّاهُ فِي الرُّؤْيَا، قَلَفَا فِي الْقَضَاءِ. ۸ فَإِنَّ جَمِيعَ الْمَوَائِدِ امْتَلَأَتْ قَيْئًا وَقَذْرًا. لَيْسَ مَكَانٌ. ۹ «لِمَنْ يَعْلَمُ مَعْرِفَةً، وَلِمَنْ يُفْهِمُ تَعْلِيمًا؟ أَلِلْمَفْطُومِينَ عَنِ اللَّبَنِ، لِلْمَفْصُولِينَ عَنِ الثَّدْيِ؟ ۱۰ لَأَنَّهُ أَمْرٌ عَلَى أَمْرٍ. أَمْرٌ عَلَى أَمْرٍ. فَرَضٌ عَلَى فَرَضٍ. هُنَا قَلِيلٌ هُنَاكَ قَلِيلٌ».

۷ کاهنان و انبیا (دروغین) نیز از فرط شراب افتان و خیزانند و از میگساری بر پا نتوانند ایستاد، و از میخوارگی منگ شده اند؛ آنان از میگساری بر پا نتوانند ایستاد، هنگام دیدن رؤیا تلوتلو می خورند و به وقت حکم دادن می لغزند! ۸ سفره ها جملگی از قی پوشیده است، حتی یک جای پاک نیز باقی نمانده است. ۹ «معرفت را به که خواهد آموخت؟ و پیام را به که خواهد فهمانید؟ آیا به کودکان تازه از شیر بازداشته؟ یا به اطفال تازه از پستان برگرفته؟ ۱۰ زیرا که برای آنان کلمات بی معنی و عبارات نامفهوم است، کلمه ای اینجا و کلمه ای آنجا!»

۱۱ إِنَّهُ بِشَفَقَةٍ لِّكُنَّاءٍ وَيَلْسَانٍ آخَرَ يُكَلِّمُ هَذَا الشَّعْبَ، ۱۲ الَّذِينَ قَالَ لَهُمْ: «هَذِهِ هِيَ الرَّاحَةُ. أَرِيحُوا الرِّازِحَ، وَهَذَا هُوَ السَّكُونُ». وَلَكِنْ لَمْ يَشَاءُوا أَنْ يَسْمَعُوا. ۱۳ فَكَانَ لَهُمْ قَوْلُ الرَّبِّ: أَمْرًا عَلَى أَمْرٍ. أَمْرًا عَلَى أَمْرٍ. فَرَضًا عَلَى فَرَضٍ. فَرَضًا عَلَى فَرَضٍ. هُنَا قَلِيلًا هُنَاكَ قَلِيلًا، لِكَيْ يَذْهَبُوا وَيَسْقُطُوا إِلَى الْوَرَاءِ وَيَنْكَسِرُوا وَيُصَادُّوا فَيُؤْخَذُوا.

۱۱ پس او با لبانی الکن و زبانی غریب با این قوم سخن خواهد گفت، ۱۲ قومی که بدیشان فرموده بود: «استراحتگاه همین است؛ پس خستگان را استراحت بخشید! و مکان آرام همین است؛» اما نخواستند بشنوند. ۱۳ پس حال کلامِ افرایم برای ایشان کلمات بی معنی و عباراتی نامفهوم خواهد بود، کلمه‌ای اینجا و کلمه‌ای آنجا، تا اینکه رفته و از پشت بیفتند و بشکنند، و در دام افتند و اسیر گردند.

۱۴ لِذَلِكَ اسْمَعُوا كَلَامَ الرَّبِّ يَا رِجَالَ الْهَرَمِ، وَلَاةَ هَذَا الشَّعْبِ الَّذِي فِي أُورُشَلِيمَ. ۱۵ لِأَنَّكُمْ قُلْتُمْ: «قَدْ عَقَدْنَا عَهْدًا مَعَ الْمَوْتِ، وَصَنَعْنَا مِيثَاقًا مَعَ الْهَافِيَةِ. السَّوْطُ الْجَارِفُ إِذَا عَبَرَ لَا يَأْتِينَا، لِأَنَّا جَعَلْنَا الْكَذِبَ مَلْجَأًا، وَبِالْعِشِّ اسْتَرَيْنَا». ۱۶ لِذَلِكَ هَكَذَا يَقُولُ السَّيِّدُ الرَّبُّ: «هَآنَذَا أُؤَسِّسُ فِي صِهْيَوْنَ حَجْرًا، حَجَرَ امْتِحَانٍ، حَجَرَ زَاوِيَةٍ كَرِيمًا، أَسَاسًا مُؤَسَّسًا: مَنْ آمَنَ لَا يَهْرُبُ. ۱۷ وَأَجْعَلُ الْحَقَّ خِيطًا وَالْعَدْلَ مِطْمَازًا، فَيَخْطِفُ الْبَرْدُ مَلْجَأَ الْكَذِبِ، وَيَجْرِفُ الْمَاءُ السَّيَّارَةَ. ۱۸ وَيُمَحِّى عَهْدُكُمْ مَعَ الْمَوْتِ، وَلَا يَثْبُتُ مِيثَاقُكُمْ مَعَ الْهَافِيَةِ. السَّوْطُ الْجَارِفُ إِذَا عَبَرَ تَكُونُونَ لَهُ لِلدَّوْسِ. ۱۹ كُلَّمَا عَبَرَ يَأْخُذْكُمْ، فَإِنَّهُ كُلَّ صَبَاحٍ يَغْبِرُّ، فِي النَّهَارِ وَفِي اللَّيْلِ، وَيَكُونُ فُهُمُ الْخَبَرِ فَقَطٍ انْزِعَاجًا». ۲۰ لِأَنَّ الْفِرَاشَ قَدْ قَصَرَ عَنِ التَّمَدُّدِ، وَالْغِطَاءَ ضَاقَ عَنِ الْإِلْتِحَافِ. ۲۱ لِأَنَّهُ كَمَا فِي جَبَلِ فَرَاصِيمَ يَقُومُ الرَّبُّ، وَكَمَا فِي الْوِطَاءِ عِنْدَ جِبْعُونَ يَسْخَطُ لِيَفْعَلَ فَعْلَهُ، فَعْلَهُ الْغَرِيبِ، وَلِيَعْمَلَ عَمَلَهُ، عَمَلَهُ الْغَرِيبِ. ۲۲ فَالآن لَا تَكُونُوا مُتَهَكِّمِينَ لِّئَلَّا تُشَدَّكَ رُبُطُكُمْ، لِأَنِّي سَمِعْتُ فَنَاءَ قُضِيٍّ بِهِ مِنْ قِبَلِ السَّيِّدِ رَبِّ الْجُنُودِ عَلَى كُلِّ الْأَرْضِ.

۱۴ پس ای تمسخرگرانِ حاکم بر این قوم در اورشلیم، اکنون کلام خداوند را بشنوید: ۱۵ زیرا گفته‌اید: «با مرگ عهد بسته‌ایم، و با هاویه هم‌پیمان گشته‌ایم. آنگاه که توفان سهمگین بگذرد به ما نخواهد رسید، زیرا که دروغ را پناهگاه خود ساخته‌ایم و ناراستی را مخفیگاه خویش.» ۱۶ بدین جهت سید پروردگار چنین می‌گوید: «اینک در صهیون سنگی بنیاد می‌نهم، سنگ امتحان، و سنگ زاویه گرانبها، که بنیانش چنین است؛ آن که ایمان آورد هراسان نخواهد شد. ۱۷^{۱۵} من حق را ریسمان اندازه‌گیری، و

^{۱۵} سید احمد الحسن (ع): «فالحجر أو المخلص الذي ينقض هيكل الباطل وحكم الطاغوت والشيطان على هذه الأرض ويكون في ملكه نشر الحق والعدل في الأرض يأتي في آخر الزمان، ويأتي في العراق كما هو واضح في رؤيا دانيال، وهو الحجر الذي ينسف الصنم أو حكم الطاغوت والأنا، بينما لا عيسى (ع) ولا داود (ع) أرسلوا في العراق وفي آخر الزمان فلا يمكن أن يكون أي منهما هو حجر الزاوية المذكور، بل تبين بوضوح من كل ما تقدم أن حجر الزاوية في اليهودية والنصرانية هو نفسه الحجر الأسود الموضوع في زاوية بيت الله الحرام في مكة. فالحجر الأسود الموضوع في ركن بيت الله والذي هو تجلٍ ورمز للموكل بالعهد والميثاق، هو نفسه حجر الزاوية الذي ذكره داود وعيسى عليهما السلام، وهو نفسه الحجر الذي يهدم حكومة الطاغوت في سفر دانيال (ع)، وهو نفسه قائم آل محمد أو المهدي الأول

عدالت را طراز خواهم ساخت. تگرگ، پناهگاه دروغ شما را خواهد رُفت. و سیلاب، مخفیگاه شما را خواهد بُرد. ۱۸ عهدتان با مرگ فسخ خواهد شد و پیمانتان با هاویه استوار نخواهد ماند. آنگاه که توفان سهمگین عبور کند شما را پایمال خواهد کرد. ۱۹ هر بار که بگذرد شما را خواهد برد، زیرا که هر بامداد خواهد گذشت، هر روز و هر شب. درک این پیام وحشت محض در پی دارد! ۲۰ بستر کوتاهتر از آن است که بتوان بر آن دراز کشید، و روی انداز تنگتر از آن است که کسی خویشتن را بپوشاند. ۲۱ زیرا پروردگار بر خواهد خاست، چنانکه در کوه فراصیم کرد؛ و خویشتن را بر خواهد انگیخت، چنانکه در وادی جبعون کرد؛ تا عمل خویش را به جا آورد، عمل عجیب خود را، و تا کار خویش را به انجام رساند، کار غریب خود را! ۲۲ پس حال از تمسخر بازایستید مبدا بندهایتان محکم شود. زیرا من از هلاکت و تقدیری شنیده‌ام که از جانب سید، پروردگار لشکریان بر تمامی زمین مقدر است.

۲۳ أَصْغُوا وَاسْمَعُوا صَوْتِي. انصتُوا وَاسْمَعُوا قَوْلِي: ۲۴ هَلْ يَحْرِثُ الْحَارِثُ كُلَّ يَوْمٍ لِيَزْرَعَ، وَيَسْقُ أَرْضَهُ وَيُمَهِّدُهَا؟ ۲۵ أَلَيْسَ أَنَّهُ إِذَا سَوَى وَجْهَهَا يَبْذُرُ الشُّونِيزَ وَيَذْرِي الْكُمُونَ، وَيَضَعُ الْجِنْتَ فِي أَتْلَامٍ، وَالشَّعِيرَ فِي مَكَانٍ مُعَيَّنٍ، وَالْقَطَانِيَّ فِي حُدُودِهَا؟ ۲۶ فَيَرْشِدُهُ. بِالْحَقِّ يُعَلِّمُهُ إِلَهُهُ. ۲۷ إِنَّ الشُّونِيزَ لَا يَذْرُسُ بِالنُّورِجِ، وَلَا تُدَارُ بَكْرَةُ الْعَجَلَةِ عَلَى الْكُمُونَ، بَلْ بِالْقَضِيبِ يُخْبَطُ الشُّونِيزُ، وَالْكُمُونَ بِالْعَصَا. ۲۸ يُدَقُّ الْقَمْحُ لِأَنَّهُ لَا يَذْرُسُهُ إِلَى الْأَبَدِ، فَيَسُوقُ بَكْرَةَ عَجَلَتِهِ وَخَيْلَهُ. لَا يَسْحَقُهُ. ۲۹ هَذَا أَيْضًا خَرَجَ مِنْ قَبْلِ رَبِّ الْجُنُودِ. عَجِيبَ الرَّأْيِ عَظِيمُ الْفَهْمِ.

۲۳ گوش فرا دهید و صدایم را بشنوید؛ توجه کنید و به سخنانم گوش بسپارید. ۲۴ آیا آن که به جهت بذرپاشی شخم می‌زند پیوسته چنین می‌کند؟ آیا پیوسته زمین را می‌شکافد و آن را شیار می‌کند؟ ۲۵ آنگاه که زمین را هموار ساخت، آیا گشنیز نمی‌پاشد و زیره نمی‌افشاند؟ آیا گندم در شیار نمی‌کارد، و جو را در جای معین خود نمی‌گذارد و چوب‌پنبه را در حدود مزرعه نمی‌کارد؟ ۲۶ خدایش او را تعلیم می‌دهد،

الذي يأتي في آخر الزمان كما روي عن رسول الله محمد (ص) وأهل بيته (ع)؛ (بنابراین سنگ یا نجات دهنده‌ای که هیکل باطل و زمامداری طاغوت و شیطان بر این زمین را درهم می‌شکند و در حکومت او حق و عدل در زمین منتشر می‌شود، در آخر الزمان و در عراق ظهور می‌یابد که این معنا در خواب دانیال واضح است. این همان سنگی است که بُت یا زمامداری طاغوت و انانیت را از اصل برمی‌کند و ویران می‌سازد. این در حالی است که نه عیسی و نه داوود هیچ یک نه به عراق فرستاده شده بودند و نه در آخر الزمان بودند؛ بنابراین امکان ندارد که هیچ کدامشان همان سنگ بنای مزبور باشند. بلکه از تمام مطالب پیشین به روشنی مشخص می‌شود که سنگ بنایی که در یهودیت و نصرانیت وجود دارد، همان حجر الاسودی است که در گوشه‌ی بیت الله الحرام در مکه نهاده شده است. حجر الاسودی که در رکن خانه‌ی خدا قرار داده شده، تجلی و نماد موکل بر عهد و پیمان است، و همان سنگ بنایی است که داوود و عیسی ذکر کرده‌اند و این همان سنگی است که در سفر دانیال حکومت طاغوت را منهدم می‌سازد؛ او، همان قائم آل محمد یا مهدی اول (ع) است که همان‌طور که در روایت‌های پیامبر خدا حضرت محمد و اهل بیت ایشان (ع) وارد شده است، در

و طریق درست را بدو می‌آموزد. ۲۷ زیرا گشنیز را با گردونه تیز نمی‌کوبند و چرخ گاری را بر زیره نمی‌گردانند، بلکه گشنیز را به عصا می‌زنند، و زیره را به چوب. ۲۸ گندم باید به جهت تهیه نان آرد شود، پس برزگر آن را تا ابد خرمن‌کوبی نمی‌کند. چرخ گاری را بر آن می‌گردانند، اما اسبانش آن را آرد نمی‌کند. ۲۹ این همه از جانب پروردگار لشکریانست، که رای او عجیب است و فهمش بس عظیم.

سفر اِشعیاء: الأصحاح التاسع والعشرون * ۲۹:۱-۲۴

۱ وَاَيْلُ لْأَرِيئِيلَ، لْأَرِيئِيلَ قَرْيَةٍ نَزَلَ عَلَيْهَا دَاوُدُ. زِيدُوا سَنَةً عَلَى سَنَةٍ. لَتَدْرِ الْأَعْيَادُ. ۲ وَأَنَا أَضَاقُ أَرِيئِيلَ فَيَكُونُ نَوْحٌ وَخَزَنٌ، وَتَكُونُ لِي كَأَرِيئِيلَ. ۳ وَأُحِيطُ بِكَ كَالدَّائِرَةِ، وَأَضَاقُ عَلَيْكَ بِحَصْنٍ، وَأَقِيمُ عَلَيْكَ مَتَارِسَ. ۴ فَتَتَضَعِينَ وَتَتَكَلَّمِينَ مِنَ الْأَرْضِ، وَتَنْخَفِضُ قَوْلُكَ مِنَ التُّرَابِ، وَيَكُونُ صَوْتُكَ كَخَيَالٍ مِنَ الْأَرْضِ، وَيَشَقُّشُ قَوْلُكَ مِنَ التُّرَابِ. ۵ وَيَصِيرُ جُمْهُورُ أَعْدَائِكَ كَالْغَبَارِ الدَّقِيقِ، وَجُمْهُورُ الْعُنَاةِ كَالْعَصَافَةِ الْمَارَةِ. وَيَكُونُ ذَلِكَ فِي لَحْظَةٍ بَعْتَةً، ۶ مِنْ قَبْلِ رَبِّ الْجُنُودِ تُفْتَقَدُ بِرَعْدٍ وَزَلْزَلَةٍ وَصَوْتٍ عَظِيمٍ، بِزَوْبَعَةٍ وَعَاصِفٍ وَلَهَبٍ نَارٍ أَكَلَةٍ. ۷ وَيَكُونُ كَحُلْمٍ، كَرُؤْيَا اللَّيْلِ جُمْهُورُ كُلِّ الْأُمَمِ الْمُتَجَنِّدِينَ عَلَى أَرِيئِيلَ، كُلُّ الْمُتَجَنِّدِينَ عَلَيْهَا وَعَلَى قِلَاعِهَا وَالَّذِينَ يُضَايِقُونَهَا. ۸ وَيَكُونُ كَمَا يَحْلُمُ الْجَائِعُ أَنَّهُ يَأْكُلُ، ثُمَّ يَسْتَيْقِظُ وَإِذَا نَفْسُهُ فَارِغَةٌ. وَكَمَا يَحْلُمُ الْعَطْشَانُ أَنَّهُ يَشْرَبُ، ثُمَّ يَسْتَيْقِظُ وَإِذَا هُوَ رَاغٍ وَنَفْسُهُ مُسْتَهْيَةٌ. هَكَذَا يَكُونُ جُمْهُورُ كُلِّ الْأُمَمِ الْمُتَجَنِّدِينَ عَلَى جَبَلِ صِهْيَوْنَ.

۱ وای بر اریئیل، وای بر اریئیل! شهری که داوود در آن خیمه زد! سال بر سال بيفزايد، و عيدها را در وقتشان برگزار کنید! ۲ اما من اریئیل را در فشار خواهم نهاد، و ماتم و سوگواری خواهد بود، و او برایم مانند آتشگاه مذبح خواهد بود. ۳ من دور تا دور بر ضد تو اردو خواهم زد، به برجها محاصرهات خواهم کرد، و منجنیقها عليه تو بر پا خواهم داشت. ۴ پست شده، از دل زمین سخن خواهی گفت، و کلامت از قعر خاک به‌سختی شنیده خواهد شد. صدایت همچون آواز ارواح از زمین بر خواهد آمد، و آوازت از میان غبار نجوا خواهد کرد. ۵ اما انبوه دشمنانت همچون ذرات غبار خواهند شد، و خیل ستمکیشان همچون کاهی که رانده شود؛ به‌ناگاه و در یک آن، ۶ پروردگار لشکریان به سراغ تو خواهد آمد، با تندر و زمین‌لرزه و غرّش مهیب، با تندباد و توفان و آتش فرو بلنده. ۷ انبوه قومهایی که بر ضد اریئیل به جنگ برخاسته‌اند، جمله آنان که با او و با قلعه وی جنگیده، او را در فشار نهاده‌اند، مانند خواب خواهند بود، و همچون رؤیای شب. ۸ مانند شخص گرسنه که در خواب، خویشتن را در حال خوردن می‌بیند، اما چون بیدار می‌شود شکمش هنوز خالی است، و همچون شخص تشنه که در خواب، خویشتن را در حال نوشیدن

می بیند، اما چون بیدار می شود، بی حال است و کماکان تشنه، انبوه تمامی قومهای که با کوه صهیون می جنگند چنین خواهند بود.

۹ تَوَانُوا وَابْهَتُوا. تَلَذُّدُوا وَاعْمُوا. قَدْ سَكِرُوا وَلَيْسَ مِنَ الْخَمْرِ. تَرْتَحُوا وَلَيْسَ مِنَ الْمُسْكِرِ. ۱۰ لَأَنَّ الرَّبَّ قَدْ سَكَبَ عَلَيْكُمْ رُوحَ سُبَاتٍ وَأَغْمَضَ عْيُونَكُمْ. الْأَنْبِيَاءُ وَرُؤَسَاؤُكُمْ النَّاظِرُونَ غَطَاهُمْ. ۱۱ وَصَارَتْ لَكُمْ رُؤْيَا الْكُلِّ مِثْلَ كَلَامِ السِّفْرِ الْمَخْتُومِ الَّذِي يَدْفَعُونَهُ لِعَارِفِ الْكِتَابَةِ قَائِلِينَ: «اقْرَأْ هَذَا». فَيَقُولُ: «لَا أَسْتَطِيعُ لِأَنَّهُ مَخْتُومٌ». ۱۲ أَوْ يُدْفَعُ الْكِتَابُ لِمَنْ لَا يَعْرِفُ الْكِتَابَةَ وَيُقَالُ لَهُ: «اقْرَأْ هَذَا». فَيَقُولُ: «لَا أَعْرِفُ الْكِتَابَةَ».

۹ حیرت کنید و متحیر باشید! کور شوید و نابینا باشید! مست شوید، اما نه از شراب! افتان و خیزان باشید، اما نه از مُسکرات! ۱۰ زیرا خداوند بر شما خوابی سنگین نازل کرده است. او چشمان شما انبیا را بسته است؛ او سرهای شما رؤیابینندگان را پوشانیده است. ۱۱ تمام این رؤیا برای شما جز کلمات طوماری مهمور نیست. اگر آن را به کسی دهند که خواندن می داند و بگویند: «این را بخوان»، پاسخ خواهد داد: «نمی توانم، زیرا که مهر و موم شده است.» ۱۲ یا اگر به کسی داده شود که خواندن نمی داند، و به او بگویند: «این را بخوان»، پاسخ خواهد داد: «خواندن نمی دانم.»

۱۳ فَقَالَ السَّيِّدُ: «لَأَنَّ هَذَا الشَّعْبَ قَدْ اقْتَرَبَ إِلَيَّ بِفَمِهِ وَأَكْرَمَنِي بِشَفَتَيْهِ، وَأَمَّا قَلْبُهُ فَأَبْعَدَهُ عَنِّي، وَصَارَتْ مَخَافَتُهُمْ مِنِّي وَصِيَّةَ النَّاسِ مُعَلِّمَةً. ۱۴ لِذَلِكَ هَآنَذَا أَعُوذُ أَصْنَعُ بِهِذَا الشَّعْبَ عَجَبًا وَعَجِيبًا، فَتَبِيدُ حِكْمَةُ حُكَمَائِهِ، وَيَخْتَفِي فَهْمُ فَهْمَائِهِ». ۱۵ وَيَلُ الَّذِينَ يَتَعَمَّقُونَ لِيَكْتُمُوا رَأْيَهُمْ عَنِ الرَّبِّ، فَتَصِيرُ أَعْمَالُهُمْ فِي الظُّلْمَةِ، وَيَقُولُونَ: «مَنْ يُبْصِرُنَا وَمَنْ يَعْرِفُنَا؟». ۱۶ يَا لَتَحْرِيفِكُمْ! هَلْ يُحْسَبُ الْجِبَالُ كَالطِّينِ، حَتَّى يَقُولُ الْمَصْنُوعُ عَنْ صَانِعِهِ: «لَمْ يَصْنَعْنِي». أَوْ تَقُولُ الْجُبْلَةُ عَنْ جَابِلِهَا: «لَمْ يَفْهَمْ»؟

۱۳ سید می گوید: «این قوم به دهان خود به من نزدیک می آیند و به لبهای خویش مرا حرمت می نهند، اما دلشان از من دور است؛ ترس آنان از من حکم آموخته بشر است و بس. ۱۴ بنابراین، هان بار دیگر با اعمال عجیب و شگفت انگیز این قوم را شگفت زده خواهم ساخت. حکمت حکیمانشان نابود خواهد شد، و فهم فهیمانشان محو خواهد گشت.» ۱۵ وای بر آنان که تدبیرهای خود را زیر کانه از خداوند پنهان می سازند، که اعمالشان در تاریکی است و با خود می گویند: «کیست که ما را ببیند؟ کیست که ما را بشناسد؟» ۱۶ ای تحریف کنندگان. آیا کوزه گر همچون گل انگاشته می شود؟ آیا مصنوع درباره صانع خود می گوید: «او مرا نساخته است؟» یا کوزه درباره کوزه گر می گوید: «او را فهمی نیست؟»

۱۷ أَلَيْسَ فِي مَدَّةٍ يَسِيرَةٍ جِدًّا يَتَحَوَّلُ لُبْنَانُ بُسْتَانًا، وَالْبُسْتَانُ يُحْسَبُ وَغَرًّا؟ ۱۸ وَيَسْمَعُ فِي ذَلِكَ الْيَوْمِ الصَّمُّ أَقْوَالَ السِّفْرِ، وَتَنْظُرُ مِنَ الْقَتَامِ وَالظُّلْمَةِ عْيُونُ الْعُمَى، ۱۹ وَيَزْدَادُ الْبَائِسُونَ فَرَحًا بِالرَّبِّ، وَيَهْتَفُ مَسَاكِينُ النَّاسِ بِقُدُّوسِ إِسْرَائِيلَ. ۲۰ لَأَنَّ الْعَاتِيَّ قَدْ بَادَ، وَفَنِيَ الْمُسْتَهْزِئُ، وَأَنْقَطَعَ كُلُّ السَّاهِرِينَ عَلَى الْإِثْمِ ۲۱ الَّذِينَ جَعَلُوا

الْإِنْسَانَ يُخْطِئُ بِكَلِمَةٍ، وَتَصَبُّوا فَحًّا لِلْمُنْصِفِ فِي الْبَابِ، وَصَدَّوْا الْبَارَّ بِالْبُطْلِ. ٢٢ لِذَلِكَ هَكَذَا يَقُولُ لِبَيْتِ يَعْقُوبَ الرَّبُّ الَّذِي قَدَى إِبْرَاهِيمَ: «لَيْسَ الْآنَ يَخْجَلُ يَعْقُوبُ، وَلَيْسَ الْآنَ يَصْفَارُ وَجْهُهُ. ٢٣ بَلْ عِنْدَ رُؤْيَا أَوْلَادِهِ عَمَلٍ يَدِّي فِي وَسْطِهِ يُقَدِّسُونَ اسْمِي، وَيُقَدِّسُونَ قُدُّوسَ يَعْقُوبَ، وَيَرْهَبُونَ إِلَهَ إِسْرَائِيلَ. ٢٤ وَيَعْرِفُ الضَّالُّو الْأَرْوَاحَ فَهَمًّا، وَيَتَعَلَّمُ الْمُتَمَرِّدُونَ تَعْلِيمًا.

۱۷ آیا در اندک زمانی لبنان به بوستان بدل نخواهد شد، و بوستان، جنگل به شمار نخواهد آمد؟ ۱۸ در آن روز، ناشنویان کلام طومار را خواهند شنید، و چشمان نابینایان از میان ظلمت و تاریکی خواهد دید. ۱۹ ناامیدان بار دیگر در خداوند شادی خواهند کرد، و انسان‌های مسکین در قدوس اسرائیل وجد خواهند نمود. ۲۰ زیرا که ستمکیشان هلاک خواهند شد، تمسخرگران نابود خواهند گردید، و شرارت‌پیشگان منقطع خواهند گشت، ۲۱ آنان که انسانی را به سخنی مجرم می‌سازند، برای آن که در محکمه حکم می‌کند دام می‌گسترند، و به ادعای باطل حق بی‌گناه را پایمال می‌کنند. ۲۲ از این رو خداوند که ابراهیم را فدیہ داده است به خاندان یعقوب چنین می‌گوید: «یعقوب دیگر شرمسار نخواهد شد و دیگر رنگ از رخسار نخواهد باخت. ۲۳ آنگاه که فرزندان خویش را در میان خود ببیند، فرزندانی را که ثمرهٔ دستان منند، نام مرا تقدیس خواهند کرد، و قدوس یعقوب را تقدیس خواهند نمود، و ترس و هیبت خدای اسرائیل را به دل خواهند داشت. ۲۴ آنان که در روح گمراهند فهم خواهند شد، و متمردين تعلیم داده خواهند شد.»

سفر اِشْعَاء: الْأَصْحَاحُ الثَّلَاثُونَ * ۱:۳۰-۳۳

۱ «وَيْلٌ لِلْبَنِينَ الْمُتَمَرِّدِينَ، يَقُولُ الرَّبُّ، حَتَّى أَنَّهُمْ يُجْرُونَ رَأْيَا وَلَيْسَ مِنِّي، وَيَسْكُبُونَ سَكِيًّا وَلَيْسَ بِرُوحِي، لِيَزِيدُوا خَطِيئَةً عَلَى خَطِيئَةٍ. ٢ الَّذِينَ يَذْهَبُونَ لِيَنْزِلُوا إِلَى مِصْرَ وَلَمْ يَسْأَلُوا فَمِي، لِيَلْتَجِئُوا إِلَى حِصْنِ فِرْعَوْنَ وَيَخْتَمُوا بِظُلِّ مِصْرَ. ٣ فَيَصِيرُ لَكُمْ حِصْنُ فِرْعَوْنَ خَجَلًا، وَالْاِخْتِمَاءُ بِظُلِّ مِصْرَ خِزْيًا. ٤ لَأَنَّ رُؤْسَاءَهُ صَارُوا فِي صُوعَنَ، وَبَلَغَ رُسُلُهُ إِلَى حَانِيسَ. ٥ قَدْ خَجَلَ الْجَمِيعُ مِنْ شَعْبٍ لَا يَنْفَعُهُمْ. لَيْسَ لِلْمَعُونَةِ وَلَا لِلْمَنْفَعَةِ، بَلْ لِلْخَجَلِ وَلِلْخِزْيِ». ٦ وَخِيٌّ مِنْ جِهَةِ بَهَائِمِ الْجَنُوبِ: فِي أَرْضِ شِدَّةٍ وَضِيقَةٍ، مِنْهَا اللَّبَنُ وَالْأَسَدُ، الْأَفْعَى وَالتُّعْبَانُ السَّامُّ الطَّيَّارُ، يَحْمِلُونَ عَلَى أَكْتَافِ الْحَمِيرِ ثَرَوَتَهُمْ، وَعَلَى أَسْنِمَةِ الْجِمَالِ كُنُوزَهُمْ، إِلَى شَعْبٍ لَا يَنْفَعُ. ٧ فَإِنَّ مِصْرَ تُعِينُ بَاطِلًا وَعَبَثًا، لِذَلِكَ دَعَوْتُهَا «رَهَبَ الْجُلُوسِ».

۱ خداوند می‌فرماید: «وای بر فرزندان متمردين آنان تدبیرهایی به انجام می‌رسانند که تدبیرهای من نیست، پیمانهای می‌بندند که از روح من نیست، و بدین گونه گناه بر گناه می‌افزایند؛ ۲ آنان که به مصر می‌روند و در آن فرود می‌آیند، بی‌آنکه از من مشورت بخواهند، و به حمایت فرعون پناه می‌برند، و زیر

سایه مصر امنیت می‌جویند. ۳ اما حمایت فرعون مایه شرمساری تان خواهد بود و امنیت در سایه مصر، اسباب رسوایی تان. ۴ زیرا هرچند صاحبمنصبانش در صوغن هستند و فرستادگانش به خانیس رسیده‌اند، ۵ لیکن همه به واسطه قومی که فایده‌ای بدیشان نتواند رسانید شرمسار خواهند شد، قومی که نه مددی بدیشان خواهد رسانید و نه فایده‌ای، بلکه تنها مایه شرمساری و سرافکنندگی‌شان خواهد بود.» ۶ وحی درباره حیوانات جنوب: در سرزمین تنگی و فشار، سرزمین شیران نر و ماده، و افعی‌ها و مارهای آتشین جهنده، آنان که ثروت خویش را بر پشت الاغان و گنجهای خویش بر کوهان شتران حمل می‌کنند، و به جانب قومی رهسپارند که فایده‌ای بدیشان نمی‌رساند، ۷ بتحقیق که مصر کمکش بی‌ارزش است و بیهوده، و از این رو او را اژدهای بی‌خاصیت نامیده‌ام.

۸ تَعَالَ الْآنَ اَكْتُبْ هَذَا عِنْدَهُمْ عَلَى لَوْحٍ وَاَرْسُمُهُ فِي سِفْرِ، لِيَكُونَ لِيَزَمَنٍ اَتٍ لِلْاَبَدِ اِلَى الدَّهْرِ. ۹ لَآَنَّهُ شَعْبٌ مُتَمَرِّدٌ، اَوْلَادٌ كَذِبَةٌ، اَوْلَادٌ لَمْ يَشَاءُوا اَنْ يَسْمَعُوا شَرِيعَةَ الرَّبِّ. ۱۰ الَّذِيْنَ يَقُوْلُوْنَ لِلرَّائِيْنَ: «لَا تَرَوْا»، وَلِلنَّاظِرِيْنَ: «لَا تَنْظُرُوْا لَنَا مُسْتَقِيْمَاتٍ. كَلِّمُوْنَا بِالنَّعِيْمَاتِ. اَنْظُرُوْا مُخَادِعَاتٍ. ۱۱ حِيْدُوْا عَنِ الطَّرِيْقِ. مِيْلُوْا عَنِ السَّبِيْلِ. اَغْزِلُوْا مِنْ اَمَامِنَا قُدُّوسَ اِسْرَائِيْلَ».

۸ حال برو و این را برای ایشان بر لوحی بنویس و بر طوماری بنگار، تا شهادتی باشد ماندگار، برای ایام آینده. ۹ اینان قومی عصیانگر و فرزندان فریبکارند، فرزندانی که نمی‌خواهند به شریعت خداوند گوش بسپارند. ۱۰ به انبیا می‌گویند: «نبوت نکنید» و به رؤیابینندگان می‌گویند: «برای ما رؤیا صادق نبینید. سخنان دل‌نواز به ما بگویید، رؤیاهای فریبنده ببینید. ۱۱ از راه منحرف شوید، طریق را ترک کنید، و دیگر با ما از قدوس اسرائیل سخن مگویید.»

۱۲ لِذٰلِكَ هَكَذَا يَقُوْلُ قُدُّوسُ اِسْرَائِيْلَ: «لَا تَكُمُ رَفَضْتُمْ هٰذَا الْقَوْلَ وَتَوَكَّلْتُمْ عَلٰی الظُّلْمِ وَالْاَغْوَجٰجِ وَاسْتَنْدَدْتُمْ عَلَيْهِمَا، ۱۳ لِذٰلِكَ يَكُوْنُ لَكُمُ هٰذَا الْاِثْمُ كَصَدْعٍ مُّقْضٍ نَّاتِيٍّ فِيْ جِدَارٍ مُّرْتَفِعٍ، يَأْتِيْ هٰذِهِ بَغْتَةً فِيْ لَحْظَةٍ. ۱۴ وَيُكْسِرُ كَكْسْرِ اِنَاءِ الْخَزَافِيْنَ، مَسْحُوْقًا بِلَا شَفَقَةٍ، حَتّٰى لَا يُوْجَدَ فِيْ مَسْحُوْقِهِ شَفَقَةٌ لَاخِذٍ نَارٍ مِنَ الْمَوْقَدَةِ، اَوْ لِعَرَفِ مَاءٍ مِنَ الْجُبِّ». ۱۵ لَآَنَّهُ هَكَذَا قَالَ السَّيِّدُ الرَّبُّ قُدُّوسُ اِسْرَائِيْلَ: «بِالرُّجُوْعِ وَالسَّكُوْنِ تَخْلُصُوْنَ. بِالْهَدُوْءِ وَالطَّمَآئِنَةِ تَكُوْنُ قُوَّتُكُمْ». فَلَمْ تَشَآءُوْا. ۱۶ وَقُلْتُمْ: «لَا بَلْ عَلٰى خَيْلٍ نَهْرُبُ». لِذٰلِكَ تَهْرُبُوْنَ. «وَعَلٰى خَيْلٍ سَرِيْعَةٍ نَرْكَبُ». لِذٰلِكَ يُسْرِعُ طَارِدُوْكُمْ. ۱۷ يَهْرُبُ اَلْفٌ مِنْ زَجْرَةٍ وَاحِدٍ. مِنْ زَجْرَةٍ خَمْسَةٍ تَهْرُبُوْنَ، حَتّٰى اَنْتُمْ تَبْقُوْنَ كَسَارِيَةٍ عَلٰى رَاسِ جَبَلٍ، وَكَرَآئِيَةٍ عَلٰى اَكْمَةٍ.

۱۲ بنابراین قدوس اسرائیل چنین می‌گوید: «چون این پیام را نپذیرفتید و بر ظلم و فساد اعتماد کرده، بر آنها تکیه نمودید، ۱۳ پس این گناه برای شما همچون دیواری خواهد بود شکاف خورده و شکمدار، که در یک آن به‌ناگاه فرو می‌ریزد؛ ۱۴ و ریزش آن بسان در هم شکستن کوزه‌ای خواهد بود که چنان

خرد شود که تکه‌ای از آن نتوان یافت تا بدان زغالی از آتشدان یا اندک آبی از حوض برگیرند.» ۱۵ زیرا سید پروردگار، قدوس اسرائیل چنین می‌گوید: «نجات شما در توبه و آسودگی است، و نیروی شما در آرامی و توکل، اما نخواستید. ۱۶ گفتید: "نه! بلکه سوار بر اسبان می‌گریزیم!" پس خواهید گریخت. گفتید: "سوار بر اسبان تیزرو می‌رویم!" پس تعقیب کنند گانتان نیز تیزرو خواهند بود. ۱۷ از تهدید یک تن هزار خواهند گریخت، و از تهدید پنج تن همگی فرار خواهید کرد، تا آنگاه که چون چوب بیرقی بر کوه و علمی بر تپه بر جا مانید.»

۱۸ وَلِذَلِكَ يَنْتَظِرُ الرَّبُّ لِيَتَرَأَفَ عَلَيْكُمْ. وَلِذَلِكَ يَقُومُ لِيَرْحَمَكُمْ، لِأَنَّ الرَّبَّ إِلَهُ حَقٍّ. طُوبَى لِّجَمِيعٍ مُنْتَظِرِيهِ.
 ۱۹ لِأَنَّ الشَّعْبَ فِي صِهْيُونَ يَسْكُنُ فِي أُورُشَلِيمَ. لَا تَبْكِي بُكَاءً. يَتَرَأَفُ عَلَيْكَ عِنْدَ صَوْتِ صُرَاخِكَ. حِينَئِذَا يَسْمَعُ يَسْتَجِيبُ لَكَ. ۲۰ وَيُعْطِيكُمْ السَّيِّدُ خُبْرًا فِي الضِّيقِ وَمَاءً فِي الشِّدَّةِ. لَا يَخْتَبِئُ مُعْلَمُوكَ بَعْدُ، بَلْ تَكُونُ عَيْنَاكَ تَرَيَانِ مُعْلَمِيكَ، ۲۱ وَأُذُنَاكَ تَسْمَعَانِ كَلِمَةً خَلَقْتَ قَائِلَةً: «هَذِهِ هِيَ الطَّرِيقُ. اسْلُكُوا فِيهَا». حِينَئِذَا تَمِيلُونَ إِلَى الْيَمِينِ وَحِينَئِذَا تَمِيلُونَ إِلَى الْيَسَارِ. ۲۲ وَتَنْجِسُونَ صَفَائِحَ تَمَاثِيلِ فُضَيْتِكُمُ الْمُنْحَوْتَةِ، وَغِشَاءَ تِمَثَالِ ذَهَبِكُمُ الْمَسْبُوكِ. تَطْرَحُهَا مِثْلَ فُرْصَةٍ حَائِضٍ. تَقُولُ لَهَا: «اُخْرُجِي».

فیض خداوند: ۱۸ اما خداوند منتظر است تا با شما بر حسب فیض عمل کند؛ او برمی‌خیزد تا بر شما رحمت نماید. زیرا پروردگار خدای عدالت است؛ خوشا به حال همه آنان که برای او انتظار می‌کشند. ۱۹ به یقین که قومی در صهیون ساکن خواهند شد، و شما دیگر در اورشلیم نخواهید گریست. بلکه آنگاه که فریاد برآورید، او با شما بر حسب فیض عمل خواهد کرد، و به محض شنیدن صدایتان شما را اجابت خواهد نمود. ۲۰ سید به شما نان در تنگی و آب در سختی عطا خواهد کرد، رهنمای او دیگر از نظرت پنهان نخواهد بود، بلکه او را به چشم خود خواهی دید. ۲۱ آنگاه که به چپ یا راست بروی، از پشت سر آوازی خواهی شنید که می‌گوید: «راه این است؛ در آن گام بردار!» ۲۲ آنگاه تمثالهای تراشیده نقره‌پوش و بتهای ریخته شده طلاکوب را نجس خواهی شمرد و آنها را چون جامه نجس به دور افکنده، به آنها خواهید گفت: «بیرون شوید!»

۲۳ ثُمَّ يُعْطِي مَطَرَ زَرْعِكَ الَّذِي تَزْرَعُ الْأَرْضَ بِهِ، وَخُبْزَ غَلَّةِ الْأَرْضِ، فَيَكُونُ دَسَمًا وَسَمِينًا، وَتَرْعَى مَاشِيَتَكَ فِي ذَلِكَ الْيَوْمِ فِي مَرْعَى وَاسِعَةٍ. ۲۴ وَالْأَبْقَارُ وَالْخَمِيرُ الَّتِي تَعْمَلُ الْأَرْضَ تَأْكُلُ عُلْفًا مُمْلَحًا مُدْرَى بِالْمُنْسَفِ وَالْمُدْرَاةِ. ۲۵ وَيَكُونُ عَلَى كُلِّ جَبَلٍ غَالٍ وَعَلَى كُلِّ أَكْمَةٍ مُرْتَفَعَةٍ سَوَاقٌ وَمَجَارِي مِيَاهٍ فِي يَوْمِ الْمَقْتَلَةِ الْعَظِيمَةِ، حِينَئِذَا تَسْقُطُ الْأَبْرَاجُ. ۲۶ وَيَكُونُ نُورُ الْقَمَرِ كَنُورِ الشَّمْسِ، وَتُورُ الشَّمْسِ يَكُونُ سَبْعَةَ أَضْعَافٍ كَنُورِ سَبْعَةِ أَيَّامٍ، فِي يَوْمٍ يَجْزُرُ الرَّبُّ كَسْرَ سَعْبِهِ وَيَشْفِي رَضَّ ضَرْبِهِ.

۲۳ او بر بذری که در زمین کاشته‌ای باران خواهد فرستاد، و نانی که از زمین برمی‌آید غنی و فراوان خواهد بود. در آن روز، گله‌هایت در مراتع وسیع خواهند چرید، ۲۴ و گاوان و الاغ‌هایت که زمین را شیار می‌کنند، علوفه خوش طعمی را که با کج‌بیل و شانه افشاندۀ شده است، خواهند خورد. ۲۵ در روز کشتار عظیم، آنگاه که برجها فرو می‌افتند، بر هر کوه بلند و هر تپه مرتفع نهرهای آب جاری خواهد شد. ۲۶ آنگاه که خداوند شکستگی قوم خویش را ببندد و جراحتهایی را که خود وارد آورده شفا دهد، نور ماه همچون نور خورشید خواهد بود و نور آفتاب هفت چندان، مانند روشنایی هفت روز.

۲۷ هُوَذَا اسْمُ الرَّبِّ يَأْتِي مِنْ بَعِيدٍ. غَضَبُهُ مُشْتَعِلٌ وَالْحَرِيقُ عَظِيمٌ. شَفَتَاهُ مُمْتَلِئَتَانِ سَخَطًا، وَلِسَانُهُ كَنَارٍ أَكِلَةٍ،
 ۲۸ وَنَفْخَتُهُ كَنَهْرٍ غَامِرٍ يَبْلُغُ إِلَى الرَّقَبَةِ. لِعَرْبَلَةِ الْأُمَمِ بَغْرُبَالِ السَّوَى، وَعَلَى فُكُوكِ الشُّعُوبِ رَسَنٌ مُضِلٌّ. ۲۹
 تَكُونُ لَكُمْ أُغْنِيَّةٌ كَلِيلَةٌ تَقْدِيسٌ عِيدٍ، وَفَرَحٌ قَلْبٍ كَالسَّائِرِ بِالنَّايِ، لِيَأْتِيَ إِلَى جَبَلِ الرَّبِّ، إِلَى صَخْرِ إِسْرَائِيلَ.
 ۳۰ وَيَسْمَعُ الرَّبُّ جَلَالَ صَوْتِهِ، وَيَرِي نُزُولَ ذِرَاعِهِ بِهَيْجَانٍ غَضَبٍ وَلَهْيَبِ نَارٍ أَكِلَةٍ، نَوْءٌ وَسَيْلٌ وَحِجَارَةٌ بَرْدٍ.
 ۳۱ لِأَنَّهُ مِنْ صَوْتِ الرَّبِّ يَرْتَاعُ أَشُورُ. بِالْقَضِيبِ يَضْرِبُ. ۳۲ وَيَكُونُ كُلُّ مُرُورٍ عَصَا الْقَضَاءِ الَّتِي يُنْزِلُهَا الرَّبُّ عَلَيْهِ بِالدَّفُوفِ وَالْعِيدَانِ. وَيَحْرُوبُ نَائِرَةٌ يَحَارِبُهُ. ۳۳ لِأَنَّ «تُفْتَةً» مُرْتَبَةً مُنْذُ الْأَمْسِ، مُهَيَّأَةٌ هِيَ أَيْضًا لِلْمَلِكِ، عَمِيقَةٌ وَاسِعَةٌ، كَوْمَتُهَا نَارٌ وَحَطَبٌ بَكْتَرَةٌ. نَفْخَةُ الرَّبِّ كَنَهْرٍ كَبِيرٍ تُوَقِّدُهَا.

۲۷ هان، نام پروردگار از دور می‌آید، با خشمی آتشین و دودی غلیظ. لبانش پر از غضب است و زبانش آتشی است فرو برنده. ۲۸ دم او بسان نهری است پر آب که تا به گردن می‌رسد. قومها را به غربال فنا الک خواهد کرد، و بر دهان ملتها لگام گمراهی خواهد نهاد. ۲۹ و شما را سرودی خواهد بود، بسان سرود شب عیدی مقدس؛ و دل شما شادمان خواهد شد، همچون زمانی که قوم با آوازی به کوه خداوند، آن صخره اسرائیل، رهسپار می‌گردند. ۳۰ و خداوند آواز مهیب خود را خواهد شنواید و بازوی خویش را نمایان خواهد ساخت، بازویی که با خشم آتشین و آتش فرو برنده، و با باران سیل‌آسا و توفان و سنگ‌های سخت، فرود می‌آید. ۳۱ آری، آشور از آواز خداوند هراسان خواهد شد، و خداوند به عصای خود ایشان را خواهد زد. ۳۲ و هر ضربتی که خداوند به عصای تأدیب خود بر وی بنوازد، با آواز دف و بربط همراه خواهد بود؛ آری، او به بازوی پُر تاب و توان خویش با ایشان خواهد جنگید. ۳۳ زیرا دیرزمانی است که آتشگاه آماده شده و برای پادشاه مهیا گشته است: آتشدان آن عمیق و عریض گشته و از هیزم و آتش مالامال است؛ و دم پروردگار، همچون نهری از گوگرد مشتعل، آن را برمی‌افروزد.

سفر اِشعیاء : الأصاحُ الحادی والثلاثون * ۳۱:۱-۹

۱ وَاِلَیَّ لِلَّذِینَ یَنْزِلُوْنَ اِلَیْ مِصْرَ لِّلْمَعُوْنَةِ، وَیَسْتَنْدُوْنَ عَلَی الْخَیْلِ وَیَتَوَكَّلُوْنَ عَلَی الْمَرْکَبَاتِ لَاِنَّهَا کَثِیْرَةٌ، وَعَلَی الْفُرْسَانِ لَاِنَّهُمْ اَقْوِیَاءُ جِدًّا، وَلَا یَنْظُرُوْنَ اِلَی قُدُّوسِ اِسْرَآئِیْلَ وَلَا یَطْلُبُوْنَ الرَّبَّ. ۲ وَهُوَ اَيْضًا حَکِیْمٌ وَیَأْتِی بِالشَّرِّ وَلَا یَرْجِعُ بِکَلَامِهِ، وَیَقُوْمُ عَلَی بَیْتِ فَاعِلی الشَّرِّ وَعَلَى مَعُوْنَةِ فَاعِلی الْاِثْمِ. ۳ وَاَمَّا الْمِصْرِیُّوْنَ فَهُمْ اُنَاسٌ لَا اِلَهَةَ، وَخَیْلُهُمْ جَسَدٌ لَا رُوْحٌ. وَالرَّبُّ یَمُدُّ یَدَهُ فِیَعْتَزُّ الْمُعِیْنُ، وَیَسْقُطُ الْمُعَانُ وَیَفْنِیَانِ کِلَاهُمَا مَعًا.

۱ وای بر آنان که برای یاری گرفتن، به مصر فرود می آیند و بر اسبان توکل می کنند، که اعتمادشان بر کثرت اربابه ها و قدرت سوارکاران است، اما به قدوس اسرائیل نظر نمی کنند و از خداوند یاری نمی طلبند. ۲ اما او نیز حکیم است و بلا نازل می کند؛ او از کلام خود باز نمی گردد، بلکه بر ضد خاندان شیران برمی خیزد، و بر ضد آنان که بدکاران را یاری می رسانند. ۳ اما مصریان انسانند و نه خدا؛ اسبانشان جسمند و نه روح. آنگاه که خداوند دست خود را دراز کند یاری رساننده خواهد لغزید، یاری گیرنده خواهد افتاد، و هر دو با هم هلاک خواهند شد.

۴ لِأَنَّهُ هَكَذَا قَالَ لِیَ الرَّبُّ: «كَمَا یَهْرُ فَوْقَ فَرِیْسَتِهِ الْأَسَدُ وَالشِّبْلُ الَّذِی یُدْعِی عَلَیْهِ جَمَاعَةٌ مِنَ الرُّعَاةِ وَهُوَ لَا یَرْتَاعُ مِنْ صَوْتِهِمْ وَلَا یَتَذَلُّ لِجُمْهُورِهِمْ، هَكَذَا یَنْزِلُ رَبُّ الْجُنُودِ لِلْمُحَارَبَةِ عَنْ جَبَلِ صِهْیُونَ وَعَنْ أَكْمَتِهَا. ۵ كَطُیُورٍ مُّرْفَقَةٍ هَكَذَا یُحَامِی رَبُّ الْجُنُودِ عَنْ أُورُشَلِیْمَ. یُحَامِی فِیَنْقِذُ. یَغْفُو فِیَنْجِی». ۶ اِرْجِعُوا اِلَی الَّذِی ارْتَدَّ بَنُو اِسْرَآئِیْلَ عَنْهُ مُنْعَمِّقِیْنَ. ۷ لِأَنِّ فِی ذَلِكَ الْیَوْمِ یَرْفُضُوْنَ كُلُّ وَاحِدٍ اَوْثَانَ فِضَّتِهِ وَأَوْثَانَ ذَهَبِهِ الَّتِی صَنَعَتْهَا لَكُمْ اَیْدِیْكُمْ خَطِیئَةً. ۸ وَیَسْقُطُ أَشُورٌ بِسِیْفٍ غَیْرِ رَجُلٍ، وَسِیْفٌ غَیْرِ اِنْسَانٍ یَأْكُلُهُ، فِیَهْرُبُ مِنْ أَمَامِ السِّیْفِ، وَیَكُونُ مُخْتَارُوهُ تَحْتَ الْجَزِیَّةِ. ۹ وَصَخْرُهُ مِنْ الْخَوْفِ یَزُولُ، وَمِنْ الرَّأْیَةِ یَرْتَعِبُ رُؤُوسَاؤُهُ، یَقُولُ الرَّبُّ الَّذِی لَهُ نَارٌ فِی صِهْیُونَ، وَلَهُ تَنُورٌ فِی أُورُشَلِیْمَ.

۴ خداوند به من چنین گفته است: «بدان سان که شیر و شیر ژیان بر طعمه خود می غرّد، و هر چند تمام گروه چوپانان بر او گرد آیند، از فریادهای ایشان نمی هراسد و از غوغای شان مضطرب نمی گردد، به همان سان پروردگار لشکریان نیز فرود خواهد آمد تا بر کوه صهیون و تل آن نبرد کند. ۵ همچون پرندگان در پرواز، پروردگار لشکریان از اورشلیم حفاظت خواهد کرد. او از آن محافظت کرده، رهایی اش خواهد بخشید؛ و از آن در گذشته، رستگارش خواهد ساخت.» ۶ ای بنی اسرائیل، به سوی او که سخت بر وی عصیان ورزیده اید، باز گشت کنید. ۷ زیرا در آن روز تمامی شما بتهای طلا و نقره را که دستان گناه آلودتان ساخته است، ترک خواهید کرد. ۸ «آنگاه آشور به شمشیری که از انسان نیست خواهد افتاد؛ آری، شمشیری که از بنی آدم نیست او را فرو خواهد بلعید. از برابر شمشیر خواهد گریخت، و باقی ماندگانش

تحت جزیه قرار خواهند گرفت . ۹ صخره او از ترس زائل خواهد شد، و سردارانش از علم جنگ به هراس خواهند افتاد،» این را پروردگاری می گوید که آتشش در صهیون و نورش در اورشلیم، است.

سفر اشعیا: الأصاح الثانی والثلاثون * ۲۰-۱:۳۲

۱ هُوَذَا بِالْعَدْلِ يَمْلِكُ مَلِكٌ، وَرُؤَسَاءُ بِالْحَقِّ يَتَرَأْسُونَ. ۲ وَيَكُونُ إِنْسَانٌ كَمَخْبِئٍ مِنَ الرِّيحِ وَسِتَارَةٍ مِنَ السَّيْلِ، كَسَوَاقِي مَاءٍ فِي مَكَانٍ يَابِسٍ، كَظَلِّ صَخْرَةٍ عَظِيمَةٍ فِي أَرْضٍ مُعْيِيَةٍ. ۳ وَلَا تَحْسِرُ عُيُونُ النَّاطِرِينَ، وَأَذَانُ السَّامِعِينَ تَصْغَى، ۴ وَقُلُوبُ الْمُتَسَرِّعِينَ تَفْهَمُ عِلْمًا، وَالسِّنَّةُ الْعَيِيَّةُ تَبَادِرُ إِلَى التَّكَلُّمِ فَصِيحًا. ۵ وَلَا يُدْعَى اللَّئِيمُ بَعْدُ كَرِيمًا، وَلَا الْمَاكِرُ يُقَالُ لَهُ نَبِيلٌ. ۶ لَأَنَّ اللَّئِيمَ يَتَكَلَّمُ بِاللُّؤْمِ، وَقَلْبُهُ يَعْمَلُ إِثْمًا لِيَصْنَعَ نِفَاقًا، وَيَتَكَلَّمُ عَلَى الرَّبِّ بِافْتِرَاءٍ، وَيُفْرِغَ نَفْسَ الْجَائِعِ وَيَقْطَعَ شِرْبَ الْعَطْشَانِ. ۷ وَالْمَاكِرُ آلاَتُهُ رَدِيئَةٌ. هُوَ يَتَأَمَّرُ بِالْخَبَائِثِ لِيُهْلِكَ الْبَائِسِينَ بِأَقْوَالِ الْكَذِبِ، حَتَّى فِي تَكَلُّمِ الْمُسْكِينِ بِالْحَقِّ. ۸ وَأَمَّا الْكَرِيمُ فَبِالْكَرَائِمِ يَتَأَمَّرُ، وَهُوَ بِالْكَرَائِمِ يَقُومُ.

۱ اینک پادشاهی به عدالت سلطنت خواهد کرد، و حکمرانان به حق حکم خواهند راند. ۲ هر یک همچون پناهگاهی در برابر باد و سرپناهی در برابر توفان خواهند بود؛ همچون نه‌های آب در بیابان خشک، و سایه صخره‌ای بزرگ در صحرای سوزان. ۳ آنگاه چشمان بینندگان تار نخواهد شد، و گوشهای شنوندگان خواهد شنید. ۴ دل شتابندگان معرفت را درک خواهد کرد، و زبان الکنان فصیح و بلیغ خواهد گردید. ۵ شخص خبیث دیگر شریف خوانده نخواهد شد، و شخص رذل دیگر نجیب نامیده نخواهد گردید. ۶ چراکه خبیث به خبائث سخن می گوید و دل او به شرارت اشتغال دارد. فساد را پیشه کرده است و درباره خداوند عقاید نادرست می پراکند. گرسنگان را تهی دست رها می کند و آب را از تشنه‌لبان دریغ می دارد. ۷ راه و روش شخص رذل، شیرانه است؛ او تدابیر شیرانه می اندیشد تا فقیران را به سخنان دروغ نابود سازد، و نیازمندان را از دادرسی به دور دارد. ۸ اما شریفان به شرافت تدبیر می کنند، و به شرافت استوار خواهند ماند.

۹ آيَتُهَا النِّسَاءُ الْمُطْمَئِنَّاتُ، قُمْنَ اسْمَعْنَ صَوْتِي. آيَتُهَا الْبَنَاتُ الْوَائِقَاتُ، اصْغَيْنَ لِقَوْلِي. ۱۰ أَيَّامًا عَلَى سَنَةٍ تَرْتَعِدْنَ آيَتُهَا الْوَائِقَاتُ، لِأَنَّهُ قَدْ مَضَى الْقَطَافُ. الْاجْتِنَاءُ لَا يَأْتِي. ۱۱ ارْتَجِفْنَ آيَتُهَا الْمُطْمَئِنَّاتُ. ارْتَعِدْنَ آيَتُهَا الْوَائِقَاتُ. تَجَرَّدْنَ وَتَعَرَّيْنَ وَتَنْطَقْنَ عَلَى الْأَحْقَاءِ ۱۲ لَا طِمَاتٍ عَلَى الثُّدَيَّ مِنْ أَجْلِ الْحُقُولِ الْمُشْتَهَاةِ، وَمِنْ أَجْلِ الْكَرْمَةِ الْمُثْمَرَةِ. ۱۳ عَلَى أَرْضِ شَعْبِي يَطْلُعُ شَوْكٌ وَحَسَكٌ حَتَّى فِي كُلِّ بَيْوتِ الْفَرَحِ مِنَ الْمَدِينَةِ الْمُبْتَهَجَةِ. ۱۴ لَأَنَّ الْقَصْرَ قَدْ هُدِمَ. جُمُهُورُ الْمَدِينَةِ قَدْ تَرَكَ. الْأَكْمَةُ وَالْبُرْجُ صَارَا مَعَايِرَ إِلَى الْأَبَدِ، مَرَحًا لِحَمِيرِ

الْوَحْشِ، مَرْغَى لِّلْقُطْعَانِ. ۱۵ إِلَى أَنْ يُسْكَبَ عَلَيْنَا رُوحٌ مِنَ الْعَلَاءِ، فَتَصِيرَ الْبَرِّيَّةُ بُسْتَانًا، وَيُحْسَبَ الْبُسْتَانُ وَغَرًا.

۹ ای زنانِ آسوده‌خیال، برخیزید و سخنم را بشنوید! ای دخترانِ مطمئن، به آنچه می‌گویم گوش فرا دهید! ۱۰ پس از حدود یک سال شما که مطمئنید، مضطرب خواهید شد؛ چراکه محصول انگور ضایع خواهد شد و موسم چیدن میوه نخواهد آمد. ۱۱ ای زنانِ آسوده‌خیال، بر خود بلرزید! و ای دخترانِ مطمئن، مضطرب شوید! لباس از تن برکنید و عریان شوید، و پلاس بر کمر ببندید! ۱۲ برای مزارع دلپذیر و برای موهای پر بار؛ ۱۳ و برای سرزمین قوم من که به خار و خَس پوشیده است؛ آری، برای همهٔ خانه‌های شادمانی و برای این شهرِ سرمست! ۱۴ زیرا که قصر، متروک خواهد شد، و شهرِ پرجنب و جوش، واگذاشته خواهد گردید؛ قلعه و دیدبانگاه به زمین خالی بدل خواهد شد، به جولانگاهِ خران و وحشی و چراگاهِ گله‌ها. ۱۵ تا آنگاه که روح از اعلیٰ بر ما ریخته شود، و بیابان به بوستان بدل گردد و بوستان، همچون جنگل به نظر آید.

۱۶ فَيَسْكُنُ فِي الْبَرِّيَّةِ الْحَقُّ، وَالْعَدْلُ فِي الْبُسْتَانِ يُقِيمُ. ۱۷ وَيَكُونُ صُنْعُ الْعَدْلِ سَلَامًا، وَعَمَلُ الْعَدْلِ سَكُونًا وَطُمَأْنِينَةً إِلَى الْأَبَدِ. ۱۸ وَيَسْكُنُ شَعْبِي فِي مَسْكَنِ السَّلَامِ، وَفِي مَسَاكِنَ مُطْمَئِنَّةٍ وَفِي مَخَالَاتٍ أَمِينَةٍ. ۱۹ وَيَنْزِلُ بَرْدٌ بِهَبُوطِ الْوَعْرِ، وَإِلَى الْخَضِيضِ تَوْضَعُ الْمَدِينَةُ. ۲۰ طُوبَاكُمْ أَيُّهَا الزَّارِعُونَ عَلَى كُلِّ الْمِيَاهِ، الْمُسْرِحُونَ أَرْجُلَ الثَّوْرِ وَالْجِمَارِ.

۱۶ آنگاه حق در بیابان ساکن خواهد شد، و عدالت در بوستان اقامت خواهد گزید. ۱۷ ثمرهٔ عدالت، سلامتی خواهد بود و نتیجهٔ عدالت، آرامی و امنیت تا ابدالاباد. ۱۸ قوم من در منزلگاه‌های مملو از آرامش، و مسکنهای ایمن و استراحتگاه‌های پر از آسایش ساکن خواهند شد. ۱۹ جنگل از بارش تگرگ سراسر صاف خواهد شد و شهر با خاک یکسان خواهد گردید. ۲۰ خوشا بحال شما که بر کنار نهرها بذر می‌پاشید، ای آزاد کنندگان پاهای گاو و الاغها.

سفر اِشعیاء : الْأَصْحَاحُ الثَّلَاثُ وَالْثَلَاثُونَ * ۱:۳۳-۲۴

۱ وَيُلْ لَكَ أَيُّهَا الْمُخْرِبُ وَأَنْتَ لَمْ تُخْرَبْ، وَأَيُّهَا النَّاهِبُ وَلَمْ يَنْهَبُوكَ. حِينَ تَنْتَهِي مِنَ التَّخْرِيبِ تُخْرَبُ، وَحِينَ تَفْرَغُ مِنَ النَّهْبِ يَنْهَبُونَكَ. ۲ يَا رَبُّ، تَرَاءَفْ عَلَيْنَا. إِيَّاكَ أَنْتَظَرْنَا. كُنْ عَضُدَهُمْ فِي الْغَدَوَاتِ. خَلَّصْنَا أَيْضًا فِي وَقْتِ الشَّدَّةِ. ۳ مِنْ صَوْتِ الضَّجِيحِ هَرَبَتِ الشُّعُوبُ. مِنْ ارْتِفَاعِكَ تَبَدَّدَتِ الْأُمَمُ. ۴ وَيُجْنَى سَلْبُكُمْ جَنَى الْجَرَادِ. كَثَرَاكُضِ الْجُنْدُبِ يَتَرَاكُضُ عَلَيْهِ. ۵ تَعَالَى الرَّبُّ لِأَنَّهُ سَاكِنٌ فِي الْعَلَاءِ. مَلَأَ صِهْيُونَ حَقًّا وَعَدْلًا. ۶ فَيَكُونُ أَمَانٌ أَوْقَاتِكَ وَفَرَةٌ خَلَّاصٍ وَحِكْمَةٌ وَمَعْرِفَةٌ. مَخَافَةُ الرَّبِّ هِيَ كَنْزُهُ.

۱ وای بر تو ای ویرانگر که خود ویران نشده‌ای! وای بر تو ای خیانتکار که خود طعم خیانت نچشیده‌ای! آنگاه که از ویران کردن فارغ شوی خود ویران خواهی شد، و آنگاه که از خیانت ورزیدن بازایستی، بر تو خیانت خواهند ورزید. ۲ خداوند، فیض تو شامل حال ما گردد، زیرا که چشم‌انتظار تو هستیم. هر بامداد بازوی نیرومند برای ما باش، و به وقت تنگی، نجات ما شو! ۳ از بانگ غوغا قوما می‌گریزند، و چون خویشتن را برافرازی ملتها پراکنده می‌شوند. ۴ ای قوما، غنیمت شما را گرد می‌آورند، چنانکه حشرات گرد می‌آورند؛ و بر آن می‌جهند، چنانکه ملخها می‌جهند. ۵ خداوند متعال است، زیرا که در اعلی ساکن است. او صهیون را از عدل و داد مملو خواهد ساخت. ۶ او بنیان مستحکم برای ایام تو خواهد بود، و منبع نجات و حکمت و دانش؛ و ترس خداوند گنج صهیون خواهد بود.

۷ هُوَذَا أَبْطَلَهُمْ قَدْ صَرَحُوا خَارِجًا. رُسُلُ السَّلَامِ يَبْكُونَ بِمَرَارَةٍ. ۸ خَلَّتِ السَّيْكَ. بَادَ عَابِرُ السَّبِيلِ. نَكَثَ الْعَهْدَ. رَذَلَ الْمُدْن. لَمْ يَعْتَدِ بِنَسَان. ۹ نَاحَتْ، ذُبَلَتِ الْأَرْضُ. خَجِلَ لُبْنَانٌ وَتَلَفَ. صَارَ شَارُونُ كَالْبَادِيَةِ. نُثِرَ بَاشَانُ وَكَرْمَلُ. ۱۰ «الآن أقوم، يقول الربُّ. الآن أضعُد. الآن أرتفع. ۱۱ تَحْبُلُونَ بِحَشِيشٍ، تَلْدُونَ قَشِيشًا. نَفْسُكُمْ نَارٌ تَأْكُلُكُمْ. ۱۲ وَتَصِيرُ الشُّعُوبُ وَقُودَ كَيْلَسٍ، أَشْوَكَاءَ مَقْطُوعَةً تُحْرَقُ بِالنَّارِ».

۷ اکنون دلاورانش بیرون فریاد برمی‌کشند، و رسولان صلح زار زار می‌گریند! ۸ شاهراه‌ها متروک است و رهگذری یافت نمی‌شود. پیمان شکسته شده، ملتها خوار گشته‌اند، و آدمی را هیچ قدری نیست. ۹ زمین ماتم کنان پژمرده می‌شود؛ لبنان خجلت‌زده می‌خشکد؛ شارون همچون برهوت گشته، و برگهای درختان باشان و کرم‌ل ریخته است. ۱۰ خداوند می‌فرماید: «اکنون برمی‌خیزم؛ حال، خود را برمی‌افرازم، و اکنون متعال می‌گردم. ۱۱ شما به کاه آبتن خواهید شد و خس خواهید زایید! دم شما آتشی است که خودتان را خواهد سوزانید. ۱۲ قوما کاملاً سوخته شده، مانند آهک خواهند شد، و همچون خاربوته‌های قطع شده، در آتش خواهند سوخت.»

۱۳ اِسْمَعُوا أَيُّهَا الْبُعِيدُونَ مَا صَنَعْتُ، وَاعْرِفُوا أَيُّهَا الْقَرِيبُونَ بَطْشِي. ۱۴ ارْتَعَبَ فِي صِهْيَوْنَ الْخُطَاةُ. أَخَذَتِ الرِّعْدَةُ الْمُنَافِقِينَ: «مَنْ مِنَّا يَسْكُنُ فِي نَارٍ أَكِلَةٍ؟ مَنْ مِنَّا يَسْكُنُ فِي وَقَائِدِ أَبَدِيَّةٍ؟» ۱۵ السَّالِكُ بِالْحَقِّ وَالْمُتَكَلِّمُ بِالِاسْتِقَامَةِ، الرَّاذِلُ مَكْسَبَ الْمُظَالِمِ، النَّافِضُ يَدَيْهِ مِنْ قَبْضِ الرَّشْوَةِ، الَّذِي يَسُدُّ أذُنَيْهِ عَنْ سَمْعِ الدِّمَاءِ، وَيَعْمُصُ عَيْنَيْهِ عَنِ النَّظَرِ إِلَى الشَّرِّ ۱۶ هُوَ فِي الْأَعَالِي يَسْكُنُ. خُصُونُ الصُّخُورِ مَلْجَأُهُ. يُعْطَى خُبْرُهُ، وَمِيَاهُهُ مَأْمُونَةٌ.

۱۳ ای شما که دورید، آنچه را کرده‌ام بشنوید! و ای شما که نزدیکید، به قدرتم اذعان کنید! ۱۴ گنهکاران در صهیون ترسیده، و لرزه بر تن منافقان افتاده است: «کیست از ما که بتواند در آتش سوزاننده منزل گزیند؟ و کیست از ما که بتواند در آتشگاه جاودانی ساکن شود؟» ۱۵ آن که به حق سلوک می‌کند، و به انصاف سخن می‌گوید، سود ظلم را خوار می‌شمارد، و دست خویش از گرفتن رشوه بازمی‌دارد، به

توطئه قتل گوش نمی‌سپارد، و از نگاه کردن به شر چشم فرو می‌بندد؛ ۱۶ اوست که بر بلندیها ساکن خواهد شد، و پناهگاهش قلعه‌هایی خواهد بود مستحکم چون صخره؛ نان او داده خواهد شد، و آب او برقرار خواهد بود.

۱۷ الْمَلِكُ بِبَهَائِهِ تَنْظُرُ عَيْنَاكَ. تَرَيَانِ أَرْضًا بَعِيدَةً. ۱۸ قَلْبُكَ يَتَذَكَّرُ الرَّعْبَ: «أَيْنَ الْكَاتِبُ؟ أَيْنَ الْجَائِي؟ أَيْنَ الَّذِي عَدَّ الْأَبْرَاجَ؟» ۱۹ الشَّعْبُ الشَّرْسَ لَا تَرَى. الشَّعْبَ الْغَامِضَ اللَّغَةَ عَنِ الْإِدْرَاكِ، الْعَيَّ بِلِسَانٍ لَا يُفْهَمُ. ۲۰ أَنْظُرْ صِهْيُونََ مَدِينَةَ أَعْيَادِنَا. عَيْنَاكَ تَرَيَانِ أورشليمَ مَسْكِنًا مُطْمَئِنًّا، خِيَمَةً لَا تَنْتَقِلُ، لَا تُقْلَعُ أَوْتَادُهَا إِلَى الْأَبَدِ، وَشَيْءٌ مِنْ أَطْنَابِهَا لَا يَنْقَطِعُ. ۲۱ بَلْ هُنَاكَ الرَّبُّ الْعَزِيزُ لَنَا مَكَانُ أَنْهَارٍ وَتَرَعٍ وَاسِعَةِ الشَّوَاطِئِ. لَا يَسِيرُ فِيهَا قَارِبٌ بِمَقْدَافٍ، وَسَفِينَةٌ عَظِيمَةٌ لَا تَجْتَازُ فِيهَا. ۲۲ فَإِنَّ الرَّبَّ قَاضِيَنَا. الرَّبُّ شَارِعُنَا. الرَّبُّ مَلِكُنَا هُوَ يُخْلِصُنَا. ۲۳ ارْتَحَتْ جِبَالُكَ. لَا يُشَدِّدُونَ قَاعِدَةَ سَارِيَتِهِمْ. لَا يَنْشُرُونَ قِلْعًا. حِينَئِذٍ قُسِمَ سَلْبُ غَنِيمَةٍ كَثِيرَةٍ. الْعُرْجُ نَهَبُوا نَهْبًا. ۲۴ وَلَا يَقُولُ سَاكِنٌ: «أَنَا مَرَضْتُ». الشَّعْبُ السَّاكِنُ فِيهَا مَغْفُورُ الْإِثْمِ.

۱۷ چشمان تو پادشاه را در زیبایی اش نظاره خواهد کرد، و بر سرزمینی بی‌پایان خواهد نگریست. ۱۸ قلب تو از ترس متذکر خواهد شد: «کجاست کاتب؟ کجاست خراج گیرنده؟ کجاست شمارنده برجها؟» ۱۹ دیگر قوم ستم کیش نخواهی دید، قوم دشوارسخنی را که زبان الکن و غیرقابل فهم دارند. ۲۰ صهیون را بنگر، آن شهر جشنهای مقدسمان را! چشمانت اورشلیم را خواهد دید، آن منزلگه آسوده و آن خیمه که منتقل نتوان کرد؛ که میخهایش کنده نشود، و طنابهایش گسیخته نگردد. ۲۱ بلکه پروردگار عزیز آنجا را برای ما مکانی از رودها و نه‌های وسیع خواهد کرد بگونه‌ای که از آن هیچ کشتی پارویی و هیچ کشتی نیرومندی از آنها تجاوز نتواند کرد. ۲۲ زیرا که خداوند داور ماست؛ اوست که شریعت را به ما بخشیده. خداوند پادشاه ماست؛ اوست که ما را نجات خواهد داد. ۲۳ طنابهای تو سست است؛ دکُل را در جایش استوار نمی‌دارد و بادبانها افراشته نمی‌گردد. آنگاه غنایم بسیار تقسیم می‌شود و حتی لنگان نیز از غنیمت سهم می‌برند. ۲۴ هیچ‌یک از ساکنان نخواهد گفت که «بیمارم!» و گناه مردمی که در آن زندگی می‌کنند آمرزیده خواهد شد.

سفرِ اِشعیاء : الْأَصْحَاحُ الرَّابِعُ وَالثَّلَاثُونَ * ۱۷-۱:۳۴

۱ اقْتَرِبُوا إِلَيْهَا الْأُمَمُ لَتَسْمَعُوا، وَأَيُّهَا الشُّعُوبُ اصْغَوْا. لَتَسْمَعَ الْأَرْضُ وَمِلُؤُهَا. الْمَسْكُونَةُ وَكُلُّ نَتَائِجِهَا. ۲ لِأَنَّ لِلرَّبِّ سَخَطًا عَلَى كُلِّ الْأُمَمِ، وَخُمُوءًا عَلَى كُلِّ جَيْشِهِمْ. قَدْ حَرَمَهُمْ، دَفَعَهُمْ إِلَى الذَّبْحِ. ۳ فَقَتَلَهُمْ تُطْرَحُ، وَجِيفَهُمْ تَصْعَدُ نَتَائِجُهَا، وَتَسِيلُ الْجِبَالُ بِدِمَائِهِمْ. ۴ وَيَفْنَى كُلُّ جُنْدِ السَّمَاوَاتِ، وَتَلْتَفَتِ السَّمَاوَاتُ كَذَرَجٍ، وَكُلُّ جُنْدِهَا يَنْتَثِرُ كَانْتِثَارِ الْوَرَقِ مِنَ الْكَرْمَةِ وَالسَّقَاطِ مِنَ النَّبْتِ.

۱ ای قومها نزدیک آید و گوش فرا دهید؛ ای ملتها توجه نمایید. زمین و هر آنچه در آن است بشنود؛ جهان و هر آنچه از آن برون می آید گوش گیرند. ۲ زیرا خداوند بر تمامی قومها خشمگین است، و بر همه لشکریان آنها غضبناک گشته. آنها را به نابودی کامل سپرده، و تسلیم کشتار کرده است. ۳ کشتگان ایشان رها خواهند شد، بوی تعفن اجسادشان بر خواهد خاست، و کوهها از خون ایشان اشباع خواهد شد. ۴ تمامی لشکریان آسمان نابود خواهند شد، و آسمان همچون طوماری در هم خواهد پیچید؛ لشکریان آسمان جملگی خواهند افتاد، آن سان که برگ از تاک و انجیر از درخت افتد.

ه لَآئِهْ قَدْ رَوِيَ فِي السَّمَاوَاتِ سَيْفِي. هُوَذَا عَلَى أَدُومَ يَنْزِلُ، وَعَلَى شَعْبِ حَرَمْتُهُ لِلدَّيْنُونَةِ. ۶ لِلرَّبِّ سَيْفٌ قَدْ امْتَلَأَ دَمًا، اَطْلَى بِشَحْمٍ، بَدَمِ خِرَافٍ وَتُبُوسٍ، بِشَحْمٍ كُلِّ كِبَاشٍ. لَأَنَّ لِلرَّبِّ ذَبِيحَةً فِي بَصْرَةِ وَدَبْحًا عَظِيمًا فِي أَرْضِ أَدُومَ. ۷ وَيَسْقُطُ الْبَقَرُ الْوَحْشِيُّ مَعَهَا وَالْغُجُولُ مَعَ الثَّيْرَانِ، وَتَرَوِي أَرْضُهُمْ مِنَ الدَّمِ، وَتُرَابُهُمْ مِنَ الشَّحْمِ يُسَمَّنُ. ۸ لَأَنَّ لِلرَّبِّ يَوْمَ انْتِقَامٍ، سَنَةَ جَزَاءٍ مِنْ أَجْلِ دَعْوَى صِهْيُونَ.

۵ زیرا که شمشیر من در آسمانها سیراب شده است و اکنون بر آدوم فرود می آید، بر قومی که ایشان را به نابودی کامل سپرده ام. ۶ شمشیر خداوند از خون آنها پوشیده و از چربی آنها فربه خواهد شد و آنها را مانند بره و بزغاله ذبحی، سر خواهد برید؛ زیرا که خداوند را در بصره فدیهای است، و در سرزمین آدوم، ذبحی عظیم. ۷ گاوان وحشی همراه ایشان خواهند افتاد، و هم گوساله ها و گاوان زور آور؛ سرزمین ایشان از خون سیراب خواهد شد، و خاکشان از چربی فربه خواهد گشت. ۸ زیرا برای خداوند روز انتقامی است، سال کیفر دادن به جهت دادرسی صهیون.

۹ وَتَحْوَلُ أَنْهَارُهَا زِفْتًا، وَتُرَابُهَا كِبْرِيَّتًا، وَتَصِيرُ أَرْضُهَا زِفْتًا مُشْتَعِلًا. ۱۰ لَيْلًا وَنَهَارًا لَا تَنْطَفِئُ، إِلَى الْأَبَدِ يَصْعَدُ دُخَانُهَا، مِنْ دَوْرٍ إِلَى دَوْرٍ تُخْرَبُ. إِلَى أَبَدِ الْأَبَدِينَ لَا يَكُونُ مَنْ يَجْتَازُ فِيهَا. ۱۱ وَيَرِثُهَا الْقُوقُ وَالْقَنْفُذُ، وَالْكَرْكِيُّ وَالْغُرَابُ يَسْكُنَانِ فِيهَا، وَيَمْدُّ عَلَيْهَا خَيْطُ الْخَرَابِ وَمِطْمَرُ الْخَلَاءِ. ۱۲ أَشْرَافُهَا لَيْسَ هُنَاكَ مَنْ يَدْعُوهُ لِلْمُلْكِ،

۱۶ در کتاب ارمیا اصحاح ۴۶ آیه ۱۰ آمده است: «فَهَذَا الْيَوْمَ لِلسَّيِّدِ رَبِّ الْجُنُودِ يَوْمَ نَقْمَةٍ لِلانْتِقَامِ مِنْ مُبْغِضِيهِ، فَيَأْكُلُ السَّيْفُ وَيَشْبَعُ وَيَرْتَوِي مِنْ دَمِهِمْ. لَأَنَّ لِلسَّيِّدِ رَبِّ الْجُنُودِ ذَبِيحَةً فِي أَرْضِ الشِّمَالِ عِنْدَ نَهْرِ الْفُرَاتِ»؛ (آن روز، روز سید پروردگار لشکریان است، روز انتقام، روز انتقام از دشمنانش. شمشیر فرو خواهد بلعید و سیر خواهد شد، و از خونشان سرمست خواهد گردید. زیرا برای سید پروردگار لشکریان، در سرزمین شمال، در کنار رود فرات، قربانی وجود دارد). این قربانی در کنار نهر فرات بر اساس روایات همان امام حسین (ع) است که در سفر اشعیا از آن بعنوان ذبح عظیم یاد شده است. و نجات بخش و انتقام گیرنده از این قربانی عظیم نیز قائم آل محمد (ع) است که در آخرالزمان از عراق و از شهر بصره ظهور می کند. آنچنان که در اصحاح ۶۳ آیه ۱ کتاب اشعیا می خوانیم: «مَنْ ذَا الْآتِي مِنْ أَدُومَ، بِثِيَابٍ حُمْرٍ مِنْ بَصْرَةِ؟ هَذَا الْبَهِيُّ بِمَلَابِسِهِ، الْمُتَعَطِّمُ بِكَثْرَةِ قُوَّتِهِ. أَنَا الْمُتَكَلِّمُ بِالْبَيْرِ، الْعَظِيمِ لِلْخَلَّاصِ»؛ (این کیست که از آدوم، از شهر بصره می آید، و جامه سرخ فام بر تن دارد؟ این کیست که به فر و شکوه ملبس است، و در عظمت قوت خویش گام برمی دارد؟ آن منم! من که به عدالت سخن می گویم، و در نجات دادن نیرومندم).

وَكُلُّ رُؤْسَائِهَا يَكُونُونَ عَدَمًا. ١٣ وَيَطْلَعُ فِي قُصُورِهَا الشَّوْكُ. الْقَرِيصُ وَالْعُوسَجُ فِي حُصُونِهَا. فَتَكُونُ مَسْكِنًا لِلذِّئَابِ وَدَارًا لِبَنَاتِ النَّعَامِ. ١٤ وَتُتَلَقَّى وَخُوشُ الْقَفْرِ بَنَاتُ أَوَى، وَمَعَزُ الْوَحْشِ يَدْعُو صَاحِبَهُ. هُنَاكَ يَسْتَقِرُّ اللَّيْلُ وَيَجِدُ لِنَفْسِهِ مَحَلًّا. ١٥ هُنَاكَ تُخْجِرُ النَّكَازَةُ وَتَبْيِضُ وَتُفْرِخُ وَتُرَبِّي تَحْتَ ظِلِّهَا. وَهُنَاكَ تَجْتَمِعُ الشَّوَاهِينُ بَعْضُهَا بِبَعْضٍ. ١٦ فَيَتَشَوَّأُوا فِي سِفْرِ الرَّبِّ وَافْرَأُوا. وَاحِدَةٌ مِنْ هَذِهِ لَا تُفْقَدُ. لَا يُعَادِرُ شَيْءٌ صَاحِبَهُ، لِأَنَّ فَمَهُ هُوَ قَدْ أَمَرَ، وَرُوحَهُ هُوَ جَمَعَهَا. ١٧ وَهُوَ قَدْ أَلْقَى لَهَا قُرْعَةً، وَيَدُهُ قَسَمَتْهَا لَهَا بِالْخَيْطِ. إِلَى الْأَبَدِ تَرْتَبُّهَا. إِلَى دَوْرِ قَدُورٍ تَسْكُنُ فِيهَا.

۹ نهرهای آدوم به قیر بدل خواهد شد، غبار آن به گوگرد، و سرزمینش به قیر سوزان! ۱۰ آتش آن روز و شب خاموشی نخواهد پذیرفت و دود آن تا ابد بالا خواهد رفت. نسل اندر نسل، ویرانه‌ای باقی خواهد بود و دیگر هیچ‌گاه کسی از آن عبور نخواهد کرد. ۱۱ بلکه پرندگان وحشی آن را متصرف خواهند شد، و جغد و کلاغ در آن لانه خواهند کرد. او ریسمان هرج و مرج و شاقول ویرانی بر آدوم خواهد کشید. ۱۲ از بزرگانیش کسی نخواهد ماند که به سلطنت ندا کند، و رهبرانش جملگی نیست خواهند شد. ۱۳ درّه‌هایش را خار خواهد پوشانید، گزنه و خسک در قلعه‌هایش خواهد رویید، و شغالان و شترمرغان در آن مأوا خواهند گرفت. ۱۴ وحوش صحرا در آنجا با گفتارها جمع خواهند شد، دیوها به یکدیگر ندا خواهند داد و هیولای شب نیز در آنجا آرامی یافته، مکانی برای استراحت خویش خواهد یافت. ۱۵ جغد در آنجا لانه کرده، تخم خواهد گذاشت و بر آنها خواهد نشست، و جوجه‌هایش را زیر سایهٔ بالهایش جمع خواهد کرد؛ و بازها در آنجا با جفتشان جمع خواهند شد. ۱۶ در طومار خداوند تفحص کنید و بخوانید: هیچ‌یک از اینها کم نخواهد بود، و هیچ کدام بی جفت خود نخواهد ماند، زیرا که دهان او چنین امر کرده، و روح او آنها را گرد آورده است. ۱۷ او برای ایشان قرعه افکنده، و دست او به ریسمان برایشان تقسیم کرده است. ایشان این مکان را تا به ابد متصرف خواهند شد و نسل اندر نسل در آن سکونت خواهند داشت.

سفر اِشعْیَاء : الْأَصْحَاحُ الْخَامِسُ وَالْثَلَاثُونَ * ۱:۳۵-۱۰

١ تَفْرَحُ الْبَرِّيَّةُ وَالْأَرْضُ الْيَابِسَةُ، وَيَبْتَهِجُ الْقَفْرُ وَيَزْهَرُ كَالنَّرْجِسِ. ٢ يَزْهَرُ إِزْهَارًا وَيَبْتَهِجُ ابْتِهَاجًا وَيُرْتَمِّمُ. يُدْفَعُ إِلَيْهِ مَجْدُ لُبْنَانَ. بَهَاءُ كَرْمَلٍ وَشَارُونٍ. هُمْ يَرَوْنَ مَجْدَ الرَّبِّ، بَهَاءَ إِلَهِنَا. ٣ شَدِّدُوا الْأَيَادِيَ الْمُسْتَرْخِيَةَ، وَالرَّكَبَ الْمُرْتَعِشَةَ ثَبِّتُوهَا. ٤ قُولُوا لِخَائِفِي الْقُلُوبِ: «تَشَدَّدُوا لَا تَخَافُوا. هُوَذَا إِلَهُكُمْ. الْإِنْتِقَامُ يَأْتِي. جَزَاءُ اللَّهِ. هُوَ يَأْتِي وَيُخَلِّصُكُمْ». ٥ حِينَئِذٍ تَتَفَقَّعُ عُيُونُ الْعُمَى، وَأَذَانُ الصُّمِّ تَتَفَقَّحُ. ٦ حِينَئِذٍ يَفْغِزُ الْأَعْرَجُ كَالْإِيْلِ وَيَبْتَزُّ لِسَانُ الْأَخْرَسِ، لِأَنَّهُ قَدْ انْفَجَرَتْ فِي الْبَرِّيَّةِ مِيَاهُ، وَأَنْهَارُ فِي الْقَفْرِ. ٧ وَيَصِيرُ السَّرَابُ أَجْمًا، وَالْمَعْطَشَةُ يَنْابِيعُ مَاءٍ فِي

مَسْكِنِ الذِّئَابِ، فِي مَرِيضِهَا دَارُ الْقَصَبِ وَالْبَرْدِيِّ. ٨ وَتَكُونُ هُنَاكَ سَكَّةٌ وَطَرِيقٌ يُقَالُ لَهَا: «الطَّرِيقُ الْمُقَدَّسَةُ». لَا يَغْبُرُ فِيهَا نَجْسٌ، بَلْ هِيَ لَهُمْ. مَنْ سَلَكَ فِي الطَّرِيقِ حَتَّى الْجَهَّالُ، لَا يَضِلُّ. ٩ لَا يَكُونُ هُنَاكَ أَسَدٌ وَخَشٌ مُفْتَرَسٌ لَا يَصْعَدُ إِلَيْهَا. لَا يُوجَدُ هُنَاكَ. بَلْ يَسْأَلُ الْمُقَدِّمُونَ فِيهَا. ١٠ وَمَقْدِيئُ الرَّبِّ يَرْجِعُونَ وَيَأْتُونَ إِلَى صِهْيَوْنَ بِتَرَنُّمٍ، وَفَرَحٌ أَبَدِيٌّ عَلَى رُؤُوسِهِمْ. ائْتِهَا جُ وَفَرَحٌ يُدْرِكُهُمْ. وَيَهْرُبُ الْحُزْنُ وَالتَّهَدُّ.

۱ بیابان و خشکزار شادمان خواهد شد و صحرا به وجد آمده، چون گل سرخ خواهد شکفت؛ ۲ شکوفه بسیار خواهد آورد و وجد کنان فریاد شادی سر خواهد داد. جلال لبنان به آن عطا خواهد شد، شکوه کرمیل و شارون؛ جلال پروردگار را خواهند دید، و شکوه خدای ما را مشاهده خواهند کرد. ۳ دستهای سست را قوی سازید؛ زنان لرزان را استوار گردانید. ۴ به دلهای هراسان بگویید: «قوی باشید و مهراسید! هان خدای شما می آید؛ او با انتقام و مکافات الهی می آید؛ او خود می آید تا شما را نجات دهد.» ۵ آنگاه چشمان نابینایان گشوده خواهد شد، و گوشهای ناشنویان باز خواهد گشت. ۶ آنگاه لنگان چون غزال جست و خیز خواهند کرد، و زبان گنگ شادمانه خواهد سراید. آبها در بیابان سیلان خواهد کرد، و نهرها در صحرا خواهد جوشید. ۷ شن داغ به برکه بدل خواهد شد، و زمین تشنه به چشمه های جوشان. در مکانی که شغالان می آرمیدند، علف و بوریا و نی خواهد روید. ۸ در آنجا شاهراهی خواهد بود که 'راه مقدس' نامیده خواهد شد؛ شخص نجس در آن قدم نخواهد نهاد، بلکه تنها از آن سالکان راه خواهد بود، حتی جاهلانی که در این مسیر قدم می نهند گمراه نخواهند شد. ۹ شیری در آن نخواهد بود، و حیوان درنده ای بر آن بر نخواهد آمد، و در آن یافت نخواهد شد. بلکه تنها رهایی یافتگان در آن گام خواهند زد، ۱۰ و فدیة شدگان خداوند باز خواهند گشت. سرودخوانان به صهیون داخل خواهند شد، و شادی جاودانی زینت بخش سرشان خواهد بود. از شادمانی و خوشی برخوردار خواهند شد، و غم و ناله خواهد گریخت.

سفر اشعیا: الأصْحاحُ السَّادِسُ وَالثَّلَاثُونَ * ۳۶: ۱-۲۲

۱ وَكَانَ فِي السَّنَةِ الرَّابِعَةِ عَشْرَةَ لِلْمَلِكِ حَزَقِيَّا أَنْ سَنَحَارِيبَ مَلِكِ أَشُورَ صَعِدَ عَلَى كُلِّ مَدْنٍ يَهُودَا الْحَصِينََّةَ وَأَخَذَهَا. ۲ وَأَرْسَلَ مَلِكُ أَشُورَ رِيشَاقِي مِنْ لَاحِيشَ إِلَى أُورُشَلِيمَ، إِلَى الْمَلِكِ حَزَقِيَّا بِجَيْشٍ عَظِيمٍ، فَوَقَفَ عِنْدَ قَنَاةِ الْبَرَكَةِ الْعُلْيَا فِي طَرِيقِ حَقْلِ الْقَصَارِ. ۳ فَخَرَجَ إِلَيْهِ أَلْيَاقِيمُ بْنُ حَلَقِيَّا الَّذِي عَلَى الْبَيْتِ، وَشَبْنَةُ الْكَاتِبِ، وَيُوَآخُ بْنُ أَسَافَ الْمُسَجِّلِ.

۱ در چهاردهمین سال سلطنت حزقیای پادشاه، سنحاریب پادشاه آشور به تمامی شهرهای حصاردار یهودا حمله آورد و آنها را متصرف شد. ۲ پادشاه آشور نماینده خود را با لشکری عظیم از لاکیش به اورشلیم نزد حزقیای پادشاه فرستاد، و او در کنار قنات آبگیر بالایی بر سر راه مزرعه رختشورها توقف

کرد. ۳ پس الیاقیم پسر حلقیا رئیس امور دربار، شَبنا کاتب دربار و یوآخ وقایع نگار پسر آساف نزد او بیرون آمدند.

۴ فَقَالَ لَهُمْ رَبُّشَاقَى: «قُولُوا لِحَزَقِيَّا: هَكَذَا يَقُولُ الْمَلِكُ الْعَظِيمُ مَلِكُ أَشُورَ: مَا هُوَ هَذَا الْإِتِّكَالُ الَّذِي اتَّكَلْتَهُ؟
 ۵ أَقُولُ إِنَّمَا كَلَامُ الشَّفَتَيْنِ هُوَ مَشُورَةٌ وَبَأْسٌ لِلْحَرْبِ. وَالْآنَ عَلَى مَنْ اتَّكَلْتَ حَتَّى عَصَيْتَ عَلَيَّ؟ ۶ إِنَّكَ قَدْ
 اتَّكَلْتَ عَلَى عُكَازِ هَذِهِ الْقَصَبَةِ الْمَرْضُوضَةِ، عَلَى مِصْرَ، الَّتِي إِذَا تَوَكَّأَ أَحَدٌ عَلَيْهَا دَخَلَتْ فِي كَفِّهِ وَثَقَبَتْهَا. هَكَذَا
 فِرْعَوْنُ مَلِكُ مِصْرَ لَجَمِيعِ الْمُتَوَكِّلِينَ عَلَيْهِ. ۷ وَإِذَا قُلْتُ لِي: عَلَى الرَّبِّ إِلَهِنَا اتَّكَلْنَا، أَفَلَيْسَ هُوَ الَّذِي أزالَ
 حَزَقِيَّا مُرْتَفَعَاتِهِ وَمَذَابِحَهُ، وَقَالَ لِيَهُودَا وَلَا أُورُشَلِيمَ: أَمَامَ هَذَا الْمَذْبَحِ تَسْجُدُونَ. ۸ فَالآنَ رَاهِنُ سَيِّدِي مَلِكِ
 أَشُورَ، فَأَعْطَيْكَ أَلْفِي فَرَسٍ إِنْ اسْتَطَعْتَ أَنْ تَجْعَلَ عَلَيْهَا رَاكِبِينَ! ۹ فَكَيْفَ تَرُدُّ وَجْهَ وَالٍ وَاحِدٍ مِنْ عِبِيدِ
 سَيِّدِي الصِّغَارِ، وَتَتَّكِلُ عَلَى مِصْرَ لِأَجْلِ مَرْكَبَاتٍ وَفُرْسَانٍ؟ ۱۰ وَالْآنَ هَلْ بِدُونِ الرَّبِّ صَعِدْتُ عَلَى هَذِهِ
 الْأَرْضِ لِأُخْرِبَهَا؟ الرَّبُّ قَالَ لِي: اصْعَدْ إِلَى هَذِهِ الْأَرْضِ وَاخْرِبْهَا».

۴ نماینده پادشاه آشور بدیشان گفت: «به حزقیا بگوئید: ”شاه کبیر، پادشاه آشور، چنین می فرماید: این
 اطمینان تو بر چه پایه ای استوار است؟ ۵ آیا گمان می کنی سخنان پوچ می تواند جایگزین تدبیر جنگی
 شود؟ اکنون بر چه کسی توکل بسته ای که اینچنین بر من شوریده ای؟ ۶ اینک تو بر مصر، آن نی در هم
 شکسته توکل بسته ای که هر که بر آن تکیه زند و آن را عصای دست خویش سازد، به دستش فرو رود و
 مجروحش سازد! آری، هر که بر فرعون پادشاه مصر امید بندد، سرانجامش جز این نخواهد بود! ۷ و اگر
 مرا بگویی: ”ما بر پروردگار خدای خود توکل داریم،“ آیا او همان نیست که حزقیا مکانهای بلند و
 مذبحهایش را از بین برده و به یهودا و اورشلیم می گوید: ”باید تنها در برابر این مذبح پرستش کنید؟“ ۸
 پس حال، بیا و با سرورم پادشاه آشور شرطی ببند: من دو هزار اسب به تو می دهم، اگر خود بتوانی سواران
 بر آنها بگماری! ۹ پس چگونه می خواهی حتی یک افسر ساده از کوچکترین خادمان سرورم را عقب
 برانی، در حالی که به جهت ارابه ها و سواران به مصر امید بسته ای؟ ۱۰ وانگهی، آیا من بدون فرمان خداوند
 برای نابودی این سرزمین برآمده ام؟ خداوند خود مرا فرموده تا بر این سرزمین برآیم و آن را نابود کنم.“

۱۱ فَقَالَ أَلْيَاقِيمُ وَشَبْنَةُ وَيُوآخُ لِرَبُّشَاقَى: «كَلِمَ عَبِيدِكَ بِالْأَرَامِيِّ لَأَنَّنَا نَفْهَمُهُ، وَلَا تُكَلِّمْنَا بِالْيَهُودِيَّ فِي مَسَامِعِ
 الشَّعْبِ الَّذِينَ عَلَى السُّورِ». ۱۲ فَقَالَ رَبُّشَاقَى: «هَلْ إِلَى سَيِّدِكَ وَإِلَيْكَ أَرْسَلَنِي سَيِّدِي لِكَيْ أَتَكَلَّمَ بِهِذَا
 الْكَلَامَ؟ أَلَيْسَ إِلَى الرِّجَالِ الْجَالِسِينَ عَلَى السُّورِ، لِيَأْكُلُوا غِذَرَتَهُمْ وَيَشْرَبُوا بَوْلَهُمْ مَعَكُمْ؟».

۱۱ آنگاه الیاقیم، شَبنا و یوآخ به نماینده پادشاه گفتند: «تما داریم با خادمان خود به زبان آرامی سخن
 بگوییم، زیرا آن را می فهمیم. به زبان یهودیان با ما سخن مگوی، مبادا مردم بالای دیوار شهر سخنان را
 بشنوند.» ۱۲ اما نماینده پادشاه آشور گفت: «مگر سرورم مرا فرستاده تا تنها با تو و سرورت سخن بگویم

و با مردمی که بر دیوار شهر نشسته‌اند خیر؟ مگر نه این است که آنان نیز همراه شما مدفوع خود را خواهند خورد و ادرار خویش را خواهند نوشید؟»

۱۳ ثُمَّ وَقَفَ رَبُّشَاقَى وَنَادَى بِصَوْتٍ عَظِيمٍ بِالْيَهُودِيِّ وَقَالَ: «اسْمَعُوا كَلَامَ الْمَلِكِ الْعَظِيمِ مَلِكِ أَشُورَ. ۱۴ هَكَذَا يَقُولُ الْمَلِكُ: لَا يَخْذَعُكُمْ حَزَقِيَّا لِأَنَّهُ لَا يَقْدِرُ أَنْ يُنْقِذَكُمْ، ۱۵ وَلَا يَجْعَلْكُمْ حَزَقِيَّا تَتَكَلَّمُونَ عَلَى الرَّبِّ قَائِلًا: إِنْقَادًا يُنْقِذُنَا الرَّبُّ. لَا تُدْفِعْ هَذِهِ الْمَدِينَةُ إِلَى يَدِ مَلِكِ أَشُورَ. ۱۶ لَا تَسْمَعُوا لِحَزَقِيَّا. لِأَنَّهُ هَكَذَا يَقُولُ مَلِكُ أَشُورَ: اعْقِدُوا مَعِيَ صُلْحًا، وَاخْرُجُوا إِلَيَّ وَكُلُوا كُلَّ وَاحِدٍ مِنْ جَفَنَتِهِ، وَكُلُّ وَاحِدٍ مِنْ تَبْنَتِهِ، وَاشْرَبُوا كُلُّ وَاحِدٍ مَاءَ بَيْتِهِ ۱۷ حَتَّى آتِيَ وَأَخْذَكُمْ إِلَى أَرْضٍ مِثْلِ أَرْضِكُمْ، أَرْضٍ حِنْطَةٍ وَخَمَرٍ، أَرْضٍ خُبْزٍ وَكُرُومٍ. ۱۸ لَا يَغْرَكُكُمْ حَزَقِيَّا قَائِلًا: الرَّبُّ يُنْقِذُنَا. هَلْ أَنْقَذَ إِلَهَةُ الْأُمَمِ كُلُّ وَاحِدٍ أَرْضَهُ مِنْ يَدِ مَلِكِ أَشُورَ؟ ۱۹ أَيْنَ إِلَهَةُ حِمَاةِ وَأَرْفَادِ؟ أَيْنَ إِلَهَةُ سَفَرَوَائِمَ؟ هَلْ أَنْقَذُوا السَّامِرَةَ مِنْ يَدِي؟ ۲۰ مَنْ مِنْ كُلِّ إِلَهَةِ الْأَرْضِ أَنْقَذَ أَرْضَهُمْ مِنْ يَدِي، حَتَّى يُنْقِذَ الرَّبُّ أُورُشَلِيمَ مِنْ يَدِي؟». ۲۱ فَسَكَتُوا وَلَمْ يُجِيبُوا بِكَلِمَةٍ لِأَنَّ أَمْرَ الْمَلِكِ كَانَ قَائِلًا: «لَا تُجِيبُوهُ». ۲۲ فَجَاءَ إِلَيَّا قِيمُ بْنُ حَلْقِيَّا الَّذِي عَلَى الْبَيْتِ وَشَبْنَةُ الْكَاتِبِ وَيُوَآخُ بْنُ آسَافَ الْمُسَجِّلُ إِلَى حَزَقِيَّا وَثِيَابُهُمْ مُمَرَّقَةٌ، فَأَخْبَرُوهُ بِكَلَامِ رَبُّشَاقَى.

۱۳ آنگاه استاد و به بانگ بلند به زبان یهودیان گفت: «کلام شاه کبیر، پادشاه آشور را بشنوید! ۱۴ پادشاه چنین می‌فرماید: ”مگذارید حزقیایا شما را بفریبد، زیرا او نمی‌تواند شما را برهاند. ۱۵ سخن حزقیایا را که می‌گوید: ’خداوند به یقین ما را خواهد رهانید و این شهر به دست پادشاه آشور نخواهد افتاد،‘ باور کنید و اجازه ندهید شما را به توکل بر خداوند وادارد. ۱۶ آری، به حزقیایا گوش مگیرید. زیرا پادشاه آشور چنین می‌گوید: با من صلح کنید و به جانب من بیرون آید، تا هر کس از تاک و درخت انجیر خود بخورد و از آب چاه خویش بنوشد، ۱۷ تا آنگاه که بیایم و شما را به سرزمینی برم همچون سرزمین خودتان، سرشار از غله و شراب تازه، و نان و تاکستان! ۱۸ مبدا حزقیایا شما را فریفته، بگوید: پروردگار ما را خواهد رهانید.‘ آیا تا کنون هیچ‌یک از خدایان قومهای جهان توانسته است سرزمین خود را از چنگ پادشاه آشور برهاند؟ ۱۹ کجایند خدایان حماة و آرفاد؟ خدایان سفاروایم؟ آیا آنها توانستند سامره را از دست من برهاند؟ ۲۰ از همه خدایان این ممالک، کدام‌یک تا به حال توانسته است سرزمین خویش را از دست من برهاند که حال پروردگار بخواد اورشلیم را از چنگ من نجات بخشد؟» ۲۱ اما آنها سکوت کردند و پاسخی ندادند، زیرا پادشاه بدیشان فرمان داده بود که: «او را پاسخ مدهید.» ۲۲ آنگاه الیاقیم پسر حلقیا که رئیس امور دربار بود، و شبنا کاتب دربار و یوآخ و قایع نگار پسر آساف با جامه‌های دریده نزد حزقیایا آمدند و سخنان نماینده آشور را به او بازگفتند.

سفر اِشعیاء : الأصاح السابع والثلاثون * ۳۷:۱-۳۸

۱ فَلَمَّا سَمِعَ الْمَلِكُ حَزَقِيَّا ذَلِكَ مَرَّقَ ثِيَابَهُ وَتَعَطَّى بِمُسْحٍ وَدَخَلَ بَيْتَ الرَّبِّ. ۲ وَأَرْسَلَ أَلْيَاقِيمَ الَّذِي عَلَى الْبَيْتِ وَشَبْنَةَ الْكَاتِبِ وَشِيُوخَ الْكَهَنَةِ مُتَعَطِّينَ بِمُسُوحٍ إِلَى إِشَعْيَاءَ بْنِ أُمُوصَ النَّبِيِّ. ۳ فَقَالُوا لَهُ: «هَكَذَا يَقُولُ حَزَقِيَّا: هَذَا الْيَوْمُ يَوْمُ شِدَّةٍ وَتَأْدِيبٍ وَإِهَانَةٍ، لِأَنَّ الْأَجَنَّةَ دَنَتْ إِلَى الْمَوْلِدِ وَلَا قُوَّةَ عَلَى الْوِلَادَةِ. ۴ لَعَلَّ الرَّبَّ إِلَهَكَ يَسْمَعُ كَلَامَ رُبُّشَاقَى الَّذِي أَرْسَلَهُ مَلِكُ أَشُورَ سَيِّدُهُ لِيُعِيرَ إِلَهَهُ الْحَيَّ، فَيُؤَبِّخَ عَلَى الْكَلَامِ الَّذِي سَمِعَهُ الرَّبُّ إِلَهَكَ. فَارْفَعْ صَلَاةً لِأَجْلِ الْبَقِيَّةِ الْمَوْجُودَةِ».

۱ حزقیای پادشاه چون این سخنان را شنید، جامه بر تن درید و پلاس در بر کرده، به خانه خداوند درآمد. ۲ سپس الیاقیم رئیس امور دربار، شبنّا کاتب دربار و کاهنان ارشد را پلاس در بر، نزد اِشعیای نبی پسر آموص فرستاد. ۳ ایشان به وی گفتند: «حزقیّا چنین می گوید: "امروز روز تنگی و توبیخ و رسوایی است، همچون زمانی که فرزندان در آستانه تولدند اما مادر را قوت زادن نیست. ۴ شاید که یهوه خدای تو تمام سخنان نماینده آشور را که سرورش پادشاه آشور فرستاده است تا خدای زنده را کفر گوید بشنود، و او را به سبب سخنانی که یهوه خدایت شنیده است توبیخ کند. پس برای باقیمانده گان حاضر دعا کن."»

۵ فَجَاءَ عَبِيدُ الْمَلِكِ حَزَقِيَّا إِلَى إِشَعْيَاءَ. ۶ فَقَالَ لَهُمْ إِشَعْيَاءُ: «هَكَذَا تَقُولُونَ لِسَيِّدِكُمْ: هَكَذَا يَقُولُ الرَّبُّ: لَا تَخَفْ بِسَبَبِ الْكَلَامِ الَّذِي سَمِعْتَهُ، الَّذِي جَدَّفَ عَلَيَّ بِهِ غِلْمَانُ مَلِكِ أَشُورَ. ۷ هَآنَذَا أَجْعَلُ فِيهِ رُوحًا فَيَسْمَعُ خَبْرًا وَيَرْجِعُ إِلَى أَرْضِهِ، وَأُسْقِطُهُ بِالسَّيْفِ فِي أَرْضِهِ».

۵ مقامات حزقیای پادشاه نزد اِشعیّا رسیدند، ۶ و او بدیشان گفت: «به سرورتان چنین بگویید: "خداوند می فرماید: از آنچه شنیده‌ای، یعنی از سخنان کفرآمیز خادمان پادشاه آشور درباره من، مَهْرَاس. ۷ اینک من در او روحی قرار خواهم داد که با شنیدن خبری به دیار خود باز گردد، و در آنجا او را به شمشیر خواهم کشت."»

۸ فَارْجَعَ رُبُّشَاقَى وَوَجَدَ مَلِكَ أَشُورَ يُحَارِبُ لِبْنَةَ، لِأَنَّهُ سَمِعَ أَنَّهُ ارْتَحَلَ عَنْ لَحِيْشَ. ۹ وَسَمِعَ عَنْ تِرْهَاقَةَ مَلِكِ كُوشَ قَوْلًا: «قَدْ خَرَجَ لِيُحَارِبَكَ». فَلَمَّا سَمِعَ أَرْسَلَ رَسُولًا إِلَى حَزَقِيَّا قَائِلًا: ۱۰ «هَكَذَا تَكَلِّمُونَ حَزَقِيَّا مَلِكَ يَهُوذَا قَائِلِينَ: لَا يَخْذَعُكَ إِلَهَكَ الَّذِي أَنْتَ مُتَوَكِّلٌ عَلَيْهِ، قَائِلًا: لَا تُدْفِعُ أُورُشَلِيمُ إِلَى يَدِ مَلِكِ أَشُورَ. ۱۱ إِنَّكَ قَدْ سَمِعْتَ مَا فَعَلَ مُلُوكُ أَشُورَ بِجَمِيعِ الْأَرْضِ لِتَحْرِيمِهَا. وَهَلْ تَنْجُو أَنْتَ؟ ۱۲ هَلْ أَنْقَذَ إِلَهَةُ الْأُمَمِ هَؤُلَاءِ الَّذِينَ أَهْلَكَهُمْ آبَائِي، جُوزَانَ وَخَارَانَ وَرَصَفَ وَبَنِي عَدْنَ، الَّذِينَ فِي تَلْسَارَ؟ ۱۳ أَيْنَ مَلِكُ حَمَاةٍ وَمَلِكُ أَرْفَادٍ وَمَلِكُ مَدْيَنَةَ سَفَرَوَائِمَ وَهِنَعٍ وَعَوَّاءٍ؟».

۸ باری، چون نماینده آشور شنید که پادشاه آشور لاکیش را ترک گفته است، بازگشت و او را در حال جنگ با لبّنه یافت. ۹ و اما سنحاریب پادشاه شنید که تیرهاقا پادشاه کوش عازم جنگ با اوست. پس

چون این را شنید، قاصدانی نزد حزقیایا فرستاد با این پیام: ۱۰ «به حزقیایا پادشاه یهودا چنین بگویند: "مگذار خدایی که بر او توکل داری تو را فریفته بگوید: اورشلیم به دست پادشاه آشور تسلیم نخواهد شد." ۱۱ اینک شنیده‌ای که پادشاهان آشور بر سر همه ممالک چه آورده‌اند و چگونه آنها را به نابودی کامل سپرده‌اند. و آیا تو رهایی خواهی یافت؟ ۱۲ مگر خدایان اقوامی که به دست نیاکان من نابود شدند، یعنی خدایان جوزان، حران، رصف و قوم عدن که در تل‌آسار بودند، توانستند آن اقوام را رهایی دهند؟ ۱۳ کجاست پادشاه حمات و پادشاه آرفاد؟ و یا پادشاه شهرهای سفاروایم، هینع و عوا؟»

۱۴ فَأَخَذَ حَزَقِيَّا الرِّسَالَةَ مِنْ يَدِ الرُّسُلِ وَقَرَأَهَا، ثُمَّ صَعِدَ إِلَى بَيْتِ الرَّبِّ، وَنَشَرَهَا حَزَقِيَّا أَمَامَ الرَّبِّ، ۱۵ وَصَلَّى حَزَقِيَّا إِلَى الرَّبِّ قَائِلًا: ۱۶ «يَا رَبَّ الْجُنُودِ، إِلَهَ إِسْرَائِيلَ الْجَالِسِ فَوْقَ الْكُرُوبِيمِ، أَنْتَ هُوَ إِلَهُ وَخَذَكَ لِكُلِّ مَمَالِكِ الْأَرْضِ. أَنْتَ صَنَعْتَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ. ۱۷ أَمِلْ يَا رَبُّ أَذُنَكَ وَاسْمَعْ. افْتَحْ يَا رَبُّ عَيْنَيْكَ وَأَنْظُرْ، وَاسْمَعْ كُلَّ كَلَامٍ سَنَحَارِبُ الَّذِي أَرْسَلَهُ لِيُعَيِّرَ اللَّهَ الْحَيَّ. ۱۸ حَقًّا يَا رَبُّ إِنَّ مَلُوكَ أَشُورَ قَدْ خَرَّبُوا كُلَّ الْأُمَمِ وَأَزْضَهُمْ، ۱۹ وَدَفَعُوا آلِهَتَهُمْ إِلَى النَّارِ، لِأَنَّهُمْ لَيْسُوا آلِهَةً بَلْ صَنَعَةُ أَيْدِي النَّاسِ، خَشَبٌ وَحَجَرٌ، فَأَبَادُوهُمْ. ۲۰ وَالْآنَ أَيُّهَا الرَّبُّ إِلَهِنَا خَلِّصْنَا مِنْ يَدِهِ، فَتَعْلَمَ مَمَالِكُ الْأَرْضِ كُلُّهَا أَنَّكَ أَنْتَ الرَّبُّ وَخَذَكَ».

۱۴ حزقیایا نامه را از دست قاصدان گرفت و خواند. آنگاه به خانه خداوند درآمده، نامه را در حضور خداوند گسترده ۱۵ و به خداوند چنین دعا کرد: ۱۶ «ای پروردگار لشکریان، خدای اسرائیل، که در میان کروبیان نشسته‌ای، تویی که به تنهایی بر تمامی ممالک جهان خدا هستی. آسمان و زمین را تو آفریدی. ۱۷ پس حال ای خداوند، گوش فراده و بشنو! ای خداوند، چشمان خویش بگشا و ببین! سخنان سنحاریب را که به جهت کفر گفتن به خدای زنده فرستاده است، جملگی بشنو! ۱۸ خداوند، راست است که پادشاهان آشور همه قومها را از بین برده و سرزمینشان را ویران کرده‌اند، ۱۹ و خدایانشان را در آتش افکنده، نابود کرده‌اند، زیرا آنها خدا نبودند، بلکه ساخته دست انسان از چوب و سنگ. ۲۰ پس حال ای یهوه خدای ما، ما را از دست او نجات ده تا همه ممالک جهان بدانند که تنها تو خداوند هستی.»

۲۱ فَأَرْسَلَ إِشْعِيَاءُ بْنُ أُمُوصَ إِلَى حَزَقِيَّا قَائِلًا: «هَكَذَا يَقُولُ الرَّبُّ إِلَهُ إِسْرَائِيلَ الَّذِي صَلَّيْتَ إِلَيْهِ مِنْ جِهَةِ سَنَحَارِبِ مَلِكِ أَشُورَ: ۲۲ هَذَا هُوَ الْكَلَامُ الَّذِي تَكَلَّمَ بِهِ الرَّبُّ عَلَيْهِ: اخْتَقَرْتُكَ. اسْتَهْزَأَتْ بِكَ الْعَذْرَاءُ ابْنَةُ صِهْيَوْنَ. نَحْوِكَ أَنْغَضَتْ ابْنَةُ أُورُشَلِيمَ رَأْسَهَا. ۲۳ مَنْ عَيَّرْتَ وَجَدَفْتَ، وَعَلَى مَنْ عَلَّيْتَ صَوْتًا، وَقَدْ رَفَعْتَ إِلَى الْعَلَاءِ عَيْنَيْكَ؟ عَلَى قُدُّوسِ إِسْرَائِيلَ! ۲۴ عَنْ يَدِ عَبْدِكَ عَيَّرْتَ السَّيِّدَ، وَقُلْتَ: بَكْثَرَةٌ مَرْكَبَاتِي قَدْ صَعِدَتْ إِلَى غُلُوِّ الْجِبَالِ، عِقَابِ لُبْنَانَ، فَأَقْطَعُ أَرْزَهُ الطَّوِيلَ وَأَفْضَلَ سَرُّوهِ، وَأَدْخُلُ أَقْصَى غُلُوِّهِ، وَغَرَ كَرْمِلَهُ. ۲۵ أَنَا قَدْ خَفَرْتُ وَشَرَبْتُ مِيَاهًا، وَأَنْشِفُ بِبَطْنِ قَدَمِي جَمِيعَ خُلْجَانِ مِصْرَ. ۲۶ أَلَمْ تَسْمَعْ؟ مِنْذُ الْبَعِيدِ صَنَعْتُهُ. مِنْذُ الْيَوْمِ الْقَدِيمِ صَوَّرْتُهُ. الْآنَ أَنْتَبْتُ بِهِ. فَتَكُونُ لِتَخْرِيبِ مُدُنٍ مُحَصَّنَةٍ حَتَّى تَصِيرَ رَوَابِي خَرِبَةً. ۲۷ فَسَكَانُهَا قِصَارُ

الْأَيْدِي قَدْ ارْتَاعُوا وَخَجَلُوا. صَارُوا كَعُشْبِ الْحَقْلِ وَكَالْبَنَاتِ الْأَخْضَرِ، كَحَشِيشِ السَّطُوحِ، وَكَالْمَلْفُوحِ قَبْلَ نُمُوِّهِ.
 ۲۸ وَلَكِنِّي عَالِمٌ بِجُلُوسِكَ وَخُرُوجِكَ وَدُخُولِكَ وَهَيْجَانِكَ عَلَيَّ. ۲۹ لَأَنَّ هَيْجَانَكَ عَلَيَّ وَعَجَزَتَكَ قَدْ صَعِدَا
 إِلَيَّ أَذْنِي، أَصْعُ خِزَامَتِي فِي أَنْفِكَ وَشَكِيمَتِي فِي شَفَتَيْكَ، وَأَرُدُّكَ فِي الطَّرِيقِ الَّذِي جِئْتَ فِيهِ.

نبوت اشعیا: ۲۱ آنگاه اشعیا پسر آموص برای حزقیای چنین پیغام فرستاد: «پروردگار، خدای اسرائیل چنین می‌فرماید: از آنجا که درباره سنحاریب، پادشاه آشور، نزد من دعا کردی، ۲۲ کلامی که خداوند درباره‌اش گفته، این است: «دختر باکره صهیون تو را خوار می‌شمارد و تمسخر می‌کند. دختر اورشلیم، از پس تو سر می‌جنباند. ۲۳ کیست آن که به او اهانت کرده، کفرش می‌گویی؟ آواز خویش بر که بلند می‌کنی، و دیدگان خویش بر که برمی‌افرازی؟ آیا بر قدوس اسرائیل؟ ۲۴ به واسطه خادمان خویش خداوند گار را ریشخند کرده، گفته‌ای: با ارابه‌های بسیار خویش بر بلندای کوهها و بر دامنه‌های لبنان برآمده‌ام؛ بلندترین درختان سرو آزاد، و بهترین صنوبرهایش را قطع کرده‌ام. به دوردست‌ترین ارتفاعاتش و نیکوترین بیشه‌هایش دست یافته‌ام. ۲۵ چاهها کنده‌ام، و آب نوشیده‌ام. به کف پای خود همه رودخانه‌های مصر را خشکانیده‌ام. ۲۶ «آیا نشنیده‌ای که من این همه را از دیرباز مقدر داشتم؟ و در روزگار قدیم طرح کردم، و حال آن را به انجام می‌رسانم، تا تو شهرهای مستحکم را ویران کنی و به تل‌هایی از سنگ بدل سازی؟ ۲۷ مردمانش قدرت خویش از کف دادند، و ترسان و خوار گشتند؛ بسان گیاه صحرا، و همچون جوانه‌های لطیف و نو رسته، و مانند علفی که بر بام جوانه می‌زند ولی پیش از رویدن، می‌سوزد و می‌پژمرد. ۲۸ «من مکان نشستن تو را می‌دانم، و آمدن و رفتن را، و خشمی را که بر من گرفته‌ای. ۲۹ چون بر من خشم گرفته‌ای و آسوده‌خیالی‌ات به گوشت رسیده است، قلاب خود را بر بینی تو خواهم نهاد، و افسار خویش را بر دهانت خواهم زد، و تو را از همان راهی که آمده‌ای باز خواهم گردانید.»

۳۰ «وَهَذِهِ لَكَ الْعَلَامَةُ: تَأْكُلُونَ هَذِهِ السَّنَةَ زَرْيَعًا، وَفِي السَّنَةِ الثَّانِيَةِ خَلْفَةً، وَأَمَّا السَّنَةُ الثَّلَاثَةُ فَيَفِيهَا تَزْرَعُونَ وَتَخْصِدُونَ، وَتَغْرِسُونَ كَرْوَمًا وَتَأْكُلُونَ أَثْمَارَهَا. ۳۱ وَيَعْبُدُ النَّاجُونَ مِنْ بَيْتِ يَهُوذَا الْبَاقُونَ يَتَّصِلُونَ إِلَى أَسْفَلٍ، وَيَصْنَعُونَ ثَمَرًا إِلَى مَا فَوْقَ. ۳۲ لِأَنَّهُ مِنْ أُورُشَلِيمَ تَخْرُجُ بَقِيَّةٌ، وَتَاجُونَ مِنْ جَبَلِ صِهْيُونِ. غَيْرَةُ رَبِّ الْجُنُودِ تَصْنَعُ هَذَا. ۳۳ «لِذَلِكَ هَكَذَا يَقُولُ الرَّبُّ عَنْ مَلِكِ أَشُورَ: لَا يَدْخُلُ هَذِهِ الْمَدِينَةَ، وَلَا يَرْمِي هُنَاكَ سَهْمًا، وَلَا يَتَقَدَّمُ عَلَيْهَا بِتُرْسٍ، وَلَا يَقِيمُ عَلَيْهَا مِترَسَةً. ۳۴ فِي الطَّرِيقِ الَّذِي جَاءَ فِيهِ يَرْجِعُ، وَإِلَى هَذِهِ الْمَدِينَةِ لَا يَدْخُلُ، يَقُولُ الرَّبُّ. ۳۵ وَأَخَامِي عَنْ هَذِهِ الْمَدِينَةِ لِأَخْلَصَهَا مِنْ أَجْلِ نَفْسِي، وَمِنْ أَجْلِ دَاوُدَ عَبْدِي.»

۳۰ «ای حزقیای! نشان برای تو این خواهد بود: امسال از گیاهان خودرو بخورید و سال بعد از آنچه از آن بروید، اما در سال سوم بکارید و بدروید و تاکستانها غرس نموده، از میوه آن بخورید. ۳۱ نجات‌یافتگان

و باقی ماندگانی از خاندان یهودا باز خواهند گشت و از پایین ریشه خواهند زد و به بالا میوه خواهند آورد، ۳۲ زیرا که از اورشلیم باقیمانده‌ای، و از کوه صهیون نجات‌یافتگان بیرون خواهند آمد. آری، غیرت پروردگار لشکریان، این را به جا خواهد آورد. ۳۳ «پس خداوند درباره پادشاه آشور چنین می‌فرماید: او به این شهر داخل نخواهد شد و به اینجا تیر نخواهد انداخت. با سپر به مقابل آن بر نخواهد آمد، و پشته‌ای در برابر حصار آن بر نخواهد افراشت. ۳۴ بلکه از همان راه که آمده است، باز خواهد گشت. آری، خداوند می‌فرماید که او به این شهر داخل نخواهد شد. ۳۵ زیرا به‌خاطر خود و به‌خاطر خدمتگزاران داوود از این شهر محافظت کرده، آن را نجات خواهم داد.»

۳۶ فَخَرَجَ مَلَائِكَةُ الرَّبِّ وَضَرَبَ مِنْ جَيْشِ أَشُورَ مِئَةً وَخَمْسَةَ وَثَمَانِينَ أَلْفًا. فَلَمَّا بَكَرُوا صَبَاحًا إِذَا هُمْ جَمِيعًا جُثَّتْ مِيتَةً. ۳۷ فَأَنْصَرَفَ سَنْحَارِيبُ مَلِكُ أَشُورَ وَذَهَبَ رَاجِعًا وَأَقَامَ فِي نَيْنَوَى. ۳۸ وَفِيمَا هُوَ سَاجِدٌ فِي بَيْتٍ نَسْرُوحَ إِلَهِهِ ضَرْبَةً أَدْرَمَلِكُ وَشَرَّاصِرُ ابْنَاهُ بِالسَّيْفِ، وَتَجَوَّأُوا إِلَى أَرْضِ أَرَارَاطَ. وَمَلَكَ أَسْرَحَدُونُ ابْنُهُ عَوَضًا عَنْهُ.

۳۶ پس فرشته خداوند بیرون آمد و صد و هشتاد و پنج هزار تن از سربازان اردوگاه آشور را کشت، چنانکه بامدادان چون قوم برخاستند، جز اجساد مردگان ندیدند! ۳۷ پس سنحاریب، پادشاه آشور، اردوی خود برچید و عقب نشست. او به خانه بازگشت و در نینوا ساکن شد. ۳۸ روزی چون او در معبد خدای خود، نسروک، در حال پرستش بود، پسرانش ادرملک و شراصر او را به ضرب شمشیر کشتند و به سرزمین آرارات گریختند. پس از او پسرش اسرحدون به جای وی پادشاه شد.

سفر اشعیاء: الأصْحاحُ الثَّامِنُ وَالثَّلَاثُونَ * ۲۲-۱-۳۸

۱ فِي تِلْكَ الْأَيَّامِ مَرَضَ حَزَقِيَّا لِلْمَوْتِ، فَجَاءَ إِلَيْهِ إِشْعِيَاءُ بْنُ أَمُوصَ النَّبِيُّ وَقَالَ لَهُ: «هَكَذَا يَقُولُ الرَّبُّ: أَوْصِ بَيْتَكَ لِأَنَّكَ تَمُوتُ وَلَا تَعِيشُ». ۲ فَوَجَّهَ حَزَقِيَّا وَجْهَهُ إِلَى الْحَائِطِ وَصَلَّى إِلَى الرَّبِّ ۳ وَقَالَ: «أَوْ يَا رَبُّ، اذْكُرْ كَيْفَ سِرْتُ أَمَامَكَ بِالْأَمَانَةِ وَبِقَلْبٍ سَلِيمٍ وَفَعَلْتُ الْحَسَنَ فِي عَيْنَيْكَ». وَبَكَى حَزَقِيَّا بُكَاءً عَظِيمًا. ۴ فَصَارَ قَوْلُ الرَّبِّ إِلَى إِشْعِيَاءَ قَائِلًا: ۵ «اذْهَبْ وَقُلْ لِحَزَقِيَّا: هَكَذَا يَقُولُ الرَّبُّ إِلَهُ دَاوُدَ أَبِيكَ: قَدْ سَمِعْتُ صَلَاتَكَ. قَدْ رَأَيْتُ دُمُوعَكَ. هَآنَذَا أُضِيفُ إِلَى أَيَّامِكَ خَمْسَ عَشْرَةَ سَنَةً. ۶ وَمِنْ يَدِ مَلِكِ أَشُورَ أَنْقُذَكَ وَهَذِهِ الْمَدِينَةُ. وَأُخَامِي عَنْ هَذِهِ الْمَدِينَةِ. ۷ وَهَذِهِ لَكَ الْعَلَامَةُ مِنْ قِبَلِ الرَّبِّ عَلَى أَنَّ الرَّبَّ يَفْعَلُ هَذَا الْأَمْرَ الَّذِي تَكَلَّمَ بِهِ: ۸ هَآنَذَا أَرْجِعُ ظِلَّ الدَّرَجَاتِ الَّذِي نَزَلَ فِي دَرَجَاتِ آخَازَ بِالشَّمْسِ عَشَرَ دَرَجَاتٍ إِلَى الْوَرَاءِ». فَجَرَعَتِ الشَّمْسُ عَشَرَ دَرَجَاتٍ فِي الدَّرَجَاتِ الَّتِي نَزَلَتْهَا.

۱ در آن ایام حزقیای بیمار و مُشرف به موت شد. اشعیای نبی پسر آموص به عیادت او رفت و گفت: «خداوند چنین می‌فرماید: قوم خویش را وصیت کن، زیرا که می‌میری و زنده نخواهی ماند.» ۲ پس حزقیای

روی به دیوار نموده، نزد خداوند چنین دعا کرد: ۳ «خداوند، تمنا دارم به یاد آوری که چگونه وفادارانه و با تمامی دل در حضورت سلوک کرده‌ام و آنچه در نظرت نیکو بوده است، به جا آورده‌ام.» پس حزقیا به تلخی بگریست. ۴ کلام خداوند بر اشعیا نازل شده، فرمود: ۵ «برو و به حزقیا بگو: یهوه خدای جدت داوود چنین می‌گوید: دعایت را شنیدم و اشکهایت را دیدم؛ اینک پانزده سال بر عمرت می‌افزایم. ۶ تو و این شهر را از دست پادشاه آشور خواهم رهانید، و از این شهر حمایت خواهم کرد. ۷ برای تو نشانه وفای خداوند به وعده‌اش این خواهد بود: ۸ اینک سایه آفتاب را که بر ساعت آفتابی آحاز پایین رفته است، ده درجه به عقب بازمی‌گردانم.» پس آفتاب از جایی که پایین رفته بود، ده درجه به عقب بازگشت.

۹ كِتَابَةُ لِحَزَقِيَّا مَلِكِ يَهُوذَا إِذْ مَرَضَ وَشَفِيَ مِنْ مَرَضِهِ: ۱۰ أَنَا قُلْتُ: «فِي عِزِّ أَيَّامِي أَذْهَبُ إِلَى أَبْوَابِ الْهَاقِيَةِ. قَدْ أَغْدِمْتُ بَقِيَّةَ سِنِي. ۱۱ قُلْتُ: لَا أَرَى الرَّبَّ. الرَّبُّ فِي أَرْضِ الْأَحْيَاءِ. لَا أَنْظُرُ إِنْسَانًا بَعْدَ مَعَ سُكَّانِ الْفَانِيَةِ. ۱۲ مَسْكِنِي قَدْ انْقَلَعَ وَانْتَقَلَ عَنِّي كَخَيْمَةِ الرَّاعِي. لَفَفْتُ كَالْحَائِكِ حَيَاتِي. مِنَ النَّوْلِ يَقْطَعُنِي. النَّهَارَ وَاللَّيْلَ تُفْنِينِي. ۱۳ صَرَخْتُ إِلَى الصَّبَاحِ. كَالْأَسَدِ هَكَذَا يُهَشِّمُ جَمِيعَ عِظَامِي. النَّهَارَ وَاللَّيْلَ تُفْنِينِي. ۱۴ كَسُونِي مُرْقِزَةً هَكَذَا أَصِيحُ. أَهْدِرُ كَحَمَامَةٍ. قَدْ ضَعَفْتُ عَيْنَايَ نَاطِرَةً إِلَى الْعَلَاءِ. يَا رَبِّ، قَدْ تَضَايَقْتُ. كُنْ لِي ضَامِنًا. ۱۵ بِمَاذَا أَتَكَلَّمُ، فَإِنَّهُ قَالَ لِي وَهُوَ قَدْ فَعَلَ. أَتَمَشَى مُتَمَهِّلًا كُلَّ سِنِيٍّ مِنْ أَجْلِ مَرَارَةِ نَفْسِي. ۱۶ أَيُّهَا السَّيِّدُ، بِهِذِهِ يَخْيُونُ، وَبِهَا كُلُّ حَيَاةٍ رُوحِي فَتَشْفِينِي وَتُخَيِّنِي. ۱۷ هُوَذَا لِلسَّلَامَةِ قَدْ تَحَوَّلَتْ لِي الْمَرَارَةُ، وَأَنْتَ تَعَلَّقْتَ بِنَفْسِي مِنْ وَهْدَةِ الْهَلَاكِ، فَإِنَّكَ طَرَحْتَ وَرَاءَ ظَهْرِكَ كُلَّ خَطَايَايَ. ۱۸ لَأَنَّ الْهَاقِيَةَ لَا تَحْمَدُكَ. الْمَوْتُ لَا يُسَبِّحُكَ. لَا يَرْجُو الْهَابِطُونَ إِلَى الْجُبِّ أَمَانَتَكَ. ۱۹ الْحَيُّ الْحَيُّ هُوَ يَحْمَدُكَ كَمَا أَنَا الْيَوْمَ. الْأَبُّ يُعَرِّفُ الْبَنِينَ خَلْقَكَ. ۲۰ الرَّبُّ لِخَلَاصِي. فَتَعْرِفُ بِأَوْتَارِنَا كُلِّ أَيَّامِ حَيَاتِنَا فِي بَيْتِ الرَّبِّ». ۲۱ وَكَانَ إِشْعِيَاءُ قَدْ قَالَ: «لِيَأْخُذُوا قُرْصَ تَيْنٍ وَيَضْمُدُوهُ عَلَى الدَّبْلِ فَيَبْرَأَ». ۲۲ وَحَزَقِيَّا قَالَ: «مَا هِيَ الْعَلَامَةُ أَنِّي أَصْعَدُ إِلَى بَيْتِ الرَّبِّ؟».

۹ این است متن آنچه حزقیا پادشاه یهودا پس از آنکه بیمار شد و بهبود یافت، نوشت: ۱۰ با خود گفتم که در میانسالی رخت برمی‌بندم؛ و بقیه سالهایم را در پس دروازه‌های هاویه می‌گذرانم. ۱۱ گفتم دیگر خداوند را نخواهم دید؛ آری، خداوند را در زمین زندگان نخواهم دید. دیگر با ساکنان این جهان بر آدمی نخواهم نگریست. ۱۲ مسکن من بسان خیمه شبانان برچیده گشته و از من باز گرفته شده است. همچو بافنده‌ای زندگی‌ام را پیچیده‌ام؛ او مرا از نورِد بریده و جدا کرده است؛ روز و شب، مرا به پایان می‌رساند. ۱۳ تا بامدادان خویشتن را آرام ساختم؛ همچون شیر همه استخوانهایم را می‌شکند؛ روز و شب، مرا به پایان می‌رساند. ۱۴ همچون پرستو و دُرنا فریاد می‌زنم، و همچون کبوتر ناله می‌کنم. دید گانم از نگریستن به بالا کم‌سو گشته؛ خداوند گارا، درمانده‌ام، مددکار من باش! ۱۵ اما چه گویم که او با من سخن گفته، و خود چنین کرده است. به سبب تلخی جان خویش همه سالهای عمرم آهسته گام می‌زنم. ۱۶

خداوند گارا، آدمیان به این چیزها زیست می کنند، و حیات روح من نیز به همه اینهاست. نیرویم بخش، و مرا زنده نگاه دار! ۱۷ بی گمان به جهت سلامتی ام بود که چنین عذاب کشیدم. اما تو در محبت خود مرا از چاه هلاکت به دور داشتی؛ زیرا تمامی گناهانم را پشت سر خود افکندی. ۱۸ زیرا که هاویه سپاس تو نتواند گفت، و مرگ تو را نتواند ستود. آنان که به گودال فرو می شوند، به امانت تو امید نتوانند داشت. ۱۹ زندگان، آری زندگانند که تو را سپاس می گویند، همانند من، امروز. پدران به پسران خویش امانت تو را خواهند آموخت. ۲۰ خداوند مرا نجات خواهد داد؛ پس سرودهایم را با سازهای زهی خواهیم سرائید، همه روزهای عمرمان، در خانه خداوند. ۲۱ و اما اشعیا گفته بود: «مرهمی از انجیر گرفته، بر دُمَل او بنهید، و شفا خواهد یافت.» ۲۲ حزقیایا پرسیده بود: «نشانه اینکه به خانه خداوند بر خواهم آمد، چیست؟»

سفر اشعیا: الأصحاح التاسع والثلاثون * ۳۹:۱-۸

۱ فِي ذَلِكَ الزَّمانَ أَرْسَلَ مَرُودُخُ بِلَادَانَ بْنَ بِلَادَانَ مَلِكُ بَابِلَ رَسَائِلَ وَهَدِيَّةً إِلَى حَزَقِيَّا، لِأَنَّهُ سَمِعَ أَنَّهُ مَرِضٌ ثُمَّ صَحَّ. ۲ فَفَرَحَ بِهِمْ حَزَقِيَّا وَأَرَاهُمُ بَيْتَ دَخَائِرِهِ: الْفِضَّةَ وَالذَّهَبَ وَالْأَطْيَابَ وَالزَّيْتِ الطَّيِّبَ، وَكُلَّ بَيْتِ أَسْلِحَتِهِ وَكُلَّ مَا وَجَدَ فِي خَزَائِنِهِ. لَمْ يَكُنْ شَيْءٌ لَمْ يُرِهِمْ إِلَّا هَؤُلَاءِ حَزَقِيَّا فِي بَيْتِهِ وَفِي كُلِّ مَلِكِهِ. ۳ فَجَاءَ إِشْعِيَاءُ النَّبِيُّ إِلَى الْمَلِكِ حَزَقِيَّا وَقَالَ لَهُ: «مَاذَا قَالَ هَؤُلَاءِ الرِّجَالُ، وَمِنْ أَيْنَ جَاءُوا إِلَيْكَ؟» فَقَالَ حَزَقِيَّا: «جَاءُوا إِلَيَّ مِنْ أَرْضٍ بَعِيدَةٍ، مِنْ بَابِلَ». ۴ فَقَالَ: «مَاذَا رَأَوْا فِي بَيْتِكَ؟» فَقَالَ حَزَقِيَّا: «رَأَوْا كُلَّ مَا فِي بَيْتِي. لَيْسَ فِي خَزَائِنِي شَيْءٌ لَمْ أُرِهِمْ إِلَّا هَؤُلَاءِ». ۵ فَقَالَ إِشْعِيَاءُ لِحَزَقِيَّا: «اسْمَعْ قَوْلَ رَبِّ الْجُنُودِ: ۶ هُوَذَا تَأْتِي أَيَّامٌ يُحْمَلُ فِيهَا كُلُّ مَا فِي بَيْتِكَ، وَمَا خَزَنَهُ آبَاؤُكَ إِلَى هَذَا الْيَوْمِ، إِلَى بَابِلَ. لَا يُتْرَكُ شَيْءٌ، يَقُولُ الرَّبُّ. ۷ وَمِنْ بَنِيكَ الَّذِينَ يَخْرُجُونَ مِنْكَ الَّذِينَ تَلِدُهُمْ، يَأْخُذُونَ، فَيَكُونُونَ خَصِيَانًا فِي قَصْرِ مَلِكِ بَابِلَ». ۸ فَقَالَ حَزَقِيَّا لِإِشْعِيَاءَ: «جِدِّ هُوَ قَوْلُ الرَّبِّ الَّذِي تَكَلَّمْتُ بِهِ». وَقَالَ: «فَإِنَّهُ يَكُونُ سَلَامٌ وَأَمَانٌ فِي أَيَّامِي».

در آن زمان مرودخ بِلَدان، پسر بِلَدان پادشاه بابل، نامه ها و هدیه ای برای حزقیایا فرستاد، زیرا شنیده بود که بیمار بوده و صحت یافته است. ۲ حزقیایا فرستادگان را به خوشی به حضور پذیرفت و خانه خزان خود و هر آنچه را که در خزانه های او یافت می شد، از سیم و زر و ادویه و روغن خالص و تمامی جنگ افزارش، همه را بدیشان نشان داد. هیچ چیز در کاخ حزقیایا در تمامی مملکتش نبود که بدیشان نشان نداده باشد. ۳ آنگاه اشعیا نبی نزد حزقیایا پادشاه آمد و پرسید: «آن مردان چه می گفتند؟ از کجا نزدت آمده بودند؟» حزقیایا پاسخ داد: «از سرزمینی دوردست نزدم آمده بودند. از بابل!» ۴ اشعیا پرسید: «در کاخ تو چه دیدند؟» حزقیایا گفت: «هر چه در کاخ من است دیدند، و در خزاینم چیزی نیست که بدیشان نشان نداده باشم.» ۵ پس اشعیا به حزقیایا گفت: «کلام پروردگار لشکریان را بشنو: ۶ هان، زمانی خواهد آمد که هر چه در کاخ

توست و آنچه پدرانت تا به امروز اندوخته‌اند، همگی به بابل برده خواهد شد، و خداوند می‌فرماید، چیزی باقی نخواهد ماند. ۷ و برخی از نوادگانت نیز که از تو پدید آیند و تو ایشان را تولید خواهی کرد، بدان‌جا برده خواهند شد، و ایشان در دربار پادشاه بابل خواجه خواهند بود. ۸ حزقیایا به اشعیا گفت: «کلام خداوند که گفتی نیکوست.» زیرا با خود می‌اندیشید که: «دست کم تا زمانی که من در قید حیاتم، صلح و امنیت خواهد بود!»

سفر اشعیا: الأصحاح الأربعون * ۴۰:۱-۳۱

۱ عَزُّوا، عَزُّوا شَعْبِي، يَقُولُ إِلَهُكُمْ. ۲ طَيِّبُوا قُلُوبَ أُورُشَلِيمَ وَنَادُّوْهَا بِأَنَّ جِهَادَهَا قَدْ كَمُلَ، أَنَّ إِيْمَهَا قَدْ غُفِيَ عَنْهُ، أَنَّهَا قَدْ قَبِلَتْ مِنْ يَدِ الرَّبِّ ضِعْفَيْنِ عَنْ كُلِّ خَطَايَاهَا. ۳ صَوْتُ صَارِخٍ فِي الْبَرِّيَّةِ: «أَعِدُّوا طَرِيقَ الرَّبِّ. قَوْمُوا فِي الْقَفْرِ سَبِيلًا لِإِلَهِنَا. ۴ كُلُّ وَطَاءٍ يَرْتَفِعُ، وَكُلُّ جَبَلٍ وَأَكْمَةٍ يَنْخَفِضُ، وَيَصِيرُ الْمُعْجُزُ مُسْتَقِيمًا، وَالْعَرَاقِيبُ سَهْلًا. ۵ فَيُعْلَنُ مَجْدُ الرَّبِّ وَيَرَاهُ كُلُّ بَشَرٍ جَمِيعًا، لِأَنَّ فَمَ الرَّبِّ تَكَلَّمَ».

۱ تسلی دهید! قوم مرا تسلی دهید! خدای شما می‌گوید. ۲ به اورشلیم سخنان دلگرم‌کننده بگویید و او را ندا در دهید که دوران زحمت طاقت‌فرسایش به پایان رسیده، و تاوان گناهش پرداخت شده است، زیرا که به جهت تمامی گناهانش از دست خداوند دوجندان دریافت کرده است. ۳ صدایی در بیابان ندا می‌کند: «راه خداوند را مهیا سازید و طریقی برای خدای ما در صحرا هموار کنید؛ ۴ هر دره‌ای برافراشته شود و هر کوه و تلی پست گردد. زمین ناصاف صاف، و ناهمواری‌ها هموار گردد. ۵ آنگاه جلال خداوند آشکار خواهد شد، و تمامی بشر با هم آن را خواهند دید، زیرا که دهان خداوند سخن گفته است.»

۶ صَوْتُ قَائِلٍ: «نَادٍ». فَقَالَ: «بِمَاذَا أَنَادِي؟» «كُلُّ جَسَدٍ عُشْبٌ، وَكُلُّ جَمَالِهِ كَزَهْرِ الْحَقْلِ. ۷ يَبَسَ الْعُشْبُ، ذَبُلَ الزَّهْرُ، لِأَنَّ نَفْخَةَ الرَّبِّ هَبَّتْ عَلَيْهِ. حَقًّا الشَّعْبُ عُشْبٌ! ۸ يَبَسَ الْعُشْبُ، ذَبُلَ الزَّهْرُ. وَأَمَّا كَلِمَةُ إِلَهِنَا فَتَثْبُتُ إِلَى الْأَبَدِ». ۹ عَلَى جَبَلِ غَالِ اصْعَدِي، يَا مُبَشِّرَةٌ صِهْيُونَ. ارْفَعِي صَوْتَكَ بِقُوَّةٍ، يَا مُبَشِّرَةٌ أُورُشَلِيمَ. ارْفَعِي لَا تَخَافِي. قُولِي لِمُدُنٍ يَهُودَا: «هُوَذَا إِلَهُك». ۱۰ هُوَذَا السَّيِّدُ الرَّبُّ بِقُوَّةٍ يَأْتِي وَذِرَاعُهُ تَحْكُمُ لَهُ. هُوَذَا أُجْرَتُهُ مَعَهُ وَغَمَلَتُهُ قُدَّامَهُ. ۱۱ كَرَاعٍ يَرْغَى قَطِيعَهُ. بِذِرَاعِهِ يَجْمَعُ الْحُمَلَانَ، وَفِي حِضْنِهِ يَحْمِلُهَا، وَيَقْوُدُ الْمُرْضِعَاتِ».

۶ هاتفی می‌گوید: «ندا کن!» گفتم: «به چه ندا کنم؟» «آدمی جملگی علف است و زیبایی‌اش یکسره چون گل صحرا! ۷ علف می‌خشکد و گل می‌پژمرد، زیرا که دم خداوند بر آن دمیده می‌شود. برآستی که مردمان علفند! ۸ علف می‌خشکد و گل می‌پژمرد، اما کلام خدای ما تا ابد باقی می‌ماند. ۹ ای صهیون، که بشارت می‌آوری، به کوه بلند برآی! و ای اورشلیم، که مژده می‌رسانی، به نیروی تمام صدایت را بلند کن! آن را بلند کن و مترس! به شهرهای یهودا بگو: «اینک پروردگار شما!» ۱۰ اینک سید پروردگار

نیرومندان می آید و بازویش برای او حکمرانی می کند. پاداش او با وی است و اجرت او پیش رویش می آید. ۱۱ او همچون شبان گوسفندان خود را خواهد چرانید، و بره ها را میان بازوانش گرد خواهد آورد؛ آنها را در آغوش خود حمل خواهد کرد، و شیر دهندگان را با ملایمت رهبری خواهد نمود.

۱۲ مَنْ كَالَ بِكَفِّهِ الْمِيَاهُ، وَقَاسَ السَّمَاوَاتِ بِالشِّبْرِ، وَكَالَ بِالْكِيلِ تُرَابَ الْأَرْضِ، وَوَزَنَ الْجِبَالَ بِالْقَبَّانِ، وَالْأَكَامَ بِالْمِيزَانِ؟ ۱۳ مَنْ قَاسَ رُوحَ الرَّبِّ، وَمَنْ مُشِيرُهُ يُعَلِّمُهُ؟ ۱۴ مَنْ اسْتَشَارَهُ فَأَفْهَمَهُ وَعَلَّمَهُ فِي طَرِيقِ الْحَقِّ، وَعَلَّمَهُ مَعْرِفَةً وَعَرَفَهُ سَبِيلَ الْفَهْمِ؟ ۱۵ هُوَذَا الْأُمَمُ كَنُقْطَةٍ مِنْ دَلْوٍ، وَكَغُبَارِ الْمِيزَانِ تُحْسَبُ. هُوَذَا الْجَزَائِرُ يَرْفَعُهَا كَدَقَّةٍ! ۱۶ وَلُبْنَانُ لَيْسَ كَافِيًا لِلْإِيقَادِ، وَحَيَوَانُهُ لَيْسَ كَافِيًا لِمُحْرِقَةٍ. ۱۷ كُلُّ الْأُمَمِ كَلَا شَيْءٍ قُدَّامَهُ. مِنَ الْعَدَمِ وَالْبَاطِلِ تُحْسَبُ عِنْدَهُ.

۱۲ کیست که آبها را به کف دست خود پیمانه کند، و آسمانها را به وجب اندازه گرفته باشد؟ کیست که غبار زمین را در پیمانه گنجانیده، و کوهها را به قِیّان و تپه ها را به ترازو وزن کرده باشد؟ ۱۳ کیست که روح خداوند را هدایت کرده، و یا چون مشاورش به او تعلیم داده باشد؟ ۱۴ کیست که از او مشورت بخواهد تا به او فهم ببخشد و طریق عدالت را به وی تعلیم دهد؟ یا او را معرفت بیاموزد و طریق فهم را بر وی بنمایاند؟ ۱۵ براستی که قوما همچون قطره ای در دلّوند، و همچون غباری بر کفه ترازو محسوب می شوند. به واقع که او سواحل دوردست را همچون گرد برمی گیرد! ۱۶ لبنان به جهت هیزم کافی نیست، و حیواناتش برای قربانی تمام سوز کفایت نمی کنند. ۱۷ قوما جملگی در برابر او هیچند؛ در نظرش باطل و از هیچ هم کمتر می نمایند.

۱۸ فَمِمَّنْ تُشَبِّهُونَ اللَّهَ، وَأَيَّ شَبِّهِ تُعَادِلُونَ بِهِ؟ ۱۹ أَلَصَّنَمُ يَسْبِكُهُ الصَّانِعُ، وَالصَّائِغُ يُعْشِيهِ بِذَهَبٍ وَيَصُوغُ سَلَاسِلَ فِضَّةٍ. ۲۰ الْفَقِيرُ عَنِ التَّقْدِمَةِ يَنْتَخِبُ خَشَبًا لَا يُسَوِّسُ، يَطْلُبُ لَهُ صَانِعًا مَاهِرًا لِيَنْصُبَ صَنَمًا لَا يَتَزَعَّزَعُ! ۲۱ أَلَا تَعْلَمُونَ؟ أَلَا تَسْمَعُونَ؟ أَلَمْ تُخْبِرُوا مِنَ الْبِدَاءَةِ؟ أَلَمْ تَفْهَمُوا مِنْ أَسَاسَاتِ الْأَرْضِ؟ ۲۲ الْجَالِسُ عَلَى كُرَّةِ الْأَرْضِ وَسُكَّانُهَا كَالْجُنْدُبِ. الَّذِي يَنْشُرُ السَّمَاوَاتِ كَسَرَادِقٍ، وَيَسْطِطُّهَا كَخَيْمَةٍ لِلسَّكَنِ. ۲۳ الَّذِي يَجْعَلُ الْعُظَمَاءَ لَا شَيْئًا، وَيُصَيِّرُ قُضَاةَ الْأَرْضِ كَالْبَاطِلِ. ۲۴ لَمْ يُغْرَسُوا بَلْ لَمْ يُزْرَعُوا وَلَمْ يَتَأَصَّلْ فِي الْأَرْضِ سَاقُهُمْ. فَانْفَخَ أَيْضًا عَلَيْهِمْ فَجَعُوا، وَالْعَاصِفُ كَالْعَصْفِ يَحْمِلُهُمْ. ۲۵ «فَمِمَّنْ تُشَبِّهُونَنِي فَأَسَاوِيهِ؟» يَقُولُ الْقُدُّوسُ. ۲۶ ارْزِعُوا إِلَى الْعَلَاءِ عُيُونَكُمْ وَانْظُرُوا، مَنْ خَلَقَ هَذِهِ؟ مَنْ الَّذِي يُخْرِجُ بَعْدَ جُنْدَهَا، يَدْعُو كُلَّهَا بِأَسْمَاءٍ لِكَثْرَةِ الْقُوَّةِ وَكَوْنِهِ شَدِيدِ الْقُدْرَةِ لَا يُفْقَدُ أَحَدًا.

۱۸ پس خدا را به که تشبیه می کنید؟ و کدام شباهت را با او قیاس توانید کرد؟ ۱۹ و اما تمثالی را در نظر آورید! صنعتگری آن را می ریزد، زرگری آن را به طلا می پوشاند و زنجیرهای نقره برایش می ریزد. ۲۰ فقیری که توان چنین هدیه ای ندارد، چوبی را که نمی پوسد برمی گزیند و صنعتگری ماهر می جوید تا

برایش تمثالی تراشیده بسازد که واژگون نشود. ۲۱ آیا ندانسته و نشنیده‌اید؟ آیا از ابتدا به شما خبر داده نشده است؟ و از زمانی که زمین بنیان نهاده شد، درک نکرده‌اید؟ ۲۲ اوست که بر بالای دایره زمین نشسته است، و ساکنان آن به ملخ می‌مانند. اوست که آسمانها را چون پرده می‌گستراند، و همچون خیمه‌ای به جهت سکونت پهن می‌کند. ۲۳ اوست که امیران را هیچ، و داوران جهان را باطل می‌سازد. ۲۴ هنوز کاشته نشده و غرس نگردیده‌اند، و هنوز در زمین ریشه ندوانیده‌اند که او بر آنها می‌دمد و خشک می‌شوند، و گردباد ایشان را چون کاه می‌روبد. ۲۵ آن قدوس می‌گوید: مرا با که قیاس می‌کنید، تا با او برابر باشم؟ ۲۶ چشمان خود را به اعلی برافرازید و ببینید: کیست که اینها را آفرید؟ کیست که لشکر اینها را به شماره بیرون می‌آورد، و آنها را جملگی به نام می‌خواند؟ به سبب کثرت قوت و عظمت قدرتش هیچ‌یک از آنها گم نخواهد شد.

۲۷ لِمَاذَا تَقُولُ يَا يَعْقُوبُ وَتَتَكَلَّمُ يَا إِسْرَائِيلُ: «قَدْ اخْتَفَتْ طَرِيقِي عَنِ الرَّبِّ وَفَاتَ حَقِّي إِلَهِي؟» ۲۸ أَمَا عَرَفْتَ أَمْ لَمْ تَسْمَعْ؟ إِلَهَ الدَّهْرِ الرَّبُّ خَالِقُ أَطْرَافِ الْأَرْضِ لَا يَكِلُ وَلَا يَغِيَا. لَيْسَ عَنْ فَهْمِهِ فَحْصٌ. ۲۹ يُعْطِي الْمُعْيِي قُدْرَةً، وَلِعَدِيمِ الْقُوَّةِ يُكَثِّرُ شِدَّةً. ۳۰ الْغُلَمَانُ يُعْيُونَ وَيَتَعَبُونَ، وَالْفَتَيَانُ يَتَعَثَّرُونَ تَعَثُّرًا. ۳۱ وَأَمَّا مُنْتَظَرُو الرَّبِّ فَيُجَدِّدُونَ قُوَّةً، يَرْفَعُونَ أَجْنَحَةً كَالنُّسُورِ. يَرْكُضُونَ وَلَا يَتَعَبُونَ، يَمْشُونَ وَلَا يُعْيُونَ.

۲۷ ای یعقوب، چرا با خود می‌اندیشی، و ای اسرائیل، چرا می‌گویی: «طریق من از خداوند پنهان است، و خدایم دادرسی مرا به فراموشی سپرده است؟» ۲۸ آیا ندانسته‌ای؟ آیا نشنیده‌ای؟ که الهه سرمدی، خداوند آفریننده کرانه‌های زمین است؟ او هرگز درمانده و خسته نمی‌شود، و فهم او را تفحص نتوان کرد. ۲۹ ضعیفان را قوت می‌بخشد، و ناتوانان را نیروی بیشتر عطا می‌کند. ۳۰ حتی نوجوانان نیز خسته و درمانده می‌شوند، و جوانان از پا می‌افتند. ۳۱ اما آنان که برای خداوند انتظار می‌کشند، نیروی تازه خواهند یافت و با بالهایی همچون عقاب اوج خواهند گرفت؛ خواهند دوید و خسته نخواهند شد؛ خواهند خرامید و درمانده نخواهند گردید.

سفر اِشَعْيَاءُ : الْأَصْحَاحُ الْحَادِي وَالْأَرْبَعُونَ * ۴۱:۱-۲۹

۱ «أُنْصِتِي إِلَيَّ أَيَّتُهَا الْجَزَائِرُ وَتُجَدِّدِ الْقَبَائِلُ قُوَّةً. لِيَقْتَرِبُوا ثُمَّ يَتَكَلَّمُوا. لِنَتَقَدَّمَ مَعًا إِلَى الْمُحَاكَمَةِ. ۲ مَنْ أَنْهَضَ مِنَ الْمَشْرِقِ الَّذِي يُلَاقِيهِ النَّصْرُ عِنْدَ رِجْلَيْهِ؟ دَفَعَ أَمَامَهُ أَمَمًا وَعَلَى مُلُوكٍ سَلْطَةً. جَعَلَهُمُ كَالْتُرَابِ بِسَيْفِهِ، وَكَالْقَشِّ الْمُنْذَرِ بِقَوْسِهِ. ۳ طَرَدَهُمْ. مَرَّ سَالِمًا فِي طَرِيقٍ لَمْ يَسْلُكْهُ بِرِجْلَيْهِ. ۴ مَنْ فَعَلَ وَصَنَعَ ذَاعِيًا الْأَخْيَالَ مِنَ الْبَدءِ؟ أَنَا الرَّبُّ الْأَوَّلُ، وَمَعَ الْآخِرِينَ أَنَا هُوَ».

۱ ای سواحل دوردست، خاموش باشید و به من گوش بسپارید؛ ای ملتها، نیروی خویش تازه کنید. پیش آمده لب به سخن بگشایید؛ بیاید تا با هم برای محاکمه نزدیک آییم. ۲ آن کیست که انقلابگری از مشرق برانگیزد آنکه پیروزی را پیش پایش می‌اندازد؟ آنکه قومها را تسلیم وی می‌کند، و پادشاهان را مطیع وی می‌گرداند؛ آنکه آنها را چون غبار به شمشیر وی می‌سپارد، و همچون کاه که بر باد شود، به کمانش وامی‌گذارد. ۳ او ایشان را تعقیب می‌کند و به سلامتی می‌گذرد، از راهی که پیشتر در آن پانهاده است. ۴ کیست که این همه را به عمل آورده، و کیست که نسلها را از آغاز فرا خوانده است؟ آن من هستم، پروردگار اولین و آخرین، هو.^{۱۷}

ه نَظَرْتُ الْجَزَائِرُ فَخَافَتْ. أَطْرَافُ الْأَرْضِ ارْتَعَدَتْ. اقْتَرَبَتْ وَجَاءَتْ. ۶ كُلُّ وَاحِدٍ يُسَاعِدُ صَاحِبَهُ وَيَقُولُ لِأَخِيهِ: «تَشَدَّدْ». ۷ فَشَدَّدَ النَّجَّارُ الصَّائِغَ. الصَّاقِلُ بِالْمُطَرَقَةِ الضَّارِبِ عَلَى السِّنْدَانِ، قَائِلًا عَنِ الْإِلْحَامِ: «هُوَ جَيِّدٌ». فَمَكَّنَهُ بِمَسَامِيرَ حَتَّى لَا يَتَقَلَّقَلَ.

۵ سواحل دوردست این را دیده، ترسان گشته‌اند، و کرانه‌های زمین به لرزه درآمده‌اند. آنها پیش آمده، نزدیک می‌شوند، ۶ و هر یک دیگری را یاری می‌دهند، و به برادر خود می‌گویند: «قوی باش!» ۷ صنعتگر به زرگر قوت قلب می‌دهد، و چکش کار او را که بر سندان می‌کوبد، تشویق می‌کند. درباره آنچه جوش خورده، می‌گوید که «نیکوست»، و آن را به میخها محکم می‌کند تا واژگون نشود.

۸ «وَأَمَّا أَنْتَ يَا إِسْرَائِيلَ عَبْدِي، يَا يَعْقُوبَ الَّذِي اخْتَرْتُهُ، نَسْلَ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِي، ۹ الَّذِي أَمْسَكَتُهُ مِنْ أَطْرَافِ الْأَرْضِ، وَمِنْ أَقْطَارِهَا دَعَوْتُهُ، وَقُلْتُ لَكَ: أَنْتَ عَبْدِي. اخْتَرْتُكَ وَلَمْ أَرْفُضْكَ. ۱۰ لَا تَخَفْ لِأَنِّي مَعَكَ. لَا تَتَلَفْتُ لِأَنِّي إِلَهُكَ. قَدْ أَيْدْتُكَ وَأَعْنْتُكَ وَعَضَدْتُكَ بِيَمِينِ بَرِّي. ۱۱ إِنَّهُ سَيَخْزِي وَيَخْجَلُ جَمِيعُ الْمُعْتَاطِلِينَ عَلَيْكَ. يَكُونُ كَلَّا شَيْءٍ مُخَاصِمُوكَ وَيَبِيدُونَ. ۱۲ تَقْفِشُ عَلَى مُنَازِعِيكَ وَلَا تَجِدُهُمْ. يَكُونُ مُحَارِبُوكَ كَلَّا شَيْءٍ وَكَالْعَدَمِ. ۱۳ لِأَنِّي أَنَا الرَّبُّ إِلَهُكَ الْمُؤْمِسُ بِيَمِينِكَ، الْقَائِلُ لَكَ: لَا تَخَفْ. أَنَا أُعِينُكَ.

^{۱۷} انقلاب گر مشرق از جمله القاب قائم آل محمد، مهدی اول و یمانی موعود، است. که پیش از امام زمان (ع) بر اهل مشرق خروج می‌کند، و واضح است که او پیش از خروج دوره عوتی دارد تا اینکه یاران و انصارش را گردآورده آماده رزم نماید. و آنان همان اصحاب پرچم‌های سیاه هستند، که در روایات مورد مدح و تمجید آل محمد (ص) قرار گرفته‌اند. امیرالمومنین علی (ع) فرمودند: «وَيَخْرُجُ قَبْلَهُ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِهِ بِأَهْلِ الشَّرْقِ، وَيَحْمِلُ السَّيْفَ عَلَى عَاتِقِهِ ثَمَانِيَةَ أَشْهُرٍ يَقْتُلُ وَيُمَلُّ وَيَتَوَجَّهُ إِلَى بَيْتِ الْمَقْدِسِ»؛ (و مردی از اهل بیت آن حضرت به اهل شرق خروج کرده و به مدت هشت ماه شمشیر را بر دوش خود گرفته میکشد و مثله میکند و متوجه بیت المقدس می‌شود). و در حدیثی دیگر از ایشان (ع) نقل شده که فرمودند: «وَأَعْلَمُوا أَنْكُمْ إِنْ أَطَعْتُمْ طَالِعَ الْمَشْرِقِ سَلَكَ بِكُمْ مِنْهَا جُ الرِّسُولِ ص فَتَدَاوَيْتُمْ مِنَ الصَّمَمِ وَاسْتَشْفَيْتُمْ مِنَ الْبُكْمِ وَكُفَيْتُمْ مَثْوَنَةَ النَّعْسِ وَالطَّلَبِ وَنَبَذْتُمْ الثَّلَّ الْقَادِحَ عَنِ الْأَغْنَقِ»؛ (و بدانید اگر از طلوع کننده مشرق پیروی کنید او شما را بروش رسول الله (ص) رهبری نماید، و از کوری و کری و گنگی بهبودی یابید، و از زحمت طلب و رنج کشیدن آسوده گردید، و بار سنگین و کمرشکن را از دوش خود به دور اندازید). مصادر: حدیث اول: التشریف بالمنن فی التعریف بالفتن؛ ص ۱۳۹. حدیث دوم: الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد؛ ج ۱؛ ص ۲۹۰.

۸ اما تو ای اسرائیل، بنده من، و ای یعقوب، که تو را برگزیده‌ام، و ای نسل دوست من ابراهیم، ۹ من تو را از کرانه‌های زمین برگرفتم، و از دورترین نقاطش تو را فرا خواندم. به تو گفتم: «تو بنده من هستی؛ تو را برگزیده‌ام و رد نکرده‌ام»؛ ۱۰ پس ترسان مباش زیرا من با تو هستم، و هراسان مباش زیرا من خدای تو هستم. تو را تقویت خواهم کرد و یاری خواهم داد، و به دست راست عدالت خویش از تو حمایت خواهم نمود. ۱۱ اینک آنان که بر تو خشم گیرند، جملگی سرافکنده و رسوا خواهند شد، و آنان که با تو به مخالفت برخیزند، هیچ گشته، هلاک خواهند شد. ۱۲ هرچند دشمنانت را بجویی، ایشان را نخواهی یافت، و آنان که با تو به جنگ برخیزند، نیست و نابود خواهند شد. ۱۳ زیرا من پروردگار که خدای تو هستم، دست راست تو را می‌گیرم، و به تو می‌گویم، «مترس، من تو را یاری خواهم داد.»

۱۴ «لَا تَخَفْ يَا دَاوُدَ يَعْقُوبَ، يَا شِرْذِمَةَ إِسْرَائِيلَ. أَنَا أُعِينُكَ، يَقُولُ الرَّبُّ، وَقَادِيكَ قُدُّوسُ إِسْرَائِيلَ. ۱۵ هَآنَذَا قَدْ جَعَلْتُكَ نَوْزَجًا مُحَدَّدًا جَدِيدًا ذَا أَسْنَانٍ. تَدْرُسُ الْجِبَالَ وَتَسْحَقُهَا، وَتَجْعَلُ الْآكَامَ كَالْخُصَافَةِ. ۱۶ تُذَرِّيْهَا فَالْريِّحُ تَحْمِلُهَا وَالْعَاصِفُ تُبَدِّدُهَا، وَأَنْتَ تَبْتَهِّجُ بِالرَّبِّ. بِقُدُّوسِ إِسْرَائِيلَ تَفْتَخِرُ. ۱۷ «الْبَائِسُونَ وَالْمَسَاكِينُ طَالِبُونَ مَاءً وَلَا يُوْجَدُ. لِسَانُهُمْ مِنَ الْعَطَشِ قَدْ يَبْسُ. أَنَا الرَّبُّ أَسْتَجِيبُ لَهُمْ. أَنَا إِلَهَ إِسْرَائِيلَ لَا أَتْرُكُهُمْ. ۱۸ أَفْتَحْ عَلَى الْهَضَابِ أَنْهَارًا، وَفِي وَسْطِ الْبِقَاعِ يَنْبِيعُ. أَجْعَلُ الْفَقْرَ أَجْمَةً مَاءً، وَالْأَرْضَ الْيَابِسَةَ مَفَاجِرَ مِيَاهٍ. ۱۹ أَجْعَلُ فِي الْبَرِّيَّةِ الْأَرْزَ وَالسَّنْطَ وَالْأَسَّ وَشَجَرَةَ الزَّيْتِ. أَضْعُ فِي الْبَادِيَةِ السَّرَّوَ وَالسِّنْدِيَانَ وَالشَّرْبِينَ مَعًا. ۲۰ لِكِي يَنْظُرُوا وَيَعْرِفُوا وَيَتَنَبَّهُوا وَيَتَأَمَّلُوا مَعًا أَنَّ يَدَ الرَّبِّ فَعَلَتْ هَذَا وَقُدُّوسُ إِسْرَائِيلَ أَبْدَعَهُ.»

۱۴ ای گمراه شدگان یعقوب، و ای پراکندگان اسرائیل، مترسید! خداوند می‌فرماید: من خود تو را یاری خواهم داد؛ ولی تو، قدوس اسرائیل است. ۱۵ اینک از تو خرمنکوبی خواهم ساخت تیز و نو و دنداندار؛ کوهها را کوبیده، خرد خواهی کرد، و تلها را به کاه بدل خواهی ساخت. ۱۶ آنها را خواهی افشاند و باد آنها را خواهد راند، و تندباد آنها را پراکنده خواهد ساخت. اما تو در خداوند شادی خواهی کرد، و در قدوس اسرائیل فخر خواهی نمود. ۱۷ فقیران و نیازمندان آب می‌جویند و نمی‌یابند، و زبانشان از تشنگی ترک می‌خورد. اما من پروردگار، ایشان را اجابت خواهم کرد؛ من، خدای اسرائیل، ایشان را و انخواهم گذاشت. ۱۸ بر تلهای خشک نه‌ها جاری خواهم کرد، و در میان وادیها چشمه‌ها روان خواهم ساخت. بیابان را به برکه آب بدل خواهم کرد، و خشکزار را به چشمه‌ساران. ۱۹ در بیابان سرو آزاد خواهم گذاشت و هم اقاquia و آس و زیتون، و در زمین خشک درخت کاج غرس خواهم کرد و صنوبر و سرو را با هم. ۲۰ تا همه بینند و بدانند، و تعمق کرده دریابند، که دست خداوند این را کرده، و قدوس اسرائیل این را پدید آورده است.

۲۱ «قَدِّمُوا دَعْوَاكُمْ، يَقُولُ الرَّبُّ. اخْضِرُوا حُجَجَكُمْ، يَقُولُ مَلِكُ يَهُوَب. ۲۲ لِيَقْدِّمُوهَا وَيُخْبِرُونَا بِمَا سَيَعْرِضُ. مَا هِيَ الْأَوَّلِيَّاتُ؟ اخْبِرُوا فَتَجْعَلَ عَلَيْهَا قُلُوبُنَا وَتَعْرِفَ آخِرَتَهَا، أَوْ أَعْلَمُونَا الْمُسْتَقْبَلَاتِ. ۲۳ اخْبِرُوا بِالْأَوَّلِيَّاتِ فِيمَا بَعْدُ فَتَعْرِفَ أَنْتُمْ إِلَهَهُ، وَافْعَلُوا خَيْرًا أَوْ شَرًّا فَتَلْتَفِتَ وَتَنْظُرَ مَعًا. ۲۴ هَا أَنْتُمْ مِنْ لَا شَيْءٍ، وَعَمَلُكُمْ مِنَ الْعَدَمِ. رَجَسُ هُوَ الَّذِي يَخْتَارُكُمْ. ۲۵ «قَدْ أَنْهَضْتُهُ مِنَ الشَّمَالِ فَآتَى. مِنْ مَشْرِقِ الشَّمْسِ يَدْعُو بِاسْمِي. يَأْتِي عَلَى الْوَلَاةِ كَمَا عَلَى الْمَلَاطِ، وَكَخَزَافٍ يَدُوسُ الطِّينَ. ۲۶ مَنْ أَخْبَرَ مِنَ الْبَدءِ حَتَّى نَعْرِفَ، وَمِنْ قَبْلِ حَتَّى نَقُولَ: هُوَ صَادِقٌ؟ لَا مُخْبِرٌ وَلَا مُسْمِعٌ وَلَا سَامِعٌ أَقْوَالِكُمْ. ۲۷ أَنَا أَوَّلًا قُلْتُ لِصِهْيُون: هَا! هَا هُمْ. وَلَا أُورُشَلِيمَ جَعَلْتُ مُبَشِّرًا. ۲۸ وَتَنْظَرْتُ فَلَيْسَ إِنْسَانٌ، وَمِنْ هَؤُلَاءِ فَلَيْسَ مُبَشِّرٌ حَتَّى أَسْأَلَهُمْ فَيَرُدُّونَ كَلِمَةً. ۲۹ هَا كُلُّهُمْ بَاطِلٌ، وَأَعْمَالُهُمْ عَدَمٌ، وَمَسَبُوكَاتُهُمْ رِيحٌ وَخَلَاءٌ.

۲۱ خداوند می گوید: ادعای خود را مطرح سازید، و شاه یعقوب می گوید: قوی ترین براهین خویش را عرضه دارید. ۲۲ آنچه را که واقع خواهد شد پیش آورده، بر ما اعلام کنید. امور نخستین را به ما بگویید، تا در آنها تأمل کنیم و انجام آنها را بدانیم. یا امور آینده را به ما بشنوید ۲۳ و آنچه را که پس از این می آید بیان کنید، تا بدانیم که شما خدایانید. آری، کاری انجام دهید، نیک یا بد، تا ترسان و هراسان شویم. ۲۴ اما شما هیچ هستید و کارهایتان از هیچ هم کمتر؛ آن که شما را اختیار کند ناپاک است. ۲۵ و اما من کسی را از شمال برانگیخته‌ام که خواهد آمد، آنکه از مشرق محل طلوع آفتاب می آید و نام مرا خواهد خواند. او بر سلاطین همچون بر گل پا خواهد نهاد، همچون کوزه گری که گل را لگدمال کند؛ ۲۶ کیست که از ابتدا این را بیان کرد، تا بدانیم؟ و کیست که از پیش آن را گفت، تا بگوییم که، «سخنش راست است؟» هیچ کس آن را بیان نکرد، و هیچ کس آن را اعلام نمود، و هیچ کس سخنی از شما نشنید. ۲۷ من بودم که نخست به صهیون گفتم: «هان، اینجا را بنگر!» من بودم که به اورشلیم بشارت دهنده‌ای بخشیدم. ۲۸ اما خود می نگریم و کسی را نمی یابیم: در میان ایشان مشورت دهنده‌ای نیست، و نه کسی که چون سؤال کنم پاسخی تواند داد. ۲۹ اینک آنان جملگی باطلند، و اعمالشان هیچ است؛ و بتهای ریخته شده ایشان باد و بطالتی بیش نیست.

سفر اشعیا: الأصحاح الثاني والأربعون * ۱:۴۲-۲۵

۱ «هُوَذَا عَبْدِي الَّذِي أَغْضَدُهُ، مُخْتَارِي الَّذِي سَرَّتْ بِهِ نَفْسِي. وَضَعْتُ رُوحِي عَلَيْهِ فَيُخْرِجُ الْحَقَّ لِلْأُمَمِ. ۲ لَا يَصِيحُ وَلَا يَرْفَعُ وَلَا يُسْمِعُ فِي الشَّارِعِ صَوْتَهُ. ۳ قَصَبَةٌ مَرْصُوضَةٌ لَا يَقْصِفُ، وَفَتِيلَةٌ خَامِدَةٌ لَا يُطْفِئُ. إِلَى الْأَمَانِ يُخْرِجُ الْحَقَّ. ۴ لَا يَكِلُ وَلَا يَنْكَسِرُ حَتَّى يَضَعَ الْحَقَّ فِي الْأَرْضِ، وَتَنْتَظِرُ الْجَزَائِرُ شَرِيعَتَهُ». ۵ هَكَذَا يَقُولُ اللَّهُ الرَّبُّ، خَالِقُ السَّمَاوَاتِ وَنَاشِرُهَا، بَاسِطُ الْأَرْضِ وَتَنْتَاجِجِهَا، مُعْطِي الشَّعْبِ عَلَيْهَا نَسَمَةً، وَالسَّائِكِينَ

فِيهَا رُوحًا: ٦ «أَنَا الرَّبُّ قَدْ دَعَوْتُكَ بِالْبَرِّ، فَأُمْسِكْ يَدَكَ وَأَخْفِظْكَ وَأَجْعَلَكَ عَهْدًا لِلشَّعْبِ وَتُورًا لِلْأَمَمِ، ٧ لِنَفْتَحَ غُيُونَ الْعُمَمِيِّ، لِنُخْرِجَ مِنَ الْخُبْسِ الْمَأْسُورِينَ، مِنْ بَيْتِ السِّجْنِ الْجَالِسِينَ فِي الظُّلْمَةِ. ٨ «أَنَا الرَّبُّ هَذَا اسْمِي، وَمَجْدِي لَا أُعْطِيهِ لآخَرَ، وَلَا تَسْبِيحِي لِلْمُنْحَوَاتِ. ٩ هُوَذَا الْأَوَّلِيَّاتُ قَدْ أَتَتْ، وَالْحَدِيثَاتُ أَنَا مُخْبِرُ بِهَا. قَبْلَ أَنْ تَنْبْتَ أَغْلِمُكُمْ بِهَا».

۱ این است خادم من که از او حمایت می‌کنم، و برگزیده من که جانم از او خشنود است. من روح خود را بر او می‌نهم، و او عدالت را در حق قومها جاری خواهد ساخت. ۲ او فریاد نخواهد زد و آوای خویش بلند نخواهد کرد، و صدای خود را در کوچه‌ها نخواهد شنواید. ۳ نی خرد شده را نخواهد شکست، و فتیله کم‌سو را خاموش نخواهد کرد. او عدالت را در کمال امانت اجرا خواهد نمود؛ ۴ سست نخواهد شد و دلسرد نخواهد گشت تا عدل و انصاف را بر زمین برقرار سازد. سواحل دوردست چشم‌انتظار شریعت اویند. ۵ خداوند پروردگار که آسمانها را آفرید و آنها را گسترانید، او که زمین و ثمرات آن را وسعت می‌بخشد، و نفَس را به مردمانی که بر آنند و روح را به کسانی که بر آن سالکند ارزانی می‌دارد، چنین می‌فرماید: ۶ «من پروردگار، تو را به جهت برقراری عدالت خوانده‌ام؛ من دست تو را خواهم گرفت و تو را حفظ خواهم کرد؛ من تو را عهدی برای قوم و نوری برای ملت‌ها خواهم ساخت؛ ۷ تا چشمان نابینایان را بگشایی، و اسیران را از زندان برهانی، و ظلمت‌نشینان را از سیاهچال به در آوری. ۸ «من رب هستم! نام من این است! من جلال خود را به کسی دیگر نخواهم داد، و نه ستایش خویش را به بتهای تراشیده. ۹ اینک وقایع پیشین به‌انجام رسید، و حال من از چیزهای نو خبر می‌دهم، و آنها را پیش از وقوع به شما اعلام می‌دارم.»

۱۰ غَنُوا لِلرَّبِّ أَغْنِيَّةً جَدِيدَةً، تَسْبِيحَهُ مِنْ أَقْصَى الْأَرْضِ. أَتِيهَا الْمُنْحَدِرُونَ فِي الْبَحْرِ وَمِلْؤُهُ وَالْجَزَائِرُ وَسَكَانُهَا، ۱۱ لِنَرْفَعَ الْبَرِّيَّةَ وَمُدُنُهَا صَوْتَهَا، الدِّيَارُ الَّتِي سَكَنَهَا قِيدَارُ. لِنَتَرْتَمَ سُكَّانُ سَالَحٍ. مِنْ رُؤُوسِ الْجِبَالِ لِيَهْتَفُوا. ۱۲ لِيُعْطُوا الرَّبَّ مَجْدًا وَيُخْبِرُوا بِتَسْبِيحِهِ فِي الْجَزَائِرِ. ۱۳ الرَّبُّ كَالْجَبَّارِ يَخْرُجُ. كَرَجُلٍ خُرُوبٍ يُنْهَضُ غَيْرَتَهُ. يَهْتَفُ وَيَصْرُخُ وَيَقْوَى عَلَى أَعْدَائِهِ. ۱۴ «قَدْ صَمَتُ مِنْذُ الدَّهْرِ. سَكَتُ. تَجَلَدْتُ. كَالْوَالِدَةِ أَصِيحُ. أَنْفُخُ وَأَنْخِرُ مَعًا. ۱۵ أَخْرَبُ الْجِبَالَ وَالْأَكَامَ وَأُجَفِّفُ كُلَّ عُشْبِهَا، وَأَجْعَلُ الْأَنْهَارَ يَبَسًا وَأُنَشِفُ الْآجَامَ، ۱۶ وَأُسِيرُ الْعُمَمِي فِي طَرِيقٍ لَمْ يَعْرِفُوهَا. فِي مَسَالِكٍ لَمْ يَدْرُوهَا أَمْشِيهِمْ. أَجْعَلُ الظُّلْمَةَ أَمَامَهُمْ نُورًا، وَالْمُعْوجَّاتِ مُسْتَقِيمَةً. هَذِهِ الْأُمُورُ أَفْعَلُهَا وَلَا أَتْرُكُهُمْ. ۱۷ قَدْ ارْتَدُّوا إِلَى الْوَرَاءِ. يَخْزِي خِزْيًا الْمُتَكَلِّمُونَ عَلَى الْمُنْحَوَاتِ، الْقَائِلُونَ لِلْمُسَبُّوكَاتِ: أَتَنْنُ إِلَهْتَنَا!

۱۰ ای دریانوردان و هر آنچه در دریاست، ای سواحل دوردست و تمامی ساکنان آنها، سرودی نو برای خداوند بسرایید، و او را از کرانه‌های زمین بستاید. ۱۱ صحرا و شهرهایش صدای خود را بلند کنند، و هم

روستاهایی که اهالی قیدار در آنها ساکنند. ساکنان سالع بانگ شادی سر دهند، و از فراز کوهها فریاد برآورند. ۱۲ خداوند را جلال دهند، و او را از سواحل دوردست ستایش کنند. ۱۳ خداوند مانند جنگاوری بیرون می آید، و همچون مرد جنگی غیرت خویش را برمی انگیزاند؛ فریاد نبرد سر می دهد و بر دشمنان خویش چیرگی می یابد. ۱۴ «دیرزمانی است که لب فرو بسته ام؛ خاموش مانده ام و خودداری کرده ام؛ اما حال چون زنی در حال زاری فریاد خواهم کرد، و آه خواهم کشید. ۱۵ کوهها و تپهها را خراب خواهم کرد، و گیاهانشان را خشک خواهم ساخت. نهرها را به ساحل شنی بدل خواهم کرد، و برکهها را خشک خواهم نمود. ۱۶ نابینایان را به راهی که نمی دانند رهبری خواهم کرد و در طریقهای ناآشنا هدایت خواهم نمود. تاریکی را در برابر ایشان به نور بدل خواهم کرد، ناهمواریها را به زمین هموار. آری، این همه را به جا خواهم آورد، و ایشان را و نخواهم نهاد». ۱۷ آنان که بر تمثالهای تراشیده توکل دارند و به بتهای ریخته شده می گویند: «شما یید خدایان ما!» به عقب رانده خواهند شد و به غایت شرمسار خواهند گردید.

۱۸ «أَيُّهَا الصَّمُّ اسْمَعُوا. أَيُّهَا الْعُمِّيُّ انْظُرُوا لِتُبْصِرُوا. ۱۹ مَنْ هُوَ أَعْمَى إِلَّا عَبْدِي، وَأَصَمٌّ كَرَسُولِي الَّذِي أُرْسِلُهُ؟ مَنْ هُوَ أَعْمَى كَالْكَامِلِ، وَأَعْمَى كَعَبْدِ الرَّبِّ؟ ۲۰ نَاطِرٌ كَثِيرًا وَلَا تَلَاخِظُ. مَفْتُوحُ الْأُذُنَيْنِ وَلَا يَسْمَعُ». ۲۱ الرَّبُّ قَدْ سَرَّ مِنْ أَجْلِ بَرِّهِ. يُعْظِمُ الشَّرِيعَةَ وَيُكْرِمُهَا. ۲۲ وَلَكِنَّهُ شَعْبٌ مَنهُوبٌ وَمَسْلُوبٌ. قَدْ اصْطِيدَ فِي الْحَفْرِ كُلُّهُ، وَفِي بُيُوتِ الْحُبُوسِ اخْتَبَأُوا. صَارُوا نَهَبًا وَلَا مُنْقَذَ، وَسَلَبًا وَلَيْسَ مَنْ يَقُولُ: «رُدُّ!» ۲۳ مَنْ مِنْكُمْ يَسْمَعُ هَذَا؟ يَصْنَعِي وَيَسْمَعُ لِمَا بَعْدُ؟ ۲۴ مَنْ دَفَعَ يَعْقُوبَ إِلَى السَّلْبِ وَإِسْرَائِيلَ إِلَى النَّاهِبِينَ؟ أَلَيْسَ الرَّبُّ الَّذِي أَخْطَأْنَا إِلَيْهِ وَلَمْ يَشَاءُوا أَنْ يَسْلُكُوا فِي طَرْقِهِ وَلَمْ يَسْمَعُوا لِشَرِيعَتِهِ. ۲۵ فَسَكَبَ عَلَيْهِ حُمُومٌ غَضَبِهِ وَشِدَّةَ الْحَرْبِ، فَأَوْقَدَتْهُ مِنْ كُلِّ نَاجِيَةٍ وَلَمْ يَعْرِفْ، وَأَخْرَقَتْهُ وَلَمْ يَضَعْ فِي قَلْبِهِ.

۱۸ ای ناشنویان، بشنوید! و ای نابینایان، بنگرید تا ببینید! ۱۹ کیست نابینا همچون بنده من، و کیست ناشنوا همچون رسول من که او را می فرستم؟ کیست که کور باشد مانند هم پیمان من، و نابینا همچون بنده خداوند؟ ۲۰ چیزهای بسیار می بینی، اما توجه نمی کنی؛ گوشهایت باز است، اما هیچ نمی شنوی! ۲۱ خداوند را به سبب عدالتش پسند آمد که شریعت خود را بزرگ داشته، تکریم نماید. ۲۲ اما اینان قومی به غنیمت برده شده و به تاراج رفته اند؛ جملگی در سیاهچالها در بند نهاده شده و در زندانها پنهانند. غنیمت گشته اند و کسی نیست که رهایی شان دهد، به تاراج رفته اند و کسی نمی گوید: «باز ده». ۲۳ کیست در میان شما که بدین کلام گوش بسپارد، و برای ایام آینده توجه کند و بشنود؟ ۲۴ کیست که یعقوب را به تاراجگر تسلیم کرد، و اسرائیل را به دست غارتگران سپرد؟ آیا خداوند نبود که به او گناه ورزیدند؟ زیرا نمی خواستند به راههای او سلوک کنند، و از شریعت او اطاعت نکردند. ۲۵ از این رو حدت خشم خود

را بر ایشان ریخت و شدت جنگ را بر ایشان نازل فرمود؛ و آن ایشان را از هر سو در کام کشید، اما در نیافتند؛ و ایشان را سوزانید، اما عبرت نیاموختند.

سفر اِشعَیاء: الأصْحاحُ الثَّالِثُ وَالْأَرْبَعُونَ * ۲۸-۱:۴۳

۱ وَالْآنَ هَكَذَا يَقُولُ الرَّبُّ، خَالِقُكَ يَا يَعْقُوبُ وَجَابِلُكَ يَا إِسْرَائِيلَ: «لَا تَخَفْ لَأَنِّي فَدَيْتُكَ. دَعَوْتُكَ بِاسْمِكَ. أَنْتَ لِي. ۲ إِذَا اجْتَرَزْتَ فِي الْمِيَاهِ فَأَنَا مَعَكَ، وَفِي الْأَنْهَارِ فَلَا تَغْمُرُكَ. إِذَا مَشَيْتَ فِي النَّارِ فَلَا تُلْدَعُ، وَاللَّهيبُ لَا يُحْرِقُكَ. ۳ لَأَنِّي أَنَا الرَّبُّ إِلَهُكَ قُدُّوسُ إِسْرَائِيلَ، مُخْلِصُكَ. جَعَلْتُ مِصْرَ فِدْيَتِكَ، كُوشَ وَسَبَا عَوْضَكَ. ۴ إِذْ صِرْتَ عَزِيزًا فِي عَيْنَيَّ مُكْرَمًا، وَأَنَا قَدْ أَحْبَبْتُكَ. أُعْطِي أَنَا سَا عَوْضَكَ وَشُعُوبًا عَوْضَ نَفْسِكَ. ۵ لَا تَخَفْ فَإِنِّي مَعَكَ. مِنَ الْمَشْرِقِ آتِي بِنَسْلِكَ، وَمِنَ الْمَغْرِبِ أَجْمَعُكَ. ۶ أَقُولُ لِلشَّمَالِ: أَعْطِ، وَلِلْجَنُوبِ: لَا تَمْنَعْ. إِيْتِ بَنِيَّ مِنْ بَعِيدٍ، وَبَنَاتِي مِنْ أَقْصَى الْأَرْضِ. ۷ بِكُلِّ مَنْ دُعِيَ بِاسْمِي وَلِمَجْدِي خَلَقْتُهُ وَجَبَلْتُهُ وَصَنَعْتُهُ. ۸ أَخْرِجِ الشَّعْبَ الْأَعْمَى وَلَهُ عُيُونٌ، وَالْأَصَمَّ وَلَهُ آذَانٌ.»

۱ اما اکنون خداوند، آفریننده تو ای یعقوب، و صانع تو ای اسرائیل، چنین می فرماید: «مترس، زیرا من تو را فدیة داده‌ام، و تو را به نام خوانده‌ام، پس از آن من هستی. ۲ چون از آبها بگذری، با تو خواهم بود، و چون از نهرا عبور کنی، تو را غرق نخواهند کرد. چون از میان آتش روی، نخواهی سوخت، و شعله‌اش تو را نخواهد سوزانید. ۳ زیرا من پروردگار خدای تو هستم، قدوس اسرائیل، نجات‌دهنده تو. مصر را فدیة تو می‌سازم، و کوش و سبا را به جای تو می‌دهم. ۴ از آنجا که در نظرم گرانها و محترمی، و چون تو را دوست می‌دارم، آدمیان را به عوض تو خواهم داد، و قومها را به عوض جان تو تسلیم خواهم کرد. ۵ مترس، زیرا من با تو هستم؛ فرزندان را از مشرق خواهم آورد، و تو را از مغرب جمع خواهم کرد. ۶ به شمال گویم: "رهایشان کن"، و به جنوب گویم: "منع نکن". پسرانم را از دوردستها بیاورید، و دخترانم را از چهار گوشه زمین؛ ۷ یعنی هر که را که به نام من خوانده می‌شود و او را برای جلال خویش آفریده، و سرشته و ساخته‌ام.» ۸ قومی را که چشم دارند اما نمی‌بینند، و گوش دارند اما نمی‌شنوند، بیرون آور!

۹ «اجْتَمِعُوا يَا كُلِّ الْأُمَمِ مَعًا وَلْتَلْتَمِ الْقَبَائِلُ. مَنْ مِنْهُمْ يُخْبِرُ بِهَذَا وَيُعْلِمُنَا بِالْأَوَّلِيَّاتِ؟ لِيَقْدِمُوا شُهُودَهُمْ وَيَتَبَرَّرُوا. أَوْ لَيْسَمَعُوا فَيَقُولُوا: صِدْقٌ. ۱۰ أَنْتُمْ شُهُودِي، يَقُولُ الرَّبُّ، وَعَبْدِي الَّذِي اخْتَرْتُهُ، لِكَيْ تَعْرِفُوا وَتُؤْمِنُوا بِي وَتَفْهَمُوا أَنِّي أَنَا هُوَ. قَبْلِي لَمْ يُصَوَّرْ إِلَهٌ وَبَعْدِي لَا يَكُونُ. ۱۱ أَنَا أَنَا الرَّبُّ، وَلَيْسَ غَيْرِي مُخْلِصٌ. ۱۲ أَنَا أَخْبَرْتُ وَخَلَصْتُ وَأَعْلَمْتُ وَلَيْسَ بَيْنَكُمْ غَرِيبٌ. وَأَنْتُمْ شُهُودِي، يَقُولُ الرَّبُّ، وَأَنَا اللَّهُ. ۱۳ أَيْضًا مِنَ الْيَوْمِ أَنَا هُوَ، وَلَا مُنْقِذَ مِنْ يَدِي. أَفْعَلْ، وَمَنْ يَرُدُّ؟»

اسرائیل شاهد خداوند: ۹ تمامی قومها گرد هم آیند، و ملتها جمع شوند. کیست در میان آنها که این را بیان کند، و امور نخستین را بر ما اعلام دارد؟ شاهدان خود را بیاورند تا ثابت کنند که ایشان راست می گویند؛ تا دیگران بشنوند و بگویند: «آری، درست است.» ۱۰ خداوند می فرماید: «شما شاهدان من هستید، و بنده ای که او را برگزیده ام، تا مرا بشناسید و به من ایمان آورید، و دریابید که من هو هستم. پیش از من خدایی مصور نشده، و پس از من نیز نخواهد بود. ۱۱ من، آری من، پروردگار هستم، و جز من نجات دهنده ای نیست. ۱۲ من بیان داشته و نجات داده و اعلام کرده ام، در حالی که غریبی در میان شما نیست. پروردگار می فرماید: «شما شاهدان من، و من الله هستم. ۱۳ آری از امروز من هو هستم؛ کسی از دست من رهایی نتواند داد؛ چون من عمل کنم، کیست که آن را برگرداند؟»

۱۴ هَكَذَا يَقُولُ الرَّبُّ فَادِيكُمْ قُدُّوسُ إِسْرَائِيلَ: «لَأَجْلِكُمْ أَرْسَلْتُ إِلَى بَابِلَ وَأَلْقَيْتُ الْمَعَالِيْقَ كُلَّهَا وَالْكَلدَانِيِّينَ فِي سَفْنٍ تَرْتُمِهِمْ. ۱۵ أَنَا الرَّبُّ قُدُّوسُكُمْ، خَالِقُ إِسْرَائِيلَ، مَلِكُكُمْ. ۱۶ هَكَذَا يَقُولُ الرَّبُّ الْجَاعِلُ فِي الْبَحْرِ طَرِيقًا وَفِي الْمِيَاهِ الْقَوِيَّةِ مَسْلَكًا. ۱۷ الْمُخْرَجُ الْمَرْكَبَةَ وَالْفَرَسَ، الْجَيْشَ وَالْعِزَّ. يَضْطَجِعُونَ مَعًا لَا يَقُومُونَ. قَدْ خَمِدُوا. كَفْتِيلَةٌ انْطَفَأُوا. ۱۸ «لَا تَذْكُرُوا الْأَوَّلِيَّاتِ، وَالْقَدِيمَاتُ لَا تَتَمَلَّوْا بِهَا. ۱۹ هَآنَذَا صَانِعُ أَمْرًا جَدِيدًا. الْآنَ يَنْبُتُ. أَلَا تَعْرِفُونَهُ؟ أَجْعَلُ فِي الْبَرِّيَّةِ طَرِيقًا، فِي الْقَفْرِ أَنْهَارًا. ۲۰ يُمَجِّدُنِي حَيَوَانُ الصَّحْرَاءِ، الذِّئَابُ وَبَنَاتُ النَّعَامِ، لِأَنِّي جَعَلْتُ فِي الْبَرِّيَّةِ مَاءً، أَنْهَارًا فِي الْقَفْرِ، لِأَسْقِي شَعْبِي مُخْتَارِي. ۲۱ هَذَا الشَّعْبُ جَبَلْتُهُ لِنَفْسِي. يُخَدِّثُ بِتَسْبِيحِي.

۱۴ خداوندی که شما را از بند اسارات آزاد ساخت، قدوس اسرائیل چنین می فرماید: «من به خاطر شما به بابل خواهم فرستاد و همه ایشان یعنی کلدانیان را در همان کشتیهایی که بدان فخر می کنند، وادار به فرار خواهم کرد. ۱۵ «من پروردگار هستم، قدوس شما، آفریننده اسرائیل، پادشاه شما.» ۱۶ خداوند همان که راهی در دریا ساخت، و طریقی در میان آبهای عظیم پدید آورد؛ ۱۷ همان که ارابه ها و اسبان و سپاهیان و جنگاوران را بیرون آورد، و آنان در آنجا افتادند و دیگر برنخاستند و از بین رفته، چون فتیله خاموش شدند، چنین می فرماید: ۱۸ «چیزهای پیشین را دیگر به یاد میاورید، و به امور قدیم میندیشید. ۱۹ هان، اکنون من کاری تازه می کنم: هم اکنون در حال پدید آمدن است؛ آیا آن را تشخیص نمی دهید؟ من در بیابان راهی پدید می آورم، و در برهوت نهرها جاری می سازم. ۲۰ وحوش صحرا مرا حرمت خواهند داشت، حتی شغالان و شترمرغان، زیرا که در بیابان آب جاری می کنم و در برهوت نهرها روان می سازم، تا قوم برگزیده خویش را سیراب کنم، ۲۱ قومی را که برای خود سرشتم تا مرا ستایش نمایند.

۲۲ «وَأَنْتَ لَمْ تَدْعُنِي يَا يَعْقُوبُ، حَتَّى تَتَّعِبَ مِنْ أَجْلِي يَا إِسْرَائِيلَ. ۲۳ لَمْ تُخْضِرْ لِي شَاةَ مُحَرَّقَتِكَ، وَبَذَبْتَ حَبَّكَ لَمْ تُكْرِمْنِي. لَمْ أَسْتَخْدِمَكَ بِتَقْدِيمَةٍ وَلَا أَتَعْبُتْكَ بِلَبَانٍ. ۲۴ لَمْ تَشْتَرِ لِي بِفُضَّةٍ قَصَبًا، وَبَشَحْمٍ ذَبَائِحَكَ لَمْ

تُرُونِي. لَكِنْ اسْتَخْدَمْتَنِي بِخَطَايَاكَ وَأَتَّبَعْتَنِي بِإِثْمِكَ. ٢٥ أَنَا أَنَا هُوَ الْمَاجِي ذُنُوبَكَ لِأَجْلِ نَفْسِي، وَخَطَايَاكَ لَا أَذْكُرُهَا». ٢٦ «ذَكَرْتَنِي فَتَنَحَّاهُمْ مَعًا. حَدَّثْتُ لَكَ تَتَبَّرَ. ٢٧ أَتُوبُكَ الْأَوَّلُ أَخْطَا، وَوَسَطَاؤُكَ عَصَوَا عَلَيَّ. ٢٨ فَدَنَسْتُ رُؤُسَاءَ الْقُدْسِ، وَدَفَعْتُ يَعْقُوبَ إِلَى اللَّعْنِ، وَإِسْرَائِيلَ إِلَى الشَّتَائِمِ.

بی وفایی اسرائیل: ۲۲ «اما تو ای یعقوب، مرا نخواندی، و تو ای اسرائیل، از من خسته شدی! ۲۳ گوسفندان به جهت قربانی تمام سوز برایم نیاوردی، و با قربانیهای خود مرا تکریم نکردی. من با مطالبه هدایا، باری گران بر تو ننهادم و با طلبیدن بخور، تو را خسته نکردم. ۲۴ برایم نی معطر به نقره نخریدی و به پیه قربانیهای مرا خشنود نساختی، بلکه با گناهانت باری گران بر من نهادی، و با تقصیرات خویش مرا خسته کردی. ۲۵ «من هستم، آری من، که نافرمانیهای را به خاطر خویشتن محو می سازم، و گناهانت را دیگر به یاد نمی آورم. ۲۶ گذشته را به من یاد آور شو؛ بیا تا با هم به داوری بنشینیم! حجت خود را بیاور، تا ثابت شود که حق به جانب توست. ۲۷ نیای نخست تو گناه ورزید، و میانجیگران تو بر من عصیان ورزیدند. ۲۸ پس من نیز سروران قدس را بی حرمت خواهم ساخت، و یعقوب را به نابودی و اسرائیل را به دشنام خواهم سپرد.

سفر اِشعَیاء: الْأَصْحَاحُ الرَّابِعُ وَالْأَرْبَعُونَ * ۱:۴۴-۲۸

۱ «وَالآنَ اسْمَعْ يَا يَعْقُوبُ عَبْدِي، وَإِسْرَائِيلُ الَّذِي اخْتَرْتُهُ. ۲ هَكَذَا يَقُولُ الرَّبُّ صَانِعُكَ وَجَابِلُكَ مِنَ الرَّحِمِ، مُعِينُكَ: لَا تَخَفْ يَا عَبْدِي يَعْقُوبُ، وَيَا يَشُورُونَ الَّذِي اخْتَرْتُهُ. ۳ لِأَنِّي أَسْكُبُ مَاءً عَلَى الْعَطْشَانِ، وَسَيُولَا عَلَى الْيَابِسَةِ. أَسْكُبُ رُوحِي عَلَى نَسْلِكَ وَبَرَكَتِي عَلَى ذُرِّيَّتِكَ. ۴ فَيَنْبُتُونَ بَيْنَ الْعُشْبِ مِثْلَ الصَّفْصَافِ عَلَى مَجَارِي الْمِيَاهِ. ۵ هَذَا يَقُولُ: أَنَا لِلرَّبِّ، وَهَذَا يُكْنِي بِاسْمِ يَعْقُوبَ، وَهَذَا يَكْتُبُ بِيَدِهِ: لِلرَّبِّ، وَبِاسْمِ إِسْرَائِيلَ يُلَقَّبُ».

۱ «اکنون ای بنده من یعقوب، و ای اسرائیل که تو را برگزیده‌ام، بشنو! ۲ خداوند که صانع توست، و تو را از رحمِ بسرشت، همان که تو را یاری خواهد داد، چنین می فرماید: ای بنده من یعقوب، و ای یَشُورُونَ که تو را برگزیده‌ام، مترس! ۳ زیرا که بر زمین تشنه آب خواهم ریخت، و بر خشکزار نهرها جاری خواهم ساخت. روح خود را بر نسل تو فرو خواهم ریخت، و برکت خویش را بر فرزندان تو. ۴ آنان در میان نیزار خواهند روید، همچون درختان بید در کنار جویبار. ۵ یکی خواهد گفت: "من از آن خداوندم،" و دیگری خود را به نام یعقوب خواهد خواند؛ یکی دیگر بر دست خود خواهد نوشت: "از آن خداوند،" و نام اسرائیل را بر خود خواهد نهاد.»

۶ هَكَذَا يَقُولُ الرَّبُّ مَلِكُ إِسْرَائِيلَ وَفَادِيهِ، رَبُّ الْجُنُودِ: «أَنَا الْأَوَّلُ وَأَنَا الْآخِرُ، وَلَا إِلَهَ غَيْرِي. ۷ وَمَنْ مِثْلِي؟ يُنَادِي، فَلْيُخْبِرْ بِهِ وَيَعْرِضْهُ لِي مُنْذُ وَضَعْتُ الشَّعْبَ الْقَدِيمَ. وَالْمُسْتَقْبَلَاتُ وَمَا سَيَأْتِي لِيُخْبِرُوهُمْ بِهَا. ۸ لَا تَرْتَعِبُوا وَلَا تَرْتَاغُوا. أَمَّا أَغْلَمْتُكَ مُنْذُ الْقَدِيمِ وَأَخْبَرْتُكَ؟ فَأَنْتُمْ شُهُودِي. هَلْ يُوجَدُ إِلَهٌ غَيْرِي؟ وَلَا صَخْرَةٌ لَا أَغْلَمُ بِهَا؟» ۹ الَّذِينَ يُصَوِّرُونَ صَنَمًا كُلُّهُمْ بَاطِلٌ، وَمُسْتَهْيَاتُهُمْ لَا تَنْفَعُ، وَشُهُودُهُمْ هِيَ. لَا تُبْصِرُ وَلَا تَعْرِفُ حَتَّى تَخْزَى. ۱۰ مَنْ صَوَّرَ إِلَهًا وَسَبَكَ صَنَمًا لِغَيْرِ نَفْعٍ؟ ۱۱ هَا كُلُّ أَصْحَابِهِ يَخْزُونَ وَالصَّنَاعُ هُمْ مِنَ النَّاسِ. يَجْتَمِعُونَ كُلُّهُمْ، يَقِفُونَ يَرْتَعِبُونَ وَيَخْزُونَ مَعًا.

۶ خداوند، پروردگار لشکریان و پادشاه فدا شده اسرائیل چنین می فرماید: «من اول و من آخر هستم، و جز من خدایی نیست. ۷ کیست که بتواند مانند من وقایع را از پیش اعلام کند؟ اگر هست بگذار از ایامی که بر قوم کهن خویش برقرار داشتم، آنچه را رخ داده بیان کرده و به من عرضه دارد، و آنچه را بر آنها واقع خواهد شد از پیش بگوید. ۸ پس ترسان و لرزان باشید؛ آیا من از دیرباز به شما نگفتم، و آن را اعلام نکردم؟ شما شاهدان من هستید! آیا غیر از من خدایی هست؟ نه، صخره‌ای دیگر نیست و احدی را نمی شناسم.» ۹ آنان که بت می سازند جملگی هیچند، و آنچه بدان رغبت دارند فایده‌ای نمی رساند. شاهدان ایشان نمی بینند و نمی دانند، پس شرمسار خواهند شد. ۱۰ کیست آن که خدایی بسازد یا تمثالی بریزد، که منفعتی بدو نمی رساند؟ ۱۱ پس او و امثال او شرمسار خواهند شد. سازندگان بتها انسانی بیش نیستند، پس همگی گرد آمده، بایستند؛ هراسان شده، و سرافکنده گردند.

۱۲ طَبَعَ الْحَدِيدَ قَدُومًا، وَعَمَلَ فِي الْفَحْمِ، وَبِالْمَطَارِقِ يُصَوِّرُهُ فَيَصْنَعُهُ بِذِرَاعِ قُوَّتِهِ. يَجُوعُ أَيْضًا فَلَيْسَ لَهُ قُوَّةٌ. لَمْ يَشْرَبْ مَاءً وَقَدْ تَعَبَ. ۱۳ نَجَرَ خَشَبًا. مَدَّ الْخَيْطَ. بِالْمَخْرَزِ يُعَلِّمُهُ، يَصْنَعُهُ بِالْأَزَامِيلِ، وَبِالدَّوَارِقِ يَرْسُمُهُ. فَيَصْنَعُهُ كَشَبَةِ رَجُلٍ، كَجَمَالِ إِنْسَانٍ، لِيَسْكُنَ فِي الْبَيْتِ! ۱۴ قَطَعَ لِنَفْسِهِ أَرْزًا وَأَخَذَ سِنْدِيَانًا وَبُلُوطًا، وَاخْتَارَ لِنَفْسِهِ مِنْ أَشْجَارِ الْوَعْرِ. عَرَسَ سَنُوبَرًا وَالْمَطَرُ يُنْمِيهِ. ۱۵ فَيَصِيرُ لِلنَّاسِ لِلْإِيقَادِ. وَيَأْخُذُ مِنْهُ وَيَتَدَفَّأُ. يُشْعِلُ أَيْضًا وَيُخْبِرُ خُبْرًا، ثُمَّ يَصْنَعُ إِلَهًا فَيَسْجُدُ! قَدْ صَنَعَهُ صَنَمًا وَخَرَّ لَهُ. ۱۶ نِصْفُهُ أَحْرَقَهُ بِالنَّارِ. عَلَى نِصْفِهِ يَأْكُلُ لَحْمًا. يَشْوِي مَشْوِيًّا وَيَشْبَعُ! يَتَدَفَّأُ أَيْضًا وَيَقُولُ: «بَخ! قَدْ تَدَفَّأْتُ. رَأَيْتُ نَارًا». ۱۷ وَبَقِيَّتُهُ قَدْ صَنَعَهَا إِلَهًا، صَنَمًا لِنَفْسِهِ! يَخْرُ لَهُ وَيَسْجُدُ، وَيُصَلِّي إِلَيْهِ وَيَقُولُ: «نَجِّنِي لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ إِلَهِي».

۱۲ آهنگر با تیشه بر زغالها کار می کند. او با چکش به بتی شکل می دهد و به نیروی بازوی خویش آن را می سازد. در حالی که گرسنه می گردد و قوت از دست می دهد، آنگاه نه تشنگی او را برطرف می کند و نه ضعف او را! ۱۳ نجار با ریسمان چوب را اندازه می گیرد و با قلم نشانه گذاری می کند. با رنده آن را صاف می کند و با پرگار بر آن نشانه می گذارد. آن را به شباهت انسان و با زیبایی بشری می سازد تا در خانه‌ای بگذارد. ۱۴ او سروهای آزاد می برد، و یا درخت چنار یا بلوطی برای خود اختیار می کند، و

می گذارد تا در جنگل نمو کند؛ و یا درخت کاجی می نشاند و باران آن را نمو می دهد. ۱۵ آنگاه برای شخص به جهت سوخت به کار می آید. قدری از آن را بر گرفته، خود را با آن گرم می کند و آتش افروخته، نان می پزد. سپس از آن خدایی می سازد و آن را می پرستد، و تمثالی تراشیده، در برابرش سجده می کند! ۱۶ باری، از آن هیزم نیمی را در آتش می سوزاند؛ بر آن خوراک خود را طبخ می کند، و گوشت کباب کرده، می خورد و سیر می شود. نیز خود را گرم می کند و می گوید: «وہ چه گرم شدم! گرمای آتش را حس می کنم!» ۱۷ و از آنچه باقی ماند، خدایی یعنی تمثالی تراشیده برای خود می سازد و در برابرش سجده کرده، آن را می پرستد و به آن دعا کرده، می گوید: «ای که خدای من هستی، مرا برهان!»

۱۸ لَا يَغْرِفُونَ وَلَا يَفْهَمُونَ لَأَنَّهُ قَدْ طُمَسَتْ عُيُونُهُمْ عَنِ الْإِنصَارِ، وَقُلُوبُهُمْ عَنِ التَّعْقُلِ. ۱۹ وَلَا يَرِدُّ فِي قَلْبِهِ وَلَيْسَ لَهُ مَعْرِفَةٌ وَلَا فَهْمٌ حَتَّى يَقُولَ: «نِصْفَهُ قَدْ أَخْرَفْتُ بِالنَّارِ، وَخَبَزْتُ أَيْضًا عَلَى جَمْرِهِ خُبْزًا، شَوَيْتُ لَحْمًا وَأَكَلْتُ. أَفَأَصْنَعُ بَقِيَّتَهُ رِجْسًا، وَلِسَاقِ شَجَرَةٍ أُخْرَى؟» ۲۰ يَرْغَى رَمَادًا. قَلْبٌ مَخْدُوعٌ قَدْ أَضَلَّهُ فَلَا يَنْجِي نَفْسَهُ وَلَا يَقُولُ: «أَلَيْسَ كَذِبٌ فِي يَمِينِي؟».

۱۸ ایشان را هیچ درک و فهمی نیست؛ زیرا چشمانشان را بسته است تا نبینند، و دلهایشان را نیز تا نفهمند. ۱۹ هیچ یک لختی تأمل نمی کند و هیچ یک را این درک و فهم نیست که بگوید: «نیمی از آن را در آتش سوزاندم، و بر زغالهایش نان پختم، و بر آن گوشت کباب کرده خوردم؛ آیا از باقی آن چیزی مکروه بسازم و در برابر چوبی سجده کنم؟» ۲۰ او خاکستر می خورد، با دلی فریب خورده و گمراه شده خود را نتواند رها کند، و با خود نتواند گفت که: «آیا دروغی به دست راست خویش ندارم؟»

۲۱ «أَذْكُرْ هَذِهِ يَا يَعْقُوبُ، يَا إِسْرَائِيلُ، فَإِنَّكَ أَنْتَ عَبْدِي. قَدْ جَبَلْتُكَ. عَبْدٌ لِي أَنْتَ. يَا إِسْرَائِيلُ لَا تُنْسِي مِنِّي. ۲۲ قَدْ مَحَوْتُ كَغَيْمٍ ذُنُوبَكَ وَكَسَخَابَةِ خَطَايَاكَ. ارْجِعْ إِلَيَّ لَأَنِّي فَذِيْتُكَ». ۲۳ تَرْتَمِي أَيْتُهَا السَّمَاوَاتُ لَأَنَّ الرَّبَّ قَدْ فَعَلَ. اِهْتَفِي يَا أَسَافِلَ الْأَرْضِ. أَشِيدِي أَيْتُهَا الْجِبَالُ تَرْتَمًا، الْوَعْرُ وَكُلُّ شَجَرَةٍ فِيهِ، لَأَنَّ الرَّبَّ قَدْ فَذَى يَعْقُوبَ، وَفِي إِسْرَائِيلَ تَمَجَّدَ.

۲۱ ای یعقوب و ای اسرائیل، اینها را به یاد آور، اینکه تو بنده من هستی؛ من تو را سرشته ام و تو بنده من هستی؛ ای اسرائیل، تو را فراموش نخواهم کرد. ۲۲ نافرمانیهایت را مانند ابر رُفتم، و گناهانت را مانند مه محو ساختم. نزد من باز گرد، زیرا که تو را فدیہ داده ام. ۲۳ ای آسمانها بانگ شادی سر دهید، زیرا که خداوند چنین کرده است؛ ای ژرفاهای زمین فریاد بر آورید! ای کوهها، و ای جنگلها و تمامی درختانش، بسرایید! زیرا که خداوند یعقوب را فدیہ داده است، و در اسرائیل جلال خود را نمایان خواهد ساخت.

۲۴ هَكَذَا يَقُولُ الرَّبُّ فَادِيكَ وَجَابِلُكَ مِنَ الْبُطْنِ: «أَنَا الرَّبُّ صَانِعُ كُلِّ شَيْءٍ، نَاشِرُ السَّمَاوَاتِ وَخَدِي، بِأَسِطُ الْأَرْضِ. مَنْ مَعِيَ؟ ۲۵ مُبْطِلُ آيَاتِ الْمُخَادِعِينَ وَمُخَوِّقُ الْعَرَّافِينَ. مُرْجِعُ الْحُكَمَاءِ إِلَى الْوَرَاءِ، وَمُجْهَلُ

مَعْرِفَتَهُمْ. ۲۶ مُقِيمٌ كَلِمَةَ عَبْدِهِ، وَمُتَمِّمٌ رَأْيَ رُسُلِهِ. الْقَائِلُ عَنْ أُورُشَلِيمَ: سَتَعْمَرُ، وَلِمُدُنَ يَهُودَا: سَتُبْنَيْنِ، وَخَرِبَهَا أُقِيمُ. ۲۷ الْقَائِلُ لِلْجَعَةِ: انْشَفِي، وَأَنْهَارِكَ أَجْفَفُ. ۲۸ الْقَائِلُ عَنْ كُورَشَ: رَاعِي، فَكُلَّ مَسَرَّتِي يُتِمِّمُ. وَيَقُولُ عَنْ أُورُشَلِيمَ: سَتُبْنَى، وَلِلْهَيْكَلِ: سَتُؤَسَّسُ».

۲۴ خداوند که تو را فدا کرد و از رَحِمِ سرشت، چنین می فرماید: «من خدای هستم که همه چیز را آفرید، گستراننده آسمانها و پهن کننده زمین به تنهایی. چه کسی به من کمک کرد؟ ۲۵ آن که آیات انبیای دروغین را باطل می سازد، و غیب گویان را آبله می گرداند. آن که حکیمان را ناکام بازمی گرداند، و معرفت آنان را به حماقت بدل می سازد. ۲۶ آن که کلام بنده اش را تحقق می بخشد، و پیشگوییهای فرستادگانش را به انجام می رساند. آن که درباره اورشلیم می گوید: "آن را بازسازی خواهم کرد" و درباره شهرهای یهودا، که: "آنها را خواهم ساخت"، و درباره ویرانه هایشان، که "آنها را بر پا خواهم داشت". ۲۷ آن که به ژرفای دریا می گوید: "خشک شو! من نهرهایت را خشک خواهم کرد". ۲۸ آن که درباره کوروش می گوید: "او شبان من است، و تمامی خشنودی مرا به جا خواهد آورد". و آن که درباره اورشلیم می گوید: "بنا خواهد شد"، و در خصوص معبد که: "بنیادت نهاده خواهد گشت".»

سفر اشعیا: الأصحاح الخامس والرابعون * ۴۵:۱-۲۵

۱ هَكَذَا يَقُولُ الرَّبُّ لِمَسِيحِهِ، لِكُورَشَ الَّذِي أَمْسَكَتُ بِيَمِينِهِ لِأَدُوسَ أَمَامَهُ أَمَمًا، وَأَخْقَاءَ مُلُوكِ أَحْلُ، لِأَفْتَحَ أَمَامَهُ الْمَصْرَاعَيْنِ، وَالْأَبْوَابَ لَا تَغْلُقُ: ۲ «أَنَا أُسِيرُ قُدَّامَكَ وَالْهَضَابُ أُمَهِّدُ. أَكْسِرُ مَصْرَاعِي النُّحَاسِ، وَمَغَالِيقَ الْحَدِيدِ أَقْصِفُ. ۳ وَأُعْطِيكَ ذَخَائِرَ الظُّلْمَةِ وَكُنُوزَ الْمَخَابِي، لِكَيْ تَعْرِفَ أَنِّي أَنَا الرَّبُّ الَّذِي يَدْعُوكَ بِاسْمِكَ، إِلَهَ إِسْرَائِيلَ. ۴ لِأَجْلِ عَبْدِي يَعْقُوبَ، وَإِسْرَائِيلَ مُخْتَارِي، دَعَوْتُكَ بِاسْمِكَ. لَقَبْتُكَ وَأَنْتَ لَسْتَ تَعْرِفُنِي. ۵ أَنَا الرَّبُّ وَلَيْسَ آخَرُ. لَا إِلَهَ سِوَايَ. نَطَقْتُكَ وَأَنْتَ لَمْ تَعْرِفْنِي. ۶ لِكَيْ يَعْلمُوا مِنْ مَشْرِقِ الشَّمْسِ وَمِنْ مَغْرِبِهَا أَنَّ لَيْسَ غَيْرِي. أَنَا الرَّبُّ وَلَيْسَ آخَرُ. ۷ مُصَوِّرُ النُّورِ وَخَالِقُ الظُّلْمَةِ، صَانِعُ السَّلَامِ وَخَالِقُ الشَّرِّ. أَنَا الرَّبُّ صَانِعُ كُلِّ هَذِهِ. ۸ أَقْطِرِي آيَتَهَا السَّمَاوَاتُ مِنْ فَوْقُ، وَلِيُنْزِلَ الْجَوْ بَرًّا. لِتَنْفَتِحَ الْأَرْضُ فَيُثْمَرَ الْخَلَاصُ، وَلِتُنْتَبِ بَرًّا مَعًا. أَنَا الرَّبُّ قَدْ خَلَقْتُه».

۱ این است آنچه خداوند به مرد مسح شده خود می گوید، به کوروش، که دست راستش را گرفتم تا قومها را در برابرش به زانو در آورم، و توان ایستادگی را از آنان سلب کنم، تا درها را در برابرش بگشایم و دروازه ها دیگر بسته نشوند: ۲ «من پیش روی تو خواهم خرامید، و بلندیاها را هموار خواهم کرد؛ دروازه های برنجین را در هم خواهم شکست و پشت بندهای آهنین را خواهم بُرید. ۳ گنجهای نهان در تاریکی را به تو خواهم بخشید، و خزائن پنهان در جایهای مخفی را از آن تو خواهم ساخت. تا بدانی که

من پروردگار، خدای اسرائیل، هستم، که تو را به نام می خوانم. ۴ به خاطر خدمتگزارم یعقوب، و برگزیده‌ام اسرائیل است که تو را به نام می خوانم و لقبی پرافتخار به تو می بخشم، اگرچه مرا نمی شناسی. ۵ من پروردگار هستم و دیگری نیست؛ به جز من خدایی نیست. اگرچه مرا نمی شناسی، تو را تجهیز خواهم کرد، ۶ تا از مشرق محل طلوع آفتاب تا مغرب محل غروب آن، بدانند که غیر از من کسی نیست؛ من پروردگار هستم و دیگری نیست؛ ۷ پدیدآورنده روشنایی و خالق تاریکی، سازنده سلامت و آفریننده مصیبت؛ آری من، پروردگار، تمام اینها را به جا می آورم. ۸ ای آسمانها از بالا بیارید، و ابرها عدالت را فرو ریزید؛ تا زمین بشکافد و نجات و عدالت به بار آورد، و آنها را با هم برویاند؛ من پروردگار، اینها را آفریده‌ام.

۹ «وَيْلٌ لِّمَنْ يُخَاصِمُ جَابِلَهُ. خَزَفٌ بَيْنَ أَخْزَافِ الْأَرْضِ. هَلْ يَقُولُ الطَّيْنُ لِحَابِلِهِ: مَاذَا تَصْنَعُ؟ أَوْ يَقُولُ: عَمَلْتُ لَيْسَ لَهُ يَدَانِ؟ ۱۰ وَيْلٌ لِلَّذِي يَقُولُ لِأَبِيهِ: مَاذَا تَلِدُ؟ وَلِلْمَرْأَةِ: مَاذَا تَلِدِينَ؟». ۱۱ هَكَذَا يَقُولُ الرَّبُّ قُدُّوسُ إِسْرَائِيلَ وَجَابِلَهُ: «إِسْأَلُونِي عَنِ الْآيَاتِ! مِنْ جِهَةِ بَنِيَّ وَمِنْ جِهَةِ عَمَلِ يَدَيَّ أَوْصُونِي! ۱۲ أَنَا صَنَعْتُ الْأَرْضَ وَخَلَقْتُ الْإِنْسَانَ عَلَيْهَا. يَدَايَ أَنَا نَشَرْتَا السَّمَاوَاتِ، وَكُلٌّ جُنْدُهَا أَنَا أَمَرْتُ. ۱۳ أَنَا قَدْ أَنْهَضْتُهُ بِالنَّصْرِ، وَكُلَّ طَرَفِهِ أَسْهَلْتُ. هُوَ بَيْنِي مَدِينَتِي وَيُطْلِقُ سَبِيَّ، لَا يَثْمَنُ وَلَا يَهْدِيَّةً، قَالَ رَبُّ الْجُنُودِ».

۹ وای بر کسی که با صانع خود مجادله می کند، حال آنکه سفالی از سفالهای زمین بیش نیست! آیا گل به کوزه گر می گوید: «این چیست که می سازی؟»، یا می گوید: «کوزه تو را دسته نیست؟» ۱۰ وای بر آن که به پدرش بگوید: «این چیست که تولید می کنی؟!» یا به مادرش، که: «چه می زایی؟!» ۱۱ خداوند که قدوس اسرائیل و صانع اوست، چنین می فرماید: «درباره امور آینده از من می پرسید؟ درباره فرزندانم و درمورد اعمال دستانم به من امر و نهی می کنید؟ ۱۲ منم که زمین را ساختم و انسان را بر آن آفریدم؛ دستان من بود که آسمانها را گسترانید، و تمامی لشکریان آسمان را من فرمان دادم. ۱۳ من او را برای پیروزی برانگیخته‌ام، و راههایش را جملگی راست خواهم گردانید. او شهر مرا بنا خواهد کرد، و اسیرانم را آزاد خواهد ساخت، اما نه برای دستمزد یا پاداش؛» این را پروردگار لشکریان می گوید.

۱۴ هَكَذَا قَالَ الرَّبُّ: «تَعَبُ مِصْرَ وَتِجَارَةُ كُوشِ وَالسَّبَّيُّونَ ذَوُو الْقَامَةِ إِلَيْكَ يَعْبرُونَ وَلَكَ يَكُونُونَ. خَلَقَكَ يَمْشُونَ. بِالْقِيُودِ يَمْرُونَ وَلَكَ يَسْجُدُونَ. إِلَيْكَ يَتَضَرَّعُونَ قَائِلِينَ: فِيكَ وَحْدَكَ اللَّهُ وَلَيْسَ آخَرُ. لَيْسَ إِلَهٌ. ۱۵ حَقًّا أَنْتَ إِلَهٌ مُخْتَجِبٌ يَا إِلَهَ إِسْرَائِيلَ الْمُخَلِّصَ. ۱۶ قَدْ خَزُوا وَخَجَلُوا كُلُّهُمْ. مَضَوْا بِالْخَجَلِ جَمِيعًا، الصَّانِعُونَ التَّمَائِيلَ. ۱۷ أَمَّا إِسْرَائِيلُ فَيَخْلُصُ بِالرَّبِّ خَلَاصًا أَبَدِيًّا. لَا تَخْزُونَ وَلَا تَخْجَلُونَ إِلَى دَهْوَ الْأَبَدِ. ۱۸ لِأَنَّهُ هَكَذَا قَالَ الرَّبُّ: «خَالِقُ السَّمَاوَاتِ هُوَ اللَّهُ. مُصَوِّرُ الْأَرْضِ وَصَانِعُهَا. هُوَ قَرَّرَهَا. لَمْ يَخْلُقْهَا بَاطِلًا. لِسَكْنِ صَوَرِهَا. أَنَا الرَّبُّ وَلَيْسَ آخَرُ. ۱۹ لَمْ أَتَكَلَّمْ بِالْخِفَاءِ فِي مَكَانٍ مِنَ الْأَرْضِ مُظْلِمٍ. لَمْ أَقُلْ لِنَسْلِ يَعْقُوبَ: بَاطِلًا اطْلُبُونِي. أَنَا الرَّبُّ مُتَكَلِّمٌ بِالصِّدْقِ، مُخْبِرٌ بِالاسْتِقَامَةِ».

۱۴ خداوند چنین می‌فرماید: «ثروت مصر و منفعت کوش و مردان بلندقامت سبا، جملگی نزد تو آمده، از آن تو خواهند گشت. آنان از پی تو خواهند آمد، و در غل و زنجیر به نزد تو عبور خواهند کرد، و در برابرت تعظیم کرده، التماس کنان خواهند گفت: "براستی که خدا با توست و جز او کسی نیست؛ غیر از او خدایی نیست."» ۱۵ ای خدا و ای نجات‌دهنده اسرائیل، براستی که تو خدایی هستی که خود را پنهان می‌کنی. ۱۶ همه سازندگان بتها سرافکنده و رسوا خواهند شد، آری همه با هم به رسوایی گرفتار خواهند آمد. ۱۷ اما اسرائیل به دست خداوند به نجات جاودانی نجات خواهد یافت، و تا به ابد سرافکنده و رسوا نخواهد گشت. ۱۸ زیرا خداوند که آسمانها را آفرید، او که خداست و زمین را شکل داد، و آن را ساخت و استوار نمود، و آن را نیافرید تا تهی باشد، بلکه تا از سکنه پر گردد، هم‌او چنین می‌فرماید: «من خداوند هستم، و جز من کسی نیست. ۱۹ من در خفا سخن نگفتم و نه در جایی از سرزمین تاریک؛ و به نسل یعقوب نگفتم که "مرا عبث بطلبید." من پروردگار، به امانت سخن می‌گویم و آنچه را که راست است اعلام می‌کنم.

۲۰ «اجتمعوا وهلموا تقدّموا معاً أيّها الناجون من الأمم. لا يعلم الحاملون خشب صنمهم، والمصلّون إلى إله لا يخلص. ۲۱ أخبروا. قدّموا. وليتساوروا معاً. من أعلم بهذه منذ القديم، أخبر بها منذ زمان؟ أليس أنا الربّ ولا إله آخر غيري؟ إله بارّ ومخلص. ليس سواي. ۲۲ التفتوا إليّ واخلصوا يا جميع أقاصي الأرض، لأنّي أنا الله وليس آخر. ۲۳ بذاتي أقسمت، خرج من فمي الصّدق كلمة لا ترجع؛ إنه لي تجنّو كل رُكبة، يخلف كل لسان. ۲۴ قال لي: إنما بالربّ البرّ والقوّة. إليه يأتني، ويخزي جميع المعتاضين عليه. ۲۵ بالربّ يتبرّر ويفتخر كل نسل إسرائيل».

۲۰ «ای نجات‌یافتگان قومه‌ها، گرد هم آیید! بیایید و به هم نزدیک شوید! نادانند کسانی که تمثالهای تراشیده چوبین خویش را حمل می‌کنند، و نزد خدایی که نجات نتواند داد، دست به دعا برمی‌دارند. ۲۱ پس ادعای خود را مطرح سازید؛ با یکدیگر مشورت کنید. کیست که اینها را از ایام قدیم بیان کرد، و این همه را از گذشته‌های دور اعلام داشت؟ آیا من پروردگار که خدای جز من نیست، چنین نکرد؟ خدایی عادل و نجات‌دهنده؛ آری، جز من خدایی نیست. ۲۲ «ای همه کرانه‌های زمین، به من روی آورید و نجات یابید! زیرا که من خدا هستم، و جز من خدایی نیست. ۲۳ به ذات خود قسم خورده‌ام و این کلام به عدالت از دهانم صادر گشته، و بر زمین نخواهد افتاد، که هر زانویی در برابر من خم خواهد شد و به من هر زبانی سوگند وفاداری خواهد خورد. ۲۴ و ایشان درباره من خواهند گفت: پارسایی و قوت تنها در خداوند است. تمام آنان که از او خشمگینند نزد وی آمده، سرافکنده خواهند شد. ۲۵ بوسیله خداوند است که همه فرزندان اسرائیل پارسا محسوب شده، و فخر خواهند کرد.»

سفر اِشعْیاء : الْأَصْحَاحُ السَّادِسُ وَالْأَرْبَعُونَ * ۱:۴۶-۱۳

۱ قَدْ جِئْتُ بَيْلُ، أَنْخَنِي نَبُو. صَارَتْ تَمَائِلُهُمَا عَلَى الْحَيَوَانَاتِ وَالْبَهَائِمِ. مَحْمُولَاتُكُمْ مُحَمَّلَةٌ حِمْلًا لِلْمُعْيِي. ۲ قَدْ أَنْخَنْتُ. جِئْتُ مَعًا. لَمْ تَقْدِرْ أَنْ تُنَجِّيَ الْجِمْلَ، وَهِيَ نَفْسُهَا قَدْ مَضَتْ فِي السَّبْيِ. ۳ «إِسْمَعُوا لِي يَا بَيْتَ يَعْقُوبَ وَكُلَّ بَقِيَّةِ بَيْتِ إِسْرَائِيلَ، الْمُحَمَّلِينَ عَلَيَّ مِنَ الْبُطْنِ، الْمُحْمُولِينَ مِنَ الرَّحِمِ. ۴ وَإِلَى الشَّيْخُوخَةِ أَنَا هُوَ، وَإِلَى الشَّبِيَّةِ أَنَا أَحْمَلُ. قَدْ فَعَلْتُ، وَأَنَا أَرْفَعُ، وَأَنَا أَحْمِلُ وَأُنْجِي. ۵ بِمَنْ تُشَبِّهُونَنِي وَتُسَوِّوَنِي وَتَمَثِّلُونَنِي لِنَتَشَابَهٍ؟» ۶ «الَّذِينَ يُفْرِغُونَ الذَّهَبَ مِنَ الْكِيسِ، وَالْفِضَّةَ بِالْمِيزَانِ يَزْنُونَ. يَسْتَأْجِرُونَ صَائِغًا لِيَصْنَعَهَا إِلَهًا، يَخْرُونَ وَيَسْجُدُونَ! ۷ يَرْفَعُونَهُ عَلَى الْكَتِفِ. يَحْمِلُونَهُ وَيَضَعُونَهُ فِي مَكَانِهِ لِيَقِفَ. مِنْ مَوْضِعِهِ لَا يَبْرَحُ. يَزْعَقُ أَحَدٌ إِلَيْهِ فَلَا يُجِيبُ. مِنْ شِدَّتِهِ لَا يُخَلِّصُهُ.

۱ 'بل' به زانو درمی آید و 'نبو' خم می شود؛ بتهای ایشان بر حیوانات و چارپایان سوار است. اینها که حملشان می کنید، بر چارپایان خسته بار می شوند! ۲ آنها با هم خم شده، به زانو درمی آیند؛ ایشان را توان رها کردن بار نیست، بلکه خود نیز به اسارت می روند. ۳ «ای خاندان یعقوب، به من گوش فرا دهید، و ای تمام باقیمانده گان خاندان اسرائیل! ای شما که از رحم حمل گشته اید، و از بطن، برگرفته شده اید. ۴ حتی تا به پیری تان من هو هستم، و تا به سپیدمویی حملتان خواهم کرد. شما را من آفریده ام و حملتان نیز خواهم کرد؛ آری، من شما را حمل کرده، رهایی خواهم داد. ۵ «مرا به که مانند می کنید و با که برابر می سازید؟ مرا با که قیاس می کنید تا همانند باشیم؟ ۶ آنان که طلا از کیسه خویش بیرون می ریزند، و نقره را به ترازو وزن می کنند، زرگری اجیر می کنند تا از آن خدایی بسازد، و سپس در برابرش سجده کرده، آن را می پرستند! ۷ آن را بر دوش برگرفته، حمل می کنند، و در جایش می گذارند و آنجا می ایستد، و از جایش حرکت نتواند کرد. اگر کسی نزدش فریاد برآورد، پاسخ نتواند گفت و او را از تنگی نجات نتواند داد.

۸ «أَذْكُرُوا هَذَا وَكُونُوا رِجَالًا. رَدِّدُوهُ فِي قُلُوبِكُمْ أَيُّهَا الْعُصَاةُ. ۹ أَدْكُرُوا الْأَوَّلِيَّاتِ مِنْذُ الْقَدِيمِ، لِأَنِّي أَنَا اللَّهُ وَلَيْسَ آخَرُ. إِلَهُهُ وَلَيْسَ مِثْلِي. ۱۰ مُخْبِرٌ مِنْذُ الْبَدَأِ بِالْآخِيرِ، وَمِنْذُ الْقَدِيمِ بِمَا لَمْ يَفْعَلْ، قَائِلًا: رَأْيِي يَقُومُ وَأَفْعَلُ كُلَّ مَسَرَّتِي. ۱۱ دَاعٍ مِنَ الْمَشْرِقِ الْكَاسِرَ، مِنْ أَرْضٍ بَعِيدَةٍ رَجُلَ مَسُورَتِي. قَدْ تَكَلَّمْتُ فَأُجْرِيهِ. قَضَيْتُ فَأَفْعَلُهُ. ۱۲ «إِسْمَعُوا لِي يَا أَشِدَاءَ الْقُلُوبِ الْبَعِيدِينَ عَنِ الْبِرِّ. ۱۳ قَدْ قَرَّبْتُ بَرِّي، لَا يَبْعُدُ. وَخَلَّاصِي لَا يَتَأَخَّرُ. وَأَجْعَلُ فِي صِهْيُونٍ خَلَاصًا، لِإِسْرَائِيلَ جَلَالِي.

۸ «ای یاغیان، این را به یاد آورید؛ بدان بیندیشید و دلیر باشید. ۹ امور پیشین را از ایام کهن به یاد آورید؛ من خدا هستم و جز من کسی نیست؛ من خدا هستم و همانند من نیست. ۱۰ انتها را از ابتدا بیان می کنم و آنچه را که هنوز انجام نشده، از قدیم. می گویم: "تدبیر من برقرار خواهد ماند، و تمامی خشنودی

خود را به جا خواهم آورد. ۱۱ پرنده شکاری را از شرق فرا می خوانم، مردی از دیار دوردست که تدبیر مرا به جا می آورد. سخن گفتم و به یقین به انجام خواهم رسید، تدبیر کردم و آن را عملی خواهم ساخت. ۱۲ ای سخت دلان، به من گوش فرا دهید! ای شما که از عدالت به دورید! ۱۳ اکنون عدالت خود را نزدیک می آورم؛ دور نیست، و نجات من تأخیر نخواهد کرد. نجات را به صهیون ارزانی خواهم داشت، و فرّ و شکوه خویش را به اسرائیل.»

سفر اشعیاء : الأصحاح السابع والأربعون * ۱:۴۷-۱۵

۱ «انزلی واجلسی علی الترابِ آیتها العذراء ابنة بابل. اجلسی علی الأرض بلا کُرسیّ یا ابنة الکلدانیّین، لأنک لا تعودین تدعین ناعمةً ومترفةً. ۲ خذی الرّحی واطحنی ذقیقاً. اکشفی نقابک. شمّری الذیل. اکشفی السّاق. اغبری الأنهار. ۳ تنکشف عورتک وترّی معاریک. آخذُ نعمةً ولا أصلحُ أحدًا». ۴ فادینا ربّ الجنود اسمهُ. قدّوسُ اسرائیل. ۵ «اجلسی صامّةً وادخلی فی الظلام یا ابنة الکلدانیّین، لأنک لا تعودین تدعین سیدة الممالک.

۱ «ای دختر باکره بابل، فرود آی و بر خاک بنشین! ای دختر کلدانیان، بر زمین، بی تخت بنشین! چرا که تو را دیگر ظریف و لطیف نخواهند خواند. ۲ دستاس گرفته، آرد را خرد کن؛ نقاب از چهره برگیر و ردا از تن به در آر؛ ساقها را عریان کن و از نهرها بگذر! ۳ برهنگی تو آشکار خواهد شد، و رسواییات عیان خواهد گردید. آری، من انتقام خواهم کشید، و بر کسی شفقت نخواهم کرد.» ۴ فدیاهش ما که نامش پروردگار لشکریانست، هم اوست قدوس اسرائیل. ۵ «ای دختر کلدانیان خاموش بنشین و به ظلمت در آی، زیرا که تو را دیگر ملکه ممالک نخواهند خواند.

۶ «غَضِبْتُ عَلَى سَعِي. دَنَسْتُ مِيرَاثِي وَدَفَعْتُهُمْ إِلَى يَدِكَ. لَمْ تَصْنَعِي لَهُمْ رَحْمَةً. عَلَى الشَّيْخِ ثَقَلْتُ نِيرَكَ جِدًّا. ۷ وَقُلْتُ: إِلَى الْأَبَدِ أَكُونُ سَيِّدَةً! حَتَّى لَمْ تَصْنَعِي هَذِهِ فِي قَلْبِكَ. لَمْ تَذْكُرِي آخِرَتَهَا. ۸ فَالآنَ اسْمَعِي هَذَا آيَتَهَا الْمُتَنَعِّمَةِ الْجَالِسَةِ بِالطَّمَانِينَةِ، الْقَائِلَةُ فِي قَلْبِهَا: أَنَا وَلَيْسَ غَيْرِي. لَا أَقْعُدُ أَرْمَلَةً وَلَا أَعْرِفُ الشَّكْلَ. ۹ فَيَأْتِي عَلَيْكَ هَذَانِ الْاِثْنَانِ بَعْتَةً فِي يَوْمٍ وَاحِدٍ: الشَّكْلُ وَالتَّرْمُلُ. بِالْإِتْمَامِ قَدْ أَتَيْتَا عَلَيْكَ مَعَ كَثْرَةِ سُحُورِكَ، مَعَ وَفُورِ رُقَاكَ جِدًّا. ۱۰ وَأَنْتِ اطمأننتِ فِي شَرِّكَ. قُلْتُ: لَيْسَ مِنْ يَرَانِي. جِئْتُكَ وَمَعْرِفَتُكَ هُمَا أَفْتَتَاكَ، فَقُلْتُ فِي قَلْبِكَ: أَنَا وَلَيْسَ غَيْرِي. ۱۱ فَيَأْتِي عَلَيْكَ شَرٌّ لَا تَعْرِفِينَ فَجْرَهُ، وَتَقَعُ عَلَيْكَ مُصِيبَةٌ لَا تَقْدِرِينَ أَنْ تَصْدِيَهَا، وَتَأْتِي عَلَيْكَ بَعْتَةٌ تَهْلُكَةُ لَا تَعْرِفِينَ بِهَا.

۶ من از قوم خویش غضبناک بودم، پس میراث خود را بی حرمت ساختم؛ ایشان را به دست تو تسلیم کردم، و تو بر ایشان ذره‌ای رحم نکردی؛ حتی بر پیران یوغی بس سنگین نهادی، ۷ و گفتمی: ”تا به ابد

ملکه خواهم بود.“ تا بدان جا که در اینها تأمل نکردی، و به عاقبت کار نیندیشیدی. ۸ «پس حال ای که در ناز و نعمتی بشنو، ای که آسوده خاطر نشسته‌ای! ای تو که با خود می‌گویی: ”من هستم و جز من کسی نیست؛ هرگز بیه نخواهم شد، و بی‌اولاد نخواهم گشت.“ ۹ این هر دو بلای بیوگی و بی‌اولادی، در یک روز و یک آن بر تو نازل خواهد شد! با وجود تمام جادوگری‌هایت و قدرت عظیم افسونگری‌هایت، این هر دو به شدت بر تو عارض خواهد گردید. ۱۰ زیرا که بر شرارت خویش اعتماد کرده‌ای، و گفته‌ای: ”کسی مرا نمی‌بیند.“ به حکمت و دانش خود گمراه گشته‌ای، و در دل گفته‌ای: ”من هستم و جز من کسی نیست.“ ۱۱ اما بلایی بر تو نازل خواهد شد که افسونت بر آن کارگر نخواهد بود. و مصیبتی بر تو وارد خواهد آمد که آن را دفع نتوانی کرد؛ و هلاکتی که به کل از آن بی‌خبری، به ناگاه بر تو نازل خواهد شد.

۱۲ «قَفِي فِي رُقَاكَ وَفِي كَثْرَةِ سُحُورِكَ الَّتِي فِيهَا تَعْبِتُ مِنْذُ صَبَاكَ، رَبُّمَا يُمَكِّنُكَ أَنْ تَنْفَعِي، رَبُّمَا تُرْعِيْنِ.
۱۳ قَدْ ضَعُفْتَ مِنْ كَثْرَةِ مَسُورَاتِكَ. لِيَقِفَ قَاسِمُو السَّمَاءِ الرَّاصِدُونَ النُّجُومَ، الْمُعْرِفُونَ عِنْدَ رُؤُوسِ الشُّهُورِ،
وَيُخَلِّصُوكَ مِمَّا يَأْتِي عَلَيْكَ. ۱۴ هَا إِنَّهُمْ قَدْ صَارُوا كَالْقَشِّ. أَحْرَقْتَهُمُ النَّارُ. لَا يُنَجُّونَ أَنْفُسَهُمْ مِنْ يَدِ اللَّهِيْبِ.
لَيْسَ هُوَ جَمْرًا لِلاِسْتِدْفَاءِ وَلَا نَارًا لِلْجُلُوسِ تَجَاهَهَا. ۱۵ هَكَذَا صَارَ لَكَ الَّذِينَ تَعْبِتُ فِيهِمْ. تُجَارِكُ مِنْذُ صَبَاكَ
قَدْ شَرَدُوا كُلُّ وَاحِدٍ عَلَى وَجْهِهِ، وَلَيْسَ مَنْ يُخَلِّصُكَ.

۱۲ حال در افسونگری‌ها و تمامی جادوگری‌هایت که از جوانی در آنها محنت کشیده‌ای، استوار باش! شاید که کامیاب شوی، شاید که رعب و وحشت بیافرینی! ۱۳ از همه مشورت‌هایی که گرفتی، تو را جز خستگی سودی نبوده است. بگذار تقسیم کنندگان افلاک و نظاره‌گران ستارگان که در ابتدای هر ماه آنچه را بر تو واقع می‌شود اعلام می‌دارند، برخیزند و نجات دهند! ۱۴ به یقین آنان چون کاه در آتش خواهند سوخت، و خود را از چنگ آتش‌هایی نتوانند داد؛ آن آتش، آتشی نیست که کسی را گرم کند، آتشی که بخواهند در کنارش بنشینند. ۱۵ این است تمام آنچه آنان برایت خواهند بود، آنانی که با ایشان محنت کشیدی، و از جوانی‌ات با تو داد و ستد می‌کردند. آنان هریک به راه خود سرگردانند، و کسی نیست که تو را نجات دهد.»

سفر اِشعْیاء : الْأَصْحَاحُ الثَّامِنُ وَالْأَرْبَعُونَ * ۱:۴۸-۲۲

۱ «اسْمَعُوا هَذَا يَا بَيْتَ يَهُوَدَا، الَّذِينَ خَرَجُوا مِنْ مِيَاهِ يَهُوَدَا، الْخَالِفِينَ بِاسْمِ الرَّبِّ،
وَالَّذِينَ يَذْكُرُونَ إِلَهَ إِسْرَائِيلَ، لَيْسَ بِالصِّدْقِ وَلَا بِالْحَقِّ! ۲ فَإِنَّهُمْ يُسَمُّونَ مِنْ مَدِينَةِ الْقُدْسِ وَيُسْنَدُونَ إِلَى
إِلَهِ إِسْرَائِيلَ. رَبِّ الْجُنُودِ اسْمُهُ. ۳ بِالْأَوَّلِيَّاتِ مِنْذُ زَمَانٍ أَخْبَرْتُ، وَمِنْ قَمِي خَرَجْتُ وَأَنْبَأْتُ بِهَا. بَعْتُهُ صَنْعَتُهَا
فَأَتَتْ. ۴ لِمَعْرِفَتِي أَنَّكَ قَاسٍ، وَعَظْلٌ مِنْ حَدِيدٍ غُنْقُكَ، وَجَبْهَتُكَ نُحَاسٌ، ۵ أَخْبَرْتُكَ مِنْذُ زَمَانٍ. قَبْلَمَا أَتَتْ

أَنْبَأْتُكَ، لِئَلَّا تَقُولَ: صَنَعِي قَدْ صَنَعَهَا، وَمَنْحُوتِي وَمَسْبُوكِي أَمَرَ بِهَا. ٦ قَدْ سَمِعْتَ فَاَنْظُرْ كُلَّهَا. وَأَنْتُمْ أَلَا تُخْبِرُونَ؟ قَدْ أَنْبَأْتُكَ بِخَبَرَاتٍ مُنْذُ الْآنَ، وَبِمَخْفِيَّاتٍ لَمْ تَعْرِفْهَا. ٧ الْآنَ خُلِقْتَ وَلَيْسَ مُنْذُ زَمَانٍ، وَقَبْلَ الْيَوْمِ لَمْ تَسْمَعْ بِهَا، لِئَلَّا تَقُولَ: هَآنَذَا قَدْ عَرَفْتُهَا. ٨ لَمْ تَسْمَعْ وَلَمْ تَعْرِفْ، وَمُنْذُ زَمَانٍ لَمْ تَنْفَتِحْ أَذْنُكَ، فَإِنِّي عَلِمْتُ أَنَّكَ تَغْدُرُ غَدْرًا، وَمِنْ الْبُطْنِ سُمِّيتَ عَاصِيًّا. ٩ مِنْ أَجْلِ اسْمِي أُطَيُّ غَضَبِي، وَمِنْ أَجْلِ فَخْرِي أُمْسِكُ عَنْكَ حَتَّى لَا أَقْطَعَكَ. ١٠ هَآنَذَا قَدْ نَقَيْتُكَ وَلَيْسَ بِفَضَّةٍ اخْتَرْتُكَ فِي كُورِ الْمَسْقَةِ. ١١ مِنْ أَجْلِ نَفْسِي، مِنْ أَجْلِ نَفْسِي أَفْعَلُ. لِأَنَّهُ كَيْفَ يُدْنَسُ اسْمِي؟ وَكَرَامَتِي لَا أُعْطِيهَا لِآخَرَ.

۱ ای خاندان یعقوب این را بشنوید! ای شما که به نام اسرائیل خوانده می شوید، و از نسل یهوداید؛ ای کسانی که به نام خداوند سوگند یاد می کنید، و خدای اسرائیل را می خوانید، اما نه در صداقت و راستی. ۲ شما خویشان را شهروندان شهر مقدس می خوانید، و مدعی تکیه بر خدای اسرائیلید که نامش پروردگار لشکریانست. ۳ «اما من رویدادهای پیشین را از قدیم خبر دادم؛ از دهان من صادر شدند و آنها را اعلام کردم؛ سپس به ناگاه آنها را به عمل آوردم، و واقع شدند. ۴ زیرا می دانستم که چه سخت دل هستی، و گردن آهنین و پیشانی برنجین داری! ۵ پس آنها را از قدیم به تو خبر دادم، و پیش از رخ دادن، بر تو اعلام داشتم، مبدا بگویی: ”بتهايم اينها را به عمل آورده اند، و تمثالهای تراشیده ام و بتهای ریخته شده ام آنها را مقرر داشته اند.“ ۶ حال درباره این امور شنیدی؛ پس بر آنها چشم بدوز! آیا آنها را بیان نخواهی کرد؟ از این پس چیزهای تازه بر تو اعلام می کنم، چیزهای نهان را که از آنها آگاه نبوده ای. ۷ هم اکنون آفریده می شوند، نه در ایام قدیم، و تو تا به امروز درباره آنها نشنیده بودی؛ پس نمی توانی بگویی: ”البته آنها را می دانستم.“ ۸ تو هرگز نشنیده و هرگز ندانسته ای، و گوش تو از قدیم باز نشده است؛ زیرا می دانستم که چقدر خیانتکاری، و از بدو تولد عصیانگر خوانده شده ای. ۹ به خاطر نام خویش خشم خود را به تعویق خواهم افکند، و به سبب ستایش خویش آن را مهار خواهم کرد تا تو را منقطع نسازم. ۱۰ اینک تو را تصفیه کردم، اما نه چون نقره؛ و تو را در کوره مصیبت آزمودم. ۱۱ به خاطر خودم چنین می کنم، آری تنها به خاطر خودم؛ زیرا چرا باید نام من بی حرمت شود؟ من جلال خویش را به دیگری نخواهم داد.

۱۲ «إِسْمَعْ لِي يَا يَعْقُوبُ، وَإِسْرَائِيلُ الَّذِي دَعَوْتُهُ: أَنَا هُوَ. أَنَا الْأَوَّلُ وَأَنَا الْآخِرُ، ۱۳ وَيَدِي أَسَّسَتِ الْأَرْضَ، وَيَمِينِي نَشَرَتِ السَّمَاوَاتِ. أَنَا أَدْعُوهُمْ فَيَقِفْنَ مَعًا. ۱۴ اجْتَمِعُوا كُلُّكُمْ وَاسْمَعُوا. مَنْ مِنْهُمْ أَخْبَرَ بِهِذِهِ؟ قَدْ أَحَبَّهُ الرَّبُّ. يَصْنَعُ مَسَرَّتَهُ بِبَابِلَ، وَيَكُونُ ذِرَاعُهُ عَلَى الْكَلْدَانِيِّينَ. ۱۵ أَنَا أَنَا تَكَلَّمْتُ وَدَعَوْتُهُ. أَتَيْتُ بِهِ فَيَنْجَحُ طَرِيقُهُ. ۱۶ تَقَدَّمُوا إِلَيَّ. اسْمَعُوا هَذَا: لَمْ أَتَكَلَّمْ مِنَ الْبَدْءِ فِي الْخَفَاءِ مُنْذُ وُجُودِهِ أَنَا هُنَاكَ» وَالْآنَ السَّيِّدُ الرَّبُّ أَرْسَلَنِي وَرُوحُهُ. ۱۷ هَكَذَا يَقُولُ الرَّبُّ فَادِيكَ قُدُّوسُ إِسْرَائِيلَ: «أَنَا الرَّبُّ إِلَهُكَ مُعَلِّمُكَ لَتَنْتَفِعَ، وَأَمْشِيكَ فِي طَرِيقِ تَسْلُكِ فِيهِ. ۱۸ لَيْتَكَ أَصْغَيْتَ لَوْصَايَايَ، فَكَانَ كَنْهَرٌ سَلَامُكَ وَبِرٌّ كُلُّجَجِ الْبَحْرِ. ۱۹ وَكَانَ كَالرَّمْلِ نَسْلُكَ، وَذُرِّيَّةُ أَحْشَائِكَ كَأَحْشَائِهِ. لَا يَنْقَطِعُ وَلَا يُبَادُ اسْمُهُ مِنْ أَمَامِي. ۲۰ «أُخْرِجُوا مِنْ بَابِلَ، اهِرُّوا مِنْ أَرْضِ

الْكَلْدَانِيِّينَ. بِصَوْتِ التَّرْتِيمِ أَخْبِرُوا. نَادُوا بِهَذَا. شَبِّعُوهُ إِلَى أَقْصَى الْأَرْضِ. قُولُوا: قَدْ قَدَى الرَّبُّ عَبْدَهُ يَعْقُوبَ. ٢١
وَلَمْ يَعْطِشُوا فِي الْفَقَارِ الَّتِي سَيَّرَهُمْ فِيهَا. أَجْرَى لَهُمْ مِنَ الصَّخْرِ مَاءً، وَشَقَّ الصَّخْرَ فَفَاضَتِ الْمِيَاهُ. ٢٢ لَا
سَلَامَ، قَالَ الرَّبُّ لِلْأَشْرَارِ».

آزادی اسرائیل: ۱۲ «ای یعقوب بشنو، و ای اسرائیل که تو را فرا خوانده‌ام! من هو هستم؛ من اولم و من آخر. ۱۳ دست من بود که بنیان زمین را نهاد؛ دست راست من بود که آسمانها را گسترانید. چون آنها را فراخوانم، با هم به پا می‌خیزند. ۱۴ «پس همگی گرد هم آید و گوش فرا دهید! کدام یک از بتها اینها را اعلام کرده است؟ آن که خداوند دوستش می‌دارد، خشنودی او را بر ضد بابل عملی خواهد ساخت، و بازوی او بر کلدانیان فرود خواهد آمد. ۱۵ من سخن گفته‌ام، آری من؛ و او را فرا خوانده‌ام. من او را آوردم، و او در راه خویش کامیاب خواهد شد. ۱۶ نزدیک من آید و این را بشنوید: از آغاز، من در نهان سخن نگفته‌ام؛ از زمانی که این پدید آمد، من حضور داشته‌ام.» و اکنون سید پروردگار مرا و روح خود را فرستاده است. ۱۷ پروردگار فدیة دهنده تو، قدوس اسرائیل، چنین می‌فرماید: «من پروردگار خدای تو هستم، که تو را به آنچه به سود توسست تعلیم می‌دهم، و در طریقی که باید بروی هدایت می‌کنم. ۱۸ کاش که به فرامین من توجه می‌کردی! آنگاه سلامتی تو همچون نهر، و پارسایی تو همچون امواج دریا می‌بود. ۱۹ نسل تو همچون ریگ، بی‌شمار، و فرزندان همچون دانه‌های آن می‌بودند؛ نامشان هرگز منقطع نمی‌شد و از حضور من نابود نمی‌گشت.» ۲۰ از بابل به در آید! از میان کلدانیان بگریزید! با فریادهای شادی این خبر را اعلام کنید و آن را تا به کرانه‌های زمین منتشر ساخته، بگویید: «خداوند بنده خویش یعقوب را فدیة داده است.» ۲۱ آنگاه که ایشان را در بیابان رهبری کرد، هرگز تشنگی نکشیدند؛ از صخره برایشان آب جاری ساخت؛ صخره را شکافت و آب فوران کرد! ۲۲ اما خداوند می‌گوید: «شریران را سلامتی نیست.»

سفر اِشعْیَاء: الْأَصْحَاحُ التَّاسِعُ وَالْأَرْبَعُونَ * ۱:۴۹-۲۶

۱ اِسْمَعِي لِي أَيَّتُهَا الْجَزَائِرُ، وَاصْغَوْا أَيُّهَا الْأُمَمُ مِنْ بَعِيدٍ: الرَّبُّ مِنَ الْبَطْنِ دَعَانِي. مِنْ أَحْشَاءِ أُمِّي ذَكَرَ اسْمِي،
۲ وَجَعَلَ فَمِي كَسِيفٍ حَدٍّ. فِي ظِلِّ يَدِهِ خَبَّانِي وَجَعَلَنِي سَهْمًا مَبْرِيًّا. فِي كِنَانَتِهِ أَخْفَانِي. ۳ وَقَالَ لِي: «أَنْتَ عَبْدِي إِسْرَائِيلُ الَّذِي بِهِ أَتَمَجَّدُ». ۴ أَمَّا أَنَا فَقُلْتُ: «عَبْتًا تَعْبْتُ. بَاطِلًا وَفَارِغًا أَفْنَيْتُ قُدْرَتِي. لَكِنْ حَقِّي عِنْدَ الرَّبِّ، وَعَمَلِي عِنْدَ إِلَهِي». ۵ وَالْآنَ قَالَ الرَّبُّ جَابِلِي مِنَ الْبَطْنِ عَبْدًا لَهُ، لِإِرْجَاعِ يَعْقُوبَ إِلَيْهِ، فَيَنْصُمَ إِلَيْهِ إِسْرَائِيلُ فَاتَمَجَّدُ فِي عَيْنِي الرَّبِّ، وَإِلَهِي يَصِيرُ قُوَّتِي. ۶ فَقَالَ: «قَلِيلٌ أَنْ تَكُونَ لِي عَبْدًا لِإِقَامَةِ أَسْبَاطِ يَعْقُوبَ، وَرَدِّ مَحْفُوظِي إِسْرَائِيلَ. فَقَدْ جَعَلْتُكَ نُورًا لِلْأُمَمِ لِتَكُونَ خَلَاصِي إِلَى أَقْصَى الْأَرْضِ». ۷ هَكَذَا قَالَ الرَّبُّ فَادِّي

إِسْرَائِيلَ، قُدُّوسُهُ، لِلْمُهَانِ النَّفْسِ، لِمَكْرُوهِ الْأُمَّةِ، لِعَبْدِ الْمَسْلُطِينَ: «يَنْظُرُ مُلُوكٌ فَيَقُومُونَ. رُؤَسَاءُ فَيَسْجُدُونَ. لَأَجْلِ الرَّبِّ الَّذِي هُوَ أَمِينٌ، وَقُدُّوسِ إِسْرَائِيلَ الَّذِي قَدِ اخْتَارَكَ».

۱ ای سرزمینهای ساحلی، به من گوش فرا دهید! ای قومهای دوردست، توجه کنید! خداوند مرا از رَحِمِ فرا خواند، و از بطن مادرم مرا به نام صدا زد. ۲ دهان مرا چون شمشیر تیز ساخت، و مرا زیر سایه دست خود پنهان کرد. مرا تیرِ صیقلی ساخت، و در تَرکِش خود پنهانم کرد. ۳ مرا گفت: «تو بنده من اسرائیل هستی، که بوسیله او جلال خود را نمایان خواهم ساخت.» ۴ اما من گفتم: «بیهوده محنت کشیده‌ام و قوَّت خویش به باطل و عبث صرف کرده‌ام؛ اما به یقین حق من با خداوند است، و پاداش من، با خدای من.» ۵ و حال، خداوند چنین می‌فرماید، همان که مرا از رَحِمِ برای خدمت خویش بسرشت، تا یعقوب را نزدش بازآورم، و اسرائیل را گرد او جمع کنم، زیرا که در نظر خداوند محترم هستم، و خدای من قوَّت من است. ۶ آری، او چنین می‌فرماید: «این اندک است که تو بنده من باشی، تا قبایل یعقوب را بر پا بداری، و اسرائیلیانی را که محفوظ داشته‌ام، بازآوری؛ بلکه تو را نوری برای ملتها خواهم ساخت تا نجات مرا به کرانه‌های زمین برسانی.» ۷ خداوند، فدیة دهنده اسرائیل، و قدوس آن، به او که مورد تحقیر و انزجار قوم، و بنده سلاطین است، چنین می‌فرماید: «پادشاهان با دیدن تو بر پا خواهند ایستاد، و سروران روی بر زمین خواهند نهاد، به سبب خداوند که امین است و قدوس اسرائیل، که تو را برگزیده است.»

۸ هَكَذَا قَالَ الرَّبُّ: «فِي وَقْتِ الْقَبُولِ اسْتَجَبْتُكَ، وَفِي يَوْمِ الْخَلَاصِ أَعْتَنْتُكَ. فَأَحْفَظُكَ وَأَجْعَلُكَ عَهْدًا لِلشَّعْبِ، لِإِقَامَةِ الْأَرْضِ، لِتَمْلِكِكَ أَمْلاكَ الْبَرَارِيِّ، ۹ قَائِلًا لِلْأَسْرَى: اخْرُجُوا. لِلَّذِينَ فِي الظَّلَامِ: اظْهَرُوا. عَلَى الطَّرِيقِ يَرْعَوْنَ وَفِي كُلِّ الْهَضَابِ مَرْعَاهُمْ. ۱۰ لَا يَجُوعُونَ وَلَا يَعْطَشُونَ، وَلَا يَضْرِبُهُمْ حَرٌّ وَلَا شَمْسٌ، لِأَنَّ الَّذِي يَرْحَمُهُمْ يَهْدِيهِمْ وَإِلَى يَنَابِيعِ الْمِيَاهِ يُورِدُهُمْ. ۱۱ وَأَجْعَلُ كُلَّ جِبَالِي طَرِيقًا، وَمَنَاهِجِي تَرْفَعُ. ۱۲ هَؤُلَاءِ مِنْ بَعِيدٍ يَأْتُونَ، وَهَؤُلَاءِ مِنَ الشَّمَالِ وَمِنَ الْمَغْرِبِ، وَهَؤُلَاءِ مِنْ أَرْضِ سِينِيم.» ۱۳ تَرْتَمِي آيَتُهَا السَّمَاوَاتُ، وَابْتِهْجِي آيَتُهَا الْأَرْضُ. لِنَشِيدِ الْجِبَالِ بِالتَّرْنَمِ، لِأَنَّ الرَّبَّ قَدْ عَزَى شَعْبَهُ، وَعَلَى بَائِسِيهِ يَتَرَحَّمُ.

احیای اسرائیل: ۸ خداوند چنین می‌فرماید: «در زمان لطف، تو را اجابت کردم، و در روز نجات، یاریات دادم؛ تو را حفظ خواهم کرد، و عهده برای قوم خواهم ساخت، تا این سرزمین را آباد سازی، و آن را میانشان تقسیم کنی؛ ۹ تا به زندانیان بگویی: «خارج شوید» و به آنان که در تاریکی اند، بگویی: «ظاهر شوید»» آنان در کنار راهها خواهند چرید، و بر همه ارتفاعات خشک، چراگاه خواهند یافت. ۱۰ گرسنگی و تشنگی نخواهند کشید، و باد سوزان و آفتاب داغ آسیبی بدیشان نخواهد رسانید. زیرا آن که بر ایشان شفقت دارد رهبری‌شان خواهد کرد، و نزد چشمه‌های آب هدایتشان خواهد نمود. ۱۱ من همه کوههای خود را راه خواهم ساخت، و شاهراههای من افراشته خواهد شد. ۱۲ اینک آنان از دوردستها

می آیند؛ برخی از شمال، برخی از غرب، و برخی از دیار سینیم.» ۱۳ ای آسمانها بانگ شادی سر دهید، و ای زمین وجد نما! ای کوهها شادمانه بسرایید، زیرا خداوند قوم خود را تسلی می دهد، و بر ستمدگان خویش شفقت می کند.^{۱۸}

۱۴ وَقَالَتْ صِهْيَوْنُ: «قَدْ تَرَكَنِي الرَّبُّ، وَسَيِّدِي نَسِيَنِي». ۱۵ «هَلْ تَنْسَى الْمَرْأَةُ رَضِيعَهَا فَلَا تَرْحَمُ ابْنَ بَطْنِهَا؟ حَتَّى هُوَلَاءَ يَنْسِينَ، وَأَنَا لَا أَنْسَاكَ. ۱۶ هُوَذَا عَلَى كَفِّي نَقَشْتُكَ. أَسْوَارُكَ أَمَامِي دَائِمًا. ۱۷ قَدْ أَسْرَعَ بَنُوكَ. هَادِمُوكَ وَمُخْرِبُوكَ مِنْكَ يَخْرُجُونَ. ۱۸ اِرْفَعِي عَيْنَيْكَ حَوَالَيْكَ وَانْظُرِي. كُلُّهُمْ قَدْ اجْتَمَعُوا، أَتَوْا إِلَيْكَ. حَيَّ أَنَا، يَقُولُ الرَّبُّ، إِنَّكَ تَلْبَسِينَ كُلَّهُمْ كَحُلِيِّ، وَتَنْطَقِينَ بِهِمْ كَعَرُوسٍ. ۱۹ إِنَّ خَرَبَكَ وَبِرَارِيكَ وَأَرْضَ خَرَابِكَ، إِنَّكَ تَكُونِينَ الْآنَ ضَيْقَةً عَلَى السَّكَّانِ، وَتَبْتَاعِدُ مُبْتَلِعُوكَ. ۲۰ يَقُولُ أَيْضًا فِي أُذُنِكَ بَنُو ثُكَلِكَ: ضَيْقٌ عَلَيَّ الْمَكَانُ. وَسَيَعِي لِي لِأَسْكُنَ. ۲۱ فَتَقُولِينَ فِي قَلْبِكَ: مَنْ وَلَدَ لِي هُوَلَاءَ وَأَنَا ثُكَلِي، وَعَاقِرٌ مَنْفِيَةٌ وَمَطْرُودَةٌ؟ وَهُوَلَاءَ مَنْ رَبَّاهُمْ؟ هَازِدًا كُنْتُ مَتْرُوكَةً وَخَلِي. هُوَلَاءَ أَيْنَ كَانُوا؟».

۱۴ اما صهیون گفته است: «خداوند مرا ترک کرده، و خداوند گار مرا از یاد برده است.» ۱۵ «آیا ممکن است مادر کودک شیرخواره خود را فراموش کند، و بر پسر رحم خویش ترحم ننماید؟ اینان ممکن است فراموش کنند، اما من هرگز تو را فراموش نخواهم کرد. ۱۶ بین، تو را بر کف دستهایم نقش کرده ام، و حصارهایت پیوسته در نظر من است. ۱۷ پسرانت به شتاب باز خواهند آمد و آنان که تو را ویران کردند، از تو دور خواهند شد. ۱۸ سر برافراز و به اطراف خود بنگر، همه پسرانت گرد آمده، نزدت خواهند آمد.

^{۱۸} معزی یا تسلی دهنده از جمله القاب قائم آل محمد، مهدی اول و یمانی موعود، است، که در آخرالزمان بر اهل مشرق خروج می کند و رسول و فرستاده ای از جانب عیسی (ع) است. در انجیل به او بشارت داده شده و از قول حضرت عیسی (ع) آمده است: «۷ لَكِنِّي أَقُولُ لَكُمْ الْحَقَّ: إِنَّهُ خَيْرٌ لَكُمْ أَنْ أَنْطَلِقَ، لِأَنَّهُ إِنْ لَمْ أَنْطَلِقْ لَا يَأْتِيَكُمُ الْمُعْزِي، وَلَكِنْ إِنْ ذَهَبْتُ أَرْسِلُهُ إِلَيْكُمْ. ۸ وَمَتَى جَاءَ ذَاكَ يُبَكِّتُ الْعَالَمَ عَلَى خَطِيئَةٍ وَعَلَى بَرٍّ وَدَيْنُونَةٍ. ۹ أَمَّا عَلَى خَطِيئَةٍ فَلَا تَنْهَمُ لَا يُؤْمِنُونَ بِي. ۱۰ وَأَمَّا عَلَى بَرٍّ فَلَا تَبِي ذَاهِبٌ إِلَى أَبِي وَلَا تَرَوْنِي أَيْضًا. ۱۱ وَأَمَّا عَلَى دَيْنُونَةٍ فَلَا تَرَوْنَ رَئِيسَ هَذَا الْعَالَمِ قَدْ دِينَ. ۱۲» «إِنَّ لِي أُمُورًا كَثِيرَةً أَيْضًا لِأَقُولَ لَكُمْ، وَلَكِنْ لَا تَسْتَطِيعُونَ أَنْ تَحْتَمِلُوا الْآنَ. ۱۳ وَأَمَّا مَتَى جَاءَ ذَاكَ، رُوحُ الْحَقِّ، فَهُوَ يَرْشِدُكُمْ إِلَى جَمِيعِ الْحَقِّ، لِأَنَّهُ لَا يَتَكَلَّمُ مِنْ نَفْسِهِ، بَلْ كُلُّ مَا يَسْمَعُ يَتَكَلَّمُ بِهِ، وَيُخْبِرُكُمْ بِأُمُورٍ آتِيَةٍ. ۱۴ ذَاكَ يُمَجِّدُنِي، لِأَنَّهُ يَأْخُذُ مِمَّا لِي وَيُخْبِرُكُمْ» (۷ با وجود این، من حقیقت را به شما می گویم، رفتن من به نفع شماست؛ زیرا اگر نروم، آن تسلی دهنده به هیچ وجه نزد شما نخواهد آمد. اما اگر بروم، او را نزد شما می فرستم. ۸ هنگامی که او بیاید، در خصوص گناه، عدالت و داوری، گواهی قانع کننده به دنیا خواهد داد: ۹ نخست، گواه در خصوص گناه؛ این که به من ایمان نمی ورزند. ۱۰ سپس گواه در خصوص عدالت؛ این که نزد پدر می روم و آنگاه شما دیگر مرا نخواهید دید. ۱۱ همچنین گواه در خصوص داوری؛ این که حکمران این دنیا محکوم شده است. ۱۲ من هنوز بسیار چیزهای دیگر دارم که به شما بگویم، ولی اکنون توان درک آنها را ندارید. ۱۳ اما زمانی که آن روح حق راستی بیاید، او شما را به تمام حق راهنمایی خواهد کرد؛ زیرا از خود چیزی نمی گوید، بلکه آنچه می شنود، خواهد گفت و آنچه در پیش است، به شما اعلام خواهد کرد. ۱۴ همان مرا جلال خواهد داد؛ زیرا او از آنچه از آن من است، خواهد گرفت و به شما اعلام خواهد کرد). انجیل یوحنا، اصحاح ۱۶، آیات ۷-۱۴.

خداوند می فرماید: به حیات خود قسم، تو تمام آنها را همچون زیور خواهی پوشید، و همچون عروس به آنها آراسته خواهی شد. ۱۹ «هرچند ویران و متروک شده‌ای و سرزمینت خرابه‌ای بیش نیست، اما اکنون از کثرت ساکنان تنگ خواهی شد، و آنان که تو را فرو می‌بلعیدند دور خواهند گشت. ۲۰ فرزندان ایام داغداریات، در گوش تو خواهند گفت: "این مکان برای ما بس تنگ است؛ جای بیشتر برای سکونت ما فراهم کن." ۲۱ آنگاه در دل خود خواهی گفت: "اینها را چه کسی برایم زاده است؟ من که داغدیده و نازا بودم، تبعیدی و طرد شده بودم؛ پس اینها را چه کسی پرورانیده است؟! یگه و تنها به حال خود رها شده بودم، پس اینها از کجا آمده‌اند؟!"

۲۲ هَكَذَا قَالَ السَّيِّدُ الرَّبُّ: «هَآ إِنِّي أَرْفَعُ إِلَى الْأُمَمِ يَدِي وَإِلَى الشُّعُوبِ أُقِيمُ رَأْيِي، فَيَأْتُونَ بِأَوْلَادِكَ فِي الْأَخْصَانِ، وَبَنَاتُكَ عَلَى الْأَكْتَفِ يُحْمَلْنَ. ۲۳ وَيَكُونُ الْمُلُوكُ حَاضِنِيكَ وَسَيِّدَاتُهُمْ مُرْضِعَاتِكَ. بِالْوَجْهِ إِلَى الْأَرْضِ يَسْجُدُونَ لَكَ، وَيَلْحَسُونَ غُبَارَ رِجْلَيْكَ، فَتَعْلَمِينَ أَنِّي أَنَا الرَّبُّ الَّذِي لَا يَخْزَى مُتَظَرُّوهُ». ۲۴ هَلْ تُسَلِّبُ مِنَ الْجَبَّارِ غَنِيمَةً؟ وَهَلْ يُفْلِتُ سَبْيُ الْمَنْصُورِ؟ ۲۵ فَإِنَّهُ هَكَذَا قَالَ الرَّبُّ: «حَتَّى سَبْيِ الْجَبَّارِ يُسَلِّبُ، وَغَنِيمَةُ الْعَاتِي تَفْلِتُ. وَأَنَا أَخَاصِمُ مُخَاصِمِكَ وَأُخَلِّصُ أَوْلَادَكَ، ۲۶ وَأُطْعِمُ ظَالِمِيكَ لَحْمَ أَنْفُسِهِمْ، وَيَسْكُرُونَ بِدَمِهِمْ كَمَا مِنْ سُلَافٍ، فَيَعْلَمُ كُلُّ بَشَرٍ أَنِّي أَنَا الرَّبُّ مُخَلِّصُكَ، وَقَادِيكَ عَزِيزُ يَعْقُوبَ».

۲۲ سید پروردگار چنین می گوید: «اینک دست خود را به سوی قومها دراز می کنم، و علم خویش را به سوی آنها برمی افرازم؛ آنان پسران تو را بر دستهای خویش خواهند آورد، و دخترانت را بر دوش خود حمل خواهند کرد. ۲۳ پادشاهان پدرخوانده تو خواهند بود، و ملکه‌ها دایه‌ات. در برابر خم شده، روی بر زمین خواهند نهاد، و خاک پایت را خواهند لیسید. آنگاه خواهی دانست که من پروردگار هستم، و هر که بر من امید بندد سرافکنده نخواهد شد. ۲۴ آیا غنیمت از دست ستم‌پیشه باز گرفته می‌شود؟ آیا اسیران از دست جنگاور آزاد می‌گردند؟ ۲۵ اما خداوند چنین می فرماید: «آری، اسیران از چنگ ستم‌پیشه رهانیده خواهند گشت، و غنیمت از دست جنگاور باز گرفته خواهد شد. من با مخالفان تو مخالفت خواهم کرد، و من فرزندان تو را نجات خواهم داد. ۲۶ من به آنان که بر تو ستم کردند گوشت تن خودشان را خواهم خورانید، و به خون خویش مست خواهند شد، آن سان که به شراب. آنگاه تمامی بشر خواهند دانست که من پروردگار، نجات‌دهنده و رهاننده تو، و عزیز یعقوب هستم.»

سفر اشعیاء: الأصْحاحُ الْخَمْسُونَ * ۵۰:۱-۱۱

۱ هَكَذَا قَالَ الرَّبُّ: «أَيْنَ كِتَابُ طَلَاقِ أُمِّكُمْ الَّتِي طَلَقْتَهَا، أَوْ مَنْ هُوَ مِنْ غُرْمَائِي الَّذِي بَعَثْتُ إِيَّاكُمْ؟ هُوَذَا مِنْ أَجْلِ آثَامِكُمْ قَدْ بُعِثْتُ، وَمِنْ أَجْلِ ذُنُوبِكُمْ طَلَقْتُ أُمَّكُمْ. ۲ لِمَادَا جِئْتُ وَلَيْسَ إِنْسَانٌ، نَادَيْتُ وَلَيْسَ مُجِيبٌ؟ هَلْ

قَصَرْتُ يَدَيَّ عَنِ الْفِدَاءِ؟ وَهَلْ لَيْسَ فِيَّ قُدْرَةٌ لِلْإِنْقَازِ؟ هُوَذَا بَزَجَرْتِي أَنْشِفُ الْبَحْرَ. أَجْعَلُ الْإِنِّهَارَ قَفْرًا. يُتَبَّنُّ سَمَكُهَا مِنْ عَدَمِ الْمَاءِ، وَيَمُوتُ بِالْعَطَشِ. ٣ أَلَيْسَ السَّمَاوَاتُ ظَلَامًا، وَأَجْعَلُ الْمُسَحَّ غِطَاءَهَا. ٤ أَغْطَانِي السَّيِّدُ الرَّبُّ لِسَانَ الْمُتَعَلِّمِينَ لِأَعْرِفَ أَنْ أُغِيثَ الْمُعْيِي بِكَلِمَةٍ. يُوقِظُ كُلَّ صَبَاحٍ لِي أُذُنًا، لِأَسْمَعَ كَالْمُتَعَلِّمِينَ. ٥ السَّيِّدُ الرَّبُّ فَتَحَ لِي أُذُنًا وَأَنَا لَمْ أَغَانِدْ. إِلَى الْوَرَاءِ لَمْ أَرْتَدَّ. ٦ بَذَلْتُ ظَهْرِي لِلضَّارِبِينَ، وَخَدَّيَّ لِلنَّاتِفِينَ. وَجْهِي لَمْ أَسْتُرْ عَنِ الْعَارِ وَالْبُصْقِ. ٧ وَالسَّيِّدُ الرَّبُّ يُعِينُنِي، لِذَلِكَ لَا أَخْجَلُ. لِذَلِكَ جَعَلْتُ وَجْهِي كَالصَّوَّانِ وَعَرَفْتُ أَنِّي لَا أَخْزَى. ٨ قَرِيبُ هُوَ الَّذِي يُبَرِّرُنِي. مَنْ يُخَاصِمُنِي؟ لِنَتَوَاقَفْ! مَنْ هُوَ صَاحِبُ دَعْوَى مَعِي؟ لِيَتَقَدَّمْ إِلَيَّ! ٩ هُوَذَا السَّيِّدُ الرَّبُّ يُعِينُنِي. مَنْ هُوَ الَّذِي يَحْكُمُ عَلَيَّ؟ هُوَذَا كُلُّهُمْ كَالثُّوبِ يَبْلُوْنَ. يَا كُلُّهُمْ الْعُثُ. ١٠ مَنْ مِنْكُمْ خَائِفُ الرَّبِّ، سَامِعُ لَصَوْتِ عَبْدِهِ؟ مَنْ الَّذِي يَسْأَلُ فِي الظُّلُمَاتِ وَلَا نُورَ لَهُ؟ فَلْيَتَّكِلْ عَلَى اسْمِ الرَّبِّ وَيَسْتَنْدِ إِلَى إِلَهِهِ. ١١ يَا هَؤُلَاءِ جَمِيعُكُمْ، الْقَادِحِينَ نَارًا، الْمُتَنَطِّقِينَ بِشَرٍّ، اسْلُكُوا بِنُورِ نَارِكُمْ وَبِالشَّرَارِ الَّذِي أَوْقَدْتُمُوهُ. مِنْ يَدَيَّ صَارَ لَكُمْ هَذَا. فِي الْوَجَعِ تَضْطَجِعُونَ.

۱ خداوند چنین می‌فرماید: «طلاقاً مادر شما کجاست که بدان او را طلاق دادم؟ یا کدام یک از طلبکاران من است که شما را بدو فروختم؟ به یقین به سبب گناهانتان بود که فروخته شدید، و به سبب نافرمانیهای شما بود که مادرتان طلاق داده شد. ۲ چرا آنگاه که آمدم کسی نبود؟ و چون خواندم چرا کسی پاسخ نمی‌گفت؟ آیا دست من از فدیهِ کوتاه شده است؟ و آیا مرا قدرت رهانیدن نیست؟ هان، دریا را به عتابی خشک می‌سازم، و نه‌رها را بیابان می‌گردانم، آن سان که ماهیان از بی‌آبی بوی تعفن می‌دهند، و از تشنگی می‌میرند. ۳ آسمان را سیاهپوش می‌سازم، و پلاس را پوشش آن می‌گردانم.» ۴ سیدِ پروردگار زبانِ شاگرد به من بخشیده است تا بدانم چگونه خستگان را به کلام تقویت دهم. او صبح به صبح بیدارم می‌کند؛ آری، گوش مرا بیدار می‌کند تا همچون شاگردان بشنوم. ۵ سیدِ پروردگار گوش مرا گشود، و من سرکشی نکردم و روی برنیتافتم. ۶ پشت خود را به آنان سپردم که مرا زدند، و رخسار خویش را به آنان که ریش مرا کنند؛ آری از رسوایی و آب دهان، روی خود را نپوشاندم. ۷ از آنجا که سیدِ پروردگار یاری‌ام می‌دهد، هرگز رسوا نخواهم شد. پس روی خود را چون سنگ خارا ساختم، و می‌دانم که سرافکننده نخواهم شد. ۸ آن که مرا تبرئه می‌کند نزدیک است، پس کیست که مرا متهم سازد، تا رو در رو بایستیم! مدعی من کیست؟ بگذار نزدیک من آید. ۹ هان سیدِ پروردگار یاری‌ام می‌دهد، پس کیست که مرا محکوم کند؟ آنان جملگی همچون جامه مندرس خواهند شد، و بید آنها را خواهد خورد. ۱۰ کیست از شما که از خداوند بترسد، و سخن بنده او را بشنود؟ چه کسی در تاریکی ساکن است و روشنایی ندارد؟ پس باید که بر نام پروردگار توکل کند و بر خدای خویش اعتماد نماید. ۱۱ اما همه شما که آتش می‌افروزید، و به مشعلها مجهزید، بروید و در نور آتش خویش سالک شوید، در نور مشعلهایی که افروخته‌اید. اما این از دست من به شما خواهد رسید که در عذاب خواهید مرد!

سفر اشعیا : الأصحاح الحادی والخمسون * ۵۱:۱-۲۳

۱ «اسْمَعُوا لِي أَيُّهَا التَّابِعُونَ الْبِرِّ الطَّالِبُونَ الرَّبَّ: انْظُرُوا إِلَى الصَّخْرِ الَّذِي مِنْهُ قُطِعْتُمْ، وَإِلَى نُقْرَةِ الْجُبِّ الَّتِي مِنْهَا حُفِرْتُمْ. ۲ انْظُرُوا إِلَى إِبْرَاهِيمَ أَبِيكُمْ، وَإِلَى سَارَةَ الَّتِي وَلَدَتْكُمْ. لِأَنِّي دَعَوْتُهُ وَهُوَ وَاحِدٌ وَبَارَكْتُهُ وَأَكْثَرْتُهُ. ۳ فَإِنَّ الرَّبَّ قَدْ عَزَى صِهْيَوْنَ. عَزَى كُلَّ خَرِبِهَا، وَيَجْعَلُ بُرِّيَّتَهَا كَعَدْنٍ، وَبَادِيَتَهَا كَجَنَّةِ الرَّبِّ. الْفَرْحُ وَالْإِبْتِهَاجُ يُوجَدَانِ فِيهَا. الْحَمْدُ وَصَوْتُ التَّرْتِيمِ. ۴ «انْصُتُوا إِلَيَّ يَا شَعْبِي، وَيَا أُمَّتِي اصْغِي إِلَيَّ: لِأَنَّ شَرِيعَةً مِنْ عِنْدِي تَخْرُجُ، وَحَقِّي أَثْبِتُهُ نُورًا لِلشُّعُوبِ. ۵ قَرِيبُ بَرِّي. قَدْ بَرَزَ خَلَاصِي، وَذِرَاعَايَ يَقْضِيَانِ لِلشُّعُوبِ. إِنِّي تَرْجُو الْجَزَائِرُ وَتَنْتَظِرُ ذِرَاعِي.

۱ ای پیروان پارسایی، و ای جویندگان خداوند، به من گوش فرا دهید: به صخره‌ای که از آن گرفته شدید نظر کنید، به آن معدن سنگ که از آن تراشیده شدید. ۲ پدرتان ابراهیم را در نظر آورید، و سارا را که شما را بزاد: آنگاه که او را فرا خواندم یک تن بیش نبود، اما من او را برکت دادم و کثیر ساختم. ۳ زیرا خداوند براستی صهیون را تسلی خواهد داد، و همه ویرانه‌هایش را دلداری خواهد بخشید؛ او بیابانش را همچون باغ عدن خواهد ساخت، و زمین خشکش را همچون باغ خداوند. خوشی و شادی در آن یافت خواهد شد، و هم شکرگزاری و نغمه سرود. ۴ «ای قوم من، به من توجه کنید، و ای مردم من، به من گوش بسپارید: شریعت از نزد من صادر خواهد شد و انصافم را چون نوری برای قومیها برقرار خواهم ساخت. ۵ عدالت من نزدیک شده، و نجات من در راه است؛ بازوی من قومیها را دادرسی خواهد کرد. چشم امید سرزمینهای ساحلی به من است، و برای بازوی من انتظار می‌کشند.

۶ «ارْفَعُوا إِلَى السَّمَاوَاتِ عُيُونَكُمْ، وَانْظُرُوا إِلَى الْأَرْضِ مِنْ تَحْتِ. فَإِنَّ السَّمَاوَاتِ كَالْدِّخَانِ تَضْمَحِلُ، وَالْأَرْضُ كَالثُّوبِ تَبْلَى، وَسُكَّانُهَا كَالْبَعُوضِ يَمُوتُونَ. أَمَّا خَلَاصِي فَإِلَى الْأَبَدِ يَكُونُ وَبَرِّي لَا يُقْضَى. ۷ اسْمَعُوا لِي يَا عَارِفِي الْبِرِّ، الشَّعْبُ الَّذِي شَرِيعَتِي فِي قَلْبِهِ: لَا تَخَافُوا مِنْ تَغْيِيرِ النَّاسِ، وَمِنْ شَتَائِمِهِمْ لَا تَرْتَاغُوا، ۸ لِأَنَّهُ كَالثُّوبِ يَأْكُلُهُمُ الْعُثُّ، وَكَالْصُّوفِ يَأْكُلُهُمُ السُّوسُ. أَمَّا بَرِّي فَإِلَى الْأَبَدِ يَكُونُ، وَخَلَاصِي إِلَى دَوْرِ الْأَدْوَارِ».

۶ چشمان خود را به سوی آسمانها برافرازید، و پایین به زمین بنگرید. آسمانها همچون دود ناپدید خواهند شد، زمین چون جامه، مندرس خواهد گشت، و ساکنانش بسان مگسان خواهند مرد. اما نجات من تا به ابد باقی خواهد ماند، و عدالتم هرگز زوال نخواهد پذیرفت. ۷ «ای کسانی که عدالت را می‌شناسید، و ای قومی که شریعت مرا در دل دارید، به من گوش فرا دهید! از سرزنش مردمان مه‌راسید، و از دشنامهای آدمیان پروا مدارید. ۸ زیرا بید، ایشان را چون جامه خواهد زد، و کرم، ایشان را چون پشم خواهد خورد. اما عدالت من تا به ابد باقی خواهد ماند، و نجات من، نسل اندر نسل.»

۹ اسْتَيْقِظِي، اسْتَيْقِظِي! الْبُسْيُ قُوَّةٌ يَا ذِرَاعَ الرَّبِّ! اسْتَيْقِظِي كَمَا فِي أَيَّامِ الْقَدَمِ، كَمَا فِي الْأَدْوَارِ الْقَدِيمَةِ. أَلَسْتَ أَنْتِ الْقَاطِعَةُ رَهَبَ، الطَّاعِنَةُ التَّيْنِ؟ ۱۰ أَلَسْتَ أَنْتِ هِيَ الْمُنْشِفَةُ الْبَحْرَ، مِثْلَ الْعَمْرِ الْعَظِيمِ، الْجَاعِلَةِ أَعْمَاقَ الْبَحْرِ طَرِيقًا لِعُبُورِ الْمَفْدِيِّينَ؟ ۱۱ وَمَفْدِيُو الرَّبِّ يَرْجِعُونَ وَيَأْتُونَ إِلَى صِهْيُونَ بِالترُّمِ، وَعَلَى رُؤُوسِهِمْ فَرْحٌ أَبَدِيٌّ. ابْتِهَاجٌ وَفَرْحٌ يُدْرِكُهُمْ. يَهْرُبُ الْحُزْنُ وَالتَّهْدُ. ۱۲ «أَنَا أَنَا هُوَ مُعْزِيكُمْ. مَنْ أَنْتِ حَتَّى تَخَافِي مِنْ إِنْسَانٍ يَمُوتُ، وَمِنْ ابْنِ الْإِنْسَانِ الَّذِي يُجْعَلُ كَالْعُشْبِ؟ ۱۳ وَتَنْسَى الرَّبَّ صَانِعَكَ، بَاسِطَ السَّمَاوَاتِ وَمُؤَسِّسَ الْأَرْضِ، وَتَفْرَعُ دَائِمًا كُلَّ يَوْمٍ مِنْ غَضَبِ الْمُضْأِقِ عِنْدَمَا هَيَّا لِلْإِهْلَآكِ. وَأَيْنَ غَضَبُ الْمُضْأِقِ؟ ۱۴ سَرِيعًا يُطْلَقُ الْمُنْحَنِي، وَلَا يَمُوتُ فِي الْجُبِّ وَلَا يُعْذَمُ خُبْزُهُ. ۱۵ وَأَنَا الرَّبُّ إِلَهُكَ مُرْعِجُ الْبَحْرِ فَتَعِجُ لُجْجُهُ. رَبُّ الْجُنُودِ اسْمُهُ. ۱۶ وَقَدْ جَعَلْتُ أَقْوَالِي فِي فَمِكَ، وَبِظِلِّ يَدِي سَتَرْتُكَ لِغَرْسِ السَّمَاوَاتِ وَتَأْسِيسِ الْأَرْضِ، وَلِتَقُولَ لَصِهْيُونَ: أَنْتِ شَعْبِي».

۹ بیدار شو، ای بازوی خداوند، بیدار شو، و خویشتن را به قوتِ ملبس ساز! همچون ایامِ قدیم و بسانِ نسلهای پیشین، بیدار شو! آیا تو همان نیستی که 'رَهَب' را قطعه قطعه کردی و ازدها را مجروح ساختی؟ ۱۰ آیا تو همان نیستی که دریا را خشکانیدی، آبهای ژرفای عظیم را؟ که در اعماق دریا راهی ساختی، تا رهایی یافتگان عبور کنند؟ ۱۱ آری، فدیهدگان خداوند باز خواهند گشت؛ آنان سرودخوانان به صهیون داخل خواهند شد، و شادی جاودانی زینت بخش سرشان خواهد بود. به شادمانی و خوشی خواهند رسید، و غم و ناله خواهد گریخت. ۱۲ «من هستم، من، که شما را تسلی می دهم؛ پس تو کیستی که از انسان فانی ترسانی، از بنی آدم که علفی بیش نیست؟ ۱۳ خداوند، آفریننده خود را، فراموش کرده ای، آنکه آسمانها را گسترانید و زمین را بنیان نهاد؛ تمام روز از خشم ستمکاری که آماده هلاک کردن است هراسانی، اما برآستی خشم ستمکار کجاست؟ ۱۴ زندانیان ذلیل شده به زودی آزاد خواهند شد؛ و در سیاهچال نخواهند مرد، و محتاج نان نخواهند شد. ۱۵ زیرا من پروردگارِ خدای شما هستم، همان که دریا را به تلاطم می آورد تا امواجش بخروشند؛ نام او پروردگار لشکریانست. ۱۶ من کلام خود را در دهان تو نهادم، و تو را زیر سایه دست خویش پوشانیدم. تا آسمانها را استوار سازی، و زمین را بنیان نهی؛ تا به صهیون بگویی: "تو قوم من هستی."

۱۷ اِنْهَضِي، اِنْهَضِي! قَوْمِي يَا أُورُشَلِيمُ الَّتِي شَرِبْتَ مِنْ يَدِ الرَّبِّ كَأْسَ غَضَبِهِ، تُفْلَ كَأْسَ التَّرْتِجِ شَرِبْتَ. مَصَصْتَ. ۱۸ لَيْسَ لَهَا مَنْ يَقُوذُهَا مِنْ جَمِيعِ الْبَنِينَ الَّذِينَ وَلَدَتْهُمْ، وَلَيْسَ مَنْ يُمْسِكُ بِيَدِهَا مِنْ جَمِيعِ الْبَنِينَ الَّذِينَ رَبَّتَهُمْ. ۱۹ اِئْتَانِ هُمَا مُلَاقِيَاكَ. مَنْ يَرْتِي لَكَ؟ الْخَرَابُ وَالْأَنْسِحَاقُ وَالْجُوعُ وَالسَّيْفُ. بِمَنْ أُعْزِيكَ؟ ۲۰ بَنُوكِ قَدْ أَغْيَوْا. اضْطَجَعُوا فِي رَأْسِ كُلِّ زَقَاقٍ كَالْوَعْلِ فِي شَبَكَةٍ. الْمَلَأُونِ مِنْ غَضَبِ الرَّبِّ، مِنْ زَجَرَةِ إِلَهُكَ. ۲۱ لِذَلِكَ اسْمَعِي هَذَا أَيْتُهَا الْبَائِسَةُ وَالسَّكْرَى وَلَيْسَ بِالْخَمْرِ. ۲۲ هَكَذَا قَالَ سَيِّدُكَ الرَّبُّ، وَإِلَهُكَ الَّذِي يُحَاكِمُ لِشَعْبِهِ: «هَآنَذَا قَدْ أَخَذْتُ مِنْ يَدِكَ كَأْسَ التَّرْتِجِ، تُفْلَ كَأْسَ غَضَبِي. لَا تَعُوْدِينَ تَشْرَبِينَهَا فِي مَا

بَعْدُ. ۲۳ وَأَضَعَهَا فِي يَدِ مُعَذِّبِكِ الَّذِينَ قَالُوا لِنَفْسِكَ: أَنْحَنِي لِنَعْبُرَ. فَوَضَعَتْ كَالْأَرْضِ ظَهْرَكَ وَكَالزَّقَاقِ لِلْعَابِرِينَ».

۱۷ خویشتن را برانگیز، ای اورشلیم! خویشتن را برانگیز و بر پا بایست، ای تو که جام غضب خداوند را از دست او نوشیدی، و آن جام سرگیجه آور را تا به آخر سر کشیدی! ۱۸ از تمام پسرانی که زاده ای کسی نیست که تو را رهبری کند، و از تمام پسرانی که پرورده ای یکی نیست که دستت را بگیرد. ۱۹ این دو بلا بر تو نازل شده است؛ کیست که با تو ماتم کند؟ ویرانی و هلاکت، قحطی و شمشیر؛ کیست که تو را تسلی بخشد؟ ۲۰ پسران تو ضعف کرده اند و بر سر هر کوی و برزن افتاده اند، همچون آهویی گرفتار در دام. از خشم خداوند پر گشته اند، و از توبیخ خدایت آکنده اند. ۲۱ پس ای ستمدیده، این را بشنو؛ ای تو که مستی اما نه از شراب! ۲۲ سید و پروردگار تو چنین می گوید، خدای تو که از حق قومش دفاع می کند: «اینک جام سرگیجه آور را از دست تو می گیرم، و از پیاله غضب من دیگر نخواهی نوشید. ۲۳ آن را در دست عذاب کنندگان تو می نهم، که به تو می گفتند: "خم شو تا بر تو پا نهم"، و تو پشت را مانند زمین می ساختی، و مانند کوچه، تا بر تو بگذرند.»

سفر اشعیاء: الأصحاح الثانی وَالْخَمْسُونَ * ۵۲:۱-۱۵

۱ اسْتَيْقِظِي، اسْتَيْقِظِي! الْبَسِي عِزَّكَ يَا صِهْيُونُ! الْبَسِي ثِيَابَ جَمَالِكَ يَا أُورُشَلِيمُ، الْمَدِينَةُ الْمُقَدَّسَةُ، لِأَنَّهُ لَا يَعُودُ يَدْخُلُكَ فِي مَا بَعْدُ أَغْلَفٌ وَلَا نَجِسٌ. ۲ اِنْتَفِضِي مِنَ التُّرَابِ. قُومِي اجْلِسِي يَا أُورُشَلِيمُ. اِنْخَلِّي مِنْ رُبُطِ عُنُقِكَ أَيْتَهَا الْمَسِييَةُ ابْنَةُ صِهْيُونِ. ۳ فَإِنَّهُ هَكَذَا قَالَ الرَّبُّ: «مَجَانًا بُعْتُمْ، وَبِلَا فِضَّةٍ تَفْكُونُ». ۴ لِأَنَّهُ هَكَذَا قَالَ السَّيِّدُ الرَّبُّ: «إِلَى مِصْرَ نَزَلَ شَعْبِي أَوَّلًا لِيَتَغَرَّبَ هُنَاكَ. ثُمَّ ظَلَمَهُ أَشُورٌ بِلَا سَبَبٍ. ۵ فَالآنَ مَاذَا لِي هُنَا، يَقُولُ الرَّبُّ، حَتَّى أَخِذَ شَعْبِي مَجَانًا؟ الْمُتَسَلِّطُونَ عَلَيْهِ يَصِيحُونَ، يَقُولُ الرَّبُّ، وَدَائِمًا كُلَّ يَوْمٍ اسْمِي يُهَانُ. ۶ لِذَلِكَ يَعْرِفُ شَعْبِي اسْمِي. لِذَلِكَ فِي ذَلِكَ الْيَوْمِ يَعْرِفُونَ أَنِّي أَنَا هُوَ الْمُتَكَلِّمُ. هَآنَذَا».

۱ بیدار شو، ای صهیون، بیدار شو، و خویشتن را به قوت ملبس ساز! ای اورشلیم، ای شهر مقدس، جامه زیبای خویش در بر کن! زیرا ختنه ناشده و نجس دیگر هرگز به تو داخل نخواهد شد. ۲ ای اورشلیم، غبار از خود بتکان، و برخاسته، بر تخت بنشین! ای دختر صهیون که اسیر شده ای، زنجر از گردن خود بگشا! ۳ زیرا خداوند چنین می فرماید: «مفت فروخته شدید، و به رایگان نیز باز خرید خواهید شد.» ۴ زیرا سید پروردگار چنین می فرماید: «نخست قوم من به مصر فرود آمدند تا در آنجا ساکن شوند؛ سپس آشور بی سبب بر آنان ستم کرد.» ۵ اما خداوند می فرماید: «اکنون در اینجا مرا چه کار است، زیرا که قوم من مفت اسیر شده اند، و آنان که بر ایشان حاکمند فریاد بر می آورند.» و خداوند می فرماید: «نام مرا هر روز

پیوسته کفر می گویند. ۶ پس قوم من نام مرا خواهند شناخت، و در آن روز خواهند دانست که من هستم که سخن می گویم؛ آری، من هستم!»

۷ مَا أَجْمَلَ عَلَى الْجِبَالِ قَدَمِي الْمُبَشِّرِ، الْمُبَشِّرِ بِالسَّلَامِ، الْمُبَشِّرِ بِالْخَيْرِ، الْمُبَشِّرِ بِالْخَلَاصِ، الْقَائِلِ لِصِهْيُونِ: «قَدْ مَلَكَ إِلَهُكَ!». ۸ صَوْتُ مُرَاقِبِيكَ. يَرْفَعُونَ صَوْتَهُمْ. يَتَرْتَمُونَ مَعًا، لِأَنَّهُمْ يُبْصِرُونَ عَيْنًا لَعْنَةً عِنْدَ رُجُوعِ الرَّبِّ إِلَى صِهْيُونِ. ۹ أَشِيدِي تَرْتَمِي مَعًا يَا خَرْبَ أُورُشَلِيمَ، لِأَنَّ الرَّبَّ قَدْ عَزَى شَعْبَهُ. قَدَى أُورُشَلِيمَ. ۱۰ قَدْ سَمَرَ الرَّبُّ عَنْ ذِرَاعِ قُدْسِهِ أَمَامَ عَيْنُونِ كُلِّ الْأُمَمِ، فَتَرَى كُلُّ أَطْرَافِ الْأَرْضِ خَلَاصَ إِلَهِنَا. ۱۱ اغْتَرِلُوا، اغْتَرِلُوا. اخْرُجُوا مِنْ هُنَاكَ. لَا تَمَسُّوا نَجِسًا. اخْرُجُوا مِنْ وَسْطِهَا. تَطَهَّرُوا يَا حَامِلِي أُنْيَةَ الرَّبِّ. ۱۲ لِأَنَّكُمْ لَا تَخْرُجُونَ بِالْعَجَلَةِ، وَلَا تَذْهَبُونَ هَارِبِينَ. لِأَنَّ الرَّبَّ سَائِرُ أَمَامَكُمْ، وَإِلَهُ إِسْرَائِيلَ يَجْمَعُ سَاقَتَكُمْ.

۷ چه زیباست بر کوهساران پاهای که بشارت می آورد، بشارت صلح و سلامتی و چیزهای نیکو، و نجات را اعلام می نماید؛ و به صهیون می گوید: «حاکمیت از آن خدای توست.» ۸ دیدبانان آواز خویش بلند می کنند، و به اتفاق بانگ شادی سر می دهند. زیرا آنگاه که پروردگار به صهیون باز می گردد، آنان با چشمان خود خواهند دید. ۹ ای ویرانه های اورشلیم، به اتفاق بانگ برآورده سرود شادمانی بخوانید، زیرا خداوند قوم خود را تسلی داده و اورشلیم را فدیه کرده است. ۱۰ خداوند بازوی مقدسش را در برابر تمامی قومها برهنه کرده است و تمام کرانه های زمین نجات خدای ما را خواهند دید. ۱۱ ای شما که ظروف خداوند را حمل می کنید، روانه شوید، روانه شوید، و از آنجا بیرون آیید! هیچ چیز نجس را لمس نکنید، بلکه از آنجا بیرون آمده، خود را طاهر سازید. ۱۲ اما به شتاب بیرون نخواهید آمد و گریزان روانه نخواهید شد، زیرا خداوند پیش روی شما خواهد خرامید، و الهه اسرائیل از پشت نگاهبان شما خواهد بود.

۱۳ هُوَذَا عَبْدِي يَعْقِلُ، يَتَعَالَى وَيَرْتَقِي وَيَتَسَامَى جِدًّا. ۱۴ كَمَا أَنْدَهَشَ مِنْكَ كَثِيرُونَ. كَانَ مَنْظَرُهُ كَذَا مُفْسَدًا أَكْثَرَ مِنَ الرَّجُلِ، وَصُورَتُهُ أَكْثَرَ مِنْ بَنِي آدَمَ. ۱۵ هَكَذَا يَنْضِجُ أَمَمًا كَثِيرِينَ. مِنْ أَجْلِهِ يَسُدُّ مُلُوكُ أَفْوَاهِهِمْ، لِأَنَّهُمْ قَدْ أَبْصَرُوا مَا لَمْ يُخْبَرُوا بِهِ، وَمَا لَمْ يَسْمَعُوهُ فَرَهُوهُ.

۱۳ اینک بنده من کامیاب خواهد شد و به جایگاهی بس والا و رفیع رسیده، سرافراز خواهد گردید. ۱۴ گو اینکه بسیاری از او در حیرت شدند - چرا که ظاهرش چنان تباه شده بود که دیگر به انسان نمی ماند، و چهره اش چنان مخدوش که دیگر به بنی آدم شبیه نبود - ۱۵ به همان سان او اقوام بسیار را تطهیر خواهد کرد، و پادشاهان به سبب او دهان خود را خواهند بست. زیرا آنچه را که بدیشان گفته نشده بود، خواهند دید، و آنچه را نشنیده بودند، درک خواهند کرد.^{۱۹}

^{۱۹} سید احمد الحسن (ع) فرمودند: «لقد أجهد الأنبياء والأوصياء عليهم صلوات ربي في بيان حرفين من المعرفة والتوحيد ولم يقبلها منهم إلا بعض بني آدم بعد اللتيا والتي، والمطلوب اليوم والذي سيصار إليه غداً هو بيان سبعة وعشرين

سفر اشعیا : الأصحاح الثالث والخمسون * ۱:۵۳-۱۲

۱ مَنْ صَدَّقَ خَبَرَنَا، وَلَمْ يَسْتَعْلِنْتَ ذِرَاعُ الرَّبِّ؟ ۲ نَبَتْ قُدَّامَهُ كَفَرَحٍ وَكَعَرَقٍ مِنْ أَرْضِ يَابِسَةٍ، لَا صُورَةَ لَهُ وَلَا جَمَالَ فَنَنْظُرُ إِلَيْهِ، وَلَا مَنْظَرَ فَنَسْتَهْيِيهِ. ۳ مُحْتَقَرٌ وَمَخْذُولٌ مِنَ النَّاسِ، رَجُلٌ أَوْجَاعٍ وَمُخْتَبِرُ الْحَزَنِ، وَكُمُسْتَرٍ عَنْهُ وَجُوهُنَا، مُحْتَقَرٌ فَلَمْ نَعْتَدْ بِهِ. ۴ لَكِنَّ أَخْزَانَنَا حَمَلَهَا، وَأَوْجَاعَنَا تَحَمَّلَهَا. وَتَحْنُ حَسِينَانَهُ مُصَابًا مَضْرُوبًا مِنَ اللَّهِ وَمَذْلُولًا. ۵ وَهُوَ مَجْرُوحٌ لِأَجْلِ مَعَاصِينَا، مَسْحُوقٌ لِأَجْلِ آثَامِنَا. تَأْدِيبُ سَلَامِنَا عَلَيْهِ، وَبَحْثُ شَفِينَا. ۶ كُلُّنَا كَغَنَمٍ ضَلَلْنَا. مَلْنَا كُلٌّ وَاحِدٌ إِلَى طَرِيقِهِ، وَالرَّبُّ وَضَعَ عَلَيْهِ إِثْمَ جَمِيعِنَا. ۷ ظَلِمَ أَمَّا هُوَ فَتَذَلَّلَ وَلَمْ يَفْتَحْ فَاهُ. كَشَاةٌ تُسَاقُ إِلَى الذَّبْحِ، وَكَنَعَجَةٍ صَامِتَةٍ أَمَامَ جَارِ بِهَا فَلَمْ يَفْتَحْ فَاهُ. ۸ مِنَ الضُّغْطَةِ وَمِنَ الدَّيْنُونَةِ أُخِذَ. وَفِي جَبَلِهِ مَنْ كَانَ يَظُنُّ أَنَّهُ قُطِعَ مِنْ أَرْضِ الْأَحْيَاءِ، أَنَّهُ ضُرِبَ مِنْ أَجْلِ ذَنْبِ شَعْبِي؟ ۹ وَجُعِلَ مَعَ الْأَشْرَارِ قَبْرُهُ، وَمَعَ غَنِيِّ عِنْدَ مَوْتِهِ. عَلَى أَنَّهُ لَمْ يَعْمَلْ ظُلْمًا، وَلَمْ يَكُنْ فِي فَمِهِ غِشٌّ. ۱۰ أَمَّا الرَّبُّ فَسَرَّ بِأَن يَسْحَقَهُ بِالْحَزَنِ. إِنَّ جَعَلَ نَفْسَهُ ذَبِيحَةً إِثْمٌ يَرَى نَسْلًا تَطُولُ أَيَّامُهُ، وَمَسَرَّةَ الرَّبِّ بِيَدِهِ تَنْجَحُ. ۱۱ مِنْ تَعَبِ نَفْسِهِ يَرَى وَيَشْبَعُ، وَعَبْدِي الْبَارُّ بِمَعْرِفَتِهِ يُبْرِرُ كَثِيرِينَ، وَأَثَامُهُمْ هُوَ يَحْمِلُهَا. ۱۲ لِذَلِكَ أَقْسِمُ لَهُ بَيْنَ الْأَعْرَاءِ وَمَعَ الْعُظَمَاءِ يَقْسِمُ غَنِيمَةً، مِنْ أَجْلِ أَنَّهُ سَكَبَ لِلْمَوْتِ نَفْسَهُ وَأُخْصِيَ مَعَ أَثْمَةٍ، وَهُوَ حَمَلَ خَطِيئَةَ كَثِيرِينَ وَشَفَعَ فِي الْمُذْنِبِينَ.

۱ چه کسی پیام ما را باور کرده، و بازوی خداوند بر که مکشوف گشته است؟ ۲ در حضور او چون نهالی، و همچون ریشه‌ای در زمین خشک خواهد روید. او را نه شکل و شمایل است که بر او بنگریم، و نه ظاهری که مشتاقش باشیم. ۳ خوار و مردود نزد آدمیان، مرد درد آشنا و رنج‌دیده. چون کسی که روی از او بگردانند، خوار گشت و به حسابش نیاوردیم. ۴ حال آنکه رنج‌های ما بود که او بر خود گرفت و دردهای ما بود که او حمل کرد، اما ما او را از جانب خدا مضروب، و از دست او مصدوم و مبتلا پنداشتیم.

حرفاً من المعرفة والتوحيد. عن أبي عبد الله (ع)، قال: (العلم سبعة وعشرون حرفاً، فجميع ما جاءت به الرسل حرفان فلم يعرف الناس حتى اليوم غير الحرفين، فإذا قام قائمنا أخرج الخمسة والعشرين حرفاً فبثها في الناس، وضم إليها الحرفين حتى يثبتها سبعة وعشرين حرفاً). والمعرفة والتوحيد التي يمكن لبني آدم تحصيلها هي ثمانية وعشرون حرفاً، حرف منها اختص به آل محمد (ع) وهو سرهم، ما أمروا بإبلاغه للناس ولا يحتمله الناس؛ (همانا انبياء و اوصياء دورود پروردگار بر آنها باد، در بیان دو حرف از معرفت و توحید تلاش کردند، و کسی از آنها قبول نمی کرد مگر بعضی از بنی آدم و آن هم بعد سرگردانی، و چیزی که امروز و فردا مورد طلب است آن بیان بیست و هفت حرف از معرفت و توحید است. از ابی عبدالله (ع) نقل شده: (علم بیست و هفت حرف می باشد، و کل انبیاء فقط با دو حرف آمدند و تا امروز مردم غیر از آن دو حرف چیزی را نمی دانند، پس اگر قائم ما قیام کند، بیست و پنج حرف را خارج می کند و بین مردم نشر می دهد، و دو حرف را بر آن اضافه می کند تا این که بیست و هفت حرف نشر گردد). و معرفت و توحیدی که برای بنی آدم امکان تحصیل آن را دارد بیست و هشت حرف می باشد، یک حرف از آنها به آل محمد که راز آنها می باشد اختصاص داده شده است، و امر به ابلاغ آن به مردم نشدند؛ زیرا که مردم تحمل آن را ندارند). کتاب التوحید، مقدمة.

۵ حال آنکه به سبب نافرمانیهای ما بدنش سوراخ شد، و به جهت تقصیرهای ما له گشت؛ تادیبی که ما را سلامتی بخشید بر او آمد، و به زخمهای او ما شفا می یابیم. ۶ همه ما چون گوسفندان، گمراه شده بودیم، و هر یک از ما به راه خود رفته بود، اما خداوند تقصیر جمیع ما را بر وی نهاد. ۷ آزار و ستم دید، اما دهان ننگشود؛ همچون بره ای که برای ذبح می برند، و چون گوسفندی که نزد پشم برنده اش خاموش است، همچنان دهان ننگشود. ۸ با محاکمه ای ظالمانه برده شد؛ چه کسی از نسل او سخن تواند گفت، زیرا او از زمین زندگان منقطع شد، و به سبب نافرمانی قوم من مضروب گردید؟ ۹ گرچه هیچ ظلمی نورزید، و فریبی در دهانش نبود، قبرش را با شیریان و مرگش را با اغنیا تعیین کردند. ۱۰ اما خواست خداوند این بود که او را له کرده، به دردها مبتلا سازد. چون جان خود را قربانی گناه ساخت، نسل خود را خواهد دید و عمرش دراز خواهد شد، و اراده خداوند به دست وی به انجام خواهد رسید. ۱۱ ثمره مشقت جان خویش را خواهد دید و سیر خواهد شد. بنده پارسای من به معرفت خود سبب پارسای بسیاری خواهد گردید، زیرا گناهان ایشان را بر خویشان حمل خواهد کرد. ۱۲ بنابراین من نیز او را در میان بزرگان نصیب خواهم داد، و غنیمت را با زور آوران تقسیم خواهد کرد. زیرا جان خویش را به کام مرگ ریخت، و از خطاکاران شمرده شد؛ او گناهان بسیاری را بر دوش کشید، و برای خطاکاران شفاعت می کند.^{۲۰}

سفر اِشعیا: الأصْحاحُ الرَّابِعُ وَالْخَمْسُونَ * ۵۴:۱-۱۷

۱ «تَرْتَمِي أَيْتُهَا الْعَاقِرُ الَّتِي لَمْ تَلِدْ. أَشِيدِي بِالتَّرْتُمِ أَيْتُهَا الَّتِي لَمْ تَمْخُضْ، لَأَنَّ بَنِي الْمُسْتَوْحِشَةِ أَكْثَرُ مِنْ بَنِي ذَاتِ الْبُعْلِ، قَالَ الرَّبُّ. ۲ أَوْسِعِي مَكَانَ خِيَمَتِكَ، وَتُبْسِطِي شُقُقَ مَسَاكِنِكَ. لَا تُمْسِكِي. أَطِيلِي أَطْنَابَكَ وَشَدِّي

^{۲۰} این بخش از کتاب اشعیا اشاره ای واضح است به مسئله فدا شدن در دین الهی و آنکه بجای عیسی (ع) بر صلیب شد. سید احمد الحسن (ع) در مورد حقیقت داستان عیسی و مسئله صلیب می فرماید: «عیسی (ع) في الليلة التي رفع فيها واعد حواريه، فحضروا عنده إلا يهوذا الذي دل علماء اليهود على عيسى (ع)، فقد ذهب إلى المرجع الأعلى لليهود، وقا يرضه على تسليم عيسى (ع) لهم. وكان بعد منتصف الليل أن نام الحواريون، وبقي عيسى (ع)، فرفعه الله، وأنزل (شبيهه الذي صلب وقتل)، فكان درعاً له وفداءً، وهذا الشبيه هو من الأوصياء من آل محمد (ع)، صلب وقتل وتحمل العذاب لأجل قضية الإمام المهدي (ع). وعيسى (ع) لم يصلب ولم يقتل، بل رُفِعَ فنجاه الله من أيدي اليهود وعلمائهم الضالين المضلين (لعنهم الله)»؛ (عیسی (ع) در شبی که در آن به سوی خدا رُفِع شد، حواریون را جمع کرد و همه به جز یهوذا که برای او دادن عیسی (ع) به نزد علمای یهود رفته بود، به نزد او حاضر شدند. یهوذا به سمت مرجع اعلا ی یهود رفت و خواست عیسی (ع) را به آنان تسلیم نماید. و بعد از نیمه شب که حواریون خوابیدند، خدا عیسی (ع) را بالا برد و شبیه او را فرو فرستاد و او بر صلیب رفت و در حقیقت محافظ عیسی (ع) و فدای او شد و این شبیه از اوصیای آل محمد (ص) بود. آری او بر صلیب کشیده شد و کشته شد و عذاب سختی را تحمل نمود و همه اینها برای قضیه امام مهدی (ع) بود. عیسی (ع) بر صلیب نرفت و کشته نشد بلکه بالا برده شد و خدا او را از دست یهود و علمای گمراه و گمراه کننده آنها که لعنت خدا بر آنان باد، رها نید). کتاب متشابهات، سؤال / ۱۷۹.

أَوْتَاكَ، ٣ لَأَنَّكَ تَمْتَدِّينَ إِلَى الْيَمِينِ وَإِلَى الْيَسَارِ، وَبَرِثَ نَسْلُكَ أُمَمًا، وَيُعْمَرُ مَدُنًا خَرِبَةً. ٤ لَا تَخَافِي لَأَنَّكَ لَا تَخْزِينَ، وَلَا تَخْجَلِي لَأَنَّكَ لَا تَسْتَحِينَ. فَإِنَّكَ تَنْسِينَ خِزْيَ صَبَاكَ، وَغَارُ تَرْمُلِكَ لَا تَذْكُرِيَنَّهُ بَعْدُ. ٥ لَأَنَّ بَعْلَكَ هُوَ صَانِعُكَ، رَبُّ الْجُنُودِ اسْمُهُ، وَوَلِيُّكَ قُدُّوسُ إِسْرَائِيلَ، إِلَهَ كُلِّ الْأَرْضِ يُدْعَى. ٦ لَأَنَّهُ كَأَمْرَةٍ مَهْجُورَةٍ وَمَخْزُونَةٍ الرُّوحِ ذَعَاكَ الرَّبُّ، وَكَزَوَجَةٍ الصِّبَا إِذَا رُذِلَتْ، قَالَ إِلَهُكَ. ٧ لُحَيْظَةً تَرَكْتُكَ، وَبِمَرَاجِمٍ عَظِيمَةٍ سَأَجْمَعُكَ.

۱ «ای نازا که نزاده‌ای، شادمانه بسرا! ای که دردِ زانکشیده‌ای، بانگِ شادی سر ده و فریادِ بلند برآورا» زیرا خداوند می‌گوید: «فرزندان زن بی‌کس از فرزندان زن شوهردار زیاده‌تر خواهند بود. ۲ «مکان خیمه‌ات را وسیع گردان، و پرده‌های مسکنهای تو عریض شود؛ دریغ مدار، طنابهای خود را دراز کن، و میخهای را محکم ساز. ۳ زیرا که به چپ و راست منتشر خواهی شد؛ فرزندان سرزمینهای قومها را به ارث خواهند برد، و شهرهای متروک را مسکون خواهند ساخت. ۴ مترس، زیرا شرمسار نخواهی شد، و هراسان مباش، زیرا رسوا نخواهی گشت. شرمساری جوانی‌ات را فراموش خواهی کرد، و رسوایی بیوگی‌ات را دیگر به یاد نخواهی آورد. ۵ زیرا که آفریننده‌ی تو شوهر توست، او که نامش پروردگار لشکریانست؛ و قدوس اسرائیل ولیّ توست، او که خدای تمامی جهان نام دارد. ۶ خداوند تو را مانند زنی مطرود و رنجیده‌دل فرا می‌خواند، همچون زن ایام جوانی که شوهرش او را ترک کرده باشد.» آری خدایت چنین می‌گوید: ۷ «برای لحظه‌ای کوتاه تو را ترک کردم، اما با شفقتی عظیم تو را بازمی‌آورم.»

٨ بِفَيْضَانِ الْغَضَبِ حَجَبْتُ وَجْهِي عَنْكَ لِحَظَةً، وَبِإِحْسَانٍ أَبَدِيٍّ أَرْحَمُكَ، قَالَ وَلِيُّكَ الرَّبُّ. ٩ لَأَنَّهُ كَمِيَاهِ نُوحٍ هَذِهِ لِي. كَمَا خَلَقْتُ أَنْ لَا تَعْبُرَ بَعْدُ مِيَاهِ نُوحٍ عَلَى الْأَرْضِ، هَكَذَا خَلَقْتُ أَنْ لَا أَغْضَبَ عَلَيْكَ وَلَا أَزْجُرَكَ. ١٠ فَإِنَّ الْجِبَالَ تَزُولُ، وَالْأَكَامَ تَتَزَعَّزُعُ، أَمَّا إِحْسَانِي فَلَا يَزُولُ عَنْكَ، وَعَهْدُ سَلَامِي لَا يَتَزَعَّزُعُ، قَالَ رَاحِمُكَ الرَّبُّ. ١١ «أَيَّتُهَا الذَّلِيلَةُ الْمُضْطَرَبَّةُ غَيْرِ الْمُتَعَزِّبَةِ، هَآنَذَا أَبْنِي بِالْأَثْمَدِ حِجَارَتَكَ، وَبِالْيَاقُوتِ الْأَزْرَقِ أَوْسَسُكَ، ١٢ وَأَجْعَلُ شَرَفَكَ يَاقُوتًا، وَأَنْوَابَكَ حِجَارَةً بَهْرَمَانِيَّةً، وَكُلَّ تَحْوِمِكَ حِجَارَةً كَرِيمَةً ١٣ وَكُلَّ بَنِيكَ تَلَامِيذَ الرَّبِّ، وَسَلَامَ بَنِيكَ كَثِيرًا. ١٤ بِالْبَرِّ تُثَبِّتِينَ بَعِيدَةً عَنِ الظُّلَمِ فَلَا تَخَافِينَ، وَعَنِ الْارْتِعَابِ فَلَا يَذْنُو مِنْكَ. ١٥ هَا إِنَّهُمْ يَجْتَمِعُونَ اجْتِمَاعًا لَيْسَ مِنْ عِنْدِي. مَنْ اجْتَمَعَ عَلَيْكَ فَإِلَيْكَ يَسْقُطُ. ١٦ هَآنَذَا قَدْ خَلَقْتُ الْحَدَادَ الَّذِي يَنْفُخُ الْفَحْمَ فِي النَّارِ وَيُخْرِجُ آلَةً لِعَمَلِهِ، وَأَنَا خَلَقْتُ الْمُهْلِكَ لِيُخْرِبَ. ١٧ «كُلُّ آلَةٍ صُوِّرَتْ ضِدَّكَ لَا تَنْجُحُ، وَكُلُّ لِسَانٍ يَقُومُ عَلَيْكَ فِي الْقَضَاءِ تَحْكُمِينَ عَلَيْهِ. هَذَا هُوَ مِيرَاثُ عَبْدِ الرَّبِّ وَبِرَّهُمْ مِنْ عِنْدِي، يَقُولُ الرَّبُّ.»

۸ خداوند ولیّ تو می‌فرماید: «به جوشش غضبی لحظه‌ای روی خود را از تو پوشاندم، اما با محبت جاودانی بر تو شفقت خواهم کرد. ۹ «این برای من همچون روزهای نوح است: چنانکه قسم خوردم آبهای

نوح بار دیگر زمین را فرو نخواهد گرفت، همچنان قسم خورده‌ام که دیگر بر تو خشم نگیرم و عتاب نکشم. ۱۰ حتی اگر کوهها به لرزه درآیند و تله‌ها به جنبش آیند، محبت من نسبت به تو متزلزل نخواهد شد، و عهد سلامتی من به جنبش در نخواهد آمد،» خداوند که بر تو شفقت دارد چنین می‌فرماید. ۱۱ «ای ستمدیده و توفان‌زده که تسلی نیافته‌ای، اینک من تو را با سنگهای فیروزه بنا خواهم کرد و پیاپیات را با یاقوت کبود خواهم نهاد. ۱۲ برج و بارویت را از یاقوت خواهم ساخت، دروازه‌هایت را از بلور، و همه دیوارهایت را از سنگهای قیمتی. ۱۳ تمامی پسرانت از خداوند تعلیم خواهند گرفت، و سلامتی فرزندان عظیم خواهد بود. ۱۴ در عدالت استوار خواهی شد، از ظلم به دور خواهی ماند و نخواهی ترسید. وحشت از تو رخت بر خواهد بست و نزدیک نخواهد آمد. ۱۵ اگر کسی بر تو حمله آورد، از جانب من نخواهد بود؛ پس آن که بر تو حمله آورد، به سبب تو خواهد افتاد. ۱۶ «اینک منم که آهنگران را آفریدم، که بر آتش زغال می‌دمند و سلاحی مناسب مقصود آن می‌سازند. و نیز منم که هلاک‌کننده را برای ویرانگری آفریدم. ۱۷ هر سلاحی که بر ضد تو ساخته شود کارگر نخواهد افتاد، و هر زبانی را که در محاکمه بر ضد تو برخیزد، تکذیب خواهی کرد. این است میراث خادمان خداوند، و دفاع من از حقانیت ایشان؛» این است فرموده خداوند.

سفر اِشعیاء : الأصْحاحُ الْخَامِسُ وَالْخَمْسُونَ * ۵۵:۱-۱۳

۱ «أَيُّهَا الْعِطَاشُ جَمِيعًا هَلُمُّوا إِلَى الْمِيَاهِ، وَالَّذِي لَيْسَ لَهُ فِضَّةٌ تَعَالَوْا اشْتَرُوا وَكُلُّوا. هَلُمُّوا اشْتَرُوا بِلَا فِضَّةٍ وَبِلَا ثَمَنِ خَمْرًا وَلَبَنًا. ۲ لِمَاذَا تَزْنُونَ فِضَّةً لِّغَيْرِ خُبْرٍ، وَتَبْعُكُمُ لِّغَيْرِ شَبَعٍ؟ اسْتَمِعُوا لِي اسْتِمَاعًا وَكُلُّوا الطَّيِّبَ، وَلْتَلَذَّذُوا بِالْدَّسَمِ أَنْفُسُكُمْ. ۳ أَمِيلُوا أَذَانَكُمْ وَهَلُمُّوا إِلَيَّ. اسْمَعُوا فَتَحْيَا أَنْفُسُكُمْ. وَأَقْطَعْ لَكُمْ عَهْدًا أَبَدِيًّا، مَرَاجِمَ دَاوُدَ الصَّادِقَةَ. ۴ هُوَذَا قَدْ جَعَلْتُهُ شَارِعًا لِلشُّعُوبِ، رَئِيسًا وَمَوْصِيًّا لِلشُّعُوبِ. ۵ هَا أُمَّةٌ لَا تَعْرِفُهَا تَدْعُوهَا، وَأُمَّةٌ لَمْ تَعْرِفْكَ تَرْكُضُ إِلَيْكَ، مِنْ أَجْلِ الرَّبِّ إِلَهِكَ وَقُدُّوسِ إِسْرَائِيلَ لِأَنَّهُ قَدْ مَجَّدَكَ».

۱ «ای جمیع تشنگان، نزد آبها بیایید و ای شما که نقره‌ای ندارید، بیایید، بخرید و بخورید! بیایید شراب و شیر را بی‌نقره و بی‌بها بخرید! ۲ چرا نقره را برای آنچه نان نیست خرج می‌کنید، و محنت خویش را برای آنچه سیر نمی‌کند؟ به‌دقت به من گوش فرا داده، چیزهای نیکو بخورید تا جان شما از بهترین خوراکی لذت برد. ۳ گوش فرا داده، نزد من آید؛ از من بشنوید، تا جانهای‌تان زنده گردد. من با شما عهدی جاودانه خواهم بست، همانند محبت وفادارانه‌ام به داوود. ۴ هان من او را شاعری برای طوایف ساختم، رهبر و وصی بر طوایف. ۵ به‌یقین قومهایی را که نمی‌شناسی فرا خواهی خواند، و قومهایی که تو

را نمی‌شناسند نزدت خواهند شتافت، به سبب پروردگارت که قدوس اسرائیل است، زیرا که تو را شکوه و جلال بخشیده است.»

۶ اَطْلُبُوا الرَّبَّ مَا دَامَ يُوجَدُ. اِدْعُوهُ وَهُوَ قَرِيبٌ. ۷ لِيَتْرَكَ الشِّرِيرُ طَرِيقَهُ، وَرَجُلُ الْاِثْمِ افْكَارَهُ، وَلِيَتَّسِبْ اِلَى الرَّبِّ فَيَرْحَمَهُ، وَاِلَى اِلَهِنَا لَآنَهُ يُكثِرُ الْغُفْرَانَ. ۸ «لَاَنَّ افْكَارِي لَيْسَتْ افْكَارَكُمْ، وَلَا طُرُقُكُمْ طُرُقِي، يَقُولُ الرَّبُّ. ۹ لَآنَهُ كَمَا عَلَتِ السَّمَاوَاتُ عَنِ الْاَرْضِ، هَكَذَا عَلَتْ طُرُقِي عَنْ طُرُقِكُمْ وَافْكَارِي عَنْ افْكَارِكُمْ. ۱۰ لَآنَهُ كَمَا يَنْزِلُ الْمَطَرُ وَالتَّلْجُ مِنَ السَّمَاءِ وَلَا يَرْجِعَانِ اِلَى هُنَاكَ، بَلْ يُرْوِيَانِ الْاَرْضَ وَيَجْعَلَانِهَا تِلْدًا وَنَبَاتًا وَتُعْطِي زَرْعًا لِلزَّرْعِ وَخُبْزًا لِلْاَكْلِ، ۱۱ هَكَذَا تَكُونُ كَلِمَتِي الَّتِي تَخْرُجُ مِنْ فَمِي. لَا تَرْجِعْ اِلَيَّ فَارِغَةً، بَلْ تَعْمَلْ مَا سَرَرْتُ بِهِ وَتَنْجَحْ فِي مَا اُرْسَلْتُهَا لَهُ. ۱۲ لَآنَكُمْ بِفَرْحٍ تَخْرُجُونَ وَبِسَلَامٍ تُخْضَرُونَ. الْجِبَالُ وَالْاَكَامُ تُشِيدُ اَمَامَكُمْ تَرْتَمًا، وَكُلُّ شَجَرِ الْحَقْلِ تُصَفِّقُ بِالْاَيْدِي. ۱۳ عِوَضًا عَنِ الشُّوْكِ يَنْبُتُ سَرْوٌ، وَعِوَضًا عَنِ الْقَرِيسِ يَطْلُعُ اَسٌّ. وَيَكُونُ لِلرَّبِّ اسْمًا، عَلَامَةً اَبَدِيَّةً لَا تَنْقَطِعُ».

۶ «خداوند را تا زمانی که یافت می‌شود بجوید، او را بخوانید که نزدیک است. ۷ شریر راههای خود را ترک گوید، و شخص بدکار افکار خویش را؛ به سوی خداوند بازگردید، که بر وی رحم خواهد کرد؛ و به سوی خدایمان بیاید، که او به فراوانی خواهد آمرزید.» ۸ خداوند می‌فرماید: «افکار من افکار شما نیست، و نه راههای من، راههای شما. ۹ زیرا چنانکه آسمان از زمین بلندتر است، راههای من نیز از راههای شما و افکار من از افکار شما بلندتر است. ۱۰ چنانکه باران و برف از آسمان می‌بارد، و دیگر بدان‌جا باز نمی‌گردد، بلکه زمین را سیراب کرده، آن را بارور و برومند می‌سازد، و برزگر را بذر و خورنده را نان می‌بخشد، ۱۱ همچنان خواهد بود کلام من که از دهانم صادر می‌شود؛ بی‌ثمر نزد من باز نخواهد گشت، بلکه آنچه را خواستم به جا خواهد آورد، و در آنچه آن را به انجامش فرستادم پیروز خواهد شد. ۱۲ زیرا شما با شادمانی بیرون خواهید رفت، و به سلامتی هدایت خواهید شد. کوهها و تله‌ها پیش روی شما بانگ شادی سر خواهند داد، و همه درختان صحرا دستک خواهند زد. ۱۳ به جای خار، سرو خواهد روید، و به جای خس، آس، و این آوازه‌ای برای خداوند خواهد بود، و آیتی جاودان که هرگز از میان نخواهد رفت.»

سفر اشعیاء : الأصْحاحُ السَّادِسُ وَالْخَمْسُونَ * ۵۶: ۱-۱۲

۱ هَكَذَا قَالَ الرَّبُّ: «اَحْفَظُوا الْحَقَّ وَاجْرُوا الْعَدْلَ. لَآنَهُ قَرِيبٌ مَجِيءٌ خَلَاصِيْ وَاسْتِعْلَانُ بَرِّي. ۲ طُوبَى لِلْاِنْسَانِ الَّذِي يَعْمَلُ هَذَا، وَلَا يَنْبِئُ الْاِنْسَانُ الَّذِي يَتَمَسَّكُ بِهِ، الْحَافِظُ السَّبْتَ لِئَلَّا يُنْجَسَهُ، وَالْحَافِظُ يَدَهُ مِنْ كُلِّ عَمَلٍ شَرٍّ». ۳ فَلَا يَتَكَلَّمُ ابْنُ الْغَرِيبِ الَّذِي اقْتَرَنَ بِالرَّبِّ قَائِلًا: «اِفْرَازًا اَفَرَزَنِي الرَّبُّ مِنْ شَعْبِهِ». وَلَا يَقُلْ

الْخَصِيِّ: «هَا أَنَا شَجَرَةٌ يَابِسَةٌ». ٤ لَأَنَّهُ هَكَذَا قَالَ الرَّبُّ لِلْخَصْيَانِ الَّذِينَ يَحْفَظُونَ سُبُوتِي، وَيَخْتَارُونَ مَا يَسُرُّنِي، وَيَتَمَسَّكُونَ بِعَهْدِي: ٥ «إِنِّي أُعْطِيهِمْ فِي بَيْتِي وَفِي أَسْوَارِي نُصْبًا وَاسْمًا أَفْضَلَ مِنَ الْبَنِينَ وَالْبَنَاتِ. أُعْطِيهِمْ اسْمًا أَبَدِيًّا لَا يَنْقَطِعُ. ٦ وَأَبْنَاءَ الْغَرِيبِ الَّذِينَ يَقْتَرِنُونَ بِالرَّبِّ لِيَخْدُمُوهُ وَلِيُحِبُّوا اسْمَ الرَّبِّ لِيَكُونُوا لَهُ عَبِيدًا، كُلُّ الَّذِينَ يَحْفَظُونَ السَّبْتَ لئَلَّا يُنْجِسُوهُ، وَيَتَمَسَّكُونَ بِعَهْدِي، ٧ آتِي بِهِمْ إِلَى جَبَلِ قُدْسِي، وَأُفْرِخْهُمْ فِي بَيْتِ صَلَاتِي، وَتَكُونُ مُحَرِّقَاتُهُمْ وَذَبَائِحُهُمْ مَقْبُولَةً عَلَيَّ مَذْبَحِي، لَأَنَّ بَيْتِي بَيْتَ الصَّلَاةِ يُدْعَى لِكُلِّ الشُّعُوبِ». ٨ يَقُولُ السَّيِّدُ الرَّبُّ جَامِعُ إِسْرَائِيلَ: «أَجْمَعُ بَعْدُ إِلَيْهِ، إِلَى مَجْمُوعِيهِ».

۱ خداوند چنین می فرماید: «حق را نگاه داشته، عدالت را به عمل آورید، زیرا نجات من نزدیک شده، و عدالت من به زودی منکشف خواهد شد. ۲ خوشا به حال آن انسانی که چنین کند، و فرزند انسانی که بدین متمسک گردد؛ شَبَات (عید جمعه) را نگاه داشته، آن را بی حرمت نسازد، و دست خویش از هر عمل بد باز دارد.» ۳ پس فرزند غریبی که به خداوند پیوسته، نگوید: «خداوند مرا از قوم خویش جدا خواهد کرد»، و خصی نگوید: «درختی خشک بیش نیستم.» ۴ زیرا خداوند چنین می فرماید: «خصی هایی که شَبَات مرا نگاه دارند، و آنچه مرا خشنود می سازد برگزینند و به عهد من متمسک جویند، ۵ بدیشان در خانه خویش و در اندرون دیوارهایش نام و یادی بهتر از پسران و دختران خواهم بخشید؛ آری، بدیشان نامی جاودانی خواهم بخشید که هرگز از میان نخواهد رفت. ۶ و نیز غریبانی که به خداوند متمسک جسته اند تا او را خدمت کنند، و نام او را عزیز دارند و خادمان او شوند، یعنی همه کسانی که شَبَات را نگاه داشته، آن را بی حرمت نسازند و به عهد من متمسک باشند، ۷ آنان را به کوه مقدس خویش خواهم آورد و در خانه عبادت خویش، ایشان را شادمان خواهم ساخت. قربانیهای تمام سوز و دیگر قربانیهای ایشان بر مذبح من پذیرفته خواهد شد، زیرا که خانه من، خانه دعا برای همه قوما خوانده خواهد شد.» ۸ و سید پروردگار، که رانده شدگان اسرائیل را گرد می آورد، چنین می فرماید: «من کسان دیگر را نیز علاوه بر آنان که هم اکنون گرد آمده اند، با ایشان جمع خواهم کرد.»

٩ يَا جَمِيعَ وَحُوشِ الْبَرِّ تَعَالَى لِلْأَكْلِ. يَا جَمِيعَ الْوُحُوشِ الَّتِي فِي الْوَعْرِ. ١٠ مُرَاقِبُوهُ عُمِّي كُلُّهُمْ. لَا يَعْرِفُونَ. كُلُّهُمْ كِلَابٌ بِكُمْ لَا تَقْدِرُ أَنْ تَنْبَحَ. خَالِمُونَ مُضْطَجِعُونَ، مُحِبُّو النَّوْمِ. ١١ وَالْكِلَابُ شَرِهَةٌ لَا تَعْرِفُ الشَّبَعَ. وَهُمْ رِعَاةٌ لَا يَعْرِفُونَ الْفَهْمَ. اتَّفَتُوا جَمِيعًا إِلَى طَرَفِهِمْ، كُلُّ وَاحِدٍ إِلَى الرَّبْحِ عَنْ أَقْصَى. ١٢ «هَلُمُّوا أَخْذُوا خَمْرًا وَلِنَشْتَفْ مُسْكِرًا، وَيَكُونُ الْعَدَاةُ الْيَوْمَ عَظِيمًا بَلْ أَرْبَدَ جِدًّا».

۹ ای تمامی وحوش صحرا، و ای همه حیوانات جنگل، بیایید و بخورید! ۱۰ دیدبانان اسرائیل کورند؛ آنان جملگی عاری از معرفتند! جملگی سگانی گنگ را مانند که پارس کردن نتوانند! دراز می کشند و رویاها می بینند، و چُرت زدن را دوست می دارند. ۱۱ آنان سگانی حریصند، که سیری نمی شناسند؛ شبانانی

بی فهمند، که جملگی به راه خود برگشته اند و هر یک در پی نفع خویشند. ۱۲ فریاد برمی آورند: "بیاید تا رفته شراب بیاوریم، بیاید تا از مُسکرات مست شویم! فردا نیز مانند امروز خواهد بود، و حتی بسی بهتر از آن!"

سفر اشعیاء: الأصحاح السابع والخمسون * ۵۷:۱-۲۱

۱ بَادَ الصِّدِّيقُ وَلَيْسَ أَحَدٌ يَضَعُ ذَلِكَ فِي قَلْبِهِ. وَرِجَالُ الْإِحْسَانِ يُضَمُّونَ، وَلَيْسَ مَنْ يَفْطَنُ بِأَنَّهُ مِنْ وَجْهِ الشَّرِّ يُضَمُّ الصِّدِّيقُ. ۲ يَدْخُلُ السَّلَامُ. يَسْتَرِيحُونَ فِي مَضَاجِعِهِمْ. السَّالِكُ بِالِاسْتِقَامَةِ.

۱ شخص پارسا هلاک می شود، و کسی در دل بدان نمی اندیشد؛ مردان سرسپرده از میان برداشته می شوند، و کسی درک نمی کند. اما پارسا برداشته می شود تا از بلا در امان بماند؛ ۲ او به آرامش داخل می گردد. آنان که به راه راست گام برمی دارند، بر بسترهای خویش استراحت می یابند.

۳ «أَمَّا أَنْتُمْ فَتَقَدَّمُوا إِلَى هُنَا يَا بَنِي السَّاحِرَةِ، نَسْلُ الْفَاسِقِ وَالزَّانِيَةِ. ۴ بِمَنْ تَسْخَرُونَ، وَعَلَى مَنْ تَفْغَرُونَ الْفَمَ وَتَدُلُّونَ اللِّسَانَ؟ أَمَّا أَنْتُمْ أَوْلَادُ الْمُعْصِيَةِ، نَسْلُ الْكَذِبِ؟ ۵ الْمُتَوَقِّدُونَ إِلَى الْأَصْنَامِ تَحْتَ كُلِّ شَجَرَةٍ خَضِرَاءَ، الْقَاتِلُونَ الْأَوْلَادَ فِي الْأَوْدِيَةِ تَحْتَ شُقُوقِ الْمَعَالِقِ. ۶ فِي حِجَارَةِ الْوَادِي الْمُلْسِ نَصِيْبُكَ. تِلْكَ هِيَ قُرْعَتُكَ. لِيَتِلَّكَ سَكَبَتِ سَكَبًا وَأَصْعَدَتْ تَقْدِيمَةً. ۷ أَعَنْ هَذِهِ أَتَعَزَّى؟ عَلَى جَبَلٍ عَالٍ وَمُرْتَفِعٍ وَضَعْتَ مَضْجَعَكَ، وَإِلَى هُنَاكَ صَعِدْتَ لِتَذْبَحِي ذَبِيحَةً. ۸ وَرَاءَ الْبَابِ وَالْقَائِمَةِ وَضَعْتَ تَذْكَارَكَ، لِأَنَّكَ لِيُغَيِّرِي كَشَفْتَ وَصَعِدْتَ. أَوْسَعْتَ مَضْجَعَكَ وَقَطَعْتَ لِنَفْسِكَ عَهْدًا مَعَهُمْ. أَحْبَبْتَ مَضْجَعَهُمْ. نَظَرْتَ فُرْصَةً. ۹ وَسِرْتَ إِلَى الْمَلِكِ بِالذَّهْنِ، وَأَكْثَرْتَ أَطْيَابَكَ، وَأَرْسَلْتَ رُسُلَكَ إِلَى بُعْدٍ وَنَزَلْتَ حَتَّى إِلَى الْهَاقُوبَةِ. ۱۰ بِطُولِ أَسْفَارِكَ أَغْيَيْتَ، وَلَمْ تَقُولِي: يَبْسُتْ. شَهْوَتِكَ وَجَدْتَ، لِذَلِكَ لَمْ تَضْعُفِي. ۱۱ وَمِمَّنْ خَشِيتَ وَخِفْتَ حَتَّى خُنْتَ، وَإِيَّايَ لَمْ تَذْكُرِي، وَلَا وَضَعْتَ فِي قَلْبِكَ؟ أَمَّا أَنَا سَاكِتٌ، وَذَلِكَ مُنْذُ الْقَدِيمِ، فَإِيَّايَ لَمْ تَخَافِي. ۱۲ أَنَا أَخْبِرُ بِبِرِّكَ وَبِأَعْمَالِكَ فَلَا تُفِيدُكَ. ۱۳ إِذْ تَصْرُخِينَ فَلْيُنْقِذْكَ جُمُوعُكَ. وَلَكِنَّ الرِّيحَ تَحْمِلُهُمْ كُلَّهُمْ. تَأْخُذُهُمْ نَفْخَةٌ. أَمَّا الْمُتَوَكِّلُ عَلَيَّ فَيَمْلِكُ الْأَرْضَ وَيَرِثُ جَبَلَ قُدْسِي.»

۳ اما شما ای پسران ساحره، و ای اولاد زنا و فحشا، بدین جا آید! ۴ بر که تمسخر می کنید، و دهان بر که می گشایید و زبان بر که دراز می کنید؟ آیا شما فرزندان عصیان و اولاد فریب نیستید؟ ۵ بسترت را بر کوهی بلند و رفیع گسترانیدی، و بدان جا برآمدی تا قربانی کنی. ۸ پشت درها و تیرک چارچوبشان، علامتهای بت پرستی خویش را نهادی. مرا ترک گفته، بسترت را گشودی، و بر آن برآمده، آنرا گسترانیدی؛ با آنان که بسترشان را دوست می داشتی پیمان بستی، و بر برهنگی شان خیره نگریستی! ۹ با روغن زیتون نزد پادشاه برآمدی، و بر عطریات خویش افزودی. سفیران خود را به دوردستها فرستادی، و

حتی تا به خود هاویه آنان را گسیل داشتی! ۱۰ از راه دراز خویش در مانده گشتی، با این حال نگفتی که، «امید نیست». قوت خویش تازه کردی، و از همین رو ضعف به هم نرساندی. ۱۱ از که مشوش و هراسان شدی که خیانت ورزیدی؟ که مرا به یاد نیاوردی و هیچ اعتنا نکردی؟ آیا نه از آن رو که دیرزمانی لب فرو بستم، پس حال دیگر ترس مرا به دل نداری؟ ۱۲ من پارسایی و اعمال تو را بیان خواهم کرد، اما تو از آن سودی نخواهی برد. ۱۳ آنگاه که فریاد کمک بلند می کنی، بتهایی که خود گرد آورده ای رهایی ات دهند! به یقین که باد آنها را خواهد رفت و جملگی به نفسی رانده خواهند شد. اما آن که در من پناه جوید، وارث زمین خواهد شد و کوه مقدس مرا به میراث خواهد برد.

۱۴ وَيَقُولُ: «اعِدُّوا، اَعِدُّوا. هَيِّئُوا الطَّرِيقَ. اَرْفَعُوا الْمُثَرَّةَ مِنْ طَرِيقِ شَعْبِي». ۱۵ لَأنَّهُ هَكَذَا قَالَ الْعَلِيِّ الْمُرْتَفِعُ، سَاكِنُ الْاَبَدِ، الْقُدُّوسُ اسْمُهُ: «فِي الْمَوْضِعِ الْمُرْتَفِعِ الْمُقَدَّسِ اَسْكُنْ، وَمَعَ الْمُنْسَحِقِ وَالْمُتَوَاضِعِ الرُّوحِ، لِأَخِي رُوحِ الْمُتَوَاضِعِينَ، وَلِأَخِي قَلْبِ الْمُنْسَحِقِينَ. ۱۶ لِأَنِّي لَا أَخَاصِمُ إِلَى الْاَبَدِ، وَلَا أَغْضِبُ إِلَى الدَّهْرِ. لِأَنَّ الرُّوحَ يُغْشَى عَلَيْهَا أَمَامِي، وَالنَّسَمَاتُ الَّتِي صَنَعْتُهَا. ۱۷ مِنْ أَجْلِ إِيَّامٍ مَكْسَبِهِ غَضِبْتُ وَضَرَبْتُ. اسْتَرْتُ وَغَضِبْتُ، فَذَهَبَ غَاصِيًا فِي طَرِيقِ قَلْبِهِ. ۱۸ رَأَيْتُ طَرَفَهُ وَسَأَسْفِيهِ وَأَقُوذُهُ، وَأَرُدُّ تَغْزِيَاتٍ لَهُ وَلِنَاجِيهِ ۱۹ خَالِقًا ثَمَرَ الشَّقَاتِينَ. سَلَامٌ سَلَامٌ لِلْبَعِيدِ وَلِلْقَرِيبِ، قَالَ الرَّبُّ، وَسَأَسْفِيهِ. ۲۰ أَمَّا الْأَشْرَارُ فَكَالْبَحْرِ الْمُضْطَرَبِ لِأَنَّهُ لَا يَسْتَطِيعُ أَنْ يَهْدَأَ، وَتَقْذِفُ مِيَاهُهُ حَمَاءً وَطِينًا. ۲۱ لَيْسَ سَلَامٌ، قَالَ إِلَهِي، لِلْأَشْرَارِ.

تسلی برای توبه کاران: ۱۴ و گفته خواهد شد که: «بسازید، بسازید! راه را مهیا سازید! موانع را از سر راه قوم من بردارید!» ۱۵ زیرا آن که رفیع و بلندمرتبه است، آن که در ابدیت ساکن است و قدوس نامیده می شود، چنین می گوید: «من در مکان رفیع و مقدس همراه با آن که روح توبه کار و افتاده دارد ساکنم؛ تا روح افتادگان را احیا کنم، و دل توبه کاران را زنده سازم. ۱۶ زیرا که تا به ابد محکوم نخواهم کرد، و همیشه خشمگین نخواهم بود؛ مبادا روحها و جانهایی که آفریده ام جملگی در حضور من ضعف به هم رسانند. ۱۷ به سبب گناه سود نامشروع به خشم آمده، ایشان را زدم، و از فرط خشم، روی خویش پنهان ساختم، اما ایشان عصیانگرانه به راه دل خود ادامه دادند. ۱۸ من راههای ایشان را دیده ام، اما شفایشان خواهم داد. من ایشان را هدایت خواهم کرد، و اسرائیل و سوگوارانش را به کمال تسلی بخشیده، ۱۹ میوه ستایش بر لبها خواهم آفرید.» خداوند می گوید: «سلام بر آنان که دورند، و سلام بر آنان که نزدیکند، و من ایشان را شفا خواهم بخشید. ۲۰ اما شیران چون دریایی متلاطمند که آرامی نتواند یافت، و موجهایش گل و لجن برمی آورد.» ۲۱ خدای من می گوید: «شیران را سلامتی نیست.»

سفر اشعیاء : الأصاح الثامن والخمسون * ۵۸:۱-۱۴

۱ «نَادِ بِصَوْتٍ عَالٍ. لَا تُمْسِكْ. اِرْفَعْ صَوْتَكَ كَبُوقٍ وَأَخْبِرْ شَعْبِي بِتَعَدِّيهِمْ، وَبَيِّتَ يَعْقُوبَ بِخَطَايَاهُمْ. ۲ وَإِيَّايَ يَطْلُبُونَ يَوْمًا فَيَوْمًا، وَيُسْرَوْنَ بِمَعْرِفَةِ طُرُقِي كَأَمَّةٍ عَمِلَتْ بَرًّا، وَلَمْ تَتْرِكْ قَضَاءَ إِلَهِهَا. يَسْأَلُونَنِي عَنْ أَحْكَامِ الْبَرِّ. يُسْرَوْنَ بِالتَّقَرُّبِ إِلَى اللَّهِ. ۳ يَقُولُونَ: لِمَادَا صُمْنَا وَلَمْ تَنْظُرْ، دَلَّلْنَا أَنْفُسَنَا وَلَمْ تُلَاحِظْ؟ هَا إِنَّكُمْ فِي يَوْمِ صَوْمِكُمْ تَوْجِدُونَ مَسَرَّةً، وَبِكُلِّ أَشْغَالِكُمْ تُسَخَّرُونَ. ۴ هَا إِنَّكُمْ لِلْخُصُومَةِ وَالنِّزَاعِ تَصُومُونَ، وَلِتَضْرِبُوا بِلُكْمَةِ الشَّرِّ. لَسْتُمْ تَصُومُونَ كَمَا الْيَوْمَ لِتَسْمِيعِ صَوْتِكُمْ فِي الْعَلَاءِ. ۵ أَمِثُلُ هَذَا يَكُونُ صَوْمٌ اخْتَارُهُ؟ يَوْمًا يُدَلِّلُ الْإِنْسَانُ فِيهِ نَفْسَهُ، يُخْنِي كَالْأَسَلَةِ رَأْسَهُ، وَيُفْرِشُ تَحْتَهُ مِسْحًا وَرَمَادًا. هَلْ تُسَمِّي هَذَا صَوْمًا وَيَوْمًا مَقْبُولًا لِلرَّبِّ؟ ۶ أَلَيْسَ هَذَا صَوْمًا اخْتَارُهُ: حُلَّ قُبُودِ الشَّرِّ. فَكَّ عَقْدِ النَّيْرِ، وَإِطْلَاقَ الْمَسْحُوقِينَ أَخْرَارًا، وَقَطْعَ كُلِّ نِيرٍ. ۷ أَلَيْسَ أَنْ تَكْسِرَ لِلْجَائِعِ خُبْزَكَ، وَأَنْ تُدْخِلَ الْمَسَاكِينَ النَّائِبِينَ إِلَيَّ بَيْتِكَ؟ إِذَا رَأَيْتَ غُرْبَانًا أَنْ تَكْسُوهُ، وَأَنْ لَا تَتَعَاضَى عَنْ لَحْمِكَ.

۱ «فریاد بلند برآور و دریغ مدار؛ آواز خود را همچون شیپور بلند کرده، به قوم من عصیان‌شان را و به خاندان یعقوب گناهانشان را اعلام کن. ۲ زیرا آنان هر روزه مرا می‌جویند، چنانکه گویی به شناخت راههای من رغبت دارند؛ همچون قومی پارسا می‌نمایند، همچون قومی که قانون خدای خویش را ترک نکرده باشند. درباره قوانین عادلانه از من پرسش می‌کنند، و چنان می‌نمایند که از تقرب جستن به خدا مسرورند. ۳ می‌گویند: "چرا روزه گرفتیم و تو ندیدی؟ جان خویش را رنجور ساختم و دریافتی؟" از آن رو که شما در ایام روزه خویش، خشنودی خود را می‌جوید و بر کارگران خود ظلم روا می‌دارید. ۴ اینک به جهت نزاع و کشمکش روزه می‌گیرید، برای اینکه شیرانه به یکدیگر مشت بزنید. با چنین روزه‌ای، نمی‌توانید صدای خود را در عرش برین بشنواید. ۵ آیا روزه‌ای که من می‌پسندم این است؟ روزی که آدمی جان خود را رنجور سازد، سر خویش را همچون نی خم کند، و بر پلاس و خاکستر بخوابد؟ آیا این است آنچه روزه‌اش می‌نامید و آن را روز مقبول خداوند می‌خوانید؟ ۶ «آیا روزه‌ای که من می‌پسندم این نیست که زنجیر بی‌عدالتی را بگشایی، و بندهای یوغ را باز کنی؟ مظلومان را آزاد سازی، و هر یوغ را بشکنی؟ ۷ آیا این نیست که نان خود را با گرسنگان قسمت کنی و فقیران بی‌خانمان را به خانه خویش آوری؟ و چون برهنه‌ای بینی، او را پوشانی و از آن که از گوشت تن توست، خود را پنهان نسازی؟

۸ «حِينَئِذٍ يَنْفَجِرُ مِثْلَ الصُّبْحِ نُورُكَ، وَتَبُتُ صِحَّتُكَ سَرِيعًا، وَيَسِيرُ بَرُّكَ أَمَامَكَ، وَمَجْدُ الرَّبِّ يَجْمَعُ سَاقَتَكَ. ۹ حِينَئِذٍ تَدْعُو فَيَجِيبُ الرَّبُّ. تَسْتَعِثُ فَيَقُولُ: هَآنَذَا. إِنَّ نَزْعَتَ مِنْ وَسْطِكَ النَّيْرِ وَالْإِيمَاءَ بِالْأَصْبُعِ وَكَلَامَ الْإِثْمِ ۱۰ وَأَنْفَقْتَ نَفْسَكَ لِلْجَائِعِ، وَأَشْبَعْتَ النَّفْسَ الذَّلِيلَةَ، يُشْرِقُ فِي الظُّلْمَةِ نُورُكَ، وَيَكُونُ ظِلَامُكَ الدَّامِسُ

مِثْلَ الظُّهْرِ. ۱۱ وَيَقُوْذِكَ الرَّبُّ عَلَى الدَّوَامِ، وَيُشْبِعُ فِي الْجُدُوْبِ نَفْسَكَ، وَيُنْشِطُ عِظَامَكَ فَتَصِيْرُ كَجَنَّةٍ رَيًّا وَكَنَنْعٍ مِيَاهٍ لَا تَنْقَطِعُ مِيَاهُهُ. ۱۲ وَمِنْكَ تُبْنَى الْخَرْبُ الْقَدِيْمَةُ. تُقِيْمُ اَسَاسَاتِ دُوْرٍ فَدُوْرٍ، فَيَسْمُوْنَكَ: مَرْمَمَ الثُّغْرَةِ، مُرْجِعَ الْمَسَالِكِ لِلْسُّكْنَى. ۱۳ «إِنْ رَدَدْتَ عَنِ السَّبْتِ رِجْلَكَ، عَنْ عَمَلِ مَسَرَّتِكَ يَوْمَ قُدْسِي، وَدَعَوْتَ السَّبْتَ لَذَّةً، وَمُقَدَّسَ الرَّبِّ مُكْرَمًا، وَأَكْرَمْتَهُ عَنْ عَمَلِ طُرُقِكَ وَعَنْ إِجْدَادِ مَسَرَّتِكَ وَالتَّكَلُّمِ بِكَلَامِكَ، ۱۴ فَإِنَّكَ حِينَئِذٍ تَتَلَدَّدُ بِالرَّبِّ، وَأَرْكَبُكَ عَلَى مُرْتَفَعَاتِ الْأَرْضِ، وَأُطْعِمُكَ مِيرَاثَ يَعْقُوبَ أَبِيكَ، لِأَنَّ فَمَ الرَّبِّ تَكَلَّمَ».

۸ آنگاه نور تو همچون فجر طلوع خواهد کرد، و صحت تو به زودی خواهد رویید؛ راستگوئیات پیشاپیش تو خواهد خرامید، و جلال خداوند از پشت نگاهبان تو خواهد بود. ۹ آنگاه دعا خواهی کرد و خداوند تو را اجابت خواهد نمود؛ یاری خواهی طلبید و او خواهد گفت: «اینک حاضرم!» اگر یوغ ستم و انگشت اشاره را از خود دور کنی، و از بدگویی پرهیزی؛ ۱۰ اگر تمامی هم خود را وقف گرسنگان کنی و جان ستمدیدگان را سیر سازی، آنگاه نور تو در تاریکی خواهد درخشید و شب تو همچون نیمروز روشن خواهد بود. ۱۱ خداوند پیوسته تو را هدایت خواهد کرد، و جان تو را در بیابان سوزناک سیر خواهد نمود؛ به استخوانهای قوت خواهد بخشید، و تو چون باغی خواهی بود سیراب و چشمه‌ای که آبش کم نشود. ۱۲ قوم تو ویرانه‌های کهن را بنا خواهند کرد، و بنیانهای ایام سلف را بر پا خواهند داشت. و تو را بنا کننده دیوارهای شکسته خواهند خواند و مرمت گر کوچه‌ها به جهت سکونت. ۱۳ «اگر شبّات (عید جمعه) را زیر پانهی و در روز مقدس من خشنودی خود را به جا نیآوری، اگر شبّات را مایه خوشی بشماری و روز مقدس خداوند را محترم بخوانی، اگر آن را در راه‌ها و اعمال خود حرمت نهی، اگر لذت خود را نجویی و سخنان بیهوده بر زبان نرانی، ۱۴ آنگاه لذت تو در خداوند خواهد بود؛ تو را بر بلندیهایی زمین سوار خواهم کرد، و میراث پدرت یعقوب را به تو خواهم خورانید؛» زیرا که دهان خداوند تکلم کرده است.

سفر اِشَعْيَاءَ : الْأَصْحَاحُ التَّاسِعُ وَالْخَمْسُونَ * ۵۹:۱-۲۱

۱ هَا إِنَّ يَدَ الرَّبِّ لَمْ تَقْصُرْ عَنْ أَنْ تُخَلِّصَ، وَلَمْ تَنْقُلْ أُذُنُهُ عَنْ أَنْ تَسْمَعَ. ۲ بَلْ أَثَامُكُمْ صَارَتْ فَاصِلَةً بَيْنَكُمْ وَبَيْنَ إِلَهِكُمْ، وَخَطَايَاكُمْ سَتَرَتْ وَجْهَهُ عَنْكُمْ حَتَّى لَا يَسْمَعَ. ۳ لِأَنَّ أَيْدِيَكُمْ قَدْ تَنَجَّسَتْ بِالدِّمِّ، وَأَصَابِعُكُمْ بِالْإِنِّمِ. شِفَاهُكُمْ تَكَلَّمَتْ بِالْكَذِبِ، وَلِسَانُكُمْ يُلْهَجُ بِالشَّرِّ. ۴ لَيْسَ مَنْ يَدْعُو بِالْعَدْلِ، وَلَيْسَ مَنْ يُحَاكِمُ بِالْحَقِّ. يَتَكَلَّمُونَ عَلَى الْبَاطِلِ، وَيَتَكَلَّمُونَ بِالْكَذِبِ. قَدْ حَبَلُوا بِتَعَبٍ، وَوَلَدُوا إِثْمًا. ۵ فَفَسَدُوا بَيْنَ أَفْعَى، وَتَسْجَوْا خُيُوطَ الْعَنْكَبُوتِ. الْآكِلُ مِنْ بَيْضِهِمْ يَمُوتُ، وَالَّتِي تُكْسَرُ تُخْرِجُ أَفْعَى. ۶ خُيُوطُهُمْ لَا تَصِيْرُ ثَوْبًا، وَلَا يَكْتَسُونَ

بِأَعْمَالِهِمْ. أَعْمَالُهُمْ أَغْمَالُ إِيْثِمٍ، وَفَعْلُ الظُّلْمِ فِيْ أَيْدِيهِمْ. ٧ أَرْجُلُهُمْ إِلَى الشَّرِّ تَجْرِي، وَتُسْرِعُ إِلَى سَفْكِ الدِّمِّ الزَّكِيِّ. أَفْكَارُهُمْ أَفْكَارُ إِيْثِمٍ. فِي طُرُقِهِمْ اغْتِصَابٌ وَسَخَقٌ. ٨ طَرِيقُ السَّلَامِ لَمْ يَعْرِفُوهُ، وَلَيْسَ فِي مَسَالِكِهِمْ عَدْلٌ. جَعَلُوا لَأَنْفُسِهِمْ سُبُلًا مُّوْجَّهَةً. كُلُّ مَنْ يَسِيرُ فِيْهَا لَا يَعْرِفُ سَلَامًا.

۱ هان دست خداوند کوتاه نیست که نجات ندهد، و نه گوش او سنگین تا نشنود. ۲ بلکه تقصیرات شما، میان شما و خدایتان جدایی افکنده است، و گناهانتان روی او را از شما نهان ساخته است تا نشنود. ۳ زیرا دستان شما به خون آغشته است، و انگشتانتان به تقصیر آلوده! لبهایتان به دروغ تکلم می کند، و زبانتان به انحراف سخن می گوید. ۴ کسی عادلانه اقامه دعوی نمی کند، و کسی به حق محاکمه نمی شود. بر بطلت توکل می دارند، و به دروغ سخن می گویند؛ به آزار آبتن می شوند، و شرارت می زاینند! ۵ از تخمهای افعی، بچه برمی آورند، و تار عنکبوت می تنند. هر که از تخمهای آنان بخورد، می میرد، و هر کدام که بشکند، افعی بیرون می آید. ۶ از تارهای ایشان جامه حاصل نمی شود، و از صنعت خویش خود را نتوانند پوشانید. کارهای ایشان شیرانه است، و اعمال خشونت آمیز در دستهایشان! ۷ پاهایشان برای شرارت دوان است، و برای ریختن خون بی گناهان شتابانند! افکار ایشان شیرانه است، و هر کجا می روند، ویرانی و خرابی بر جای می گذارند. ۸ طریق صلح و سلامت را نمی شناسند، و در راههای ایشان عدالت جایی ندارد. راههای خویش را کج ساخته اند، و آن که در آنها گام زند روی سلامت نخواهد دید.

٩ مِنْ أَجْلِ ذَلِكَ ابْتَغِدِ الْحَقَّ عَنَّا، وَلَمْ يُدْرِكْنَا الْعَدْلُ. نَنْتَظِرُ نُورًا فَإِذَا ظَلَامٌ. ضِيَاءٌ فَنَسِيرُ فِي ظَلَامٍ دَامِسٍ. ١٠ نَتَلَمَّسُ الْحَائِطَ كَعُمَى، وَكَالَّذِي بِلَا أَغْنِي نَتَجَسَّسُ. قَدْ عَثَرْنَا فِي الظُّهْرِ كَمَا فِي الْعَتَمَةِ، فِي الضَّبَابِ كَمَوْتَى. ١١ نَزَارُ كُلَّنَا كَذِبَةً، وَكَحَمَامٍ هَذَرًا نَهْدُرُ. نَنْتَظِرُ عَدْلًا وَلَيْسَ هُوَ، وَخَلَاصًا فَيَبْتَغِدُ عَنَّا. ١٢ لَأَنَّ مَعَاصِينَا كَثُرَتْ أَمَامَكَ، وَخَطَايَانَا تَشْهَدُ عَلَيْنَا، لَأَنَّ مَعَاصِينَا مَعَنَا، وَأَثَامَنَا نَعْرِفُهَا. ١٣ تَعْدِينَا وَكَذِبُنَا عَلَى الرَّبِّ، وَحِدْنًا مِنْ وَرَاءِ إِلَهِنَا. تَكَلَّمْنَا بِالظُّلْمِ وَالْمَعْصِيَةِ. حَبَلْنَا وَلَهَجْنَا مِنَ الْقَلْبِ بِكَلَامِ الْكَذِبِ.

۹ از این رو حق از ما دور است، و عدالت به ما نمی رسد. انتظار نور می کشیم، ولیکن ظلمت است؛ منتظر روشنایی هستیم، اما در تاریکی گام می زنیم! ۱۰ چون نابینایان با لمس دیوار قدم برمی داریم؛ مانند کسانی که چشم ندارند کورمال راه می رویم. در نیمروز، همچون شامگاهان می لغزیم؛ در میان تندرستان همچون مردگانیم! ۱۱ جملگی چون خرسها خرناس می کشیم، و مانند کبوتران ناله می کنیم. برای عدالت انتظار می کشیم، و نیست! برای نجات، اما از ما دور است! ۱۲ زیرا که نافرمانیهای ما در نظر تو بسیار است، و گناهانمان بر ضد ما شهادت می دهد. عصیانهای ما پیوسته با ماست، و تقصیرهای خود را می دانیم. ۱۳ عصیان کرده و به خداوند خیانت ورزیده ایم، و از خدای خود روی برتافته ایم. به ظلم و فتنه سخن گفته ایم، و در دل به دروغ آبتن شده، آن را بر زبان آورده ایم.

۱۴ وَقَدْ ارْتَدَّ الْحَقُّ إِلَى الْوَرَاءِ، وَالْعَدْلُ يَقِفُ بَعِيدًا. لِأَنَّ الصِّدْقَ سَقَطَ فِي الشَّارِعِ، وَالْاِسْتِقَامَةَ لَا تَسْتَطِيعُ الدُّخُولَ. ۱۵ وَصَارَ الصِّدْقُ مَعْدُومًا، وَالْحَائِدُ عَنِ الشَّرِّ يُسَلَبُ. فَرَأَى الرَّبُّ وَسَاءَ فِي عَيْنَيْهِ أَنَّهُ لَيْسَ عَدْلٌ. ۱۶ فَرَأَى أَنَّهُ لَيْسَ إِنْسَانٌ، وَتَحَيَّرَ مِنْ أَنَّهُ لَيْسَ شَفِيعٌ. فَخَلَصَتْ ذِرَاعُهُ لِنَفْسِهِ، وَبِرُّهُ هُوَ غَضَدُهُ. ۱۷ فَلَيْسَ الْبِرُّ كَدْرِعٍ، وَخُوْدَةُ الْخَلَّاصِ عَلَى رَأْسِهِ. وَلَيْسَ ثِيَابُ الْاِتِّقَامِ كِلْبَاسٍ، وَاكْتَسَى بِالْغَيْرَةِ كَرْدَاءً. ۱۸ حَسَبَ الْأَعْمَالِ هَكَذَا يُجَازِي مُبْغِضِيهِ سَخَطًا، وَأَعْدَاءَهُ عِقَابًا. جَزَاءً يُجَازِي الْجَزَائِرَ. ۱۹ فَيَخَافُونَ مِنَ الْمَغْرِبِ اسْمَ الرَّبِّ، وَمِنْ مَشْرِقِ الشَّمْسِ مَجْدَهُ. عِنْدَمَا يَأْتِي الْعَدُوُّ كَنَهْرٍ فَتَفْخَعُ الرَّبِّ تَدْفَعُهُ. ۲۰ «وَيَأْتِي الْفَادِي إِلَى صِهْيُونٍ وَإِلَى التَّائِبِينَ عَنِ الْمُنْصِيَةِ فِي يَعْقُوبَ، يَقُولُ الرَّبُّ. ۲۱ أَمَّا أَنَا فَهَذَا عَهْدِي مَعَهُمْ، قَالَ الرَّبُّ: رُوحِي الَّذِي عَلَيْكَ، وَكَلَامِي الَّذِي وَضَعْتُهُ فِي فَمِكَ لَا يَزُولُ مِنْ فَمِكَ، وَلَا مِنْ فَمِ نَسْلِكَ، وَلَا مِنْ فَمِ نَسْلِ نَسْلِكَ، قَالَ الرَّبُّ، مِنْ الْآنَ وَإِلَى الْأَبَدِ.

۱۴ پس حق به عقب رانده شده، و عدالت دور ایستاده است. حقیقت در معابر فرو افتاده، و صداقت نمی تواند داخل شود. ۱۵ راستی مفقود شده، و هر که از شرارت دوری گزیند، به یغما می رود. پس خداوند این را دید، و در نظرش ناپسند آمد که انصاف وجود نداشت. ۱۶ او دید که انسانی نیست، و به شگفت آمد که شفاعت کننده ای وجود ندارد. پس بازوی خویش را برای نجات به ارمغان آورد، و با عدالت از او حمایت کرد. ۱۷ پس عدالت را چون زره بر تن کرد، و کلاه خود نجات را بر سر نهاد؛ جامه انتقام را در بر کرد، و خویشتن را به ردای غیرت ملبس ساخت. ۱۸ بدیشان بر حسب اعمالشان سزا خواهد داد: بر دشمنان خویش غضب را فرو خواهد ریخت، بر خصمانش مکافات را، و بر سواحل دوردست، آنچه را سزاوار آنند. ۱۹ مردمان مغرب، از اسم پروردگار خواهند ترسید، و مردمان مشرق که محل طلوع آفتاب است، از جلال وی ترسان خواهند شد. زیرا او همچون جویباری پُر شتاب که دم خداوند آن را براند، خواهد آمد. ۲۰ و خداوند می فرماید: «رهانده ای از یعقوب برای صهیون و آنان که توبه کرده اند از گناه، خواهد آمد.» ۲۱ باز خداوند می گوید: «و اما این است عهد من با ایشان: روح من که بر تو است و سخنان من که بر دهانت نهاده ام، هرگز از دهان تو، از دهان فرزندان، و از دهان فرزندان فرزندان دور نخواهد شد، از حال تا ابد الابد.» این است فرموده خداوند.^{۲۱}

^{۲۱} در مورد تنزیل آیه ۳۳ و ۳۴ سوره آل عمران، از اهل بیت (ع) نقل شده که فرمودند: «إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَى آدَمَ وَ نُوحًا وَ آلَ إِبْرَاهِيمَ وَ آلَ عِمْرَانَ وَ آلَ مُحَمَّدٍ - هَكَذَا نَزَلَتْ - عَلَى الْعَالَمِينَ × ذُرِّيَّةً بَعْضُهَا مِنْ بَعْضٍ وَ اللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ». تفسیر اثنا عشری، ج ۲، ص: ۷۸

سفر اشعیاء : الأصحاح الستون * ۱:۶۰-۲۲

۱ «قُومِي اسْتَنْبِرِي لَأَنَّهُ قَدْ جَاءَ نُورُكَ، وَمَجْدُ الرَّبِّ أَشْرَقَ عَلَيْكَ. ۲ لَأَنَّهُ هَا هِيَ الظُّلْمَةُ تَغْطِي الْأَرْضَ وَالظَّلَامُ الدَّامِسُ الْأُمَمَ. أَمَّا عَلَيْكَ فَيُشْرِقُ الرَّبُّ، وَمَجْدُهُ عَلَيْكَ يُرَى. ۳ فَتَسِيرُ الْأُمَمُ فِي نُورِكَ، وَالْمُلُوكُ فِي ضِيَاءِ إِشْرَاقِكَ. ۴ «ارْفَعِي عَيْنَيْكَ حَوْلَيْكَ وَانْظُرِي. قَدْ اجْتَمَعُوا كُلُّهُمْ. جَاءُوا إِلَيْكَ. يَأْتِي بَنُوكَ مِنْ بَعِيدٍ وَتُحْمَلُ بَنَاتُكَ عَلَى الْأَيْدِي. ۵ حِينَئِذٍ تَنْظُرِينَ وَتُبَيِّرِينَ وَبِخْفُقِ قَلْبِكَ وَيَتَسَّعُ، لَأَنَّهُ تَتَحَوَّلُ إِلَيْكَ ثَرَوَةُ الْبَحْرِ، وَيَأْتِي إِلَيْكَ غِنَى الْأُمَمِ. ۶ تُغَطِّيكَ كَثْرَةُ الْجِمَالِ، بُكَرَانُ مَدْيَانَ وَعِيفَةُ كُلُّهَا تَأْتِي مِنْ شَبَا. تَحْمِلُ ذَهَبًا وَلُبَانًا، وَتُبَشِّرُ بِتَسَابِيحِ الرَّبِّ. ۷ كُلُّ غَنَمٍ قِيدَارَ تَجْتَمِعُ إِلَيْكَ. كِبَاشُ نَبَايُوتَ تَخْدُمُكَ. تَصْعَدُ مَقْبُولَةٌ عَلَى مَذْبَحِي، وَأَزِينُ بَيْتَ جَمَالِي.

۱ برخیز و درخشان شو، زیرا که نور تو آمده، و جلال خداوند بر تو طلوع کرده است. ۲ زیرا اینک تاریکی زمین را فرو خواهد گرفت، و ظلمت غلیظ قومها را خواهد پوشانید. اما خداوند بر تو طلوع خواهد کرد، و جلال او بر تو نمایان خواهد شد. ۳ قومها به سوی نور تو خواهند آمد، و پادشاهان به سوی درخشش طلوع تو. ۴ چشمان خود را به اطراف برافراز و ببین: ایشان همه گرد آمده، نزد تو می آیند؛ پسرانت از دوردستها خواهند آمد، و دخترانت بر روی دستان حمل خواهند شد. ۵ آنگاه خواهی دید و خواهی درخشید، و دلت از فرط شادی خواهد لرزید. ثروت دریاها به تو واگذار خواهد شد، و دولت قومها به تو خواهد رسید. ۶ انبوه شتران سرزمین تو را خواهد پوشانید، یعنی شتران مدیان و عفه. اهل صبا جملگی آمده، طلا و کُنْدُر با خود خواهند آورد، و ستایش خداوند را مرده خواهند داد. ۷ گوسفندان قیدار جملگی نزد تو گرد خواهند آمد، و قوچهای نبایوت تو را خدمت خواهند کرد؛ آنان بر مذبح من مقبول خواهند افتاد، و من خانه پر شکوه خود را خواهم آراست.

۸ مَنْ هَؤُلَاءِ الطَّائِرُونَ كَسَحَابٍ وَكَالْحِمَامِ إِلَى بُيُوتِهَا؟ ۹ إِنَّ الْجَزَائِرَ تَنْتَظِرُنِي، وَسُفُنُ تَرْشِيشَ فِي الْأَوَّلِ، لِتَأْتِيَا بَنِيكَ مِنْ بَعِيدٍ وَفَضَّتَهُمْ وَذَهَبَتَهُمْ مَعَهُمْ، لِاسْمِ الرَّبِّ إِلَهِكَ وَقُدُّوسِ إِسْرَائِيلَ، لَأَنَّهُ قَدْ مَجَّدَكَ. ۱۰ «وَبَنُو الْعَرَبِ يَبْنُونَ أَسْوَارَكَ، وَمُلُوكُهُمْ يَخْدُمُونَكَ. لَأَنِّي بَغْضَبِي ضَرَبْتُكَ، وَبِرِضْوَانِي رَجَمْتُكَ. ۱۱ وَتَنْفَتِحُ أَبْوَابُكَ دَائِمًا. نَهَارًا وَلَيْلًا لَا تَغْلُقُ. لِيُؤْتِيَ إِلَيْكَ غِنَى الْأُمَمِ، وَتَقَادَ مُلُوكُهُمْ. ۱۲ لَأَنَّ الْأُمَّةَ وَالْمَمْلَكَةَ الَّتِي لَا تَخْدُمُكَ تَبِيدُ، وَخَرَابًا تُخْرَبُ الْأُمَمُ. ۱۳ مَجْدُ لُبْنَانَ إِلَيْكَ يَأْتِي. السَّرُّوُّ وَالسِّينْدِيَانُ وَالشَّرْبِينُ مَعًا لَزِينَةِ مَكَانٍ مَقْدِسِي، وَأُمَجِّدُ مَوْضِعَ رِجْلِي.

۸ اینان کیستند که پروازکنان همچون ابر و کبوتر، به سوی خانه های خویش می روند؟ ۹ برآستی که سواحل دوردست در انتظار من خواهند بود، کشتیهای ترشیش، تا فرزندان را از دوردستها بیاورند، همراه با سیم و زرشان، به حرمت نام پروردگارت، و به حرمت آن قدوس اسرائیل، زیرا که تو را

فرّ و شکوه بخشیده است. ۱۰ بیگانگان حصارهایت را بنا خواهند کرد، و پادشاهانشان در خدمت تو خواهند بود. اگرچه تو را در خشم خویش زدم، اما به لطف خویش بر تو رحم خواهم کرد. ۱۱ دروازه‌هایت همواره گشوده خواهد بود، و شب و روز بسته نخواهد شد، تا ثروت قومها را نزد تو آورند، و پادشاهانشان را در صف اسیران. ۱۲ زیرا قوم و مملکتی که تو را خدمت نکند، نابود خواهد شد؛ آری، آن قومها به تمامی هلاک خواهند گردید. ۱۳ جلال لبنان نزد تو آورده خواهد شد، درختان کاج و صنوبر و سرو، تا مکان مقدس مرا بیارایند، و من قدمگاه خود را جلال خواهم بخشید.

۱۴ «وَبَنُو الَّذِينَ قَهَرُوكَ يَسِيرُونَ إِلَيْكَ خَاضِعِينَ، وَكُلُّ الَّذِينَ أَهَانُوكَ يُسْجُدُونَ لَدَى بَاطِنِ قَدَمَيْكَ، وَيَدْعُونَكَ: مَدِينَةَ الرَّبِّ، صِهْيَوْنَ قُدُّوسِ إِسْرَائِيلَ. ۱۵ عِوَضًا عَنْ كَوْنِكَ مَهْجُورَةً وَمُبْعَضَةً بِلا عَابِرِ بَكَ، أَجْعَلْكَ فَخْرًا أَبَدِيًّا فَرحَ دَوْرٍ فَدَوْرٍ. ۱۶ وَتَرْضَعِينَ لَبَنَ الْأُمَمِ، وَتَرْضَعِينَ ثُدَيَّ مَلُوكٍ، وَتَعْرِفِينَ أَنِّي أَنَا الرَّبُّ مُخْلِصُكَ وَوَلِيِّكَ عَزِيزُ يَعْقُوبَ. ۱۷ عِوَضًا عَنِ النُّحَاسِ آتِي بِالذَّهَبِ، وَعِوَضًا عَنِ الْحَدِيدِ آتِي بِالْفِضَّةِ، وَعِوَضًا عَنِ الْخَشَبِ بِالنُّحَاسِ، وَعِوَضًا عَنِ الْحِجَارَةِ بِالْحَدِيدِ، وَأَجْعَلَ وَكَلَاءَكَ سَلَامًا وَوَلَاتَكَ بَرًّا.

۱۴ فرزندان آنان که بر تو ستم روا می‌دارند آمده، در برابرت خم خواهند شد، و هر آن که تو را خوار می‌شمارد، به پاهایت خواهد افتاد؛ تو را شهر خداوند خواهند خواند، و صهیون قدوس اسرائیل. ۱۵ تو را که متروک و منفور بودی، و کسی از میانت گذر نمی‌کرد، فخر جاودانی خواهم ساخت، و مایه شادمانی همهٔ نسلا. ۱۶ شیر قومها را خواهی مکید، و از پستانهای پادشاهان شیر خواهی خورد. آنگاه خواهی دانست که من پروردگار نجات‌دهنده، عزیز یعقوب، و ولی تو هستم. ۱۷ به جای برنج برایت طلا خواهم آورد؛ به جای آهن، نقره؛ به جای چوب برنج خواهم آورد؛ و به جای سنگ، آهن. صلح را فرماندار تو خواهم ساخت، و عدالت را حاکم تو.

۱۸ «لَا يَسْمَعُ بَعْدُ ظَلَمٌ فِي أَرْضِكَ، وَلَا خَرَابٌ أَوْ سَخَقٌ فِي تُخُومِكَ، بَلْ تُسَمِّينَ أَسْوَارَكَ: خَلَاصًا وَأَبْوَابَكَ: تَسْبِيحًا. ۱۹ لَا تَكُونُ لَكَ بَعْدُ الشَّمْسُ نُورًا فِي النَّهَارِ، وَلَا الْقَمَرُ يُنِيرُ لَكَ مُضِيئًا، بَلِ الرَّبُّ يَكُونُ لَكَ نُورًا أَبَدِيًّا وَالْهَيْكَلُ زِينَتَكَ. ۲۰ لَا تَغِيبُ بَعْدُ شَمْسُكَ، وَقَمَرُكَ لَا يَنْقُصُ، لِأَنَّ الرَّبَّ يَكُونُ لَكَ نُورًا أَبَدِيًّا، وَتُكْمَلُ أَيَّامُ نَوْحِكَ. ۲۱ وَشَعْبُكَ كُلُّهُمْ أَبْرَارٌ. إِلَى الْأَبَدِ يَرِثُونَ الْأَرْضَ، غُصْنُ غَرْسِي عَمَلُ يَدَيَّ لَا تَمَجَّدُ. ۲۲ الصَّغِيرُ يَصِيرُ أَلْفًا وَالْحَقِيرُ أُمَّةً قَوِيَّةً. أَنَا الرَّبُّ فِي وَقْتِهِ أَسْرِعُ بِهِ».

۱۸ در سرزمین تو دیگر خبری از خشونت نخواهد بود، و نه در حدود تو خبری از خرابی و ویرانی؛ بلکه حصارهایت را 'نجات' خواهی نامید، و دروازه‌هایت را 'ستایش'. ۱۹ دیگر آفتاب در روز نور تو نخواهد بود، و درخشش ماه بر تو نخواهد تابید؛ زیرا رب نور جاودان تو، و پروردگارت جلال تو خواهد بود. ۲۰ آفتاب تو دیگر هرگز غروب نخواهد کرد، و ماه تو زوال نخواهد پذیرفت؛ زیرا رب نور جاودان

تو خواهد بود، و روزهای ماتم تو به پایان خواهد رسید. ۲۱ قوم تو به تمامی پارسا خواهند بود، و تا به ابد وارثان زمین. آنان نهال مغروس منند، و ثمرهٔ دستانم، تا جلال بیابم. ۲۲ کوچترین، هزار تن خواهد شد، و کمترین، قومی نیرومند. من پروردگار هستم، و این را در وقتش شتاب خواهم داد. ۲۲

سفر اشعیا: الأصحاح الحادی والستون * ۱:۶۱-۱۱

۱ رُوحُ السَّيِّدِ الرَّبِّ عَلَيَّ، لَأَنَّ الرَّبَّ مَسَحَنِي لِأُبَشِّرَ الْمَسَاكِينَ، أُرْسَلَنِي لِأَعْصِبَ مُنْكَسِرِي الْقُلُوبِ، لِأُنَادِيَ لِلْمَسْبُورِينَ بِالْعِثْقِ، وَلِلْمَأْسُورِينَ بِالْإِطْلَاقِ. ۲ لِأُنَادِيَ بِسَنَةِ مَقْبُولَةٍ لِلرَّبِّ، وَبِیَوْمِ انْتِقَامٍ لِّإِلَهِنَا. لِأُعْزِي كُلَّ النَّاجِحِينَ. ۳ لِأَجْعَلَ لِنَائِحِي صِهْيُون، لِأَعْطِيَهُمْ جَمَالاً عَوْضاً عَنِ الرَّمَادِ، وَذُهْنَ فَرَحٍ عَوْضاً عَنِ النَّوْجِ، وَرِذَاءَ تَسْبِيحٍ عَوْضاً عَنِ الرُّوحِ الْيَائِسَةِ، فَيُدْعَوْنَ أَشْجَارُ الْبَرِّ، غَرْسَ الرَّبِّ لِلتَّمْجِيدِ. ۴ وَيَبْنُونَ الْخَرْبَ الْقَدِيمَةَ. يَقِيمُونَ الْمُوجِشَاتِ الْأُولَى، وَيُجَدِّدُونَ الْمَدْنَ الْخَرِبَةَ، مُوجِشَاتِ دُورٍ فَدُورٍ. ۵ وَيَقِفُ الْأَجَانِبُ وَيَرْعَوْنَ غَنَمَكُمْ، وَيَكُونُ بَنُو الْغَرِيبِ حَرَائِكُمْ وَكَرَامِيكُمْ. ۶ أَمَّا أَنْتُمْ فَتُدْعَوْنَ كَهَنَةَ الرَّبِّ، تُسَمَّوْنَ خُدَّامَ إِلَهِنَا. تَأْكُلُونَ ثَرَوَةَ الْأُمَمِ، وَعَلَى مَجْدِهِمْ تَتَأَمَّرُونَ.

۱ روح سید پروردگار بر من است، زیرا که خداوند مرا مسح کرده است تا فقیران را بشارت دهم؛ او مرا فرستاده تا دلشکستگان را التیام بخشم، و آزادی را به اسیران و رهایی را به محبوسان اعلام کنم؛ ۲ تا سال لطف خداوند را اعلام نمایم، و از روز انتقام خدایمان خبر دهم؛ تا همهٔ ماتمیان را تسلی بخشم، ۳ و به آنان که در صهیون سوگواری، تاجی به عوض خاکستر ببخشم، و روغن شادمانی به عوض سوگواری، و ردای ستایش به جای روح یأس. آنان بلوطهای پارسایی، و نهالهای مغروس خداوند خوانده خواهند شد، تا جلال او نمایان شود. ۴ آنان خرابه‌های کهن را بنا خواهند کرد، و ویرانه‌های سلف را بر پا خواهند داشت؛ شهرهای خراب را بازسازی خواهند کرد، و ویرانه‌های نسلهای متمادی را آباد خواهند نمود. ۵ بیگانگان برخاسته، گله‌های شما را خواهند چرانید، و غریبان زارعان و تاکبانان شما خواهند بود؛ ۶ کاهنان

۲۲ این عبارات اشاره‌ای واضح است به ظهور مصلحی جهانی که سایهٔ عدالت را بر گیتی می‌گستراند بعد از اینکه جهان را ظلم و فساد فرا گرفته باشد؛ کتاب‌های آسمانی و بالاخص کتاب اشعیا نبی (ع) آکنده از این بشارت است. در قرآن و روایات معصومین (ع) نیز چنین بشارت‌های زیاد وارد شده است، و گفته‌اند که این مصلح جهانی مهدی آل محمد (ص) است. از امیرالمومنین (ع) نقل شده که در توضیح آیه: «وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ»، فرمودند: «هُمُ آلُ مُحَمَّدٍ يَبْعَثُ اللَّهُ مَهْدِيَهُمْ بَعْدَ جَهْدِهِمْ فَيُعْزُّهُمْ وَيُذِلُّ عَدُوَّهُمْ»؛ (کسانی که ضعیف شده‌اند در روی زمین آل محمد هستند، خدای متعال مهدی آل محمد را مبعوث می‌فرماید، پس ایشان را عزیز و دشمنانشان را ذلیل می‌کند). الغیبة للطوسی؛ النص؛ ص ۱۸۳

خداوند خوانده خواهید شد، و شما را خادمان خدای ما خواهند نامید. از قدرت ملتها خواهید خورد، و در ثروت ایشان فخر خواهید کرد.

۷ عَوْضًا عَنْ خِزْيِكُمْ ضِعْفَانِ، وَعَوْضًا عَنِ الْخَجَلِ يَبْتَهِجُونَ بِنَصِيْبِهِمْ. لِذَلِكَ يَرْتُونَ فِي أَرْضِهِمْ ضِعْفَيْنِ. بَهْجَةً أَبَدِيَّةً تَكُونُ لَهُمْ. ۸ «لَآئِي أَنَا الرَّبُّ مُجِبُّ الْعَدْلِ، مُبْعِضُ الْمُخْتَلِسِ بِالظُّلْمِ. وَأَجْعَلُ أَجْرَتَهُمْ أَمِينَةً، وَأَقْطَعُ لَهُمْ عَهْدًا أَبَدِيًّا. ۹ وَيُعْرِفُ بَيْنَ الْأُمَمِ نَسْلُهُمْ، وَذُرِّيَّتُهُمْ فِي وَسْطِ الشُّعُوبِ. كُلُّ الَّذِينَ يَرَوْنَهُمْ يَعْرِفُونَهُمْ أَنَّهُمْ نَسْلُ بَارِكَةِ الرَّبِّ». ۱۰ فَرَحًا أَفْرَحُ بِالرَّبِّ. تَبْتَهِجُ نَفْسِي بِاللَّهِ، لِأَنَّهُ قَدْ أَلْبَسَنِي ثِيَابَ الْخَلَاصِ. كَسَانِي رِدَاءَ الْبِرِّ، مِثْلَ عَرِيسٍ يَتَزَيَّنُ بِعِمَامَةٍ، وَمِثْلَ عَرُوسٍ تَتَزَيَّنُ بِحُلِيِّهَا. ۱۱ لِأَنَّهُ كَمَا أَنَّ الْأَرْضَ تُخْرِجُ نَبَاتَهَا، وَكَمَا أَنَّ الْجَنَّةَ تُنْبِتُ مَرْوَعَاتِهَا، هَكَذَا السَّيِّدُ الرَّبُّ يُنْبِتُ بَرًّا وَتَسْبِيحًا أَمَامَ كُلِّ الْأُمَمِ.

۷ به عوض شرمساری، نصیب دوچندان خواهید یافت، و به عوض رسوایی، در میراث خود شادی خواهید کرد. بنابراین، ایشان در سرزمینشان نصیب دوچندان خواهند یافت، و خوشی جاودانی از آن ایشان خواهد بود. ۸ زیرا من پروردگار، عدالت را دوست می‌دارم، و از غارت و ستم بیزارم. من با امانت به قوم خود پاداش خواهم داد، و با ایشان عهد جاودانی خواهم بست. ۹ نسل ایشان در میان قومها مشهور خواهند شد، و ذریه ایشان در میان ملتها معروف خواهند گشت. هر که ایشان را ببیند تصدیق خواهد کرد که آنان نسل برکت‌یافته از خداوندند. ۱۰ در خداوند شادی بسیار می‌کنم، و جان من در خدایم به وجد می‌آید؛ زیرا مرا به جامهٔ نجات ملبس ساخته، و ردای پارسایی به من پوشانیده است؛ همچون دامادی که سر خویش را به عمامه می‌آراید، و همچون عروسی که خویشتن را به جواهر زینت می‌دهد. ۱۱ زیرا چنانکه زمین نباتات خود را می‌رویاند، و باغ، دانه‌های کاشته شده را نمو می‌دهد، سید پروردگار نیز پارسایی و ستایش را در نظر جمیع قومها خواهد رویانید.

سفر اِشَعْيَاءُ: الْأَصْحَاحُ الثَّانِي وَالسِّتُونَ * ۱۲-۱:۶۲

۱ مِنْ أَجْلِ صِهْيَوْنَ لَا أَسْكُتُ، وَمِنْ أَجْلِ أُورُشَلِيمَ لَا أَهْدَأُ، حَتَّى يَخْرُجَ بَرُّهَا كَضِيَاءٍ وَخَلَاصُهَا كَمَصْبَاحٍ يَتَّقَدُّ. ۲ فَتَرَى الْأُمَمُ بَرِّكَ، وَكُلُّ الْمُلُوكِ مَجْدُكَ، وَتُسَمَّيْنِ بِاسْمِ جَدِيدٍ يُعَيِّنُهُ فَمُ الرَّبِّ. ۳ وَتَكُونِينَ إِكْلِيلَ جَمَالٍ بِيَدِ الرَّبِّ، وَتَاجًا مَلِكِيًّا بِكَفِّ إِلَهِكَ. ۴ لَا يُقَالُ بَعْدُ لَكَ: «مَهْجُورَةٌ»، وَلَا يُقَالُ بَعْدُ لَأَرْضِكَ: «مَوْحَشَةٌ»، بَلْ تُدْعَيْنِ: «حَفْصِيَّةٌ»، وَأَرْضُكَ تُدْعَى: «بَعُولَةٌ». لِأَنَّ الرَّبَّ يَسُرُّ بِكَ، وَأَرْضُكَ تَصِيرُ ذَاتَ بَعْلٍ. ۵ لِأَنَّهُ كَمَا يَتَزَوَّجُ الشَّابُّ عَذْرَاءً، يَتَزَوَّجُكَ بَنُوكَ. وَكَفَرَاحِ الْعَرِيسِ بِالْعَرُوسِ يَفْرَحُ بِكَ إِلَهُكَ.

۱ به‌خاطر صهیون سکوت نخواهم کرد، و به‌خاطر اورشلیم خاموش نخواهم ماند؛ تا پارسایی‌اش همچون نور طلوع کند، و نجاتش همچون مشعلی فروزان. ۲ قومها پارسایی تو را خواهند دید، و تمامی

پادشاهان، جلال تو را. و تو به نامی جدید نامیده خواهی شد، نامی که دهان خداوند عطا می کند. ۳ تو تاج جلال در دست خداوند خواهی بود، و افسر ملوکانه در دست خدای خویش. ۴ تو را دیگر 'متروک' نخواهند نامید، و سرزمینت را 'ویرانه' نخواهند خواند؛ بلکه تو را 'اشتیاق من' خواهند خواند، و سرزمینت را 'متأهل' خواهند نامید؛ زیرا که خداوند مشتاق تو خواهد بود، و سرزمینت به عقد ازدواج در خواهد آمد. ۵ چنانکه مرد جوان دوشیزه‌ای را به عقد خود درمی آورد، همچنان پسرانت تو را به عقد خویش در خواهند آورد؛ و چنانکه داماد از عروس به وجد می آید، همچنان خدایت از تو به وجد خواهد آمد.

۶ عَلَى أَسْنَارِكَ يَا أُورُشَلِيمُ أَقَمْتُ خُرَّاسًا لَا يَسْكُتُونَ كُلَّ النَّهَارِ وَكُلَّ اللَّيْلِ عَلَى الدَّوَامِ. يَا ذَاكَرِي الرَّبِّ لَا تَسْكُتُوا، ۷ وَلَا تَدْعُوهُ يَسْكُتٌ، حَتَّى يُثَبِّتَ وَيَجْعَلَ أُورُشَلِيمَ تَسْبِيحَةً فِي الْأَرْضِ. ۸ حَلَفَ الرَّبُّ بِيَمِينِهِ وَبِذِرَاعِ عِزَّتِهِ قَائِلًا: «إِنِّي لَا أَدْفَعُ بَعْدَ قَمْحِكَ مَأْكَلًا لِأَعْدَائِكَ، وَلَا يَشْرَبُ بَنُو الْعُرَبَاءِ خَمْرَكَ الَّتِي تَعْبَتَ فِيهَا. ۹ بَلْ يَأْكُلُهُ الَّذِينَ جَنَوْهُ وَيُسَبِّحُونَ الرَّبَّ، وَيَشْرَبُهُ جَامِعُوهُ فِي دِيَارِ قُدْسِي». ۱۰ اُغْبِرُوا، اُغْبِرُوا بِالْأَبْوَابِ، هَيِّئُوا طَرِيقَ الشَّعْبِ. اُعِدُّوا، اُعِدُّوا السَّبِيلَ، نَقُوهُ مِنَ الْحِجَارَةِ، ارْفَعُوا الرَّأْيَةَ لِلشَّعْبِ. ۱۱ هُوَذَا الرَّبُّ قَدْ أَخْبَرَ إِلَى أَقْصَى الْأَرْضِ، قُولُوا لَابْنَةِ صِهْيُون: «هُوَذَا مُخْلِصُكَ آتٍ. هَا أُجْرَتُهُ مَعَهُ وَجِزَاؤُهُ أَمَامَهُ». ۱۲ وَيُسَمُّونَهُمْ: «شَعْبًا مُقَدَّسًا»، «مُقَدِّي الرَّبِّ». وَأَنْتِ تُسَمَّيْنَ: «الْمَطْلُوبَةَ»، «الْمَدِينَةَ غَيْرَ الْمَهْجُورَةِ».

۶ ای اورشلیم! بر حصارهایت دیدبانان گماشته‌ام، که شبانه‌روز هرگز خاموش نخواهند بود. ای کسانی که به خداوند یادآوری می کنید، آرام مگیرید، ۷ و او را نیز آرامی مدهید، تا اورشلیم را استوار ساخته، آن را در جهان مایه ستایش بگرداند. ۸ خداوند به دست راست خویش سوگند خورده است و به بازوی نیرومندش، که: «دیگر هیچ گاه آذوقه شما را خوراک دشمنانتان نخواهم ساخت، و بیگانگان دیگر شراب تازه شما را نخواهند نوشید، شرابی را که برایش محنت کشیده‌اید. ۹ بلکه آنان که آذوقه را می دروند از آن خواهند خورد، و خداوند را ستایش خواهند کرد؛ و آنان که انگورها را گرد می آورند، در سرزمین مقدس من از آن خواهند نوشید.» ۱۰ بگذرید! از دروازه‌ها بگذرید! راه را برای قوم مهیا سازید. بسازید! شاهراه را بسازید! سنگها را برچینید، و عِلْمی به جهت ملت‌ها بر پا دارید! ۱۱ اینک خداوند تا به کرانه‌های زمین اعلان کرده است: به دختر صهیون بگوئید: «هان نجات تو می آید. همانا پاداش او با وی است، و اجرت او پیش رویش می آید.» ۱۲ آنان 'ملت مقدس' خوانده خواهند شد، و 'فدیه شدگان خداوند'؛ و تو 'مطلوب'، و 'شهر غیرمتروک' نامیده خواهی شد.

سفر اِشعْیاء: الأصْحاحُ الثَّالِثُ وَالسِّتُونَ * ۱:۶۳-۱۹

۱ مَنْ ذَا الْآتِي مِنْ أَدُومَ، بِثِيَابٍ حُمْرٍ مِنْ بَصْرَةَ؟ هَذَا الْبَهِيُّ بِمَلَابِسِهِ، الْمُعْظِمُ بِكَثْرَةِ قُوَّتِهِ. «أَنَا الْمُتَكَلِّمُ بِالْبَرِّ، الْعَظِيمُ لِلْخَلَّاصِ». ۲ مَا بَالُ لِبَاسِكَ مُحَمَّرٌ، وَثِيَابُكَ كَذَائِسِ الْمُعْصَرَةِ؟ ۳ «قَدْ دُسْتُ الْمُعْصَرَةَ وَخُدِي، وَمِنْ السُّعُوبِ لَمْ يَكُنْ مَعِيَ أَحَدٌ. قَدْ دُسْتُهُمْ بِغَضَبِي، وَوَطَّنْتُهُمْ بِغَيْظِي. فَرُسٌ عَصِيرُهُمْ عَلَى ثِيَابِي، فَلَطَخْتُ كُلَّ مَلَابِسِي. ۴ لِأَنَّ يَوْمَ النِّقْمَةِ فِي قَلْبِي، وَسَنَةَ مَفْدِيٍّ قَدْ أَتَتْ. ۵ فَنَظَرْتُ وَلَمْ يَكُنْ مُعِينٌ، وَتَحَيَّرْتُ إِذْ لَمْ يَكُنْ غَاضِداً، فَخَلَصْتُ لِي ذِرَاعِي، وَغَيْظِي غَضَدْتِي. ۶ قَدْ دُسْتُ سُعُوبًا بِغَضَبِي وَأَسْكَرْتُهُمْ بِغَيْظِي، وَأَجْرَيْتُ عَلَى الْأَرْضِ عَصِيرَهُمْ».

۱ این کیست که از آدوم، از شهر بصره می آید، و جامه سرخ فام بر تن دارد؟ این کیست که به فرّ و شکوه ملبس است، و در عظمت قوّت خویش گام برمی دارد؟ «آن منم! من که به عدالت سخن می گویم، و در نجات دادن نیرومندم.» ۲ چرا جامهات سرخ فام است، همچون جامه کسانی که چرخشت لگد کوب می کنند؟ ۳ «من چرخشت را به تنهایی لگد کوب کردم، و از ملتها احدی همراه نبود. در خشم خویش بر ایشان پانهادم، و در غضب خویش لگد کوبشان کردم. خون ایشان بر جامه ام پاشید، و لباسهایم را بیالود. ۴ زیرا که روز انتقام در دل من بود، و سال فدیة شدگانم فرا رسیده بود. ۵ نگرستم اما یاری رسانی نبود، در بُهت و حیرت شدم زیرا پشتیبانی نبود. پس بازوی من برایم نجات به ارمغان آورد، و خشم من پشتیبان من شد. ۶ در خشم خویش ملتها را پایمال کردم، و در غضبم ایشان را مست ساخته، خونشان را بر زمین ریختم.»^{۲۳}

^{۲۳} آدوم یک صفت تفضیلی از ماده دَوم بمعنی: همیشگی با دوام و پایدارتر. اگر آدوم صفت مکانی باشد اشاره به سرزمین عراق و بین النهرین دارد، سرزمینی وحی و انبیاء الهی که از آنجا دین الهی آغاز و در سایر مناطق جهان گسترش یافت. و اگر صفت شخصی باشد اشاره ای است به اهدی الرايات بودن آن منجی که در آخرالزمان از بصره و با لباسی قرمز رنگ برای انتقام می آید. در روایات به منجی از بصره اشاره شده و از آن بعنوان: یمانی، اول المومنین و مهدی اول، و... نام برده اند که بجهت زمینه سازی بشارت و انذار قبل از امام مهدی (ع)، می آید. او مامور به ابلاغ رسالتی جدید از طرف امام مهدی (ع) است، و بعد از اینکه دوره دعوت خویش به پایان راسانید با شمشیر و با آنچه که در جفر قرمز نوشته شده است قیام خواهد کرد، او انتقام انبیاء و خون پاکی که از امام حسین (ع) بر زمین ریخته شد خواهد گرفت، و زمینه را برای نزول عیسی (ع) ایلیا و خضر نبی (ع) فراهم خواهد ساخت. بیشتر در اصحاح ۳۴ کتاب اشعیا خواندیم: «۵ لِأَنَّهُ قَدْ رَوِيَ فِي السَّمَاوَاتِ سَيْفِي. هُوَذَا عَلَى أَدُومَ يَنْزِلُ، وَعَلَى شَعْبٍ حَرَمْتُهُ لِلدَّيْنُونَةِ. ۶ لِلرَّبِّ سَيْفٌ قَدْ امْتَلَأَ دَمًا، اِطْلَى بِشَحْمٍ، بَدَمٍ خِرَافٍ وَثِيُوسٍ، بِشَحْمٍ كَلْبَاشٍ. لِأَنَّ لِلرَّبِّ ذَبِيحَةً فِي بَصْرَةَ وَذَبْحًا عَظِيمًا فِي أَرْضِ أَدُومَ. ۷ وَيَسْنَقُطُ الْبَقَرُ الْوَحْشِيَّ مَعَهَا وَالْعُجُولُ مَعَ الثَّيْرَانِ، وَتَرَوِي أَرْضَهُمْ مِنَ الدَّمِ، وَتَرَاهُمْ مِنَ الشَّحْمِ يُسَمِّنُونَ. ۸ لِأَنَّ لِلرَّبِّ يَوْمَ انْتِقَامٍ، سَنَةٌ جَزَاءٍ مِنْ أَجْلِ دَعْوَى صِهْيُونِ»؛ (۵ زیرا که شمشیر من در آسمانها سیراب شده است و اکنون بر آدوم فرود می آید، بر قومی که ایشان را به نابودی کامل سپرده ام. ۶ شمشیر خداوند از خون آنها پوشیده و از چربی آنها فربه خواهد شد و آنها را مانند بَره و بزغاله ذبحی، سر خواهد برید؛ زیرا که خداوند را در بصره فدیة ای است، و در سرزمین آدوم، ذبحی عظیم. ۷ گاوان وحشی همراه ایشان خواهند افتاد، و هم گوساله ها و گاوان زور آور؛ سرزمین ایشان از خون سیراب خواهد شد، و خاکشان

۷ إِحْسَانَاتِ الرَّبِّ أَذْكَرُ، تَسَابِيحِ الرَّبِّ، حَسَبَ كُلِّ مَا كَفَانَا بِهِ الرَّبُّ، وَالْخَيْرِ الْعَظِيمِ لِبَيْتِ إِسْرَائِيلَ الَّذِي كَفَاهُمْ بِهِ حَسَبَ مَرَاجِمِهِ، وَحَسَبَ كَثْرَةِ إِحْسَانَاتِهِ. ۸ وَقَدْ قَالَ حَقًّا: «إِنَّهُمْ سَعْيِي، بَنُونَ لَا يَخُونُونَ». فَصَارَ لَهُمْ مُخْلَصًا. ۹ فِي كُلِّ ضَيْقِهِمْ تَضَاقُّ، وَمَلَكَ خَضْرَتِهِ خَلَصَهُمْ. بِمَحَبَّتِهِ وَرَأْفَتِهِ هُوَ فَكَّهُمْ وَرَفَعَهُمْ وَحَمَلَهُمْ كُلَّ الْأَيَّامِ الْقَدِيمَةِ. ۱۰ وَلَكِنَّهُمْ تَمَرَّدُوا وَأَخْزَنُوا رُوحَ قُدْسِهِ، فَتَحَوَّلَ لَهُمْ عَدُوًّا، وَهُوَ خَارِبُهُمْ. ۱۱ ثُمَّ ذَكَرَ الْأَيَّامَ الْقَدِيمَةَ، مُوسَى وَشَعْبُهُ: «أَيْنَ الَّذِي أَصْعَدَهُمْ مِنَ الْبَحْرِ مَعَ رَاعِي غَنَمِهِ؟ أَيْنَ الَّذِي جَعَلَ فِي وَسْطِهِمْ رُوحَ قُدْسِهِ، ۱۲ الَّذِي سَيَّرَ لِيَمِينِ مُوسَى ذِرَاعَ مَجْدِهِ، الَّذِي شَقَّ الْغِيَاةَ قُدَّامَهُمْ لِيَصْنَعَ لِنَفْسِهِ اسْمًا أَبَدِيًّا، ۱۳ الَّذِي سَيَّرَهُمْ فِي اللَّجَجِ، كَفَرَسَ فِي الْبَرِّيَّةِ فَلَمْ يَعْثُرُوا؟ ۱۴ كَبَهَائِمَ تَنْزِلُ إِلَى وَطَاءٍ، رُوحُ الرَّبِّ أَرَاخَهُمْ». هَكَذَا قُدَّتْ شَعْبَكَ لِيَتَصَنَعَ لِنَفْسِكَ اسْمَ مَجْدٍ.

۷ محبت‌های خداوند و کارهای ستودنی او را بر خواهم شمرد، یعنی تمامی آنچه را که خداوند برای ما کرده است؛ آری، احسان فراوانی را که بر حسب رحمت‌ها و محبت‌های بسیار خویش به خاندان اسرائیل نشان داده است. ۸ زیرا گفته است: «آنان به یقین قوم من هستند، فرزندان‌ی که خیانت نخواهند کرد»، پس نجات‌دهنده ایشان شده است. ۹ در تمامی رنج‌های ایشان، او نیز رنج کشید، و فرشته حضور وی ایشان را

از چربی فربه خواهد گشت. ۸ زیرا برای خداوند روز انتقامی است، سال کفر دادن به جهت دادرسی صهیون). و برای توضیح بیشتر در کتاب ارمیا اصحاب ۴۶ آیه ۱۰ نیز آمده است: «فَهَذَا الْيَوْمَ لِلسَّيِّدِ رَبِّ الْجُنُودِ يَوْمُ نَقْمَةٍ لِلانْتِقَامِ مِنْ مُبْغِضِيهِ، فَيَأْكُلُ السَّيْفُ وَيَشْبَعُ وَيَرْتَوِي مِنْ دَمِهِمْ. لِأَنَّ لِلسَّيِّدِ رَبِّ الْجُنُودِ ذَبِيحَةً فِي أَرْضِ الشِّمَالِ عِنْدَ نَهْرِ الْفُرَاتِ»؛ (آن روز، روز سید پروردگار لشکریان است، روز انتقام، روز انتقام از دشمنانش. شمشیر فرو خواهد بلعید و سیر خواهد شد، و از خونشان سرمست خواهد گردید. زیرا برای سید پروردگار لشکریان، در سرزمین شمال، در کنار رود فرات، قربانی وجود دارد).

آری، بر اساس روایات آن ذبح عظیم در کنار نهر فرات همان حسین (ع) است، و آن نجات بخش و انتقام گیرنده که خود نیز بجای عیسی (ع) و بخاطر قضیه امام مهدی (ع) قربانی گشت همان قائمی است که در قیامت صغری از عراق و از شهر بصره، می‌آید. اسم او بنا بر وصیت پیامبر اسلام: احمد، و محل تولد و سکونتش نیز بصره یاد شده است: «أَوَّلُهُمْ مِنَ الْبَصْرَةِ، وَ آخِرُهُمْ مِنَ الْإِمَامَةِ، وَ مِنْ الْبَصْرَةِ: ... أَحْمَدُ بْنُ مُلَيْحٍ، ...». از امام صادق (ع) از پدرانش نقل شده: رسول خدا (ص) در همان شبی که رحلت ایشان واقع شد، به علی (ع) فرمود: ای ابا الحسن کاغد و دواتی بیاور. رسول اکرم (ص) وصیت خود را املاء کرد و علی (ع) می‌نوشت، تا بدین جا رسید که فرمود: «يَا عَلِيُّ إِنَّهُ سَيَكُونُ بَعْدِي اثْنَا عَشَرَ إِمَامًا وَ مِنْ بَعْدِهِمْ اثْنَا عَشَرَ مَهْدِيًّا، فَأَنْتَ يَا عَلِيُّ أَوَّلُ الْإِثْنَى عَشَرَ الْإِمَامِ. (و سَاقِ الْحَدِيثَ إِلَى أَنْ قَالَ): وَ لَيْسَلَمَهَا الْحَسَنُ إِلَى ابْنِهِ مُحَمَّدٍ الْمُسْتَحْفَظِ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ، فَذَلِكَ اثْنَا عَشَرَ إِمَامًا ثُمَّ يَكُونُ مِنْ بَعْدِهِ اثْنَا عَشَرَ مَهْدِيًّا، (فَإِذَا خَضَرَتْهُ الْوَفَاةُ)، فَلَيْسَلَمَهَا إِلَى ابْنِهِ أَوَّلِ الْمَهْدِيِّينَ، لَهُ ثَلَاثَةُ أَسْمَاءٍ: اسْمُهُ كَاسِمِي، وَ اسْمُ أَبِي، وَ هُوَ عَبْدُ اللَّهِ وَ أَحْمَدُ وَ الْإِسْمُ الثَّلَاثُ الْمَهْدِي، وَ هُوَ أَوَّلُ الْمُؤْمِنِينَ»؛ (یا علی! بعد از من دوازده امام می‌باشند و بعد از ایشان دوازده مهدی. پس تو یا علی اولین دوازده امام می‌باشی. و حدیث به درازا کشید تا این که فرمود: و چون وفات حسن عسکری برسد آن (خلافت) را به فرزندش (م ح م د) که مستحفظ شریعت و از جمله آل محمد است تسلیم کند، و ایشان دوازده امام‌اند. سپس بعد از ایشان دوازده مهدی خواهند بود. (پس وقتی که او را اجل دریافت)، امر (خلافت) را به فرزندش که اولین مهدیین است بسپارد، برای او سه نام است، یک نامش مانند نام من، و نام دیگرش نام پدر من است و آن‌ها عبدالله و احمد، و نام سوم او مهدی است، و او اولین مؤمنان است). الغیة للطوسی ص ۱۵۰ و بحار الأنوار؛ ج ۵؛ ص ۱۴۸.

نجات داد. در محبت و گذشت خویش ایشان را فدیة داد، در تمامی ایام قدیم ایشان را برگرفته، حمل کرد. ۱۰ اما ایشان عصیان ورزیدند، و روح مقدس او را محزون ساختند. پس روی گردانیده دشمن ایشان شد، و خود با ایشان جنگ کرد. ۱۱ سپس ایام قدیم موسی و قومش را بیاد آورد: «کجاست آن که ایشان را با پوچان و گله‌اش از میان دریا عبور داد؟ کجاست آن که روح مقدس خود را در میان ایشان نهاد، ۱۲ آنکه بازوی شکوهمندش را به دست راست موسی به حرکت درآورد؟ آنکه آنها را پیش روی ایشان شکافت تا آوازه‌ای جاودانه برای خویشان کسب کند، ۱۳ آنکه ایشان را در سختی‌ها همچون اسب از بیابان عبور داد بدون زمین خورند؟ ۱۴ همچون چارپایانی که به وادی فرود آیند، روح خداوند ایشان را در ایام قدیم استراحت بخشید». آری، تو نیز اینچنین قوم خود را رهبری کردی، تا نامی شکوهمند برای خود کسب کنی.

۱۵ تَطَّلَعُ مِنَ السَّمَاوَاتِ وَانْظُرْ مِنْ مَسْكَنِ قُدْسِكَ وَمَجْدِكَ: أَيْنَ غَيْرُكَ وَجَبَرُوتُكَ؟ زَفِيرُ أَحْشَائِكَ وَمَرَامُكَ نَحْوِي امْتَنَعْتُ. ۱۶ فَإِنَّكَ أَنْتَ أَبُونَا وَإِنْ لَمْ يَعْرِفْنَا إِبْرَاهِيمُ، وَإِنْ لَمْ يَدْرِنَا إِسْرَائِيلُ. أَنْتَ يَا رَبُّ أَبُونَا، وَلِيْنَا مِنْذُ الْأَبَدِ اسْمُكَ. ۱۷ لِمَاذَا أَضَلَلْتَنَا يَا رَبُّ عَنْ طُرُقِكَ، قَسَيْتَ قُلُوبَنَا عَنْ مَخَافَتِكَ؟ ارْجِعْ مِنْ أَجْلِ عِبِيدِكَ، أَسْبَاطِ مِيرَاثِكَ. ۱۸ إِلَى قَلِيلٍ امْتَلَأَتْ شَعْبُ قُدْسِكَ، مُضَابِقُونَا دَاسُوا مَقْدِسَكَ. ۱۹ قَدْ كُنَّا مِنْذُ زَمَانٍ كَالَّذِينَ لَمْ تَحْكَمْ عَلَيْهِمْ، وَلَمْ يُدْعَ عَلَيْهِمْ بِاسْمِكَ.

۱۵ از آسمان بنگر و بین، از عرش مقدس و شکوهمندت. غیرت و قدرت تو کجاست؟ دلسوزی و شفقت تو از ما بازداشته شده است. ۱۶ براستی که تو پدر مایی، اگرچه ابراهیم ما را نشناسد و اسرائیل ما را بجا نیاورد! تو ای پروردگار، «ولی» و «پدر» مایی، نام تو ابدی باد. ۱۷ ای پروردگار، چرا از راههای خود گمراهمان کردی، و چرا دل‌هایمان را سخت ساختی تا از تو نترسیم؟ به‌خاطر بندگانت بازگشت نما، به‌خاطر قبیله‌هایی که میراث تو هستند. ۱۸ قوم مقدس تو کوتاه‌زمانی قُدس تو را در تصرف داشتند، اما اکنون دشمنان ما آن را لگدمال کرده‌اند. ۱۹ ما همچون مردمانی گشته‌ایم که تو هرگز بر ایشان فرمان نرانده‌ای و به نام تو نامیده نشده‌اند.

سفرِ اِشَعْيَاءَ : الْأَصْحَاحُ الرَّابِعُ وَالسِّتُونَ * ۱:۶۴-۱۲

۱ لَيْتَكَ تَشَقُّ السَّمَاوَاتِ وَتَنْزِلُ! مِنْ حَضْرَتِكَ تَنْزَلُ الْجِبَالُ. ۲ كَمَا تُشْعِلُ النَّارُ الْهَشِيمَ، وَتَجْعَلُ النَّارَ الْمِيَاهَ تَغْلِي، لَتَعْرِفَ أَغْدَاكَ اسْمُكَ، لَتَرْتِعِدَ الْأُمَمُ مِنْ حَضْرَتِكَ. ۳ حِينَ صَنَعْتَ مَخَافَ لَمْ نَنْتَظِرْهَا، نَزَلْتَ، تَزَلَزَلَتِ الْجِبَالُ مِنْ حَضْرَتِكَ. ۴ وَمِنْذُ الْأَزَلِ لَمْ يَسْمَعُوا وَلَمْ يَصْنَعُوا. لَمْ تَرَ عَيْنُ إِلَهًا غَيْرَكَ يَصْنَعُ لِمَنْ يَنْتَظَرُهُ. ۵ تُلَاقِي الْفَرَحَ الصَّانِعِ الْبَرِّ. الَّذِينَ يَذْكُرُونَكَ فِي طُرُقِكَ. هَا أَنْتَ سَخِطْتَ إِذْ أَخْطَأْنَا. هِيَ إِلَى الْأَبَدِ فَتَخْلُصُ.

۶ وَقَدْ صِرْنَا كُلُّنَا كَنَجَسٍ، وَكَثُوبٍ عِدَّةٍ كُلُّ أَعْمَالِ بَرِّنا، وَقَدْ ذُبُلْنَا كَوَرْقَةٍ، وَأَثَامُنَا كَرِيحٍ تَحْمِلُنَا. ۷ وَلَيْسَ مَنْ يَدْعُو بِاسْمِكَ أَوْ يَنْتَبِهَ لِيَتَمَسَّكَ بِكَ، لِأَنَّكَ حَجَبْتَ وَجْهَكَ عَنَّا، وَأَذْبَتْنَا بِسَبَبِ أَثَامِنَا. ۸ وَالْآنَ يَا رَبُّ أَنْتَ أَبُوْنَا. نَحْنُ الطِّينُ وَأَنْتَ جَابِلُنَا، وَكُلُّنَا عَمَلٌ يَدِيكَ. ۹ لَا تَسْخَطْ كُلَّ السَّخَطِ يَا رَبُّ، وَلَا تَذْكُرِ الْإِثْمَ إِلَى الْأَبَدِ. هَا انْظُرْ. شَعْبُكَ كُلُّنَا. ۱۰ مُدُنٌ قُدْسِيكَ صَارَتْ بَرِّيَّةً. صِهْيُونُ صَارَتْ بَرِّيَّةً، وَأُورُشَلِيمُ مُوَحَّشَةٌ. ۱۱ بَيْتُ قُدْسِنَا وَجَمَالُنَا حَيْثُ سَبَّحَكَ آبَاؤُنَا، قَدْ صَارَ حَرِيقُ نَارٍ، وَكُلُّ مُشْتَهِيَاتِنَا صَارَتْ خَرَابًا. ۱۲ الْأَجَلَ هَذِهِ تَتَجَلَّدُ يَا رَبُّ؟ أَتَسْكُتُ وَتَذُلُّنَا كُلَّ الدَّلِيلِ؟

۱ کاش که آسمانها را شکافته، نازل می شدی، تا کوهها از حضورت به لرزه درمی آمدند - ۲ همچون آتشی که خُرده چوبها را مشتعل می سازد، و آب را به جوش می آورد - تا نام خود را به دشمنانت بشناسانی، و تا قومها از حضورت به لرزه در آیند! ۳ آنگاه که اعمالی هولناک انجام دادی که انتظارش را نداشتیم، نازل شدی و کوهها از حضورت به لرزه در آمد. ۴ از دیرباز کسی نشیده، و گوشی استماع نکرده است، و چشمی الهای را غیر از تو ندیده که برای منتظران خود عمل کند. ۵ تو کسانی را که شادمانه به پارسایی عمل می کنند، و در راههای تو، تو را به یاد می آورند، ملاقات می کنی. هان تو خشمناک شدی زیرا که ما گناه کردیم، و دیرزمانی در آنها به سر بردیم، پس حال چگونه نجات توانیم یافت؟ ۶ همه ما همچون شخص نجس شده ایم، و اعمال نیک ما جملگی همچون پارچه ای کثیف است! همگی ما مانند برگ پژمرده ایم، و گناهان ما همچون باد، ما را با خود می برد. ۷ کسی نیست که نام تو را بخواند، یا خویشان را برانگیزد تا به تو تمسک جوید، زیرا که روی خود را از ما نهان کرده ای، و ما را به سبب گناهانمان گداخته ای. ۸ با این همه، ای خداوند، تو پدر ما هستی. ما گل هستیم و تو کوزه گری؛ همه ما کار دست تویم. ۹ ای خداوند، چنین سخت غضبناک مباش، و گناه را تا ابد به خاطر مدار! تمنا اینکه بنگری، که ما جملگی قوم تویم. ۱۰ شهرهای مقدس تو به بیابان بدل شده، حتی صهیون بیابان گردیده است، و اورشلیم، ویرانه ای. ۱۱ معبد مقدس و پر شکوه ما، که نیاکانمان در آن تو را ستایش می کردند، به آتش سوزانده شده، و مکانهای دلپذیر ما، جملگی ویران گشته است! ۱۲ خداوند، آیا با این همه همچنان خودداری می کنی؟ آیا همچنان سکوت کرده، ما را چنین سخت مبتلا می سازی؟

سفر اشعیا: الأصحاح الخامس والسِّتون * ۶۵: ۱-۲۵

۱ «أَصْغَيْتُ إِلَى الَّذِينَ لَمْ يَسْأَلُوا. وَجِدْتُ مِنَ الَّذِينَ لَمْ يَطْلُبُونِي. قُلْتُ: هَآنَذَا، هَآنَذَا. لَأُمَّةٌ لَمْ تُسَمَّ بِاسْمِي. ۲ بَسَطْتُ يَدَيَّ طُولَ النَّهَارِ إِلَى شَعْبٍ مُتَمَرِّدٍ سَائِرٍ فِي طَرِيقٍ غَيْرِ صَالِحٍ وَرَاءَ أَفْكَارِهِ. ۳ شَعْبٌ يُعِظُنِي بِوَجْهِي. دَائِمًا يَذْبَحُ فِي الْجَنَاتِ، وَيُبَيِّخُ عَلَى الْأَجْرِ. ۴ يَجْلِسُ فِي الْقُبُورِ، وَيَبْنِي فِي الْمَدَافِنِ. يَأْكُلُ لَحْمَ الْخَنَزِيرِ،

وَفِي آيَاتِهِ مَرْقٌ لُحُومٍ نَجِسَةٍ. ٥ يَقُولُ: قِفْ عِنْدَكَ. لَا تَذَنْ مَنِّي لِأَنِّي أَفْدَسُ مِنْكَ. هُوَ لَا دُخَانَ فِي أَنْفِي، نَارٌ مُتَقَدَّةٌ كُلَّ النَّهَارِ. ٦ هَا قَدْ كُتِبَ أَمَامِي. لَا أَسْكُتُ بَلْ أَجَازِي. أَجَازِي فِي حِصْنِهِمْ، ٧ أَثَامَكُمْ وَأَثَامَ آبَائِكُمْ مَعًا قَالَ الرَّبُّ، الَّذِينَ بَخَرُوا عَلَى الْجِبَالِ، وَعَيَّرُونِي عَلَى الْأَكَامِ، فَأَكِيلُ عَمَلَهُمُ الْأَوَّلَ فِي حِصْنِهِمْ».

۱ اجازه دادم کسانی که مرا نطلبیده بودند، مرا بجویند، و کسانی که مرا نجسته بودند، مرا یافتند، و به قومی که نام مرا نخوانده بودند، گفتم: «اینک حاضرم؛ اینک حاضرم.» ۲ تمامی روز دستانم را دراز کردم به سوی قومی گردنکش، که در طریقه‌های نادرست گام برمی‌دارند، و توهمات خویش را پیروی می‌کنند؛ ۳ قومی که پیوسته پیش رویم، خشم مرا برمی‌انگیزند، و در باغها قربانی گذرانده، بر آجرها بخور می‌سوزانند؛ ۴ قومی که در میان قبرها می‌نشینند، و تمامی شب را در مغاره‌ها سپری می‌کنند؛ قومی که گوشت خوک می‌خورند، و خورش از گوشت نجس در ظرفشان است؛ ۵ قومی که می‌گویند: «دور بایست و نزد من میا، زیرا مقدس‌تر از آنم که نزدیک من آیی.» آنان دودند در بینی‌ام، و آتشی که تمامی روز مشتعل است! ۶ خداوند می‌گوید: همانا این نزد من مکتوب است که: «خاموش نخواهم ماند، بلکه بدیشان مزد خواهم داد، آری مزد آن را به آغوش ایشان خواهم پرداخت، ۷ مزد گناهان شما و گناهان پدران شما را با هم. و از آنجا که بر کوهها قربانی تقدیم کردند، و بر تپه‌ها به من بی‌حرمتی روا داشتند، مزد اعمال گذشته ایشان را به آغوششان خواهم پرداخت.»

۸ هَكَذَا قَالَ الرَّبُّ: «كَمَا أَنَّ السَّلَافَ يُوجَدُ فِي الْعُنُقُودِ، فَيَقُولُ قَائِلٌ: لَا تُهْلِكُهُ لَأَنَّ فِيهِ بَرَكَهٌ. هَكَذَا أَعْمَلُ لِأَجْلِ عِبِيدِي حَتَّى لَا أَهْلِكَ الْكُلَّ. ٩ بَلْ أُخْرِجُ مِنْ يَعْقُوبَ نَسْلًا وَمِنْ يَهُودَا وَارِثًا لِجِبَالِي، فَيَرِثُهَا مُخْتَارِي، وَتَسْكُنُ عِبِيدِي هُنَاكَ. ١٠ فَيَكُونُ شَارُونُ مَرْعَى غَنَمٍ، وَوَادِي عَخُورَ مَرْبِضَ بَقَرٍ، لِشُعْبِي الَّذِينَ طَلَبُونِي.

۸ خداوند چنین می‌گوید: «مانند زمانی که شراب تازه هنوز در خوشه یافت می‌شود، و می‌گویند: ”آن را زایل مسازید، زیرا هنوز برکتی در آن هست،“ من نیز به‌خاطر خادمانم چنین عمل خواهم کرد، و آنها را به‌کل هلاک نخواهم ساخت. ۹ از یعقوب نسلی خارج خواهم سلخت، و از یهودا وارثانی برای کوههایم؛ برگزیدگانم آنها را به میراث خواهند برد، و خادمانم در آنجا سکونت خواهند گزید. ۱۰ و برای قوم من که مرا می‌جویند، شارون چراگاه گله‌ها، و وادی عخور استراحتگاه رમે‌ها، خواهد شد.

۱۱ «أَمَّا أَنْتُمْ الَّذِينَ تَزَكُّوهُ الرَّبَّ وَتَسُوءُ جَبَلَ قُدْسِي، وَرَبَّيْتُمُ الْكَبِيرَ مَائِدَةً، وَمَلَأُوا لِلسَّعْدِ الْأَصْغَرَ خَمْرًا مَمْرُوجَةً، ١٢ فَإِنِّي أُعِينُكُمْ لِّلسَّيْفِ، وَتَجْتُنُونَ كُلَّكُمْ لِلذَّبْحِ، لِأَنِّي دَعَوْتُ فَلَمْ تُجِيبُوا، تَكَلَّمْتُ فَلَمْ تَسْمَعُوا، بَلْ عَمِلْتُمُ الشَّرَّ فِي عَيْنِي، وَاخْتَرْتُمْ مَا لَمْ أُسَرِّ بِهِ. ١٣ لِذَلِكَ هَكَذَا قَالَ السَّيِّدُ الرَّبُّ: هُوَذَا عِبِيدِي يَأْكُلُونَ وَأَنْتُمْ تَجُوعُونَ. هُوَذَا عِبِيدِي يَشْرَبُونَ وَأَنْتُمْ تَعْطَشُونَ. هُوَذَا عِبِيدِي يَفْرَحُونَ وَأَنْتُمْ تَحْزَنُونَ. ١٤ هُوَذَا عِبِيدِي يَتَرْتَمُونَ مِنْ طَيِّبَةِ الْقَلْبِ وَأَنْتُمْ تَصْرُخُونَ مِنْ كَابَةِ الْقَلْبِ، وَمِنْ انْكِسَارِ الرُّوحِ تُولُولُونَ. ١٥ وَتُخْلِفُونَ أَسْمَكُمْ

لَعْنَةً لِمُخْتَارِيٍّ، فَيَمِيتُكَ السَّيِّدُ الرَّبُّ وَيُسَمِّي عَبِيدَهُ اسْمًا آخَرَ. ۱۶ فَالَّذِي يَتَبَرَّكُ فِي الْأَرْضِ يَتَبَرَّكُ بِإِلَهِ الْحَقِّ، وَالَّذِي يَخْلِفُ فِي الْأَرْضِ يَخْلِفُ بِإِلَهِ الْحَقِّ، لِأَنَّ الصِّبْيَاتِ الْأُولَى قَدْ نُسِيتُ، وَلَئِنَّهَا اسْتَتَرَتْ عَنْ عَيْنَيَّ.

۱۱ «و اما شما که خداوند را ترک کردید و کوه مقدس مرا به فراموشی سپردید، که برای 'بخت' سفره می گسترانید و برای 'تقدیر' شراب ممزوج می ریزید، ۱۲ شما را به جهت شمشیر مقدر خواهم کرد، و همه شما برای کشتار خم خواهید شد. زیرا چون خواندم، پاسخم ندادید، و چون سخن گفتم، گوش نگرفتید، بلکه آنچه را در نظرم ناپسند بود به عمل آوردید، و آنچه را که خشنودم نمی ساخت برگزیدید.» ۱۳ بدین خاطر سید پروردگار چنین می فرماید: «خادمان من خواهند خورد، اما شما گرسنه خواهید ماند؛ و خادمان من خواهند نوشید، اما شما تشنه خواهید ماند؛ و خادمان من شادی خواهند کرد، اما شما سرافکنده خواهید شد؛ ۱۴ و خادمانم از خوشی دل سرود خواهند خواند، اما شما از اندوه دل فریاد بر خواهید آورد و از شکستگی روح شیون خواهید کرد. ۱۵ شما نام خود را به عنوان لعنت برای برگزیدگانم بر جا خواهید گذاشت، و سید پروردگار شما را خواهد کشت، اما به خادمانش نامی دیگر خواهد داد. ۱۶ آن که خویشان را در این سرزمین برکت دهد، خویشان را به خدای حق برکت خواهد داد، و آن که در این سرزمین سوگند خورد، به خدای حق سوگند خواهد خورد. زیرا که مشقتهای پیشین فراموش خواهد شد، و از نظر من نهان خواهد گشت.

۱۷ «لَا تَبْتَهِجُوا إِلَى الْأَبَدِ فِي مَا أَنَا خَالِقٌ، لَا تَبْتَهِجُوا فِي مَا أَنَا خَالِقٌ أُورُشَلِيمَ بِهَيْجَةٍ وَشَعْبَهَا فَرَحًا. ۱۹ فَابْتَهِجُوا بِأُورُشَلِيمَ وَأَفْرَحُوا بِشَعْبِي، وَلَا يَسْمَعُ بَعْدُ فِيهَا صَوْتُ بُكَاءٍ وَلَا صَوْتُ صَرَخٍ. ۲۰ لَا يَكُونُ بَعْدُ هُنَاكَ طِفْلُ أَيَّامٍ، وَلَا شَيْخٌ لَمْ يُكْمَلْ أَيَّامُهُ. لِأَنَّ الصَّبِيَّ يَمُوتُ ابْنٌ مِئَةِ سَنَةٍ، وَالْخَاطِئُ يُلْعَنُ ابْنٌ مِئَةِ سَنَةٍ. ۲۱ وَيَبْنُونَ بُيُوتًا وَيَسْكُنُونَ فِيهَا، وَيَغْرِسُونَ كَرْوَمًا وَيَأْكُلُونَ أَثْمَارَهَا. ۲۲ لَا يَبْنُونَ وَآخِرُ يَسْكُنُ، وَلَا يَغْرِسُونَ وَآخِرُ يَأْكُلُ. لِأَنَّهُ كَأَيَّامِ شَجَرَةِ أَيَّامِ شَعْبِي، وَيَسْتَعْمِلُ مُخْتَارِيٍّ عَمَلًا أَيْدِيهِمْ. ۲۳ لَا يَتَعَبُونَ بَاطِلًا وَلَا يَلْدُونَ لِلرَّغْبِ، لِأَنَّهُمْ نَسْلُ مُبَارَكِي الرَّبِّ، وَدُرَيْتُهُمْ مَعَهُمْ. ۲۴ وَيَكُونُ أَنِّي قَبْلَمَا يَدْعُونَ أَنَا أُجِيبُ، وَفِيمَا هُمْ يَتَكَلَّمُونَ بَعْدُ أَنَا أَسْمَعُ. ۲۵ الذِّبُّ وَالْحَمَلُ يَرْعِيَانِ مَعًا، وَالْأَسَدُ يَأْكُلُ التَّنَّ كَالْبَقَرِ. أَمَّا الْحَيَّةُ فَالْتُّرَابُ طَعَامُهَا. لَا يُؤْذُونَ وَلَا يُهْلِكُونَ فِي كُلِّ جَبَلٍ قَدْسِي، قَالَ الرَّبُّ.»

آسمان و زمین جدید: ۱۷ «هان من آسمانی جدید و زمینی جدید خواهم آفرید، و امور پیشین دیگر به یاد آورده نخواهد شد، و از ذهن نخواهد گذشت. ۱۸ بلکه از آنچه من می آفرینم، تا ابد شادی و وجد کنید، زیرا من اورشلیم را چنان خواهم آفرید که مکان وجد باشد، و قوم آن را چنانکه مایه شادی.

۱۹ بر اورشلیم شادی خواهم کرد، و به سبب قوم خویش به وجد خواهم آمد. صدای گریه و ناله دیگر در آن شنیده نخواهد شد. ۲۰ دیگر هرگز در آن کودکی نخواهد بود که چند روزی بیش زنده نماند، و نه پیرمردی که عمر خود را به کمال نرساند. آن که در صدسالگی بمیرد، جوان محسوب گردد و آن که به صدسالگی نرسد، ملعون به شمار آید. ۲۱ خانه‌ها بنا خواهند کرد، و در آنها ساکن خواهند شد؛ تاکستانها غرس خواهند کرد، و از میوه آنها خواهند خورد. ۲۲ دیگر بنا نخواهند کرد تا دیگران ساکن شوند، و غرس نخواهند کرد تا دیگران بخورند. زیرا ایام قوم من مانند ایام درخت خواهد بود، و برگزیدگان من سالها از دسترنج خود لذت خواهند برد. ۲۳ محنت یهوده نخواهند کشید، و فرزندان به جهت رعب و وحشت نخواهند زاد، زیرا قومی برکت یافته از خداوند خواهند بود، آنان و نسل ایشان با هم. ۲۴ پیش از آنکه بخوانند پاسخ خواهم داد، و هنوز سخن بر زبانشان است که خواهم شنید. ۲۵ گرگ و بره با هم خواهند چرید، و شیر چون گاو کاه خواهد خورد، اما خوراک مار خاک خواهد بود. و در تمامی کوه مقدس من، ضرری نخواهند رسانید و نابود نخواهند کرد؛ این است فرموده خداوند.^{۲۴}

^{۲۴} سید علی بن طاووس در کتاب «سعد السَّعود» از صحیفه ادریس نبی، در ضمن درخواست ابلیس نقل کرده است که: «پروردگارا! به من تا روزی که خلق مبعوث می شوند، مهلت بده». و جواب آمد که: «نه! ولی تا روز معلوم، تو از مهلت داده شدگان هستی و آن روزی است که من حکم نمودم و حتم کردم که آن روز، زمین را از کفر و شرک و معاصی پاک کنم و برای آن وقت، بندگان که دلهایشان را به ایمان آزمودم و آنها را پر نمودم از ورع و اخلاص و یقین و تقوی و خشوع و صدق و حلم و صبر و وقار و پرهیزگاری و زهد در دنیا و رغبت در آنچه در نزد من است، بعد از هدایت و آنها را نگاهبانان آفتاب و ماه می گردانم، یعنی برای عبادت در شب و روز. و آنها را در زمین خلیفه و جانشین خواهم کرد و به آنها بر دینی که آن را برای ایشان پسندیدم، قدرت و توانایی خواهم داد. آنگاه مرا عبادت می کنند و چیزی را برای من شریک قرار نمی دهند. نماز خود راسر وقت بخوانند و زکات خویش را در زمانش بپردازند و امر به معروف و نهی از منکر نمایند، و در آن زمان امانت را بر زمین ببندازم. پس چیزی به چیزی ضرر نرساند و چیزی از چیزی نترسد. آنگاه چهارپایان و جانوران زهردار در میان مردم آیند و همدیگر را اذیت نمی کنند. و نیش را از جانورانی که نیش دارند بردارم و زهر هر حیوان زهردار را ببرم و برکات را از آسمان و زمین نازل کنم و زمین از نیکویی نبات خود بدرخشد و همه ثمره‌های خود را بیرون دهد و مهربانی و دوستی را در میان آنها ببندازم پس با یکدیگر مواسات کنند و به یک اندازه قسمت کنند. پس فقرا بی نیاز می شوند و هیچ کس از مردم بر دیگری برتری نکند و بزرگ به کوچک و کوچک به بزرگ احترام بگذارد و به حق، متدین شوند و انصاف دهند و حکم کنند، آنها اولیای من هستند، برای آنها پیامبر و رسول را برگزیدم و برای او، اولیاء و یاورانی قرار دادم. اینها برترین امتی هستند که من برای نبی برگزیده خود و امین مرتضای خود، انتخاب کردم و این هنگامی است که آن را در علم غیب خود پوشاندم، و چاره ای نیست که آن واقع شود و تو را در آن روز با تمام سواران و پیاده گانت و تمام لشکریانت هلاک می کنم. برو! تو از مهلت داده شدگان هستی تا روز معلوم». بحار الأنوار؛ ج ۵۲؛ ص ۳۸۴، باب ۲۷، ح ۱۹۴.

امام حسن (ع) در حدیثی از امیرالمومنین (ع) نقل می کند که فرمودند: «... روزگار بدین منوال خواهد بود تا اینکه خداوند مردی را در آخرالزمان که روزگاری سخت است، مبعوث و او را به وسیله ملائکه خود تأیید می کند و انصار و یاران وی را نگاهداری می کند؛ **يُؤَيِّدُهُ اللَّهُ بِمَلَائِكَتِهِ وَيَعْصِمُ أَنْصَارُهُ**؛ او را به وسیله آیات و معجزات خود نصرت می دهد؛ وی را بر زمین غلبه و مسلط می کند تا اینکه مردم خواه ناخواه مطیع و منقاد او شوند؛ او زمین را بعد از آنکه پر از ظلم و ستم شده باشد، پر از عدل و داد و نور و برهان

سفر اشعیا : الأصحاح السادس والسِتون * ۱:۶۶-۲۴

۱ هَكَذَا قَالَ الرَّبُّ: «السَّمَاوَاتُ كُرْسِيُّي، وَالْأَرْضُ مَوْطِئُ قَدَمَيَّ. أَيْنَ الْبَيْتُ الَّذِي تَبْنُونَ لِي؟ وَأَيْنَ مَكَانُ رَاحَتِي؟ ۲ وَكُلُّ هَذِهِ صَنَعْتُهَا يَدَيَّ، فَكَانَتْ كُلُّ هَذِهِ. يَقُولُ الرَّبُّ. وَإِلَى هَذَا أَنْظَرُ: إِلَى الْمُسْكِينِ وَالْمُنْسَحِقِ الرُّوحِ وَالْمُرْتَعِدِ مِنْ كَلَامِي. ۳ مَنْ يَذْبَحُ ثَوْرًا فَهُوَ قَاتِلُ إِنْسَانٍ. مَنْ يَذْبَحُ شَاةً فَهُوَ نَاجِرُ كَلْبٍ. مَنْ يُصْعِدُ تَقْدِمَةً يُصْعِدُ دَمَ خِنْزِيرٍ. مَنْ أَحْرَقَ لُبَانًا فَهُوَ مُبَارِكٌ وَثَنًا. بَلْ هُمْ اخْتَارُوا طُرُقَهُمْ، وَبِمَكْرَهَاتِهِمْ سَرَّتْ أَنْفُسُهُمْ. ۴ فَأَنَا أَيْضًا اخْتَارَ مَصَائِبَهُمْ، وَمَخَاوِفَهُمْ أَجْلَبُهَا عَلَيْهِمْ. مِنْ أَجْلِ أَنِّي دَعَوْتُ فَلَمْ يَكُنْ مُجِيبٌ. تَكَلَّمْتُ فَلَمْ يَسْمَعُوا. بَلْ عَمِلُوا الْقَبِيحَ فِي عَيْنَيَّ، وَاخْتَارُوا مَا لَمْ أُسَرِّ بِهِ».

۱ خداوند چنین می فرماید: «آسمان تخت پادشاهی من است، و زمین کرسی زیر پایم! چه خانه ای برای من بنا می کنید، و مکان آرمیدنم کجاست؟ ۲ این همه را دست من ساخته است، و بدین گونه همه آنها به وجود آمده؛ خداوند این را می فرماید. «اما این است آن که بر وی نظر خواهم کرد: آن که مسکین است و دلی شکسته دارد، و از کلام من می لرزد. ۳ «آن که گاوی ذبح می کند، مانند کسی است که انسانی را می کشد؛ و آن که بره ای قربانی می کند، همچون کسی است که گردن سگی را می شکند؛ آن که هدیه آردی تقدیم می کند، مانند کسی است که خون خوک پیشکش می آورد؛ و آن که گُندَر به عنوان یادگاری می سوزاند، همچون کسی است که بتی را متبارک می گوید. اینان راههای خودشان را برگزیده اند، و جانشان از اعمال قبیحشان لذت می برد. ۴ پس من نیز برای ایشان مصیبتی سخت بر خواهم گزید و ترسهایشان را بر سرشان خواهم آورد، زیرا چون خواندم کسی پاسخ نداد، و چون سخن گفتم گوش نگرفتند؛ بلکه آنچه را در نظرم ناپسند بود به عمل آوردند، و آنچه را از آن خشنود نبودم برگزیدند.»

۵ اِسْمَعُوا كَلَامَ الرَّبِّ أَيُّهَا الْمُرْتَعِدُونَ مِنْ كَلَامِهِ: «قَالَ إِخْوَتُكُمْ الَّذِينَ أَبْغَضُوكُمْ وَطَرَدُوكُمْ مِنْ أَجْلِ اسْمِي: لِيَتَمَجَّدَ الرَّبُّ. فَيُظْهِرَ لِفِرْعِحْكُمُ، وَأَمَّا هُمْ فَيَخْزَوْنَ. ۶ صَوْتُ ضَجِيجٍ مِنَ الْمَدِينَةِ، صَوْتُ مِنَ الْهَيْكَلِ، صَوْتُ الرَّبِّ مُجَازِيًا أَعْدَاءَهُ. ۷ قَبْلَ أَنْ يَأْخُذَهَا الطَّلَقُ وَلَدَتْ. قَبْلَ أَنْ يَأْتِيَ عَلَيْهَا الْمَخَاضُ وَلَدَتْ ذَكَرًا. ۸ مَنْ سَمِعَ مِثْلَ هَذَا؟ مَنْ رَأَى مِثْلَ هَذِهِ؟ هَلْ تَمَخَضُ بِلَادٌ فِي يَوْمٍ وَاحِدٍ، أَوْ تُولَدُ أُمَّةٌ دَفْعَةً وَاحِدَةً؟ فَقَدْ مَخَضَتْ

خواهد کرد؛ بَنَصْرَهُ بِآبَاتِهِ وَيُظْهِرُهُ عَلَى أَهْلِ الْأَرْضِ حَتَّى يَدِينُوا طَوْعًا وَكَرْهًا يَمَلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا وَقِسْطًا. عرض و طول شهرها برایش مطیع می شوند؛ کافری نیست مگر اینکه ایمان می آورد و تبهکاری نیست مگر اینکه نیکوکار خواهد شد؛ درندگان در زمان سلطنت او صلح و سازش می کنند؛ زمین گیاهان خود را می رویاند و آسمان برکات خود را فرو می ریزد؛ گنجها برای او ظاهر خواهند شد و مدت چهل سال مالک شرق و غرب خواهد شد؛ خوشا به حال کسی که روزگار او را درک کند و سخن وی را بشنود؛ تنزل السماء برکتها و تُظْهِرَ لَهُ الْكُنُوزَ، يَمْلِكُ مَا بَيْنَ الْخَافِقِينَ أَرْبَعِينَ عَامًا فَطَوْبَى لِمَنْ أَدْرَكَ أَيَّامَهُ وَ سَمِعَ كَلَامَهُ.» إثبات الهداة : ج ۵ : ص ۱۴۵، ح ۴۱۳.

صِهْيُونُ، بَلْ وَلَدْتُ بَنِيهَا! ۹ هَلْ أَنَا أُمُخْضُ وَلَا أَوْلَدُ، يَقُولُ الرَّبُّ، أَوْ أَنَا الْمُؤَلَّدُ هَلْ أَغْلِقُ الرَّحِمَ، قَالَ إِلَهُك؟
 ۱۰ افْرَحُوا مَعَ أُورُشَلِيمَ وَابْتَهَجُوا مَعَهَا، يَا جَمِيعَ مُحِبِّيَّهَا. اِفْرَحُوا مَعَهَا فَرَحًا، يَا جَمِيعَ النَّاحِيينَ عَلَيْهَا، ۱۱ لِكَيِ
 تَرْضَعُوا وَتَشَبَعُوا مِنْ ثَدْيِي تَغْزِيَانَهَا، لِكَيِ تَعْصِرُوا وَتَتَلَذَّذُوا مِنْ دَرَّةٍ مَجْدِهَا». ۱۲ لَأَنَّهُ هَكَذَا قَالَ الرَّبُّ: «هَآنَذَا
 أُدِيرُ عَلَيْهَا سَلَامًا كَثِيرًا، وَمَجْدَ الْأُمَمِ كَسِيلِ جَارِفٍ، فَتَرْضَعُونَ، وَعَلَى الْأَيْدِي تَحْمَلُونَ وَعَلَى الرُّكْبَتَيْنِ تُدَلُّونَ.
 ۱۳ كَأَنسَانٍ تُعْزِيهِ أُمُّهُ هَكَذَا أُعْزِيكُمْ أَنَا، وَفِي أُورُشَلِيمَ تُعْزَوْنَ. ۱۴ فَتَرْوَنَ وَتَفْرَحَ قُلُوبُكُمْ، وَتَرْهُوَ عِظَامُكُمْ
 كَالْعُشْبِ، وَتَعْرِفُ يَدُ الرَّبِّ عِنْدَ عَبِيدِهِ، وَيَخْنُقُ عَلَى أَعْدَائِهِ. ۱۵ لَأَنَّهُ هُوَذَا الرَّبُّ بِالنَّارِ يَأْتِي، وَمَرْكَبَاتُهُ كَرْوَبَعَةٌ
 لِيَبْزِدَ بِخُمُومٍ غَضَبَهُ، وَزَجَرُهُ بِلَهِيْبٍ نَارٍ. ۱۶ لَأَنَّ الرَّبَّ بِالنَّارِ يُعَاقِبُ وَيَسْفِيهِ عَلَى كُلِّ بَشَرٍ، وَيَكْثُرُ قَتْلَى الرَّبِّ.

۵ ای شما که از کلام خداوند می لرزید، کلام او را بشنوید: «برادران شما که از شما نفرت دارند و به خاطر نام من شما را از خود می رانند، می گویند: "باشد که خداوند جلال یابد تا ما شادی شما را ببینیم؛" اما خود ایشان سرافکنده خواهند شد. ۶ «آواز غوغا از شهر! صدایی از معبد! این آواز خداوند است که دشمنان خود را سزا می دهد! ۷ «او پیش از دردِ زاء، زاییده است؛ پیش از آنکه درد او را فرو بگیرد، پسری به دنیا آورده. ۸ کیست که چنین چیزی شنیده باشد؟ و کیست که چنین چیزهایی دیده باشد؟ آیا سرزمینی در یک روز متولد می شود؟ و ملتی در یک لحظه به دنیا می آید؟ زیرا که صهیون به محض شروع درد زایمان، فرزندان خود را زاده است.» ۹ خداوند می گوید: «آیا من به مرحله تولد برسانم و به دنیا نیآورم؟» خدای شما می فرماید: «آیا من که می زایانم، رَحِم را ببندم؟» ۱۰ «ای همه کسانی که اورشلیم را دوست می دارید، با او شادی کنید و برایش شادمان باشید؛ ای همه آنان که برایش سوگوارید، با او شادی بسیار نمایید؛ ۱۱ تا از پستانِ تسلی بخشِ او مکیده، سیراب شوید؛ تا از وفور نعمت او به غایت نوشیده، خرم گردید.» ۱۲ زیرا خداوند چنین می گوید: «اینک من صلح و سلامت را چون رود در او جاری خواهم ساخت، و جلال قومها را چون نهري سرشار؛ شما خواهید مکید و در آغوش او حمل خواهید شد، و بر زانوانش نوازش خواهید یافت. ۱۳ همچون کسی که مادرش او را تسلی می دهد، من نیز شما را تسلی خواهم داد؛ آری، شما در اورشلیم تسلی خواهید یافت. ۱۴ خواهید دید و دلتان شادمان خواهد شد، و استخوانهایتان چون سبزه خرم خواهد گردید؛ دست خداوند بر بندگانش معروف خواهد گشت، و خشم او بر دشمنانش. ۱۵ «زیرا اکنون پروردگار با آتش خواهد آمد، و ارابه هایش همچون گردباد خواهد بود، تا خشم خود را به شدت جاری سازد، و عتاب خویش را با شعله های آتش. ۱۶ زیرا خداوند با آتش و شمشیر خود بر تمامی بشر داوری خواهد کرد، و کشتگان خداوند بسیار خواهند بود.»

۱۷ الَّذِينَ يُقَدِّسُونَ وَيَطَهِّرُونَ أَنْفُسَهُمْ فِي الْجَنَّاتِ وَرَاءَ وَاحِدٍ فِي الْوَسْطِ، أَكَلِينَ لَحْمَ الْخِنْزِيرِ وَالرَّجْسِ وَالْجُرْدَةِ، يَفْنَوْنَ مَعًا، يَقُولُ الرَّبُّ. ۱۸ وَأَنَا أَجَازِي أَعْمَالَهُمْ وَأَفْكَارَهُمْ. حَدَثَ لِيَجْمَعَ كُلُّ الْأُمَمِ وَالْأَلْسِنَةِ، فَيَأْتُونَ وَيَرْوَنَ مَجْدِي. ۱۹ وَأَجْعَلُ فِيهِمْ آيَةً، وَأُرْسِلُ مِنْهُمْ نَاجِينَ إِلَى الْأُمَمِ، إِلَى تَرْشِيشَ وَقُولَ وَلُودِ النَّازِعِينَ فِي الْقَوْسِ،

إِلَى تُوْبَالَ وَيَاوَانَ، إِلَى الْجَزَائِرِ الْبَعِيدَةِ الَّتِي لَمْ تَسْمَعْ خَبْرِي وَلَا رَأَتْ مَجْدِي، فَيُخْبِرُونَ بِمَجْدِي بَيْنَ الْأُمَمِ. ۲۰ وَيُخْضِرُونَ كُلَّ إِخْوَتِكُمْ مِنْ كُلِّ الْأُمَمِ، تَقْدِمَةً لِلرَّبِّ، عَلَى خَيْلٍ وَبِمَرْكَبَاتٍ وَبِهَوَاجٍ وَبِغَالٍ وَهَجْنٍ إِلَى جَبَلٍ قُدْسِي أُورُشَلِيمَ، قَالَ الرَّبُّ، كَمَا يُخْضِرُ بَنُو إِسْرَائِيلَ تَقْدِمَةً فِي إِنَاءٍ طَاهِرٍ إِلَى بَيْتِ الرَّبِّ. ۲۱ وَاتَّخِذْ أَيْضًا مِنْهُمْ كَهَنَةً وَلَاوِيِّينَ، قَالَ الرَّبُّ. ۲۲ لَأَنَّهُ كَمَا أَنَّ السَّمَاوَاتِ الْجَدِيدَةَ وَالْأَرْضَ الْجَدِيدَةَ الَّتِي أَنَا صَانِعٌ تَثْبُتُ أَمَامِي، يَقُولُ الرَّبُّ، هَكَذَا يَثْبُتُ نَسْلُكُمْ وَاسْمُكُمْ. ۲۳ وَيَكُونُ مِنْ هِلَالَ إِلَى هِلَالَ وَمِنْ سَبْتٍ إِلَى سَبْتٍ، أَنَّ كُلَّ ذِي جَسَدٍ يَأْتِي لِيَسْجُدَ أَمَامِي، قَالَ الرَّبُّ. ۲۴ وَيَخْرُجُونَ وَيَرْوُونَ جُثَثَ النَّاسِ الَّذِينَ عَصَوْا عَلَيَّ، لَأَنَّ دُودَهُمْ لَا يَمُوتُ وَنَارُهُمْ لَا تَطْفَأُ، وَيَكُونُونَ رَذَالَةً لِكُلِّ ذِي جَسَدٍ».

۱۷ خداوند می‌فرماید: «آنان که از پی یک تن که در وسط است، خود را برای رفتن به باغها تقدیس و تطهیر می‌کنند، و گوشت خوک و موش و مکروهات می‌خورند، با هم نابود خواهند شد. ۱۸ زیرا اعمال و افکارشان را می‌دانم، و زمان آن می‌رسد که تمامی قومها و زبانها را گرد آورم. آنان خواهند آمد و جلال مرا خواهند دید ۱۹ و من در میان آنها نشانه‌ای خواهم نهاد. و از ایشان نجات یافتگانی را نزد قومها خواهم فرستاد: به ترشیش و فول و لود، که تیراندازند، و به توبال و یاوان و سواحل دوردست، که آوازه‌ام را نشنیده و جلال مرا ندیده‌اند؛ و آنان جلال مرا در میان قومها اعلام خواهند کرد. ۲۰ و خداوند می‌گوید که ایشان تمامی برادرانتان را از جمیع امته‌ها سوار بر اسب و ارابه و تخت‌روان و قاطر و شتر، به عنوان هدیه‌ای برای خداوند به کوه مقدس من اورشلیم خواهند آورد، همان‌گونه که اسرائیلیان هدیه‌های آردی خود را در ظرفی طاهر به خانه خداوند می‌آوردند. ۲۱ و خداوند می‌گوید: از ایشان کاهنان و لاویان نیز خواهم گرفت. ۲۲ «زیرا خداوند می‌فرماید: آن‌چنانکه آسمان و زمین جدیدی که می‌سازم در حضورم پایدار خواهد ماند، نام و نسل شما نیز پایدار می‌ماند. ۲۳ و خداوند می‌فرماید: تمامی بشر، از ماه نو تا ماه نو و از شبّات تا شبّات خواهند آمد تا در حضور من پرستش کنند. ۲۴ و آنان بیرون رفته، اجساد کسانی را که بر من طغیان کرده‌اند نظاره خواهند کرد. «زیرا کرم ایشان نخواهد مرد، آتش ایشان خاموش نخواهد شد، و نزد تمامی بشر مکروه خواهند بود.»

پیوست کتاب: سؤال / ۴۳ متشابهاات : کلمه اسرائیل به چه معناست؟

سؤال / ۴۳ : کلمه اسرائیل به چه معناست؟ و آیا صهیونیست‌ها که امروزه در فلسطین وجود دارند خود بنی اسرائیل، یا بازماندگان آنها هستند؟ و آیا ستاره شش گوش صهیونیستی است؟ و ستاره شش گوش به چه چیزی دلالت دارد؟!
جواب :

اسرائیل به معنای عبد الله (بنده خدا) است. و در سرزمین مقدس بعضی یهودیان که از خاندان یعقوب نبی (ع) هستند، وجود دارند. و حضرت یعقوب نبی (ع) خود نیز نزد یهود اسرائیل و عبدالله است. و ستاره شش گوش نزد یهود همان ستاره حضرت داوود (ع) است. و به معنای منصور و پیروز شده می‌باشد و این علامت مصلح مورد انتظار آنهاست و او از نظر آنان حضرت ایلیاء (ع) است که به مدت بسیار طولانی قبل از بعثت حضرت عیسی (ع) از روی زمین به سوی خداوند خوانده شد و آنها منتظر بازگشتن او هستند و او امروز یکی از وزراء امام مهدی (ع) است.

آنچه تقدیم کردم مبتنی بر این است که اسرائیل یعنی: یعقوب (ع)، اما در واقع اسرائیل به معنای: عبدالله و حضرت محمد (ص) است و بنی اسرائیل: یعنی خاندان پیامبر اکرم و همچنین شیعیان آنها بلکه به طور عموم بر حسب ورود آن در قرآن شامل همه مسلمانان است.^{۲۵}

در تفسیر عیاشی و غیر آن آمده است: نقل از هارون ابن محمد گفته که از امام صادق (ع) سؤال نمودم در مورد فرموده خداوند ((یا بنی اسرائیل)) فرمود: **آنان ما هستیم به طور اخص.**^{۲۶}

نقل از محمد ابن علی که گفته: از امام صادق (ع) در مورد فرموده خداوند ((یابنی اسرائیل)) سؤال نمودم فرمود: **این به طور خاص مربوط به آل محمد (ع) است.**^{۲۷}

و در سنن ابی داوود: از پیامبر (ص) وارد شده که فرموده: **من عبدالله و نامم احمد است و من عبدالله و نامم اسرائیل است پس هر چه به او دستور داده شده به من دستور داده شده است و هر چه به او مربوط است به من مربوط می‌شود.**^{۲۸}

پس بعضی از آیات در ائمه علیهم سلام به طور خاص آمده است و آنها در آن آیات بنی اسرائیل هستند و لا غیر. خداوند فرموده: **«يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ اذْكُرُوا نِعْمَتِيَ الَّتِي أَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ وَأَنِّي فَضَّلْتُكُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ * وَاتَّقُوا**

^{۲۵} ما تقدم بناءً على أن إسرائيل تعني: يعقوب، ولكن الحقيقة إن إسرائيل تعني: عبد الله، وتعني: محمداً (ص). وبنو إسرائيل هم: آل محمد (ع)، وأيضاً شيعتهم، بل والمسلمون عموماً بحسب ورودها في القرآن.

^{۲۶} تفسیر عیاشی ج ۱ ص ۴۴: هم نحن خاصة

^{۲۷} تفسیر عیاشی ج ۱ ص ۴۴: هي خاصة بآل محمد (ع).

^{۲۸} تفسیر عیاشی ج ۱ ص ۴۴: أنا عبد الله اسمي أحمد، وأنا عبد الله اسمي إسرائيل، فما أمره فقد أمرني، وما عناه فقد عناني.

يَوْمًا لَا تَجْزِي نَفْسٌ عَنْ نَفْسٍ شَيْئًا وَلَا يُقْبَلُ مِنْهَا عَدْلٌ وَلَا تَنْفَعُهَا شَفَاعَةٌ وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ؛ (ای فرزندان اسرائیل نعمتم را که بر شما ارزانی داشتم و این که شما را بر جهانیان برتری دادم یاد کنید * و برسید از روزی که هیچ کس چیزی را از کسی دفع نتواند کرد و نه بدل و بلاگردانی از وی پذیرفته شود و نه او را میانجیگری سودمند افتد و نه یاری شوند).^{۲۹}

«يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ»: یعنی ای آل محمد (ص) «ادْكُرُوا نِعْمَتِي»: یعنی یاد کنید نعمت ولایت و امامت و حکومت بر همه عوالم «وَأَنِّي فَضَّلْتُكُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ»: یعنی با معرفت خود (معرفت خداوند سبحانه و تعالی) و علم به نامهای او. و از معلوم حضرت محمد و آل محمد (ص) خود برترین جهانیان هستند و نه بنی یعقوب (ع) و نه غیر آنها بر محمد و آل محمد (ص) برتر نیستند.

«وَاتَّقُوا يَوْمًا»: و آن روز مرگ است، و تنها روزی که در آن شفاعتی در کار نیست، و کسی از آن نجات پیدا نمی کند مگر آن که فقط با بدن خود دوستی با دنیا برقرار کرده و قلبش متعلق به ملاء اعلی باشد و او به دنیا با ریسمانها و علائقی که نیاز به بریدن و قلع شدن دارند و آنچه باعث عذاب است مرتبط نیست. و نجات یافتگان از عذاب مرگ: مقربین هستند. خداوند فرموده: «فَأَمَّا إِنْ كَانَ مِنَ الْمُقَرَّبِينَ * فَرَوْحٌ وَرَيْحَانٌ وَجَنَّتُ نَعِيمٍ»؛ (و اما اگر [او] از مقربان باشد * [در] آسایش و راحت و بهشت پر نعمت [خواهد بود]).^{۳۰} یعنی حالت مرگ او این چنین است. و سروران مقربین محمد و آل محمد (ص) هستند.

و بعضی از آیات در مورد بنی اسرائیل مخصوص شیعیان و علماء شیعه است. خداوند فرموده: «وَلَمَّا جَاءَهُمْ رَسُولٌ مِّنْ عِنْدِ اللَّهِ مُصَدِّقٌ لِّمَا مَعَهُمْ نَبَذَ فَرِيقٌ مِّنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ كِتَابَ اللَّهِ وَرَاءَ ظُهُورِهِمْ كَأَنَّهُمْ لَا يَعْلَمُونَ * وَاتَّبَعُوا مَا تَتْلُوا الشَّيَاطِينُ عَلَىٰ مُلْكٍ سُلَيْمَانَ وَمَا كَفَرَ سُلَيْمَانُ وَلَكِنَّ الشَّيَاطِينَ كَفَرُوا»؛ (و آنگاه که فرستاده‌ای از جانب خداوند برایشان آمد که آنچه را با آنان بود تصدیق می داشت گروهی از اهل کتاب، کتاب خدا را پشت سر افکندند چنان که گویی [از آن هیچ] نمی دانند * و آنچه را که شیطان [صفت]ها در سلطنت سلیمان خوانده [و درس گرفته] بودند پیروی کردند و سلیمان کفر نورزید لکن آن شیطان [صفت]ها به کفر گراییدند).^{۳۱}

«وَلَمَّا جَاءَهُمْ رَسُولٌ مِّنْ عِنْدِ اللَّهِ»: یعنی فرستاده‌ای از جانب امام مهدی (ع) برایشان آمد. چرا که بعد از بعثت انسان کامل «كَلِمَتِكَ التَّامَّةُ وَكَلِمَاتِكَ الَّتِي تَفَضَّلْتَ بِهَا عَلَى الْعَالَمِينَ»؛ (کلمه کامل و کلماتی که بر جهانیان برتری یافت)، و آنها محمد و آل محمد (ص) هستند. رسالت از جانب خداوند منزّه و متعال به پایان

^{۲۹} البقرة: ۱۲۳-۱۲۲

^{۳۰} الواقعة: ۸۹-۸۸

^{۳۱} البقرة: ۱۰۲-۱۰۱

رسید و عهد جدیدی آغاز شد و آن رسالت از جانب محمد رسول و آل محمد (ع) است. پس آل محمد رسولانی از جانب حضرت محمد (ص) می‌باشند که علم خود را از او با وحی یا بواسطه فرشتگان یا از او (ص) به طور مستقیم می‌گیرند. پس حضرت محمد (ص): «الخاتم لما سبق والفتاح لما استقبل»؛ **(خاتم آنچه ماقبل اوست و فاتح بعد از خود)** می‌باشد. یعنی خاتم رسالت از جانب خداوند و آغاز کننده رسالت از خود (ص) و اهل بیت خود (ع) است. همچنین در نزد شیعه ثابت است که امام مهدی (ع) محمد بن الحسن صاحب نفس زکیه را پانزده روز روز قبل از قیام خود برای اهل مکه می‌فرستد و او را می‌کشند. پس اگر این ارسال درست باشد غیر آن هم درست است.

«مُصَدِّقُ لِمَا مَعَهُمْ»: یعنی از علمی که شیعه آن را از اهل بیت (ع) به ارث برده‌اند؛ به اینکه مهدی (ع) حق است و با شمشیر قیام می‌کند و اینکه قبل از او کسانی هستند که می‌آیند و برای او زمینه حکومتش را فراهم می‌سازند و فرزندانی دارد و بعد از او دوازده مهدی از فرزندان او هستند. و اینکه شیعیان بر اساس روایات اهل بیت (ع) بطور قطع یقین دارند که اگر زمین بدون امام معصوم بماند متلاشی خواهد شد. پس بعد از به شهادت رسیدن یا طبق اعتقاد بعضی از آنها بعد از مرگ امام مهدی (ع) اگر زمین بوسیله یکی از فرزندان از اوصیائش و ائمه مه‌دیین همان طور که در روایات آمده استقرار پیدا نکند، پس بوسیله چه کسی مستقر می‌ماند؟

در نماز روز جمعه که ابن طاووس (رحمه الله) درباره آن - و او از کسانی است که با امام مهدی (ع) ملاقات داشته بلکه از او (ع) در زمان غیبت کبری نقل می‌نمود - گفته: **(اگر تعقیب نماز عصر روز جمعه را به هر علت ترک کردی این نماز را هرگز ترک نکن به خاطر امری که خداوند ما را بر آن مطلع ساخته است)**. سپس نماز را یاد کرد که در آخر آن امام مهدی (ع) می‌فرماید: «وصل علی ولیک - آی الإمام المهدي (ع) - وولاة عهدک والأئمة من ولده، ومد فی أعمارهم، وزد فی آجالهم، وبلغهم أقصى آمالهم دینا ودنیا وآخرة انک علی کل شیء قدیر»؛ **(و درود فرست بر ولی خود - یعنی امام مهدی (ع) - و والیان عهدت و امامان از فرزندان او و عمر آنها را زیاد کن و بر مدت آنها را بیفزای و به نهایت آرزوهایشان در دین و دنیا و آخرت، برسان زیرا که تو بر همه چیز توانایی)**.^{۳۲}

در روایت آمده مهدی به همراه خانواده‌اش به مسجد سهله می‌آید. و آمده که یازده مهدی از فرزندان او بعد از او می‌آیند. روایات بسیارند و درصدد نقل آنها نیستم. ولیکن بعضی از آنها را برای اتمام حجت بر معاندین متکبر بر خداوند و اولیائش بیان کرده‌ام. پس هر که خواهان حق است برود و کتب حدیث را خود مطالعه نماید.

«نَبَذَ فَرِيقٌ مِّنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ كِتَابَ اللَّهِ وَرَاءَ ظُهُورِهِمْ كَأَنَّهُمْ لَا يَعْلَمُونَ»؛ (گروهی از اهل کتاب، کتاب خدا را پشت سر افکندند چنان که گویی [از آن هیچ] نمی دانند). و آنها بعضی از علماء شیعه و اتباع آنها به طور خاص هستند، و کتابی که پشت سرافکندند: قرآن کریم و امام مهدی (ع) و روایات نقل شده از اهل بیت عصمت و طهارت و زمینه سازان امام مهدی (ع) و ارسال او از جانب آنها و تکذیب حق آن زمان که به سوی شان آمد، است. و گفتند که او ساحر یا دیوانه است یا جنون دارد گویی نمی دانند که همانا او حق است از جانب امام مهدی (ع).

«وَاتَّبِعُوا مَا تَتْلُوا الشَّيَاطِينُ عَلَىٰ مُلْكٍ سَلِيمٍ»؛ یعنی بعضی از علماء شیعه از سنت های پیشینیان و اتهاماتی که به پیامبران و فرستادگان می زدند پیروی نمودند و خواهند گفت که این از جانب جن (شیاطین) است، و ملک سلیمان یعنی حکومت امام مهدی (ع).

«وَمَا كَفَرَ سُلَيْمَانُ وَلَكِنَّ الشَّيَاطِينَ كَفَرُوا»؛ و چون امام مهدی (ع) امام جنّ و انس است پس او رسولش را برای جنّ و انس می فرستد و همان طور که از انسان ها کسانی هستند که ایمان می آورند و بعضی دیگر کفر می ورزند و عده ای منافق می شوند، کسانی نیز هستند که ایمان می آورند سپس مرتد می شوند و... برای جنیان نیز چنین است و هر چه بر انس جاری می شود بر جنّ نیز جاری می گردد. همچنین امر امام مهدی (ع) بسیار بزرگ است، بگونه ای که نهایت ابلیس ملعون و شیاطین انس و جنّ را تمثیل می کند، پس چگونه ممکن است که مورد تعرض شیاطین جنّ و خدعه ها و حيله ها و القاءات آنها در قضیه امام مهدی (ع) که حاکی از نهایت باطل آنها خواهد بود قرار نگیرد؟!

و بعضی از آیات در مورد بنی اسرائیل مخصوص مسلمانانی است که به محمد و آل محمد (ع) ظلم کردند. خداوند متعال می فرماید: «وَقَضَيْنَا إِلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ فِي الْكِتَابِ لَتُفْسِدُنَّ فِي الْأَرْضِ مَرَّتَيْنِ وَلَتَعْلُنَّ عُلُوهًا كَبِيرًا * فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ أُولَاهُمَا بَعَثْنَا عَلَيْكُمْ عِبَادًا لَّنَا أُولِي بَأْسٍ شَدِيدٍ فَجَاسُوا خِلَالَ الدِّيَارِ وَكَانَ وَعْدًا مَّفْعُولًا»؛ (ما به بنی اسرائیل (در کُتب) اعلام کردیم که دوبار در زمین فساد خواهید کرد، و برتری جویی بزرگی خواهید نمود. * پس آنگاه که نخستین وعده فرا رسد، گروهی از بندگان پیکارجوی خود را بر ضد شما برانگیزیم تا میان خانه هایتان (برای قتل و غارت شما) به جستجو در آیند و این وعده ای است قطعی!).^{۳۳}

«وَقَضَيْنَا إِلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ ... وَلَتَعْلُنَّ عُلُوهًا كَبِيرًا»؛ فساد اول: به قتل رساندن فاطمه و امام علی (ع) است. و فساد دوم: به قتل رساندن حسن و حسین (ع) است. و سرکشی بسیار بزرگ: آن است که حرمت حسین (ع) را، هتک نمودند و به جسم پاک او بی احترامی کردند و سرش را بر نیزه برافراشتند و او نفر پنجم از

آل کسا (ع) و برترین خلق خداوند بعد از محمد و علی و فاطمه و حسن (ع) است. و بندگان فرستاده شده در وعده نخستین، مختار و سربازان او هستند که خداوند آنها را بر قاتلان حسین (ع) مسلط کرد پس آنها را کشتند. «فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ الْآخِرَةِ لِيَسُوءُوا وُجُوهَكُمْ وَلِيَدْخُلُوا الْمَسْجِدَ كَمَا دَخَلُوهُ أَوَّلَ مَرَّةٍ وَلِيُتَبِّرُوا مَا عَلَوْا تَتْبِيرًا»؛ (و چون وعده دوم فرا رسید، کسانی بر سرتان فرستادیم تا شما را غمگین سازند و چون بار اول که به مسجد درآمده بودند به مسجد درآیند و به هر چه دست یابند نابود سازند).^{۳۴} اینان اصحاب قائم (ع) و انصارش هستند که خداوند به آنها تمکین خواهد داد تا این که شرق و غرب زمین را با آقایشان محمد بن الحسن المهدی (ع) تصرف کنند، و خداوند با آنها هر کافر و منافق و مرتدی را ذلیل خواهد نمود.

«عَسَىٰ رَبُّكُمْ أَنْ يَرْحَمَكُم»؛ (امید است که پروردگارتان شما را رحمت کند).^{۳۵} یعنی: ای مسلمانان امید است که پروردگارتان شما را با پیروی از قائم (ع) و یاری دادن او و اعتراف به اینکه او امام و اطاعتش واجب است و مشایعت او و اولیانش و دشمنی با دشمنانش لازم است، رحمت کند.

«إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ»؛ (قطعاً این قرآن به [آیینی] که پایدارتر است راه می‌نماید).^{۳۶} یعنی: این آیه‌هایی که ذکر آنها گذشت (از سوره اسراء) شما را به آنچه پایدار است راه می‌نماید یعنی به راه مستقیم امام مهدی (ع) راهنمایی میکند.

«وَيُبَشِّرُ الْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ أَجْرًا كَبِيرًا»؛ (و به آن مؤمنانی که کارهای شایسته می‌کنند بشارت می‌دهد که پاداشی بزرگ برایشان خواهد بود).^{۳۷} یعنی بشارت به ایمان آورندگان به قائم (ع) آنان که برای قیام او اعمالی را انجام می‌دهند. پس تمهید (زمینه‌سازی) برای قیام قائم (ع) خود از اعمال صالح و نماز و از برترین اعمال است.

«وَأَنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ أَعْتَدْنَا لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا»؛ (و برای کسانی که به آخرت ایمان نمی‌آورند عذابی دردناک آماده کرده‌ایم).^{۳۸} آخرت: امام مهدی (ع)، و زمینه‌سازان ظهور ایشان (ع)، و ملکوت آسمانها و زمین، و رؤیای صالحه مؤمن، و فطرتی که خداوند مردم را بر اساس آن آفریده است، می‌باشد. و کسانی که به آخرت ایمان نمی‌آورند، کافرن هستند حتی اگر ادعای مسلمانی کنند.

^{۳۴} اسراء: ۷.

^{۳۵} اسراء: ۸.

^{۳۶} اسراء: ۹.

^{۳۷} اسراء: ۹.

^{۳۸} اسراء: ۱۰.

اما ستاره شش گوش (النجمۃ السداسیة): از جمله میراث پیامبران است، که حضرت قائم محمد بن الحسن المهدی (ع) آن را به ارث برده است. و این ستاره نمادی برای او (علیه صلوات ربی) است، و معنی آن: پیروز شده یا منصور می‌باشد. یهود صهیونیست این ستاره را سرقت نموده و آن را نمادی برای انتظار مصلح جهانی موعود خود قرار دادند، و آن مصلح در نزد آنان همان طور که قبلاً تقدیم کردم ایلیای نبی (ع) است. و کسی که به این ستاره توهین کند و آن را لعنت نماید؛ مانند کسی است که کلمه (الله اکبر) را که صدام ملعون آن را بر پرچم عراق قرار داد، توهین و لعنت می‌کند. و از کسانی خواهد بود که میراث انبیاء (ع) را لعنت می‌کند. پس این ستاره، ستاره مهدی (ع) است. و از اهل بیت (ع) روایت شده: «إِنَّ رَايَةَ الْحَقِّ إِذَا ظَهَرَتْ لَعْنَهَا أَهْلُ الْمَشْرِقِ وَأَهْلُ الْمَغْرِبِ»؛ (آنگاه که پرچم حق ظاهر شود اهل مشرق و مغرب آن را لعنت می‌کنند).^{۳۹} پس از آن پرهیزید ای مومنان چرا که لعنت اگر جایگاهی برای خود نیابد همان طور که از رسول خدا (ص) روایت شده به سوی صاحب آن برمی‌گردد. و داوود (ع) داوود ما، و سلیمان (ع) سلیمان ماست. و هیکل، هیکل ما مسلمانان است نه هیکل یهود صهیونیست قاتلان پیامبران، سرزمین مقدس، سرزمین ماست و حتماً باید آن را آزاد کرده و فتح نماییم و پرچم (لا إله إلا الله، محمد رسول الله، علی ولی الله) را بر آن برافراشته کنیم. «إِنَّ أَوْلَى النَّاسِ بِإِبْرَاهِيمَ لَلَّذِينَ اتَّبَعُوهُ وَهَذَا النَّبِيُّ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَاللَّهُ وَلِيُّ الْمُؤْمِنِينَ»؛ (در حقیقت نزدیکترین مردم به ابراهیم همان کسانی هستند که از او پیروی کرده‌اند و [نیز] این پیامبر و کسانی که [به آیین او] ایمان آورده‌اند و خداوند سرور مؤمنان است).^{۴۰}

و آخر دعوانا أن الحمد لله رب العالمین.

^{۳۹} بحار الانوار: ج ۵۲ ص ۳۶۳.

^{۴۰} آل عمران: ۶۸.



گردآوری و تنظیم:

صادق شکاری

رجب ۱۴۴۱ ه.ق

<http://sadeghshekari.com>

جهت آشنایی با دعوت سید احمد الحسن عليه السلام به تارنمای زیر مراجعه نمایید:

<https://www.almahdyoon.co>

مطالب مرتبط :

[دانلود کتاب دانیال نبی \(ع\)](#)

[دانلود کتاب ارمیاء نبی \(ع\)](#)

[دانلود کتاب مقدس: تورات و انجیل \(عهد قدیم و جدید\)](#)

[دانلود کتاب رویا یوحنا اللاهوتی \(علائم آخر الزمان در مکاشفات یوحنا\)](#)

[ادله دعوت امام احمد الحسن برای مسیحیان](#)

[کتاب سیزدهمین حواری](#)

[کتاب وصی در تورات، انجیل و قرآن](#)

[کتاب نامه هدایت](#)